



تصویر این صفحه سنگ‌نوشته‌ای است از ره‌آوردهای دوران اسارت که آزادگان آن را در اردوگاه طراحی کرده‌اند.

کتابنامه آزادگان

کیف، یکی از دست‌ساخت‌های دوران اسارت است که آزادگان در اردوگاه با استفاده از تکه لباس‌های مستعمل آن را درست می‌کردند.

کتابنامه آزادگان

لیونگرافی، چاپ و صحافی: کاکي

توبت چاپ: سوم / ۱۴۰۴

سرشناسه: انتشارات پیام آزادگان
عنوان و نام پدیدآور: کتابنامه آزادگان/فرزانه قلم‌قوند؛ همکاران پژوهشی فهیمه شاهرخ‌آبادی، طاهره کیانی، افسانه گودرزی؛ [تهیه‌کننده] معاونت پژوهش و نشر موسسه پیام آزادگان
مشخصات نشر: تهران: پیام آزادگان، ۱۳۹۹.
شابک: 978-600-8220-41-1
موضوع: انتشارات پیام آزادگان -- فهرست‌ها
موضوع: فهرست‌های ناشران -- ایران
Publishers catalogs -- Iran -- Catalogs
موضوع: نشر و ناشران -- ایران -- فهرست‌ها
Publishers and publishing -- Iran -- Catalogs
موضوع: کتاب‌های چاپی فارسی -- ایران -- فهرست‌ها
Persian imprints -- Iran -- Catalogs
موضوع: کتاب‌های چاپی فارسی -- کتابشناسی
Persian imprints -- Bibliography
موضوع: شناسه افزوده: قلم‌قوند، فرزانه، ۱۳۴۰ -
شناسه افزوده: شاهرخ‌آبادی، فهیمه، ۱۳۶۱ -
رده‌بندی کنگره: Z ۳۳۷۰
شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۷۹۷۳۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸۶۰۰۸۲۲۰۴۱۱

طراح جلد:
سیدایمان نوری‌نجفی



ناظر چاپ:
فاطمه رنجبران



پدیدآور: فرزانه قلم‌قوند
معاونت پژوهش و نشر
مؤسسه پیام آزادگان
صفحه‌آرا و صفحه‌بند:
مریم مردانی
افسانه گودرزی

همکاران پژوهشی:
فهیمه شاهرخ‌آبادی، طاهره کیانی و افسانه گودرزی

نشانی: تهران بین میدان فردوسی و استاد نجات‌اللهی کوچه نیایی
پلاک ۸ تلفن: ۱۷ و ۸۸۰۷۰۱۵ شماره: ۸۸۰۰۰۱۶
قلم: ۰۲۵ ۳۷۸۳۸۶۰۷

حق چاپ و نشر محفوظ است

با شما می‌گوییم

کتابنامه آزادگان به معرفی کتاب‌هایی می‌پردازد که انتشارات پیام آزادگان تاکنون مبادرت به چاپ آن نموده است. این انتشارات از سال ۱۳۸۴ فعالیت خود را آغاز کرده است. لازم به ذکر است از سال ۱۳۷۶ با عنوان انتشارات امید آزادگان چاپ و نشر خاطرات مربوط به آزادگان را برعهده داشته است، اما بعد از تأسیس مؤسسه پیام آزادگان، در سال ۱۳۸۴ انتشارات جدیدی به نام پیام آزادگان شکل گرفت و کلیه آثار انتشارات قبلی، که دیگر فعالیتی نداشت، در اختیار انتشارات پیام آزادگان قرار گرفت.

ترتیب چیدمان کتاب‌ها براساس سال نشر از جدید به قدیم و قیمت کتاب‌ها براساس چاپ اول آن تعیین شده است. معرفی کتاب در کتابنامه آزادگان شامل: جلد کتاب، شناسنامه کتاب، معرفی راوی، نویسنده و خلاصه‌ای از گزیده کتاب است. از آنجایی که معرفی راوی و یا نویسنده آزاده با عملیات و اردوگاه دوران اسارت او همراه است، مراجعه‌کننده به سهولت می‌تواند به کتاب موردنظر دست پیدا کند. با تشکروقدردانی از همکارانی که در تهیه این کتاب همکاری داشتند؛ به‌ویژه: فهیمه شاهرخ‌آبادی، طاهره کیانی، افسانه گودرزی و مریم مردانی.

۱۵	 من و مجنون
۱۷	 برجک
۱۹	 فرزند مُنگشت
۲۱	 روزگاری اردوگاه (رمادی ۱۳)
۲۳	 اطلاعات سری اُسرا
۲۵	 آفتاب در سلول
۲۷	 سایه هلال
۲۹	 این دیوار چه رنگیه
۳۱	 به آسمان نگاه کن
۳۳	 این فصل را با من بخوان
۳۵	 آمده‌ام اما تو نیستی
۳۷	 خاطرات ترک‌خورده
۳۸	 حمله گرگ‌ها
۴۰	 کهکشان بی‌نشان
۴۲	 سبک عملی زندگی آزادگان در جامعه معاصر
۴۴	 منظومه قافله زیبایی
۴۵	 کتابشناسی سید آزادگان حجت‌الاسلام حاج سید علی اکبر ابوترابی
۴۷	 خاکی آسمانی
۴۹	 آهوی گمشده
۵۱	 ترکش‌های زردآلو
۵۳	 تنهایی زیبا
۵۵	 خبرگزاری دیگ‌پرس
۵۷	 دخترکی لبه پنجره

۵۹	زمستان می گذرد.....
۶۱	عبور از شیشه های شکسته.....
۶۳	عمو علاءالدین.....
۶۵	کنارهای جنوب.....
۶۷	جواهری در گونی.....
۶۹	آزاده نوجوان.....
۷۱	غروب هشتم اسفند.....
۷۳	تکه های کوچک سیب.....
۷۵	مثل صفحه شطرنج.....
	مجموعه ۳ جلدی سفری کوتاه به اردوگاه های موصل، رمادی،
۷۷	تکریت.....
۷۹	مثل عیددیدنی.....
۸۱	پنج خطی.....
۸۳	ارشد سلطنتی.....
۸۵	گل کاشتی عباس.....
۸۷	عکس دسته جمعی.....
۸۹	چند وجب جای خالی.....
۹۱	نغمه های کبود.....
۹۲	بوسه بر دست استاد.....
۹۴	آزادی بیان.....
۹۶	یک سه هزارم.....
۹۸	جنگ، اسارت، مذاکره.....
۱۰۰	نگاره نگاشت؛ جلد ۱.....
۱۰۲	نگاره نگاشت؛ جلد ۲.....
۱۰۳	نگاره نگاشت؛ جلد ۳.....
۱۰۴	نگاره نگاشت؛ جلد ۴.....
۱۰۵	الفبای اسارت.....
۱۰۷	دانشنامه آزادگان.....
۱۰۹	صدای شکستن استخوان.....
۱۱۱	مگه کربلا رفتن زوریه؟.....
۱۱۳	آموزش عربی در اسارت؛ جلد اول: صرف افعال ۱.....

۱۱۵	آموزش عربی در اسارت؛ جلد دوم: صرف افعال ۲.....
۱۱۶	آموزش عربی در اسارت؛ جلد سوم: صرف اسماء و نحو.....
۱۱۷	آموزش عربی در اسارت؛ جلد چهارم: مکالمه محلی.....
۱۱۸	تنفس ممنوع.....
۱۱۹	از فیضیه تا الرشید.....
۱۲۱	هفت خوان.....
۱۲۳	ممد یزدی.....
۱۲۴	دور از چشم صلیب.....
۱۲۶	امتحان سخت.....
۱۲۷	زمان ایستاده بود.....
۱۲۹	اینجا پرواز؛ آنجا دیوار ...
۱۳۰	یک سینه سخن.....
۱۳۱	سرباز کوچک امام ^(ره) (تلخیص).....
۱۳۳	اگر می شد به بادبادک ها طناب بست.....
۱۳۵	... و دوباره خورشید.....
۱۳۷	من، داود، علی.....
۱۳۹	لبخند گمشده.....
۱۴۱	کلاه قرمزی ها.....
۱۴۳	مقوله های پژوهشی.....
۱۴۵	علمدار.....
۱۴۷	سرباز کوچک امام ^(ره)
۱۴۹	یک بعلاوه پنج.....
۱۵۱	ستارگان بهبهو.....
۱۵۳	مادر.....
۱۵۵	خاکریز دوازدهم.....
۱۵۷	خداحافظ آقای رئیس.....
۱۵۹	جنگ، اسارت، خانواده.....
۱۶۱	واگوه های سید.....
۱۶۳	صارم.....
۱۶۵	علی فرعون، تکاور کُرد.....
۱۶۷	آبی تر از آسمان.....

آخرین تیر.....	۱۶۹
من علیرضا متولد آپاتان.....	۱۷۰
به سمت پرواز.....	۱۷۲
آثار برتر جشنواره آزاده مثل آزاده.....	۱۷۴
.....	۱۷۵
.....	۶۱
راه خدمت.....	۱۷۷
او سلیمان بود.....	۱۷۹
مجموعه بانوی انتظار.....	۱۸۱
غربت باران.....	۱۸۳
مردی که پروانه شد.....	۱۸۵
اسیر شماره ۷۸۷۷.....	۱۸۷
بچه‌های مرد.....	۱۸۸
روزهای پاییزی.....	۱۹۰
کشکول در بند.....	۱۹۱
آوازهای ناتمام.....	۱۹۳
برای عاطفه.....	۱۹۵
خرداد که می‌شود.....	۱۹۷
روزگار آشنا.....	۱۹۹
هفته‌سالگی‌ام.....	۲۰۱
زخم عشق.....	۲۰۳
من همان عبدالله هستم.....	۲۰۵
مجموعه چهارجلدی ستاره‌های دنباله‌دار: لک‌های مهاجر؛	
جلد ۱.....	۲۰۷
مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: دوست جیبی؛ جلد ۲.....	۲۰۹
مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: سنگریزه آبی؛ جلد ۳.....	۲۱۰
مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: خانه‌ای برای همیشه؛ جلد ۴.....	۲۱۱
شرح قفص.....	۲۱۲
رنج و گنج.....	۲۱۴
سرباز کوچک امام (ره).....	۲۱۶
سیره ابوترابی ۱.....	۲۱۸
سیره ابوترابی ۲.....	۲۱۹

۲۲۰		خستگی ناپذیر
۳۳		اردوگاه رمادی؛ جلد ۱
۳۳		اردوگاه تکریت؛ جلد ۲
۳۴		اردوگاه موصل؛ جلد ۳
۳۵		بوسه بر میله‌های قفس
۳۶		جنگ را ما شروع کردیم
۳۸		نسیمی از بهشت
۲۳۰		منشور پاک‌ی و خدمتگزاری
۳۶		هزار شب و یک شب
۳۳		چشم تر؛ خاطرات بهجت‌افراز
۳۵		راز ماندن
۳۷		نماز غریبانه
۳۸		دوازدهمین اردوگاه
۲۴۰		حدیث غربت
۲۴۲		به لطافت باران
۲۴۳		ابر فیاض
۲۴۴		اردوگاه سوم
۲۴۶		برای گل نرگس
۲۴۸		بشنو از نی
۲۵۰		تبسم اشک‌ها
۲۵۲		تنفس ممنوع
۲۵۴		خنده بر زنجیر
۲۵۶		ما هشت نفر
۲۵۸		پاداش و کیفر
۲۶۰		حجت اسلام
۳۱		دیار غربت
۳۳		بازمانده
۳۵		لیخند در غربت
		نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی و مسئولیت بین‌المللی دولت
۳۷		عراق
۳۹		سید کمال

۲۱	برای پرستوها.....
۲۳	حقوق اسیران جنگی در حقوق بین‌المللی بشردوستان.....
۲۵	فرشته‌های زمینی.....
۲۶	شبی با صدای زنجره.....
۲۷	دانستنی‌های آزادگان.....
۲۸	شکوفه‌های صبر.....
۲۹	شکوه مقاومت.....
۲۸۰	شهردار اردوگاه.....
۲۸۲	در زندان دژخیم.....
۲۸۴	آزادگی در اسارت.....
۲۸۶	آن یار آسمانی.....
۲۸۸	پیک رهایی.....
۲۹۰	سه مزار برای یک شهید.....
۲۹۲	سه هزار روز در اسارت.....
۲۹۴	رمز مقاومت؛ جلد ۱.....
۲۹۶	رمز مقاومت؛ جلد ۲.....
۲۹۸	رمز مقاومت؛ جلد ۳.....
۳۰۰	رمز مقاومت؛ جلد ۴.....
۳۰۲	رنج و تبسم.....
۳۰۴	رؤیای صادقانه.....
۳۰۶	ستاره سپهر شیدایی.....
۳۰۸	مهاجران ملکوت.....
۳۱۰	رنج غربت داغ حسرت؛ خاطرات آزادگان از دوران اسارت.....
۳۱۱	قصه نماز آزادگان.....
۳۱۳	آزاده قهرمان.....
۳۱۴	مهمانی از آسمان.....
315	اسارت و آزادگان به روایت تصویر I.....
316	اسارت و آزادگان به روایت تصویر II.....
۳۱۷	اشک پروانه‌ها.....
۳۱۸	داستان ناتمام.....
۳۲۰	وصف خورشید.....

۳۳۲	عنبر
۳۳۴	از جماران تا تکریت
۳۳۶	سفر به شهر آزادی
۳۳۸	منشور پاکی و خدمتگزاری؛ جلد ۱
۳۳۰	منشور پاکی و خدمتگزاری؛ جلد ۲
۳۳۱	شهدای غریب
۳۳۳	کمپ ۹
۳۳۴	یوسف تباران
۳۳۶	سری امشب به خوابم می‌زنی؟!
۳۳۷	درهای همیشه باز
۳۳۸	رهاورد غربت
۳۴۰	حماسه‌های ناگفته
۳۴۱	نسیمی از بهشت
۳۴۲	تئاتر در اسارت (خاکریز پنهان ۱۴)
۳۴۴	مادر با سرفه‌هایش
۳۴۵	عارف شیدا
۳۴۶	مردان قبیله غیرت
۳۴۸	مهر نگاه اولیاء
۳۵۰	پاک باش و خدمتگزار
۳۵۲	سفیران در بند
۳۵۴	علمدار
۳۵۵	چهارده یاد؛ از ۲۷۵۵ روز انتظار
۳۵۷	قصه یوسف تباران
۳۵۸	بانوی فریادرس
۳۵۹	نامه‌ای به عروسکم
۳۶۰	عابران مسیر عشق
۳۶۱	قصه شعله‌نوشان
۳۶۳	غبار عطش
۳۶۴	فریاد از بیداد
۳۶۶	بررسی هنرهای نمایشی در اسارت
۳۶۸	کتاب‌های غیرموضوع اسارت

۳۷۰	رد پای خلیل
۳۷۲	سردار پابره‌نه جنگ
۳۷۳	ساکنان بهشت
۳۷۴	خروشان مثل اروند
۳۷۵	الدر النضید فی زیاره الامام الحسین الشہید (علیه السلام)
۳۷۶	انصار الحسین (ع)
۳۷۷	ابراہیم یک ایل بود
۳۷۸	دعای عرفه سیدالشہداء
۳۷۹	النهضة الحسينية و مأساة العطش
۳۸۰	زبدۃ المقال فی خمس الرسول و آلال (صلوات الله علیہم جمیعاً)
۳۸۱	المحادثۃ و القراءۃ لطالب اللغۃ العربیۃ
۳۸۲	نکته‌های بیوشیمی مارکس
۳۸۳	انصار الحسین (ع)
۳۸۴	تماشای باران
۳۸۵	معراج عشق
۳۸۶	امام حسین (علیه السلام) در قرآن و منابع دیگر
۳۸۷	عَشَقْه
۳۸۸	کمر درد و دیسک کمر
۳۸۹	لاله‌های عاشورایی
۳۹۰	کاربرد حیلہ در جنگ
۳۹۱	نمایه

من و مجنون

نویسنده: مصعب یحیایی

راوی: حجت الاسلام والمسلمین رضا میرزایی

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۴

ویراستار: طاهره کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحات:

شابک:

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره



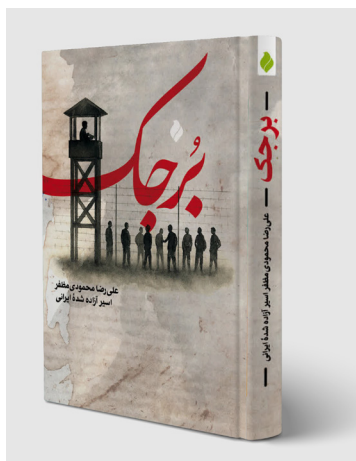
معرفی راوی:

حجت الاسلام والمسلمین رضا میرزایی در روستای ساحلی بنک از توابع شهرستان کنگان، واقع در شهرستان‌های جنوبی بوشهر، به دنیا آمد. ایشان در عملیات ثامن الائمه حضور داشتو در عملیات کربلای ۴ و ۵ دچار آسیب شد. ایشان سرانجام در سال ۱۳۶۷ در تک عراق به جزایر مجنون به اسارت نیروهای دشمن درآمد. به واسطه حجم سنگین آتش عراق در جزیره مجنون و روایت‌های متعدد از شاهدان عینی، مبنی بر امکان قوی شهادت ایشان مراسم ختم برای او برگزار می‌شود، بعد از مدتی از طریق بازبینی تصاویر تلویزیون عراق متوجه اسارت ایشان می‌شوند. دوران

اسارت حجت الاسلام والمسلمین رضا میرزایی در اردوگاه‌های رمادی ۱۳ و تکریت ۱۷ سپری شد.
 من و مجنون با قلم مصعب یحیایی به نگارش درآمده است و از دو خط داستانی مجزا اما مرتبط تشکیل شده است.

عکس لرزان مهتاب وسط آبراه‌های هورالعظیم دیده می‌شد. قرص ماه تقریباً کامل شده بود. ساقه‌های کشیده‌نی در سایه روشن نور ماه مثل انبوهی از آدم‌های وحشت‌زده که از ترس به این طرف و آن طرف سرک می‌کشتند چپ و راست می‌شدند. چند روزی می‌شد که عراقی‌ها پشت خط آرایش نظامی گرفته بودند. معلوم بود آماده عملیات شده‌اند. و قتش را نمی‌دانستیم. خبرش را علی هاشمی به همه یگان‌های توی جزیره داده بود. غیر از گردان‌های ناوتیپ امیرالمؤمنین^(ع)، نیروهایی از لشکر ۲۵ کربلا، ۷ ولی عصر، فتح و ۱۹ فجر هم توی جزیره خط داشتند. همه آماده‌باش بودند. صدا از کسی در نمی‌آمد.

برجک



نویسنده: علیرضا محمودی مظفر

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۴

ویراستار: فرزانه قلعه قونند

حروف چین و صفحه آرا: افسانه گودرزی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحات:

شابک:

قطع کتاب: رقعی فانتزی

نوع کتاب: داستانی

معرفی کتاب و نویسنده:

برجک داستانی خواندنی و جذاب است که تا حدودی مقایسهٔ اسیرداری دو کشور عراق و ایران را در خود نهان دارد. این داستان را علیرضا محمودی مظفر، براساس مشاهدات خود و هم‌پندی‌هایش، از نگاه یک سرباز عراقی با قلم داستانی به تصویر کشیده است.

علیرضا محمودی مظفر، آزادهٔ بجنوردی، در فروردین سال ۱۳۶۵، درحالی‌که به‌سختی مجروح بود، به اسارت نیروهای بعثی درآمد. دوران اسارت ایشان در اردوگاه‌های ۹ و ۱۰ رمادی و ۱۷ تکریت سپری شد.

گزیده‌ای از متن کتاب:

به دیوار چوبی کلبه تکیه داده و هرازگاهی یکی‌دو تکه چوب در اجاق قرار می‌دادم. کم‌کم گرما داشت توی جسم و جانم می‌دوید. از آتش و گرم غرق لذت شده بودم. صدای گرم شدن آب به گوش می‌رسید. عاشق نوشیدن چای بودم. می‌دانستم با هورت کشیدن چند استکان چای تمام خستگی از تنم خارج می‌شود. همان اول کار چای خشک و قوری را آماده کرده بودم. دیگر هیچ کنترلی بر پلک‌هایم نداشتم. تا حالاش هم خیلی مقاومت کرده بودم. به دفعات زیاد پلک‌هایم روی هم می‌افتاد. اما سرم همچون شیئی معلق و سنگین به چپ و راست می‌افتاد و

فرزند مُنگست



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف‌چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکی

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحات: ۶۴۴ صفحه

شابک: ۹ - ۰۱ - ۵۱۴۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی نویسنده:

بیژن کیانی شاهوندی، آزاده‌ای از ایل بختیاری است که در هفتم مهر سال ۱۳۴۲ در روستای شیوند واقع در شهرستان ایذه به دنیا آمد. او در سال ۱۳۶۰ رسماً به عضویت سپاه ایذه درآمد و در فاصله سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ چهار بار برای رزم و دفاع از دین و میهن به جبهه رفت و سرانجام در ظهر ۲۱ بهمن سال ۱۳۶۱، در عملیات والفجر مقدماتی، به اسارت نیروهای بعثی درآمد. از آنجایی که دوران اسارت بیژن کیانی فقط در اردوگاه موصل ۱ سپری شد، بی‌شک می‌تواند منبع خوب و موثقی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان این عرصه باشد. از بیژن کیانی تاکنون چندین عنوان کتاب به چاپ رسیده است، از جمله: نماز غریبانه، و دوباره خورشید، به لطافت باران، خنده بر

زنجیر، پاداش و کیفر، حجت اسلام، برای پرستوها، شکوه مقاومت (برگزیده دوازدهمین دوره کتاب دفاع مقدس) پیک رهایی، آزاده قهرمان (کودک) و ...

گزیده‌ای از متن کتاب:

نوزده سال بیشتر سن نداشتم، ولی مثل یک آدم آموزش دیده و با تجربه برخورد می‌کردم. سرم را بالا گرفته بودم تا اثری از تزلزل را در من نبینند. تا آنجاکه می‌توانستم مستقیم در چشم آن مردمی که به تماشا آمده بودند و به ما زل می‌زدند نگاه می‌کردم. وانمود می‌کردم به این هیاهو هیچ اهمیتی نمی‌دهم. می‌دانستم وقتی چشم در چشمشان بدوزم عصبی می‌شوند.

یکی از کسانی که کنار خودرو ایستاده بود، مانند میمونی بدشکل مدام نگاهم می‌کرد و رجز می‌خواند. دیدم کوتاه نمی‌آید، با همه خشم و غضبی که می‌شد نشان داد نگاهش کردم و گفتم: «برو گم شو.» می‌دانستم فارسی نمی‌فهمد، ولی از نگاه خشمناک و حالت صورتم فهمید که به او ناسزا گفتم. ابتدا شوکه شد، تا چند ثانیه ناباورانه نگاهم می‌کرد. قبول اینکه سربازی با دستان بسته، آن‌هم در خاک خودشان و در حصار سربازان مسلح، این‌طور تحقیرش کند برایش سخت بود. بهت و حیرت در چهره‌اش کاملاً آشکار بود. به خودش که آمد، رفت تا مرا به سربازان نشان بدهد و بگوید که به او ناسزا گفته‌ام.

تا حرکت کرد، خودروها هم حرکت کردند و او نتوانست حرفی بزند. رفت و در جمعیت گم‌و‌گور شد. کار خطرناکی کرده بودم، ولی پشیمان نبودم. در خانه خودش تحقیرش کرده بودم. می‌دانستم تا پایان عمرش آن تشر را فراموش نخواهد کرد و یادآوری آن برایش دردناک خواهد بود.

روزگاری اردوگاه (رمادی ۱۳)



نویسنده: فتح‌الله پرمهر

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴

ویراستار: شهرناز اعتمادی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکلی

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحات: ۵۴۴ صفحه

شابک: ۳ - ۰۳ - ۵۱۴۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی (کتاب مرجع)

معرفی کتاب

همواره یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های مؤسسه فرهنگی هنری پیام آزادگان، که به‌طور اختصاصی به موضوع آزادگان می‌پردازد، شناسایی و شناساندن دقیق اردوگاه‌های آزادگان در عراق بوده است تا بتواند در مواجهه با پژوهشگران، سینماگران، هنرمندان و ... جواب‌گوی نیازهای پژوهشی آنان باشد.

پراکندگی و نقص اطلاعات در کتاب‌های موجود، کمبود مطالب در موضوعات گوناگون، درهم‌آمیختگی روایت‌ها و رویدادها موجب شده است تا پژوهشگران و علاقه‌مندان ناآشنا با پیچیدگی‌های دوران اسارت آن‌چنان که شایسته است نتوانند به مطالب دسته‌بندی‌شده و مورد تأیید

دسترسی داشته باشند.

تهیه و تدوین این مجموعه از سال ۱۳۹۹ آغاز شده است و حاصل سال‌ها جست‌وجو در آرشیو اسناد و اطلاعات مؤسسه پیام آزادگان، مطالعه آثار چاپ‌شده و پوشه مصاحبه و همچنین گفت‌وگوی تلفنی یا حضوری با تعدادی از آزادگان برای صحت‌سنجی است. یکی از نقاط قوت این کتاب تواتر روایات است.

اطلاعات سری اسرا



نویسنده: سیدرضی نبوی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴

ویراستار: بهار ذوالفقاری

حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۳۶ صفحه

شابک: ۹۷۸۶۲۲۹۱۴۹۵۹۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی نویسنده:

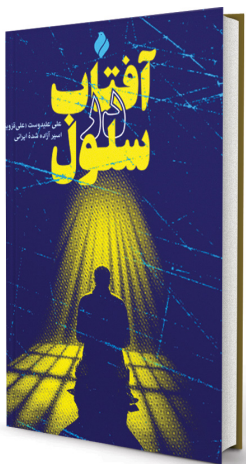
دکتر سیدرضی نبوی در ۴ مرداد ۱۳۴۴ در روستای چاشم شهرستان مهدی‌شهر در استان سمنان در خانواده ۹ نفره متولد شد. او در سال ۱۳۶۳ برای اولین بار به جبهه اعزام شد. در ۱۸ فروردین سال ۱۳۶۵ در تک دشمن در منطقه شریانی به اسارت به اسارت دشمن یعنی درآمد و دوران اسارتش را در العماره و زندان الرشید و اردوگاه رمادی ۱۰ سپری کرد.

گزیده‌ای از متن کتاب

با شکست منافقین، شناسایی تک‌تک بچه‌ها برای بازجویی آغاز شد. بعد از بازجویی و شکنجه‌های طاقت‌فرسا، مرا به حبس در زندان انفرادی

محکوم کردند. زندان انفرادی اتاقی بود به مساحت دو متر با ارتفاع دو متر؛ یک دریچه کوچک هم داشت که در هر شبانه‌روز یک بار باز می‌شد و نگهبان عراقی دو قرص نان و یک لیوان آب می‌فرستاد داخل. زمین سلول سیمانی بود، شب‌ها از بیرون آب می‌ریختند داخل تا زندانی نتواند در شب‌های سرد زمستان دراز بکشد. زندانی را هم به دست‌شویی نمی‌بردند.

آفتاب در سلول



نویسنده: علی علیدوست (قزوینی)
نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴
صفحه آرا و صفحه‌بند: فاطمه رنجبران
حروف‌چین: سعید اسدی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۲۸۸ صفحه
شابک: ۹۷۸۶۲۲۵۱۴۴۰۴۰
قطع کتاب: رقعی فانتزی
نوع کتاب: موضوعی

معرفی راوی

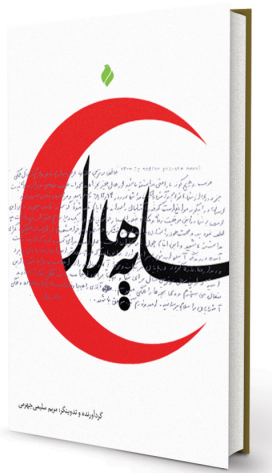
علی علیدوست در مهرماه سال ۱۳۵۹ به اسارت نیروهای بعثی درآمد و دوران اسارتش را در اردوگاه‌های موصل ۱ و ۲ سپری کرد. از این نویسنده تاکنون کتاب‌های ارزشمند ابر فیاض، با محوریت مرحوم ابوترابی و خداحافظ آقای رئیس (به‌عنوان راوی) به‌چاپ رسیده است.

گزیده‌ای از متن کتاب:

جهانبخش مثل سایر بچه‌ها همیشه به فکر خودسازی و معنویت و همواره به نماز و عبادت مشغول بود. شبی به مسئول اذان و نماز گفته بود که مرا برای نماز شب بیدار کن. مسئول بیدارباش ساعتی قبل از اذان صبح

او را از خواب بیدار کرده بود. جهانبخش وضو می‌گیرد و مشغول نماز می‌شود. بعد از کمی نماز خواندن، اندکی سحری می‌خورد که فردایش روزه بگیرد. بعد از خوردن سحری، دوباره مشغول نماز می‌شود و بعد از نماز سر به سجده می‌گذارد. تا اینکه وقت نماز صبح می‌شود و بقیهٔ بچه‌ها به خواندن نماز صبح مشغول می‌شوند، ولی جهانبخش همچنان سر به سجده نهاده بود. یکی از دوستانش او را صدا می‌زند که جهانبخش، برخیز. هرچه صدایش می‌کنند، او سر از سجده برنمی‌دارد. جهانبخش در سجده به معشوق خود پیوسته بود.

سایه هلال



نویسنده: مریم سلیمی جهرمی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف‌چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۳۳۲ صفحه

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۵۱۴۴ - ۰۶ - ۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی (مرجع)

معرفی کتاب

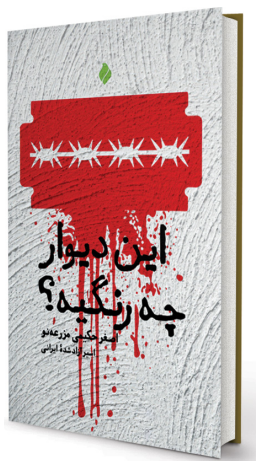
سایه هلال به بخش مهمی از تحولات دهه ۱۳۶۰ شمسی می‌پردازد. این کتاب را می‌توان همچون اسنادی گویا و تاریخی و برگی از دفتر گرانمایه انقلاب اسلامی نامید که در سطر سطر خود نام بلند سروهای آزاده را جای داده است.

سایه هلال گزارشی از عملکرد جمعیت هلال احمر است که با هدف آشنایی و بهره‌برداری پژوهشگران گردآوری شده و به رشته تحریر درآمده است تا علاقمندان این عرصه بتوانند از مستندات آن بهره‌برداری کنند.

بدون تردید پس از سال‌های طولانی که از آزادی‌اُسرا می‌گذرد، بازخوانی و بازنگری اسناد، سخنان، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و... بازهم می‌تواند چراغی

فراروی آیندگان بیفروزد. مسئولان نیز با گذر از تجربه‌های ارزشمند دیروز که حاصل تاوان‌های سختی است، خواهند توانست با تدوین چشم‌اندازی روشن آیندهٔ مستحکمی را برای نسل آینده رقم بزنند.

این دیوار چه رنگیه



نویسنده: اصغر حکیمی مزرعه‌نو

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴

ویراستار: مریم سیفی

صفحه‌آرا و صفحه‌بند: مریم مردانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکای

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۴۲۸ صفحه

شابک: ۷ - ۰۵ - ۵۱۴۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی نویسنده:

اصغر حکیمی آزاده یزدی پس از چهار بار اعزام داوطلبانه به جبهه‌های جنگ، سرانجام در ۱۱ بهمن، در جریان عملیات کربلای پنج، با تنی زخمی به اسارت دشمن بعثی درآمد. پس از اسارت ابتدا او را با دیگر اسیران به بصره و پس از سه روز به استخبارات فرستادند. در ۱۸ بهمن ۱۳۶۵ به زندان الرشید منتقل شد و در نهایت از ۵ اسفند ۱۳۶۵ تا لحظه آزادی در اردوگاه مفقودالآثرهای تکریت ۱۱ به سر برد.

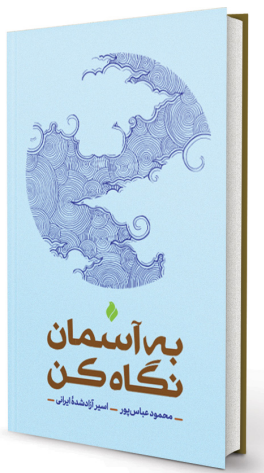
گزیده‌ای از متن کتاب:

بدترین شرایط ممکن زمانی بود که بعثی‌ها پس از جمع‌آوری تیغ‌ها

دوباره به مسئول آسایشگاه تحویل می‌دادند و می‌گفتند سرهایتان را نیز با همین تیغ‌ها بتراشید. تیغ‌هایی که حالا هیچ شباهتی به تیغ نداشتند و لبه‌های آن کج و معوج شده و از چاقو هم کندتر بودند و مجبور بودیم با ساییدن آن‌ها به کف سیمانی آسایشگاه مقداری آن‌ها را تیز کنیم. این عملکرد دشمن باعث می‌شد زمانی که موهای سرمان بلند بود احتیاط کنیم و منتظر بازگرداندن آن باشیم. معمولاً هر چهل الی پنجاه روز یک‌بار باید سرهایمان را با تیغ از ته می‌تراشیدیم و با همان محدود تیغ ارائه شده این کار را می‌کردیم.

البته برای اصلاح سر معمولاً تعداد تیغ‌ها افزایش می‌یافت و تقریباً هر پنج نفر نصفه تیغ در شرایط عادی داشتیم. هر زمان موعد تراشیدن سرها می‌شد، غم بر چهره‌ها نمایان می‌شد. صدای کشیدن تیغ بر پوست سر و جمع شدن پوست به علت کُندی تیغ آه از نهاد آدمی بلند می‌کرد و از نقاط متفاوت سر خون جاری می‌شد و با چشمانی اشک‌آلود کار پایان می‌یافت. البته زیاد به تمیزی و زیبایی اصلاح کاری نداشتیم و به قول معروف سر یکدیگر را بلا تشبیه بُزچین می‌کردیم. در بعضی مواقع ...

به آسمان نگاه کن



نویسنده: محمود عباس پور

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴

ویراستار: طاهره کیانی

صفحه آرا و صفحه بند: فاطمه رنجبران

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکای

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۸۸ صفحه

شابک: ۶ - ۰۲ - ۵۱۴۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی نویسنده:

محمود عباس پور آزاده اصفهانی است. او برای اولین بار در اول مهرماه ۱۳۶۰ از طریق جهادسازندگی به عنوان کمک مکانیک خودروهای سبک به جبهه های جنوب کشور در اهواز اعزام شد و در عملیات شکست حصر آبادان، عملیات طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس در یک گروه سیار جهادسازندگی شرکت داشت و پس از پایان مأموریت سه ماهه در جهادسازندگی به اتفاق دوستانش به هلال احمر رفت. او عملیات رمضان را نیز در جبهه سپری کرد و در سال ۱۳۶۱ پس از آموزش اولیه به لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا (ع) واقع در آبادان پیوست. سرانجام، با تنی به شدت مجروح در ۲۵ فروردین ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۱ و در منطقه شرفانی

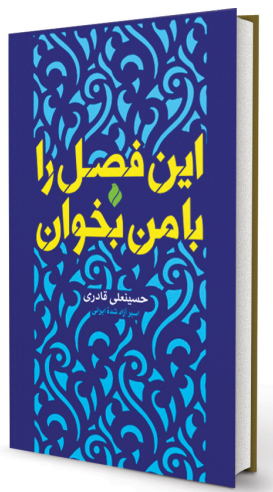
به اسارت درآمد. دوران اسارت این آزادهٔ سربلند در اردوگاه‌های الانبار یا کمپ ۸ (معروف به عنبر)، تکریت ۵ و موصل بزرگ (موصل ۱) سپری شد.

گزیده‌ای از متن کتاب

آمادهٔ حرکت شدم. این بار قدرت بیشتری پیدا کرده بودم و می‌توانستم مدت بیشتری خودم را روی زمین بکشم، ولی باز هم قادر به ایستادن نبودم، چون احساس می‌کردم تیری که به شکم اصابت کرده بود قسمت بالای بدنم را از پاهایم جدا کرده است. از طرفی پانسمانی هم که بر سروگوشم بسته بودند پایین آمده و روی چشمم را گرفته بود و به‌زحمت می‌توانستم ببینم، ولی قادر به درست کردن یا حتی باز کردنش هم نبودم.

نمی‌دانم ساعت چند بود؛ تقریباً نزدیک صبح بود. همین‌طور که سینه‌خیز می‌آمدم، از حال می‌رفتم و دوباره جان می‌گرفتم. یک‌دفعه احساس کردم دستم فرو رفت توی گونی‌های نرمی که از ماسه‌های بادی پر شده بود. تا به‌خودم آمدم، با آن گونی‌ها، که روی لبهٔ کانال گذاشته بودند و متوجه‌ش نشده بودم، پرتاب شدم داخل کانالی که ارتفاع عمقش یک متر و نیم تا دو متر بود و عرضش هم حدود دو متر. همین‌طور که داشتم به پایین پرتاب می‌شدم صدای بلند یا زهرا، یا ابوالفضل و یا مهدی بر زبانم جاری بود که از هوش رفتم.

این فصل را با من بخوان



نویسنده: حسینعلی قادری

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴

ویراستار: مریم سیفی

حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۳۰۸ صفحه

شابک: ۲ - ۰۰ - ۵۱۴۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی راوی

حسینعلی قادری روز یازدهم بهمن ۱۳۶۵ با تنی به شدت مجروح به اسارت دشمن بعثی درآمد. سپس به استخبارات و زندان الرشید و نیز روز ۱۸ بهمن ۱۳۶۵ به اردوگاه تکریت ۱۱ و بعقوبه منتقل شد، اما در لحظه آزادی همراه با تعدادی به اردگاه رمادی ۹ منتقل شد و در آبان ۱۳۶۹ به وطن بازگشت.

گزیده‌ای از متن کتاب

روز چهارم شد. صبحش دو بهیار برای درمان زخمی‌ها آمدند. نوبت من رسید. زخم‌ها را نگاه کرد. باندی برداشت و باند قبلی که روی سروصورتم

بود را باز کرد. یک باند دیگر روی سرو صورتم بست، که داخل عکس هم مشخص است، جالب اینجا بود که نمی دانستم شانه، سینه و پشت هم زخمی شده است. بقیه می دانستند، چون بر اثر برخورد ترکش ها لباسم پاره شده و خون آمده بود. دستم مشخص بود و زخم هایش قابل دیدن بود، ولی زخم های روی شانه و سینه و سایر قسمت ها را فراموش کرده بودم. بهیار باند صورتم را بست و به شانه ام دست زد. گفت: «اینجا درد نمی کند؟» دست که زد، متوجه شدم درد دارد. گفت: «پیر هنت رو دربیار.» وضعیت از آن چیزی که فکر می کردم خیلی خراب تر بود. ترکش ها مقدار زیادی از شانه و سینه و پشتم را زخمی کرده بودند. مقداری باند دورتادور سینه و روی شانه ام بست

آمده‌ام اما تو نیستی



نویسنده: سحر پرمهر

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۴

ویراستار: مریم سیفی

حروف چین و صفحه‌آرا: فاطمه رنجبران

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کاکي

شمارگان: ۱۰۰۰

تعداد صفحات: ۱۲۰ صفحه

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۱۴۹ - ۵۸ - ۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی راوی:

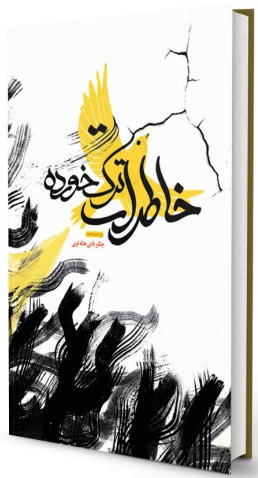
محمد رضا پرمهر آزاده‌ای از روستای زورآزما واقع در شهرستان بهمنی از استان کهگیلویه و بویراحمد است. او در عملیات بدر، در شرق دجله، در ناگزیری اوضاع به اسارت نیروهای بعثی درآمد. او در اسارت بود که برادرش غلامرضا پرمهر به شهادت رسید و او تا زمان آزادی از شهادت ایشان بی‌خبر بود. دوران اسارت این آزاده در اردوگاه‌های ۷ و ۹ رمادی و تکریت ۱۷ سپری شد.

گزیده‌ای از متن کتاب

یکی از دوستان آمد پیشم و گفت: «یکی از همشهریات که توی گردانتون هم بوده رو روی پتو آوردن، تو محوطه است.» سریع رفتم سراغش را

گرفتم. چند مجروح در محوطه زیر آفتاب بودند. رفتم بالای سرشان ولی کسی را نشناختم. رفتم سراغ همان دوستی که خبر را بهم داد. گفتم: «منظورت کیه؟ من پیداش نکردم.» با هم رفتیم بالای سرش. بازو، کمر، کتف و دستش به شدت آسیب دیده بود. پیشش نشستم و بهش گفتم: «کی هستی؟» به سختی گفت: «فریبرزم.» بغضم گرفته بود. به حدی لاغر شده بود که اصلاً او را نشناختم. با پتو او را بلند کردیم و به اتاق بردیم. هر روز با روغن ته ظرف غذا بدنش را ماساژ می دادیم. بعد از حدود شش ماه توانست روی پاهایش بایستد و راه برود.

خاطرات ترک خورده



نویسنده: چنگیز بابایی (هتکه‌لویی)

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۴

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۲۸ / مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۹۱-۷

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات خودنگاشت جانباز و

آزاده‌مازندرانی چنگیز بابایی است.

چنگیز بابایی سال ۱۳۶۷ در عملیات فاو به اسارت و سال‌های

اسارت خود را در اردوگاه‌های تکریت ۱۲ به عنوان مفقودالاثر زندگی کرد..

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بیست و چهار ساعت بود که بدون آب و غذا توی طویله بودیم. حتی

دست‌شویی نمی‌توانستیم برویم. بوی تعفن همه‌جا را برداشته بود. هوا خیلی

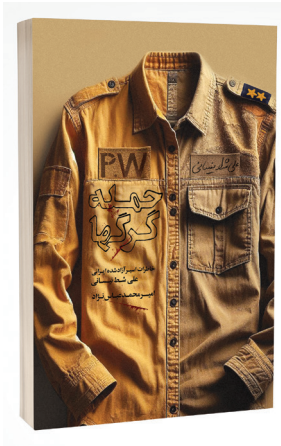
گرم بود. آن فضای بسته با توجه به وجود تعداد زیادی از اسرا و وجود شن

و نمک، طاقت‌مان را طاق کرده بود. جای نشستن نبود و مجبور بودیم سرپا

بایستیم. آماده می‌شدیم برای پذیرش سختی‌های اسارت.

صبح روز بعد سرانجام در طویله باز شد... .

حملة گرگ‌ها



نویسنده: امیر محمد عباس نژاد

ویراستار: طاهره کیانی

صفحه آرایی و صفحه بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: میثم مقصودی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۲۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۴۹-۵۱-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

سرهنگ علی شطنیسانی در اولین روز مرداد ماه ۱۳۲۴ در هویزه خوزستان به دنیا آمد. او بعد از دیپلم وارد ارتش شده و جزو نیروهای لشکر ۹۲ زرهی اهواز شد. علی شطنیسانی جزو معدود نیروهایی است که در هر دو تجاوز عراق به ایران در سال ۱۳۵۲ و هشت سال دفاع مقدس حضور داشته است.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در منطقه مرزی خوزستان حضور پیدا کرده و به دفاع پرداخته است و در حمله گسترده عراقی‌ها در محاصره قرار گرفته و به اسارت نیروهای عراقی درآمد.

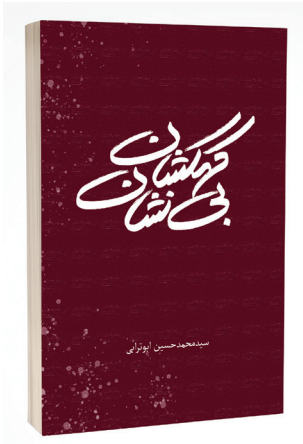
او به مدت ده سال به عنوان مفقودالاثر در زندان ابوغریب و زندان الرشید نگهداری شده است. بعد از بازگشت به ایران به بدنه ارتش جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد و بعد از چند سال به دلیل صدمات دوران اسارت و جانبازی بازنشسته می‌شود.

در این کتاب، خاطرات ایشان از دوران تحصیل، عضویت در ارتش، حضور در جنگ عراق و ایران در سال ۱۳۵۲، روزهای انقلاب و برخورد مردم با او به عنوان نیروی ارتش شاهنشاهی در خیابان‌ها، خاطراتش از اولین روزهای دفاع مقدس و اسارت در زندان‌های ابوغریب و الرشید تا بازگشت به ایران را می‌توان مطالعه کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

تکه‌ای نان را کندم و به سرباز نابینای عراقی دادم. او هم کورمال کورمال نان را گرفت و بدون اینکه چیزی بگوید، قورتش داد. معلوم بود خیلی گرسنه است، تکه‌ای دیگر کندم و به او دادم. دو سه روز بود که غذا و آب نخورده بودم. از درد گرسنگی یادم رفته بود. تکه‌ای هم خودم برداشتم و گذاشتم توی دهانم. نان خمیر و خشک شده‌ای بود که به زور از گلویم پایین می‌رفت، مجبور شدم کمی آب بخورم تا نان خیس شود. آنقدر سفت و خشک بود که نتوانستم دومین لقمه را بخورم. بقیه را به آن سرباز عراقی دادم و او خورد. لیوان آب را هم دادم تا ته سر کشید.

کَهکشان بی نشان



نویسنده: سید محمدحسین ابوترابی

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرایی و صفحه بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: حدیث خوب نژاد

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۱۰۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۸۸-۶

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: شعر

معرفی کتاب

آنچه مسلم است در این سرزمین کهن شعر با رگ و خون مردم پیوندی دیرینه دارد و قطعاً اشعاری که با محوریت انسانی خاص و کامل همچون سیدآزادگان، مرحوم حجت الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی سروده شده است، حرف‌های زیادی نیز برای گفتن دارد.

از خصوصیات بارز این بنده خاص خداوند توجه ویژه ایشان به انسان است که زیر پوست هر واژه اشعار این کتاب لمس کردنی است. سید می گفت: «حفظ حرمت انسان‌ها سخت‌ترین وظیفه و امور انسان‌هاست ...». علاوه بر اینها ایثار، درایت، صبر، مقاومت، شجاعت، ایمان و همه فضائل انسانی و اخلاقی دیگر دستمایه اشعار کَهکشان بی نشان است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در پیش اراده تو خم شد دشمن
آن‌گونه که با تو هم‌قدم شد دشمن
با اخلاقت چنان اثر کردی که
برگشت و مدافع حرم شد دشمن

سبک عملی زندگی آزادگان در جامعهٔ معاصر



نویسنده: ابوالقاسم عیسی مراد

ویراستار فنی: بهار ذوالفقاری

صفحه آرایی و صفحه بندی: افسانه گودزی

تصویر گر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۴۳۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۸۹-۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

جانباژ و آزادهٔ گیلانی ابوالقاسم عیسی مراد کتاب سبک زندگی آزادگان را که مجموعه‌ای واقعی و حاصل تجارب خودش در دوران اسارت است با توجه به مبانی دینی، ملی و مدل‌های بین‌المللی و در ۴ بخش: ماهیت سبک زندگی، آسیب‌شناسی سبک زندگی معاصر، سبک زندگی اسارتی آزادگان، و الگوی عملی زندگی آزادگان تدوین کرده است.

آنچه در این کتاب مورد توجه است اینکه آزادگان چگونه با سیر مسیر پریچ‌وخم اسارت و همهٔ رویدادهای سخت توانستند به انسجام فکری و عملی قابل قبول برسند تا به نیازهای درونی خود پاسخ بدهند و نسبت به دیگران نیز ایثارگرانه توجه و تمرکز داشته باشند.

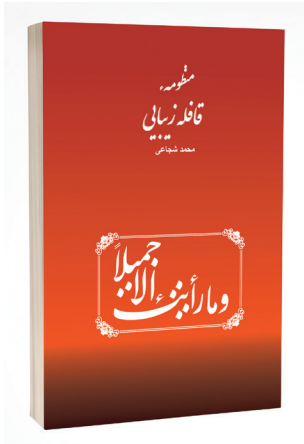
علاقمندان در این مجموعه با جوانب شخصیت اسیران جنگی در دست درخیم‌های بعضی به یک الگوی منسجم آشنا شده و از تجارب آزادگان نخبه

و نیز سوابق تحقیقاتی در این عرصه بهره‌مند خواهند شد. ابوالقاسم عیسی‌مراد در دهم شهریور ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۲ به دست نیروهای بعثی به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه رمادی ۹ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آزادگان با استفاده از تکنیک‌های روان‌شناختی متکی به فرهنگ دینی و بومی به مقابله پرداخته و با صبوری و تحمل‌پذیری و تاب‌آوری براساس الگوی متناسب به زندگی خود معنا می‌دادند. خودشناسی و شکل‌گیری خودپنداره و انواع خود: انسان با آگاهی از خود به شناخت خویشتن دست می‌یابد و با شناخت از خویشتن می‌تواند دارای فراشناخت به‌هنگار باشد.

منظومه قافله زیبایی



نویسنده: محمد شجاعی

ویراستار: -

صفحه آرای و صفحه بندی: مریم مردانی
تصویرگر و طراح چاپ: حدیث خوب نژاد

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۱۸۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۸۴-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: شعر

گزیده‌ای از محتوای کتاب

گر حضور زینب کبری نبود
نامی از خورشید عاشورا نبود
با حضورش کربلا پاینده شد
آفتاب دین حق تابنده شد

کتابشناسی سید آزادگان حجت الاسلام حاج سید علی اکبر ابوترابی

پدیدآور: معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان فرهنگی پیام آزادگان
به کوشش: فرزانه قلعه قوند

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۳

حروف چین و صفحه آرا: ندا اسماعیلی

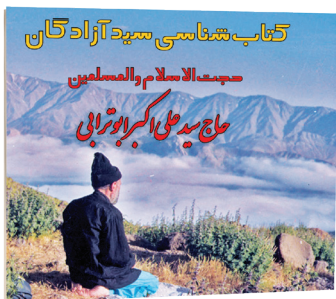
تعداد صفحات: ۹۶

شماره شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۱۴۹-۵۰-۸

قطع کتاب: جیبی

نوع کتاب: پژوهشی



معرفی کتاب

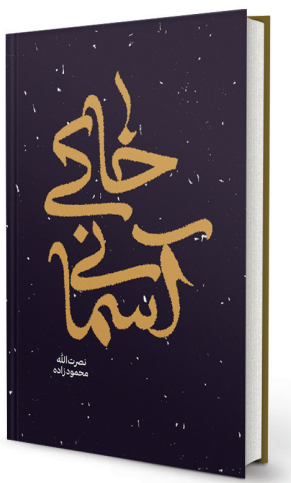
کتابشناسی سید آزادگان، مرحوم سید علی اکبر ابوترابی به معرفی کتاب‌هایی می‌پردازد که تاکنون با محوریت ایشان به چاپ رسیده است، اگرچه هیچ کتابی از آزادگان چهار اردوگاه موصل و اردوگاه‌های الانبار (عنبر)، تکریت ۵ و ۱۷، رمادی ۷، استخبارات و زندان‌های العماره، زندان امن‌العام و وزارت دفاع، که با سید آزادگان هم‌اردوگاهی بوده‌اند، از حضور ایشان خالی نیست و این افراد که وجود سید آزادگان را در اردوگاه درک کرده بودند، بخش زیادی از خاطرات دوران اسارت خود را به این عبد صالح خدا اختصاص داده‌اند.

در حوزه دفاع مقدس به کمتر شخصیتی برمی‌خوریم که این حجم از محتوای کتاب‌ها را به خود اختصاص داده باشد، از این رو در نوع خود کم‌نظیر است، زیرا ابوترابی:

بال پرواز هر پرستو شد
با نگاه ستاره همسو شد
دست‌هایش پناه گندم بود
لحظه‌هایش برای مردم بود
آیة صبر و استقامت بود
بی‌قرار دو دست خدمت بود

کتاب‌شناسی سیدآزادگان برای دسترسی آسان‌تر به کتاب‌های مربوط
به ایشان، علاقه‌مندان و پژوهشگران تدوین شده است و شامل: جلد و
شناسنامه کتاب، معرفی اجمالی کتاب و خلاصه‌ای از گزیده کتاب است.

خاکی آسمانی



نویسنده: نصرت الله محمودزاده

ویراستار: -

صفحه آرایی و صفحه بندی: سیدایمان نوری نجفی

تصویرگر و طراح چاپ: -

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۶۵۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۹۰-۹

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

نصرت الله محمودزاده خاکی آسمانی را براساس کتاب‌ها، مصاحبه با افراد مطلع و سایر اسناد به نگارش درآورده است. کلیه‌ی رویدادهای کتاب منطبق بر واقعیت است و امانتداری و وفاداری ایشان به مستندبودن وقایع از نقاط قوت این زندگی‌نامه است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آن قدر فکرش به ماجراهای قبل از انقلاب گرم بود که یکهو چرخ جلوی ماشین افتاد تو جوی آب. به هر جان‌کندنی ماشین را بیرون کشید و راه افتاد. پیکانش به تلق تلق افتاده بود. جلو یک تعمیرگاه ایستاد و دستی به آن کشید تا مناسب یک سفر هزار کیلومتری باشد. شب که به منزل رسید، باز هم مثل دو شب قبل مهمان داشت. اول دردانه‌ی شش ساله‌ی خواهرش دوید تو بغلش.

- دایی جان.

- جانم، آقاجون.

ابوترابی یک نگاه سیر به چهره‌ی معصوم او انداخت و پیشانی او را بوسید. از نگاهش متوجه شد که می‌خواهد یک حرف جدی گنده‌تر از سن و سالش بزند. به دیوار تکیه داد و او را روی زانو نشاند. خنده از صورت دخترک محو شد و به حرف آمد.

- دیشب در عالم خواب آقاجون را در یک باغ خیلی بزرگ و سرسبز دیدم که شما هم باهاش بودی ...

آهوی گمشده



نویسنده: زهره علی عسگری

ویراستار: طاهره کیانی

صفحه آرایی و صفحه بندی: افسانه گودرزی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۴۸۸

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۲۲۰ - ۹۲ - ۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

حمید احمدی نیا، آزاده تهرانی، در سال ۱۳۴۹ در شهر تهران و در خانواده‌ای پرجمعیت، مذهبی و کاشانی‌الاصل متولد شد. او از همان سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با فعالیت در کانون‌های فرهنگی زمینه را برای حضور در بسیج فراهم کرد. علاوه بر اینها فعالیت جدی در تئاتر و رفتن به مدرسه تئاتر پای او را به تلویزیون باز کرد.

حمید در ۲۶ فروردین ۱۳۶۶ در یک عملیات ایذایی در سلیمانیه عراق، که وظیفه‌اش گرفتن ارتفاعات مشرف به محور ماووت معروف به تپه منافقین بود، به اسارت چند گرد خائن عراقی درآمد. البته خودش می‌گوید می‌توانست بگریزد، اما به دلیل زخمی بودن هم‌رزمش و دلایلی دیگر، که در ادامه می‌خوانید، تصمیم گرفت بماند! دوران اسارت این آزاده شجاع در زندان الرشید و ملحق اردوگاه تکریت ۱۱ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

یک بار سعید سلیمیان خیلی جدی گفت: «بچه‌ها، یه داستان بگم؟» از خداخواسته گفتیم: «بگو.» گفت: «تو یه کویر، یه درختی بود که یه دسته گنجشک از بالاش می‌پریدن. یه گنجشک اومد نشست رو یه شاخه‌اش.» بعد ساکت شد و چیزی نگفت. من گفتم: «خب.» سلیمیان گفت: «دومی اومد نشست.» دوباره ساکت شد. من با حرص گفتم: «خب!» سلیمیان صدایش را کشید و گفت: «سومی هم اومد و نشست.» من غیظ کردم و گفتم: «خب، بعدش!» خلاصه او دانه‌دانه گفت و من هم که فهمیده بودم داستانش سرِ کاری است می‌گفتم خب. این قدر او گفت و من هم گفتم خب تا رسیدیم به دویست تا گنجشک. سر دویست تا، من که گفتم خب، سلیمیان صدایش را تیز کرد و با شیطنت گفت: «گنجشک اول پرید!» تا گفت اولی پرید، صدای خندهٔ بچه‌ها مثل بمب ترکید ...

ترکش‌های زردآلو



نویسنده: حمیده سلطانی

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۷۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۹۷-۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

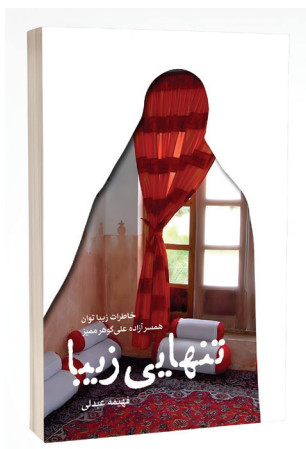
بدون تردید بانوان منتظر آزادگان سهم بیشتری در این دیده‌شدن دارند، قهرمانانی گمنام که صبر و انتظار را به عفاف و پاکدامنی پیوند زدند و سال‌ها در برزخ انتظار، بلا تکلیفی و هجران به تربیت فرزند و نگاهبانی از حریم خانواده پرداختند و بسیاری از آنها پس از آزادی همسر نیز همچنان به پرستاری و تیمار او مشغولند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

دوازده بهمن‌ماه ۱۳۶۶ دوازده نقطهٔ سلماس را بمباران کرده بودند. پسر من حجت شیفت صبح به مدرسه می‌رفت و مهدی شیفت بعدازظهر بود. می‌رفتم که مهدی را برسانم به سرویس سرخیابان. آژیر قرمز کشیده شد. چند کوچه پایین‌تر را بمباران کرده بودند. من که مهدی را بغل کرده بودم، چادر من را پهن کردم رویش و روی زانو افتادم زمین. خیلی ترسیده بودم.

فکرم مانده بود پیش حجت که خدایا مدرسه را بمباران نکرده باشند. از ترس برگشتیم خانه. احساس کردم پشت پایم داغ شده است. دستم را که بردم دیدم خون دارد چکه می‌کند. پایم سوراخ شده بود. بعد دیدم مهدی داد می‌زند و گریه می‌کند. زمستان بود و هوا هم خیلی سرد. ترکش از روی کاپشن و پلیوری که تنش پوشانده بودم رد شده و بازویش را مجروح کرده بود. تصور کنید زنی که تنها پشت‌وپناه و پایه اصلی زندگیش کنارش نبود، حالا با دو بچه در منطقه ناامن باید چه می‌کرد! به حال خودم گریه‌ام می‌گرفت، ولی نمی‌خواستم مهدی اشک‌هایم را ببیند...

تنهایی زیبا



نویسنده: فهیمه عبدلی

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرایی و صفحه بندی:

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۱۱۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۹۸-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان و پس از آن بارها و بارها راویان و نویسندگان، حماسه هشت ساله را از زوایای گوناگون روایت کرده اند یا نگاشته اند و سینماگران و هنرمندان آن را به تصویر کشیده اند، اما باین همه بخش مهمی از لحظات مربوط به دفاع مقدس، آن طور که باید و شاید دیده نشده است و همچنان مورد بی مهری قرار دارد. حماسه ای که زنان ایرانی در نقش های مختلف خلق کرده اند، هنوز با گذشت چند دهه، این نقش آفرینی همچنان ادامه دارد

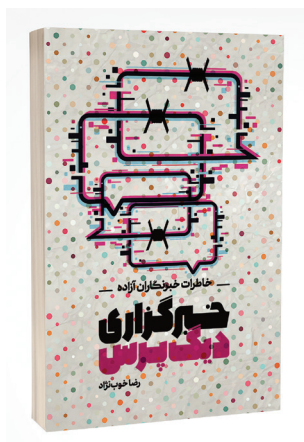
گزیده ای از محتوای کتاب

با خواندن نامه اتاق دور سرم چرخید و سرم گیج رفت. نمی توانستم باور کنم اینها حرف های علی باشد. من چند سال است که به امید آمدن او صبر

کرده‌ام و حالا او از من می‌خواهد تا بروم دنبال سرنوشت‌م! چند روزی حال خوشی نداشتم. نمی‌دانستم باید چه کار بکنم. نامه را دستم گرفتم و رفتم بنیاد شهید. نامه را نشان دادم. اصلاً تعجب نکردند و گفتند: «این چندمین نامه‌ای است که این‌چنین برای همسران آزاده‌ها فرستاده‌اند. این نامه‌ها را منافقین نوشته‌اند تا روحیه اسرا را تضعیف کنند و آنها و خانواده‌هایشان را شکنجه روحی بدهند و ...»

والای، اگر علی این نامه را باور کند چه؟ ولی حتماً آنجا هم کسانی هستند که از این فتنه و نیرنگ منافقین خبر دارند. خدا خدا می‌کردم که به‌زودی زود نامه خودش برسد تا بتوانم همه چیز را برایش توضیح بدهم.

خبرگزاری دیگ پرس



نویسنده: رضا خوب نژاد

ویراستار: فرزانه قلعه قونند

صفحه آرایی و صفحه بندی: فاطمه رنجبران

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۷۶

شابک:

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

حس هم‌ذات‌پنداری، ترسیم درست و زنده حوادث، استناد به تاریخ‌ها و روایات و ذکر نام‌ها و زمان‌های واقعی و دقیق از ویژگی‌های این اثر ارزنده و کوتاه است.

چهار راوی کتاب خبرگزاری دیگ‌پرس دوران اسارت خود را در اردوگاه‌های تکریت، که ویژه اسرای مفقودالاثر بود، سپری کردند و یک نفرشان هم در زندان دولته‌تو این مدت را گذراند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

روزی از روزها، یک نفر از من پرسید این عدس‌هایی که می‌پزید چقدر طول می‌کشد تا آماده شود؟ گفتم یک ربع تا بیست دقیقه. او درحالی‌که تعجب کرده بود پرسید فقط پانزده تا بیست دقیقه؟ پس عدس‌های خیلی

خوبی‌اند. بدون اینکه منظور خاصی داشته باشم و فقط چون موقع بازکردن گونی‌های عدس دیده بودم که روی آنها نوشته شده بود USA، گفتم آره بابا، عدس‌هایش آمریکایی است.

به دنبال این اظهار نظر، بعضی‌ها نصفه شب داخل آسایشگاه ریختند و هفت نفر از جمله مرا بیرون کشیدند، بعد شروع کردند به کابل زدن. من مانده بودم که علت کابل زدن آنها چیست. به زبان عربی پرسیدم: «موضوع چیست؟ چه شده؟» یکی از آنها برگشت و گفت: «عدس امریکی؟ عدس امریکی؟» ... در مجموع، این عدس آمریکایی باعث شد که هفت اسیر بنده خدا سر موضوعی الکی الکی کتکی مفصل بخورند.

دخترکی لبه پنجره



نویسنده: مریم ماهی

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرایی و صفحه بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۱۱۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۹۹-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

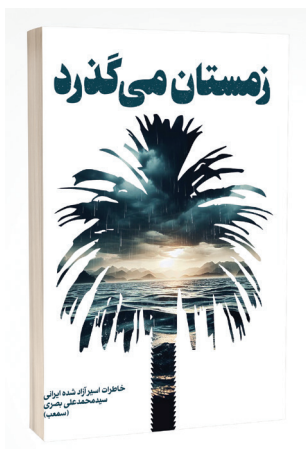
قطعا، بانوان انتظار دردی عمیق تر و متفاوت تر از همسرانشان در سینه دارند و توأمان روایتگر روزهای درد و رنج دوران اسارت و حتی بعد از آن هستند، به خصوص آنهایی که حتی از همسرشان نامه ای هم دریافت نکرده بودند و از سرنوشت شریک زندگی شان در زندان های رژیم بعث بی اطلاع بودند.

گزیده ای از محتوای کتاب

بچه دوم را هفت ماهه حامله بودم و فاطمه نه ماهه هم در بغلم بود. نمی توانستم لحظه ای آرام باشم. تا از سالن آرایشگاه کارم تمام می شد، خودم را می رساندم سر زمین. دست به هر کاری می زدم؛ با آن وضعیتم ماسه الک می کردم تا بلکه زودتر کار ساخت و ساز تمام شود. برای زایمانم

دوسه هفته‌ای فرصت باقی بود. در این مدت ساختمان با دیوارها و سقفش تمام شد. گفتند بدون گچ‌کاری هم می‌شود در آن ساکن شد. مخالفت کردم و گفتم: «لااقل گچ‌کاری هم انجام بشه تا خدای نکرده حشره‌ای، چیز خطرناکی از درزها نیاد داخل و بچه رو نیش بزنه!» بنا حال و روز مرا خوب می‌دید و قبول کرد گچ‌کاری ساختمان را قسطی انجام بدهد. حتی می‌دیدم عصرها خانمش را هم برای کمک به من همراهش می‌آورد. خانمش در تمیزکاری به من کمک می‌کرد. بالآخره کار گچ‌کاری تمام شد و نوبت رسید به چیدن وسایل منزل. فقط دو موکت ساده نخ‌نما، که پشتشان چسب سریش داشت، برایم مانده بود ...

زمستان می گذرد



نویسنده: سید محمدعلی بصری

بازخوانی، نظارت و تطبیق استنادی:

فرزانه قلعه قوند

صفحه آرایی و صفحه بندی: حدیث

خوب نژاد

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۶۲۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۹۶-۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

روایت سیدمحمدعلی بصری آزاده بوشهری است. او کوچکترین فرزند خانواده بود و در ۱۳ فروردین ۱۳۴۷ در خانواده‌ای مذهبی و انقلابی و پرجمعیت به دنیا آمد.

سیدمحمدعلی بصری، اولین بار سال ۱۳۶۱، زمانی که فقط ۱۴ سال سن داشت، به جبهه رفت و تا سال ۱۳۶۳ سه بار در جبهه‌های جنگ حضور یافت و سرانجام در ساعت ۳ بعدازظهر روز پنجشنبه، ۲۳ اسفند ۱۳۶۳، درحالی که به شدت از ناحیه دست راست مجروح بود، در عملیات بدر به اسارت دشمن یعنی درآمد.

سال‌های اسارت ایشان در استخبارات، اردوگاه رمادی ۳ (کمپ ۹)،

اردوگاه رمادی ۲ (بین القفصین یا کمپ ۷)، رمادی ۱ (کمپ ۶)، اردوگاه ۱۷
تکریت سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ساعت دوازده شب یکی دو اتوبوس قدیمی وارد پادگان شد. چشم‌هایمان را بستند و سوارمان کردند. از زیر پارچه‌ای که روی چشم‌هایمان بسته بود جلوی پایم را می‌دیدم. آمدم روی صندلی بنشینم، یکی از نگهبان‌ها از پشت هلم داد. با صورت کف اتوبوس افتادم. سرباز عراقی چند فحش رکیک حواله‌ام کرد و از بالای سرم رفت.

درد شدیدی بدنم را فرا گرفته بود. سر و صورتم زخمی شده بود. با هر زحمتی که بود به پشت چرخیدم. چند دقیقه بعد اتوبوس العمارة را به قصد بغداد ترک کرد. به دلیل دست‌اندازهای تندی که در جاده بود فریادم بلند شد. محل شکستگی دستم بدجوری درد می‌کرد. صدای آه‌وناله‌ام یکی از عراقی‌ها را بالای سرم آورد. از زیر چشم‌بندم چهره‌اش را می‌دیدم؛ قدی بلند داشت با سیبل کلفتی که دو طرف دهانش کشیده شده بود. سرباز بعثی پایش را بالا برد و پاشنه پوتینش را محکم روی بازوی شکسته‌ام کوبید. بی‌اختیار فریادی زدم و بیهوش شدم!

عبور از شیشه‌های شکسته



نویسنده: سیدحسین میرسید

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: افسانه گودرزی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۲۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۹۴-۷

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

سیدحسین میرسید در سال ۱۳۳۸، در روستای آستانه (چشمه‌علی) شهرستان دامغان، به دنیا آمد. او در سال ۱۳۵۵ برای تحصیل حوزوی به مدرسه موسویه دامغان رفت و پس از یک سال، جهت ادامه تحصیل، به شهر قم مهاجرت کرد. باتوجه به وضعیت حاکم بر کشور پای سیدحسین به صف مبارزان رژیم پهلوی باز شد و به خیل انقلابیون پیوست.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی برای ادامه فعالیت به ارگان جهادسازندگی پیوست و راهی مناطق محروم شد. چند هفته‌ای از شروع جنگ نگذشته بود که به همراه گروهی از طلاب حوزه علمیه قم راهی جبهه‌های غرب شد. او ابتدا به کرمانشاه رفت و با اعلام آمادگی برای رفتن به خط مقدم راهی سرپل ذهاب شد.

سیدحسین سپس از طریق حوزه به جبهه‌های جنوب و منطقه دارخوین

رفت. در سال ۱۳۶۱، در مرحله اول عملیات بیت المقدس حضور یافت و در ۱۷ اردیبهشت همان سال، در مرحله دوم عملیات، درحالی که بدنش از سه قسمت مجروح شده بود، همراه حدود ۲۰ نفر دیگر به اسارت نیروهای دشمن درآمد.

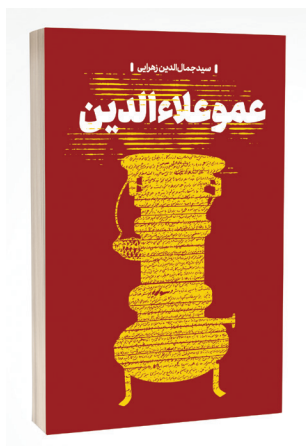
دوران اسارت این آزاده روحانی در اردوگاه عنبر (الانبار یا کمپ ۸) و تکریت ۵ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ناظم ابتدا ما را به گوشه اردوگاه برد. آنجا نزدیک در خروجی و کنار سیم‌خاردار مخزن بزرگ زباله بود و هفته‌ای یک بار آن را با یدک‌کش از اردوگاه خارج می‌کردند. دریچه کوچکی داشت که از بالا انواع نجاست و زباله‌ها را می‌ریختند داخل آن و در آن را محکم می‌کردند تا بوی تعفن و مگس‌ها بیرون نیایند. ناظم به همراه چند نگهبان دیگر ما پنج نفر را وادار کرد تا یکی یکی از همان دریچه وارد زباله‌دانی شویم، سپس دریچه را بستند و رفتند. مگس‌ها و پشه‌های داخل زباله‌دانی، که گوشت و خون شیرین و تازه‌ای گیر آورده بودند، با حمله به سروصورتان، برای خودشان جشن تولدی به پا کردند که نگو و نپرس!

جای تنگ و تاریک و نفس‌گیر، بوی تعفن و کمبود اکسیژن و نبودن هوای آزاد، راه نفس‌کشیدن را برایمان سخت کرده بود. آن‌چنان عرصه بر ما تنگ شده بود که آرزوی مرگ شیرین‌ترین چیزی بود که در آن لحظات اتفاق نظر داشتیم.

عمو علاءالدین



نویسنده: سید جمال‌الدین زهرایی

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۲۶۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۹۳-۰

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

سید جمال‌الدین زهرایی در عملیات بیت‌المقدس، عملیات محرم و حضور داشت و در سال ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۱ به اسارت درآمد. سال‌های اسارات ایشان در بیمارستان العماره و الرشید، اردوگاه‌های الانبار (کمپ ۸ یا عنبر)، رمادی ۲ (کمپ ۷ یا بین‌القفصین)، رمادی ۱۳، تکریت ۵ و موصل ۲ سپری شد.

آنچه در این کتاب مورد توجه است رمزگشایی واژه‌ها و عبارت‌هاست، کلمات رمزآمیزی که سال‌های سال لابه‌لای نامه‌های ردوبدل شده بین ایشان و خانواده استتار شده بود.

یاد خدا، توکل، مادر (ننه)، توصیه به صبر، پندواندرز، احساس و عاطفه، عبارت رمزی شهید و شهدا، اوضاع جبهه (رمزی)، تأخیر و چشم‌انتظاری در ارسال و رسیدن نامه بیشترین واژه و عبارت پیداپنهان این نامه‌ها را تشکیل

می‌دهد و در جای‌جای این مکتوب به چشم می‌خورد؛ نکته جالب‌توجه اینکه در نامه‌ها خبری از اوضاع سخت اسارت به‌لحاظ شکنجه، گرسنگی، تشنگی و امثال این نیست!

گزیده‌ای از محتوای کتاب

«نامه‌هایی را که ۷ ماه پیش نوشته بودی! همراه با سه قطعه عکس زیباتان به دستم رسید. خیلی خوشحال شدم. چون شما سال نو را تبریک گفته بودید، با این حساب تبریک شما بعد از ۷ ماه به دستم رسیده، فکر می‌کنم از همین حالا سال ۶۵ را تبریک بگویم، عقب نیفتم! من که باشم تا بخوام شما را تذکر بدهم، حرکت و گفتار شما مایه تحرک و الگوی من است.»

کنارهای جنوب



نویسنده: حسن نوری

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۲۴۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۸۷-۹

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

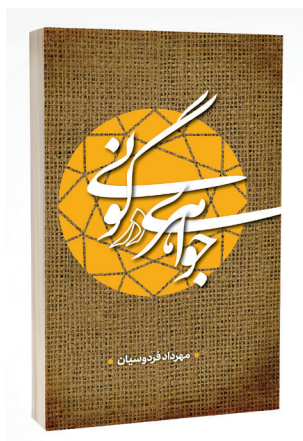
مرحوم سیدابراهیم ظهوری در تاریخ ۱۳۳۱/۰۶/۱۰ در شهر دزفول و در خانواده‌ای مذهبی متولد شد و بعدها همراه خانواده‌اش به اهواز کوچ کرد. او از نوجوانی در هیئت‌های مذهبی فعالیت می‌کرد که زمینه‌ساز فعالیت‌های سیاسی ایشان هم به‌شمار می‌رفت. او سرانجام در ۵ مهرماه ۱۳۵۹، درحالی‌که فرزندان خردسالش؛ مهران، پنج‌ساله، مهرداد چهارساله و مسعود دوماهه؛ را به امان خدا و دست همسرش سپرده بود، همراه با سیدحسن اصولی، خواهرزاده و سیدعنایت‌الله ظهوری، برادرزاده‌اش، در جاده دهلران به اسارت درآمد.

دوران اسارت این آزاده در اردوگاه رمادی ۱، معروف به کمپ ۶، موصل ۱ و موصل ۲ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ضربات دیشب آن قدر هوش و حواسم را برده بود که اصلاً زخم معده‌ام را فراموش کرده بودم و در این لحظه معده‌ام با سوزش کم سابقه‌ای خودش را یادم انداخت. ضابط احمد با صدای خشنش عربده‌ای کشید که ظرف نیم ساعت همه باید سر تراشیده در صفوف پنج نفره نشسته باشند. بچه‌ها با عجله شروع کردند به تراشیدن سر کناردستی‌شان. پوست سرهایی که ورم کرده بودند، کنده و آویزان می‌شد و طرف فرصت نداشت برای مداوای آن کاری بکند و باید ادامه می‌داد تا تمام کند و بعد آن شخص سر خودش را بتراشد. زهرچشمی که دیشب گرفتند دردهای ناشی از کابل و تیغ و بی‌خوابی و گرسنگی و را از یاد برده بود و صد نفر به سرعت داشتند موی سر صد نفر دیگر را می‌تراشیدند.

جواهری در گونی



نویسنده: مهرداد فردوسیان

ویراستار: طاهره کیانی

صفحه آرایی و صفحه بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۴۵۲

شابک: ۹۷۸-۸۲۲۰-۶۰۰-۸۶-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

مهرداد فردوسیان، ظهر روز دوم فروردین ۱۳۶۱، در مرحله دوم عملیات فتح‌المبین، در دشت عباس، به اسارت درآمد و به آسایشگاه ۱۸ قاطع ۳ اردوگاه الانبار (کمپ ۸ یا عنبر) منتقل شد. بعد از اولین دیدار صلیب سرخ از این اردوگاه، به ایشان شماره ۳۰۸۰ داده شد. اردوگاه‌های موصل ۳ و ۴ مقصد بعدی مهرداد فردوسیان تا زمان آزادی بزرگ آزادگان بود.

بدون تردید آنچه به جذابیت روایت مهرداد فردوسیان می‌افزاید، علاوه بر زیبایی و روانی قلم و بیان، ویژگی‌های فردی، زلالی و صداقت کلام، شجاعت، صبری و روحیه طنازی ایشان است که در قفس اسارت راه هنر نمایش و تئاتر را برای ادامه زندگی خود و دیگر هم‌زمانش انتخاب کرد. مهرداد حتی ضرب و شتم عراقی‌ها را به جان خرید، اما به مصاحبه با رادیو عراق تن نداد؛ اگرچه خانواده چشم‌انتظارش پس از دریافت اولین نامه،

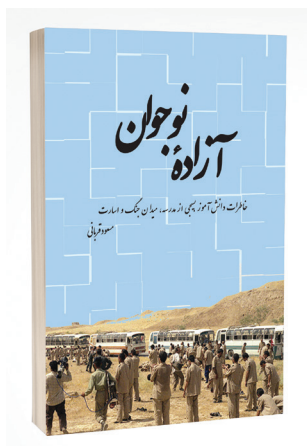
که در اردیبهشت ۱۳۶۱ نوشته شد و حدود دو ماه بعد به دستشان رسید، به زنده بودنش پی بردند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

چشمانم ضعیف بود و قوس قرنیه داشتم. هنگام اسارت، عراقی‌ها عینکم را گرفته بودند

حسن محمدی به‌شوخی مرا مادام کوری صدا می‌کرد. یک روز صبح که نوبتم شد برای گرفتن آش صبحانه، درحالی‌که قصعه‌اش دستم بود و داشتم از پله‌ها بالا می‌رفتم پایم لیز خورد و افتادم. موقع افتادن نگران آش بچه‌های گروه بودم، به‌همین دلیل دستانم را بالا آوردم و طوری‌که آش نریزد روی پله‌ها سر می‌خوردم سمت پایین. کمی از آش داغ روی سرو صورتم ریخت. فکر سوزش سرو صورتم نبودم، فقط نگران آشی بودم که ریخته شده بود. به‌سختی خودم را بلند کردم. با ناراحتی داشتم به پله‌ها و بالای آن نگاه می‌کردم که حسن محمدی را دیدم. او بالای پله‌ها ایستاده بود و داشت به من نگاه می‌کرد

آزاده نوجوان



نویسنده: مسعود قربانی

ویراستاران: فرزانه قلعه قوند، افسانه گودرزی

صفحه آرایی و صفحه بندی: افسانه گودرزی

تصویرگر و طراح چاپ: افسانه گودرزی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تعداد صفحات: ۱۶۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۹۱-۶

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

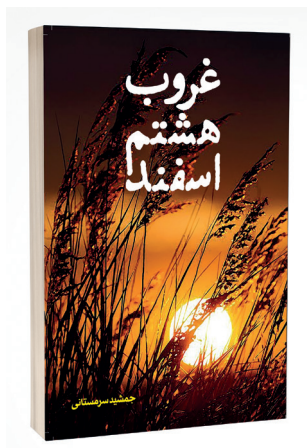
گزیده‌ای از محتوای کتاب

من نوجوانی کم سن و سال بودم و به لحاظ جسمانی نیز جثه‌ای ضعیف و نحیف داشتم. لذا در جواب سؤالی که چرا با این سن و سال آمدی جبهه؟ به اجبار بوده یا داوطلبانه؟ و وقتی جواب دادم داوطلب بسیجی هستم و هم در جواب سؤالات دیگر در مورد اطلاعات نظامی که گفتم اطلاعی ندارم، با ضربات کابل و سیلی از من پذیرایی کردند.

هوا تاریک شد. همگی به صف شدیم. مجدداً عراقی‌ها آمارگیری توأم با ضرب و شتم انجام دادند و برای استراحت رفتند. در این فاصله زمانی، ما توانستیم با همان وضع تیمم کنیم و نماز مغرب و عشاء را بخوانیم. نمازهایی با همان لباس‌های نظامی پاره و پر از گرد و خاک، بعضی‌ها آغشته به خون، نه مهری، نه فرشی، نه سجاده‌ای و نه محیط خنکی! با تعیین جهت قبله، به‌طور حدسی، در آن وضعیت بسیار سخت، با همین سادگی

با خدای خویش به راز و نیاز می پرداختیم. بعضی ها دم به دم وارد می شدند و ما را به شدت کتک می زدند. کسی خوابش نمی برد. اصلاً مگر می شد در آن اوضاع خوابید. هرکسی در جایش نشسته و با خدا درد دل می کرد. باورش برایمان سخت بود که اسیر شده ایم. بالأخره اولین شب جهنمی به سختی سپری شد.

غروب هشتم اسفند



نویسنده: جمشید سرمستانی

ویراستار: نرگس کاوند

صفحه آرایی و صفحه بندی: افسانه گودرزی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

تعداد صفحات: ۵۳۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۷۶-۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

غروب هشتم اسفند روایت جمشید سرمستانی، آزاده آبادانی، اما بوشهری الاصل است. هم‌اردوگاهی‌هایش در اسارت او را با نام مسلم سرمستانی می‌شناسند.

جمشید سرمستانی اولین بار در تابستان ۱۳۶۱ خودش را به جبهه‌های جنگ رساند و دومین بار نیز در زمستان سال ۱۳۶۱، پیش از عملیات والفجر مقدماتی، به جبهه رفت. عملیات والفجر ۱ سومین مقصد جمشید نوجوان برای پیوستن به جنگ بود. سرانجام او در غروب روز هشتم اسفند ۱۳۶۲، وقتی که فقط ۱۶ سال سن داشت، در جبهه هورالعظیم یا هورالهویزه و در عملیات خیبر به اسارت درآمد.

مقصد بعدی جمشید سرمستانی یک هفته پس از به اسارت درآمدن، اردوگاه موصل ۲ بود که پس از آن به اردوگاه خیبری‌ها معروف شد.

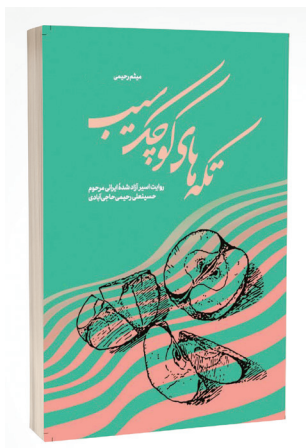
این آزاده سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های موصل ۲، رمادی ۲ معروف به کمپ ۷ یا بین القفصین و تکریت ۵ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

یکی از خورش‌هایی که می‌خوردیم، خورشی بود که هنوز هم گوشت آن برایمان ناشناخته است. این گوشت، از رشته‌های به هم چسبیده‌ای - کمی قطورتر از کش قیطانی - تشکیل شده بود که لایه‌های رویی هر تکه‌ی آن، بعد از پخت، از لایه‌های زیری جدا و رشته‌رشته می‌شد. استخوان برش خورده‌ی آن، آن قدر کلفت بود که هیچ شباهتی با استخوان گاو یا شتر نداشت. گاهی بچه‌ها به شوخی می‌گفتند: "اگه نسل دایناسورها از بین نرفته بود، تکلیفمون روشن بود؛ چون مطمئن می‌شدیم که این، گوشت دایناسوره!"

در آن‌جا شنیده بودم که در بعضی اردوگاه‌ها گوشت اسب می‌پختند. گوشت پخته‌ی اسب را ندیده‌ام، ولی چیزی که برایم روشن است، این است که آن چیزی که به ما می‌دادند گوشت اسب نبود چون که قطر استخوان آن از قطر استخوان اسب و گاو بیش‌تر بود. قسمت‌هایی از آن مزه‌ای تلخ داشت و چنان بدمزه بود که در موقع خوردن آن، نزدیک بود بالا بیاورم.

تکه‌های کوچک سیب



نویسنده: میثم رحیمی

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: افسانه گودرزی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

تعداد صفحات: ۳۴۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۵-۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

تکه‌های کوچک سیب روایت مرحوم حسینعلی رحیمی حاجی‌آبادی، آزاده‌ای از روستای حاجی‌آباد، از توابع نجف‌آباد اصفهان است.

حسینعلی رحیمی حاجی‌آبادی در سال ۱۳۴۲، در خانواده‌ای روحانی و مبارز چشم به جهان گشود و در خرداد ۱۳۵۷ بعد از قبولی در پایه سوم راهنمایی، به سفارش پدرش، به مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان رفت. ۱۶ ساله بود که مبارزات مردم علیه رژیم طاغوت شدت گرفت و او با تعطیل شدن حوزه در راهپیمایی علیه شاه شرکت می‌کرد ...

با شروع جنگ تحمیلی، حسینعلی در سال ۱۳۶۰ به دارخوین رفت و پس از آن در عملیات ثامن‌الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرکت کرد. او در ۱۷ آبان سال ۱۳۶۱، در عملیات محرم، در حالی که به شدت مجروح بود، به اسارت نیروهای دشمن درآمد و همسر تازه‌عقد شده‌اش، مادر، پدر و همه

خانواده‌اش را چندین سال به انتظار گذاشت.

این آزاده سال‌های اسارت خود را در اردوگاه عنبر (الانبار یا کمپ ۸) سپری کرد. مرحوم حسینعلی رحیمی در سال ۱۳۶۴ به دلیل مجروحیت شدید مبادله شد و به ایران بازگشت. طولی نکشید که برای مداوا به آلمان رفت و سرانجام در سحرگاه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰، مصادف با ۲۷ رمضان ۱۴۴۲ ه.ق، رنج اسارت را در این جهان گذاشت و به یاران شهیدش پیوست.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در دل شب، پای پیاده، از کنار کارون به عقب آمدم و نزدیکی‌های صبح رسیدم به محمدیه. به سنگر بهداری مراجعه کردم، ولی همین‌طور که می‌آمدم، به‌طرز معجزه‌آسایی، دل‌دردم از بین رفت و به آرامش خوبی رسیدم. چون قرار بود سنگر را تعمیر کنیم، بعد از خواندن نماز صبح حرکت کردم طرف سنگر. به سنگر حاج‌حسین خرازی که رسیدم از من پرسید: «حالت بهتر شد؟» گفتم: «شکر خدا، بله، خوبم.» گفت: «بیا در سنگر ما» گفتم: «نه، قرار بود با بچه‌ها سنگر را تعمیر کنیم.» در راه که می‌آمدم دیدم بچه‌های دیگر هم به من می‌گویند نمی‌خواهد به سنگر بروی. حسابی شک کردم و پیش خودم گفتم حتماً اتفاقی افتاده که چنین رفتاری دارند. به سنگر که رسیدم دیدم کاملاً خراب شده است. ظاهراً بعد از رفتنم خمپاره‌ای به سنگر اصابت کرده بود. الوارهای چوبی کاملاً خرد شده بودند و حالتی تیز و برنده، مثل نیزه، پیدا کرده و در قسمت‌های گوناگون بدن دوستان عزیزم فرو رفته بود. همگی به شهادت رسیده بودند. دیدن صحنه واقعاً برایم دردناک بود.

مثل صفحه شطرنج



نویسنده: صفر عبدالملکی

صفحه آرایی و صفحه بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان

نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

تعداد صفحات: ۵۴۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۸۲-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

مثل صفحه شطرنج روایت صفر عبدالملکی، جانباز و آزاده‌ای از توابع شهرستان الیگودرز است. او علاوه بر زندگی در منطقه جنگی و مبارزه با دشمن در قصر شیرین، در عملیات کربلای ۱ و ۵ نیز حضور داشت و سرانجام در حمله گسترده عراق به غرب ایران، تحت عنوان توکلت علی الله، که در ۲۴ تیرماه ۱۳۶۷ به وقوع پیوسته بود، همراه با تعدادی از رزمندگان به اسارت درآمد. او ابتدا به زندان العماره منتقل شد و مدت ۱۲ روز را در آنجا سپری کرد. مقصد بعدی صفر عبدالملکی زندان الرشید بغداد و اردوگاه بعقوبه بود. صفر عبدالملکی، پس از حدود دو ماه بعد، در شهریور ۱۳۶۷، به اردوگاه اسرای مفقودالاثر تکریت ۱۵ منتقل شد و اسارتش تا پایان از خانواده و ۶ فرزندش مخفی ماند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

خون مانند لوله آفتابه از دست و پا و سر و سینه‌ام زمین می‌ریخت. هیچ

احساس درد نداشتم. فکر می‌کردم افرادی که با من هستند مثل من خون‌آلود جلو می‌روند. یک‌آن وسوسه شدم نگاهی به اطراف بیندازم و نگاهی به هم‌رم‌های خود کنم. هم‌رم‌می ندیدم! آخرین بار فرمانده گردان و گروهان و نیز چند مسئول دسته کنارم بودند، اما حالا از هیچ‌کدام خبری نبود. مثل اینکه ساعت‌هاست در بیابان‌های شهر بصره به‌تنهایی جلو رفته‌ام! یادم بود آخرین فشنگ تفنگم را هم شلیک کرده بودم. اولین نیرویی هم که در جنگ تن‌به‌تن سرنیزه‌اش را بیرون کشید من بودم، اما حالا درحالی‌که حتی یک جای کوچک هم در بدنم سالم نبود، در بیابان تنهای‌تنها مانده بودم روبه‌رویم عراقی، پشت‌سر هم عراقی ...

مجموعه ۳ جلدی سفری کوتاه به اردوگاه‌های موصل، رمادی، تکریت



نویسنده: فرزانه قلعه‌قوند

ویراستار: طاهره کیانی

صفحه آرایی و صفحه‌بندی:

افسانه گودرزی و مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ:

سیدایمان نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

تعداد صفحات: ۳۱۶/۲۰۸/۱۲۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۷۹-۷ / ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۸۱-۷

۰-۸۰-۸۲۲۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

پژوهش و نگارش کتاب سفری کوتاه به اردوگاه‌های موصل، رمادی و تکریت را فرزانه قلعه‌قوند به‌عهده داشته است.

این کتاب به شناسایی اجمالی آزادگان اردوگاه‌های موصل و محل نگهداری آنها، معرفی مختصر اطلاعات مشترک همه اردوگاه‌ها، اطلاعات آماری تأییدشده، کتاب‌شناسی تفکیک‌شده هر اردوگاه و روزشمار دوران اسارت می‌پردازد.

اهمیت این کتاب، علاوه‌بر پژوهشی‌بودن آن، کوتاه‌بودن مطالب برای استفاده سریع و آسان علاقه‌مندان، پژوهشگران و هنرمندان است. این ۳ مجموعه در ۲۱ جلد کتاب پالتویی (برای هر اردوگاه یک جلد) نیز به چاپ

رسیده است.

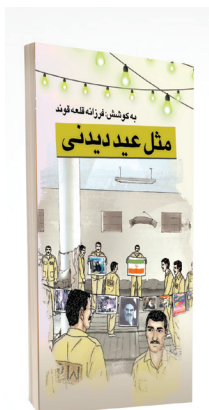
پراکندگی اطلاعات و کمبود مطالب در آثار گوناگون مکتوب حوزه اسارت، انتقال تعداد زیادی از آزادگان به چندین اردوگاه و گاهی درهم آمیختگی روایت‌ها و رویدادها امکان دسترسی به اطلاعات اردوگاه‌ها به‌ویژه برای علاقه‌مندان ناآشنا با پیچیدگی‌های دوران مقاومت^۱ را سخت و گیج‌کننده کرده است. به‌طور کلی هنگام مواجهه با درخواست پژوهشگران، رسانه‌ها، هنرمندان و ... برای دستیابی به مجموعه‌ای کوتاه و منسجم از اطلاعات، که حاوی معرفی افراد فعال و خاص و ذکر اجمالی هر اردوگاه باشد، خلأ و فقدان منبع اطلاعاتی مستند بیشتر لمس می‌شد؛ این امر موجب شد تا برای تهیه این کتاب اقدام کنم.

این کتاب حاصل ماه‌ها جست‌وجو در آرشیو اسناد و اطلاعات مؤسسه پیام آزادگان، مطالعه بیش از ۳۵۰ فایل مصاحبه و ۵۰ جلد کتاب و همچنین گفت‌وگوی تلفنی یا حضوری با حدود ۵۰ آزاده است.

بی‌تردید گذشت زمان، کهنلت سن، بیماری و تبعات ناشی از دوران اسارت موجب شده است تا آزادگان عزیز اسامی همبندی‌های خود و بخشی از رویدادها و زمان و مکان آنها را به‌درستی به‌خاطر نداشته باشند و در بازگویی آن دچار اشتباه شوند، لذا پس از بررسی اطلاعات گردآوری شده، تناقضاتی مشاهده شد که در این مکتوب سعی بر این شد تا آمار و ارقام و رویدادهایی که بیشتر از همه بازگو شده بودند مدنظر قرار بگیرد.

از آنجایی که در کتاب‌ها، خاطرات و روایت‌های به‌جامانده و حتی مصاحبه‌های قدیمی، که در آرشیو اسناد و اطلاعات مؤسسه نگهداری می‌شود، به اسم کامل آزادگان، زمان، مکان و جزئیات رویدادها توجه زیادی نشده بود

مثل عید دیدنی



نویسنده: فرزانه قلعه قوند

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرایی و صفحه بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: سیدایمان نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

تعداد صفحات: ۹۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۷۷-۰

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

آنچه در مثل عید دیدنی می خوانید، فقط گوشه هایی از تلاش فرزندان این آب و خاک را برای احیای مناسبت های ملی و مذهبی نشان می دهد، فرزندان سربلندی که در دل دشمن اسارت را به بند کشیدند و آزاده به وطن برگشتند.

فقط بخش کوچکی از بزرگداشت دهه مبارکه فجر را در غربت خوفناک اسارت نشان می دهد این کتابچه به اهتمام فرزانه قلعه قوند به نگارش درآمده است.

گزیده ای از محتوای کتاب

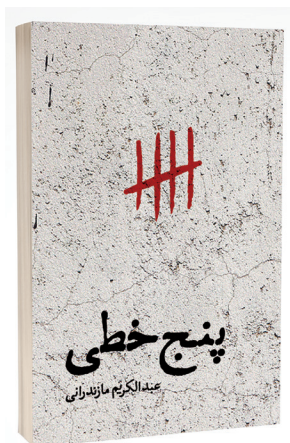
با هماهنگی مسئول روزنامه^۱، تصویر کوچکی را از روزنامه ای درآوردیم، این تصویر از دل یکی از راه پیمایی های ایران برداشته شده بود. عکس امام

۱. در اسارت هر کدام از بچه ها مسئول کاری بودند، مسئول رادیو، تحلیل خبر و ...

راحل^(ره) در قطعه بسیار کوچکی چاپ شده بود، از این رو مجبور شدم آن را جدول‌گذاری کنم. پس از آن تصویر را روی پارچه‌ای با ابعاد ۱۰۰×۷۰ کشیدم. چندین روز وقت برد تا تمام شد. برای برنامه‌های دهه فجر، تصویر را تحویل مسئولان اردوگاه دادم. قرار شده بود تصویر نقاشی شده، بین آسایشگاه‌ها دست‌به‌دست شود. بچه‌ها حسابی روحیه گرفته بودند. حال و هوای دهه فجر بسیار به همه چسبید.

حدود یک هفته پس از پایان مراسم جشن‌های انقلاب، بالأخره سوژه لو رفت؛ سربازان عراقی آمدند سراغم ...

پنج خطی



نویسنده: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ: حسین جعفری

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

تعداد صفحات: ۴۷

شابک: ۷-۷۸-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب و راوی

پنج خطی خاطراتی است که

عبدالکریم مازندرانی، آنها را روایت می‌کند. عبدالکریم، در ۱۵ سالگی، برای اولین بار به جبهه رفت و در عملیات مطلع‌الفجر در ارتفاعات شیاکوه مجروح شد. عملیات بیت المقدس، رمضان، محرم، والفجر ۴ و سرانجام کربلای ۵ عملیاتی بودند که او در آنها حضور داشته است. فکه و هزارقله میروآن هم مقصد اعزامهای تبلیغی او بود.

عبدالکریم مازندرانی، صبح روز ۱۲ اسفند ۱۳۶۵ با دو بسیجی دیگر، که در محاصره یک گردان تانک و نفرات پیاده قرار داشتند، درحالی که دو هم‌رزمش به شهادت رسیده بودند و خود نیز به‌سختی مجروح بود، به اسارت دشمن درآمد. استخبارات شهر بغداد و زندان الرشید مقصد بعدی او بود. عبدالکریم مازندرانی بقیه سال‌های اسارتش را در اردوگاه‌های مفقودین تکریت ۱۱ و اردوگاه ۱۸ (بعقوبه) سپری کرد.

فعالیت‌های عبدالکریم در اسارت به‌طور عمده معطوف به سخنرانی‌های

دینی و اعتقادی و سیاسی بود. تدریس عربی، آموزش قرآن و انتشار نشریه در خفقان شدید اردوگاه بخشی از فعالیت‌های اردوگاهی ایشان بود. در ماه آخر اسارت مسئولیت فرهنگی اردوگاه بعقوبه نیز از موارد مهم کارنامه تبلیغی ایشان است.

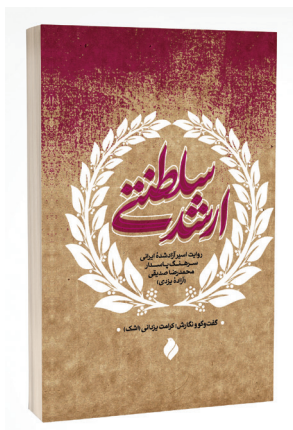
گزیده‌ای از محتوای کتاب

ناسلامتی بیستمین سال تولدم بود؛ چی فکر می‌کردم، چی شد! منتظر شمع و کیک که نبودم، ولی به ذهنم هم نمی‌رسید تولدم را با آتش‌باران جنگ جشن بگیرم!

درست ساعت ده شب روز ۱۲ اسفند ۱۳۶۵ دستور شروع عملیات ابلاغ شد. واحد مکانیزه، وظیفه حمل مهمات را به‌عهده داشت. با بار مهمات و بسیجیانی که داخل دو نفربر بودند، زیر آتش شدید دشمن جلو می‌رفتیم. اول انفجار و بعد توقف! تا به خودم بیایم حس کردم جایی را نمی‌بینم. تمام سر و صورتم پر شده بود از ترکش.

وقتی از نفربر خارج شدم، دقیقاً وسط میدان مین بودیم!

ارشد سلطنتی



نویسنده: کرامت یزدانی (اشک)

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرایی و صفحه بندی: افسانه گودرزی

تصویرگر و طراح چاپ:

سیدایمان نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

تعداد صفحات: ۴۷۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۷۴-۹

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب و راوی

ارشد سلطنتی روایت سرهنگ پاسدار محمدرضا صدیقی، آزاده یزدی، یکی از فرماندهان تیپ ۱۸ الغدير یزد است و مصاحبه و نگارش آن را کرامت یزدانی (اشک) به عهده داشته است. محمدرضا صدیقی اولین بار در اواخر سال ۱۳۶۰ به عنوان بسیجی ویژه به جبهه جنوب رفت و پس از آن در عملیات فتح المبین، بیت المقدس، خیبر، والفجرمقدماتی و عملیات بدر شرکت کرد. او در ۲۳ اسفندماه ۱۳۶۳ خورشیدی، در عملیات بدر، با برادر کوچکش عباس و با تنی زخمی به اسارت درآمد.

این آزاده سالهای اسارت خود را در اردوگاههای رمادی ۳ (کمپ ۹)، عنبر (الانبار یا کمپ ۸) و تکریت ۱۷ سپری کرد.

سید آزادگان، مرحوم ابوترابی، در مورد ایشان فرمودند:

«در اسارت افراد زیادی بودند که مانند برادر بسیار عزیزم، آقای صدیقی،

به جز اسارت کشیدن، خودشان را سپر حمایتی برای دیگر آزادگان قرار دادند.»

گزیده‌ای از محتوای کتاب

مهدی کلوشانی، از بچه‌های اصفهان، موقع گرفتن آمار صدای گنجشک درآورد. یکی از چشم‌های مهدی مصنوعی بود. هیچ‌کس متوجه نمی‌شد که او صدا درمی‌آورد. فکر می‌کردیم واقعاً گنجشکی توی آسایشگاه است. من هم که کنارش بودم به‌سختی متوجه شدم.

سربازان و درجه‌دار عراقی به همه‌طرف نگاه می‌کردند و چیزی نمی‌دیدند. حسابی رفته بودند سرِ کار. دنبال صدا می‌رفتند و هر کار می‌کردند تا گنجشک را پیدا کنند نمی‌توانستند.

مهدی هم عادی نشسته بود و صدایش را قطع نمی‌کرد. عراقی‌ها ناامید شدند و رفتند بیرون. مهدی باز هم ادامه داد. عراقی‌ها از پنجره به داخل نگاه می‌کردند، ولی باز متوجه نمی‌شدند تا اینکه کلاً رفتند. بعدش مهدی زد زیر خنده؛ به او گفتم:

- مهدی! آخه این چیکاری بود که کردی؟ اگه می‌فهمیدن، پدرمون رو درمی‌آوردن.

همان‌طور که می‌خندید گفت:

- قسم می‌خورم اگه تا شبم بودن، نمی‌فهمیدن!

گل کاشتی عباس

گفت و گو و نگارش: فرزانه قلعه‌قوند

نوبت و سال چاپ: ۱۴۰۱

ویراستار: طاهره کیانی

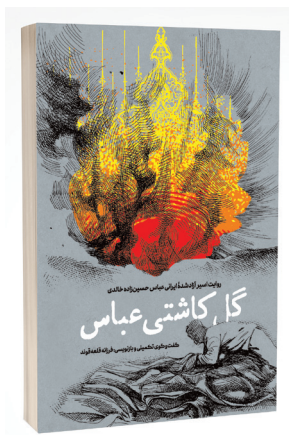
حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۲۲۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۷۴-۹

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره



معرفی کتاب و راوی

گل کاشتی عباس روایت عباس حسین‌زاده‌خالدی آزاده بی‌ادعای تهرانی است. اصالت این آزاده ریشه در خالدآباد نطنز از شهرهای استان اصفهان دارد.

عباس حسین‌زاده‌خالدی سال ۱۳۶۵ برای خدمت مقدس سربازی به جبهه رفت و سرانجام، ساعت ۵ صبح چهارم تیرماه ۱۳۶۷ درحالی‌که فقط ۴۵ روز با پایان خدمت فاصله داشت در منطقه شهابیه به اسارت درآمد. این آزاده سال‌های اسارت خود را در اردوگاه اسرای مفقودالاثر تکریت ۱۱ و در بی‌خبری خانواده سپری کرد.

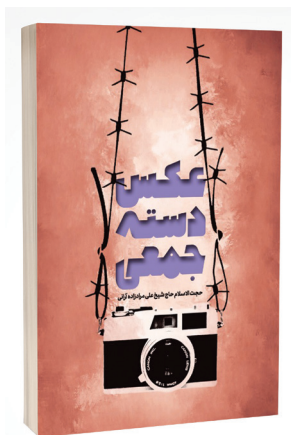
کتاب **گل کاشتی عباس** دارای ۴ فصل، ۵ صفحه ضمیمه و ۸ صفحه اعلام است. این کتاب در فصل اول به کودکی و نوجوانی، در فصل دوم به دوران جنگ، در فصل سوم به اسارت و در فصل چهارم به آزادی می‌پردازد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

«دراز بکش و پاهایت را بالا بگیر تا با کابل فلکت کنه.»
چاره‌ای نداشتم، دراز کشیدم، ولی فقط پای چپم را بلند کردم. وقتی خواست مرا فلک کند، گفتم: «چرا فقط یه پات رو بلند کردی؟»
- پای راستم مجروحه.

- پس به جای پای راست به پای چپت ده تا کابل می‌زنم.
آن وقت شروع کرد به کابل زدن. وقتی که تمام شد، بلند شدم. حبیب رو کرد به من و گفت: «حالا می‌خواد پنج تا به دست راست و پنج تا به دست چپت بزنه.» من، که از شدت درد پا در حال غش کردن بودم، مجبور شدم دستم را جلو بیاورم. او هم رحم نکرد و بدون تخفیف با کابل شروع کرد به زدن ...

عکس دسته جمعی



خاطره نگار: حسن کشانی آرانی

نوبت و سال چاپ: ۱۴۰۱

ویراستار: طاهره کیانی

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۴۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۷۳-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب و راوی

عکس دسته جمعی روایت حجت الاسلام

حاج شیخ علی مرادزاده آرانی، استاد حوزه و آزاده مفقودالاثر است. ایشان مثل بسیاری از نوجوانان مشتاق به جبهه راه دستکاری اصل شناسنامه را انتخاب کرد تا خودش را برای دفاع از دین و میهن به جبهه برساند.

شیخ علی مرادزاده آرانی در پنجم دی ماه ۱۳۶۵، در عملیات کربلای ۴ و در حالی که به شدت مجروح بود به اسارت درآمد. سالهای اسارت این آزاده و جانباز اصفهانی، در اردوگاه مفقودین تکریت ۱۱ و در بی خبری خانواده سپری شد ...

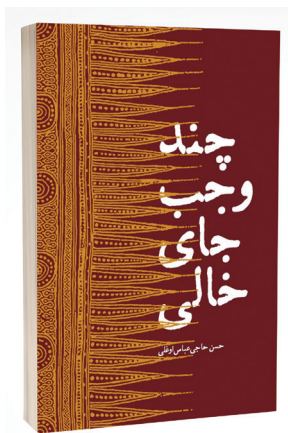
عکس دسته جمعی در سه فصل قبل از اسارت، اسارت و داستان طلبگی بعد از آزادی به نگارش درآمده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آهسته سرم را بلند کردم تا ببینم چه خبر است که ناگهان عدنان با لهجه

فارسی فریاد زد: «کچل، سرت را بگیر پایین!» فوراً سرم را پایین آوردم. در همین حین، که صدایش قطع شد، یک مرتبه چیزی مثل آهن به سرم فرود آمد و صدای عجیبی کرد. نگو، موقعی که عدنان به من گفت سرت را بگیر پایین، همان لحظه هم به قصد زدن به سمت من حرکت می‌کند، اما چون پشت سرم بود، او را ندیدم. کابل را آن‌چنان محکم بر فرق سرم فرود آورد که فکر کردم کور شده‌ام. دستم را روی زمین گذاشتم و متوجه شدم که واقعاً نمی‌توانم چیزی را ببینم

چند وجب جای خالی



نویسنده: حسن حاجی عباس اوغلی

نوبت و سال چاپ: ۱۴۰۱

ویراستار: طاهره کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۰۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۷۲-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب و راوی

چند وجب جای خالی روایت

حسن حاجی عباس اوغلی آزاده تبریزی است. حسن دوازده‌ساله بود که جنگ شروع شد. چند سال پس از جنگ، در ۱۸ مهرماه ۱۳۶۶ برای خدمت مقدس سربازی به جبهه رفت. در منطقه با اصرار خودش در لیست رزمندگان عازم به خط مقدم جبهه قرار گرفت و سرانجام روز ۲۱ تیرماه ۱۳۶۷ در دهلران به اسارت درآمد. این آزاده سرافراز سال‌های اسارت خود را در اردوگاه رمادی ۶ سپری کرد.

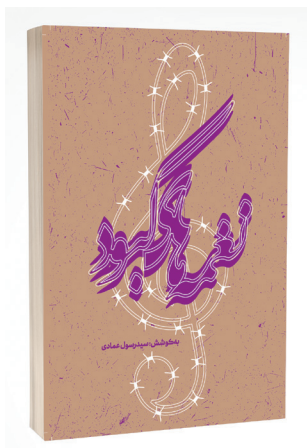
چند وجب جای خالی در ۹ فصل به‌اضافه ۱۲ صفحه آلبوم خاطرات به‌نگارش درآمده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

گروه‌بان گفت: «بچه‌ها، اونجا رو نگاه کنین، نجات پیدا کردیم، نیروهای خودی‌ان، فکر کنم سپاهی‌ان، چون لباس سبز دارن.» از میان دود و خاک، گفته‌های گروه‌بان زیاد اعتماد‌کردنی نبود؛ باین‌حال، چون لشکری بود که

از روبه‌رو به‌طرف ما می‌آمد و عراقی‌ها هم از پشت سر به‌دنبال ما بودند، چاره‌ای جز نزدیک شدن به آنها نداشتیم. با نزدیک‌تر شدن لشکر، پرچمشان را تشخیص دادم و با ناراحتی و عصبانیت گفتم: «آقا، زیاد مطمئن نباش، ستاره‌های روی پرچمشون رو ببین.» دنیا روی سرم خراب شد، گویی دیگ آبِ جوشی را روی سرم ریخته باشند
لشکر دشمن گروه سه‌نفری ما را احاطه کرد، درحالی‌که جسمی بی‌رمق و سلاحی خالی از فشنگ داشتیم ...

نغمه‌های کبود



به کوشش: سید رسول عمادی

ویراستار و تطبیق‌دهنده: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: مریم مردانی

تصویرگر و طراح چاپ:

سیدایمان نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

تعداد صفحات: ۳۴۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۷۰-۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: شعر

معرفی کتاب

کتاب مستند نغمه‌های کبود حاوی سرودهای اردوگاهی است که سیدرسول عمادی آنها را گردآوری کرده است.

بدون تردید سرودهای اردوگاهی ارزش موقعیتی بالایی دارد که در آن دوران بسیار فراتر از تمام کاستی‌های ادبی و هنری بوده است. اشعاری که در نهایت محرومیت و تحریم ازجمله در نوشت‌افزار و به‌دوراز چشم نگهبانان عراقی اتفاق می‌افتاد.

آنچه مسلم است در اسارت حفظ روحیهٔ اسرا اهمیت داشت و زنده ماندنشان، نه چهارچوب‌های تعیین‌شدهٔ هنری و عروض و قافیه.

بدون تردید تئاتر و سرود یکی از ابزارهای پیام‌رسانی و نوعی مبارزه با رخوت و روزمرگی بود که به اسرای در بند جانی تازه می‌بخشید و خون زندگی را در رگ‌های خشکیده‌شان به حرکت درمی‌آورد.

بوسه بر دست استاد

نویسنده: فرزانه قلعه‌قوند

گفت‌وگو و مصاحبه: مجید ذوالفقاری، فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: افسانه گودرزی

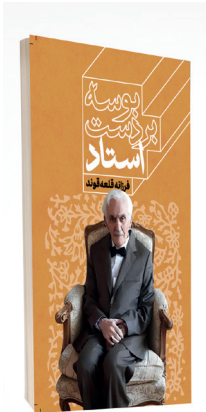
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

تعداد صفحات: ۸۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۶۷-۱

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره



معرفی راوی

مرحوم دکتر سیدعلی خالقی، آزاده تهرانی،

بعداز اخذ دیپلم از مدرسه دارالفنون، در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان پذیرفته شد. ایشان سال ۱۳۴۲ برای گرفتن تخصص به کانادا رفت و موفق به اخذ مدرک فوق‌تخصص ارتوپدی شد. مدتی در همان کشور مشغول به کار شد، اما با همه تلاش وزارت بهداشت کانادا برای ماندن ایشان در آن کشور، دکتر به ایران بازگشت. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، گروه چهارنفره‌ای از پزشکان به منطقه جنگی رفتند. آنها ۱۹ مهرماه ۱۳۵۹، پس از پایان مأموریتشان، در هنگام برگشت به اسارت درآمدند. سال‌های اسارت ایشان در زندان ابوقریب و اردوگاه‌های موصل ۱ و ۲ سپری شد.

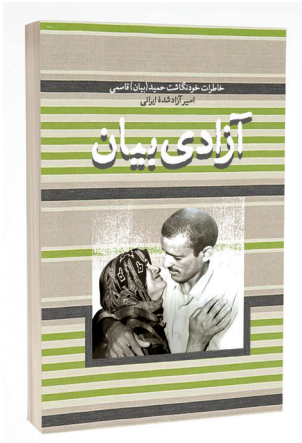
دکتر خالقی، بعداز آزادی، در بیمارستان ساسان تهران مشغول طبابت شدند و از آن‌پس بیمارستان ساسان شد پناهگاه آزادگان. سرانجام دکتر سیدعلی خالقی، پس از عمری تلاش و مجاهدت، در ۲۷ اردیبهشت سال

۱۴۰۰ در جوار معبودش آرام گرفت.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

نماینده صلیب از جایش بلند شد و به دکتر خالقی گفت: «من رفتم و تحقیق کردم، روش شما برای گنج گرفتن بسیار روش صحیحی بوده؛ جالبه که یکی از پزشکان صاحب نظر ما به تازگی کتابی را تألیف کرده و همین نظر شما رو به عنوان یه ایده جدید و تز خودش معرفی کرده، ولی شما مدت هاست گوشه اسارت با این روش درمان می کنید ...» بعد در مقابل نگاه مات و مبهوت دکتر عراقی به دکتر خالقی تعظیم کرد!

آزادی بیان



نویسنده: حمید قاسمی

ویراستار و تطبیق استنادی: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: افسانه گودرزی

نوبت چاپ: اول/ ۱۴۰۰

تعداد صفحات: ۱۴۸

شابک: ۹۷۸-۶۰-۸۲۲۰-۶۸-۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی راوی

آزادی بیان روایت حمید قاسمی آزاده روستای ماه‌نشان زنجان است. حمید اولین بار، وقتی که پانزده‌ساله بود، در عملیات خیبر شرکت کرد. او سرانجام، در سال ۱۳۶۴ با سیزده نفر دیگر از دوستان و هم‌زمانش به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های رمادی ۷ و ۹ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

- خنده‌های مهارنشده‌ای از بین جمع بلند می‌شود. دستی جوراب پوشیده از پشت ملافه کنارِ صدام بالا می‌برد.

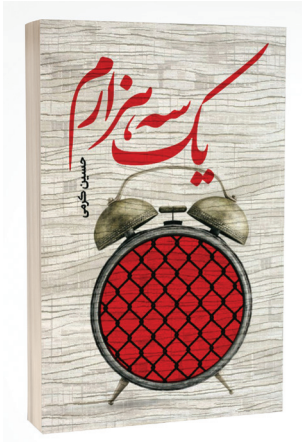
- جون خودوم ترسیدوم. والله ترسیدوم، اما سی قیافه نحس تو نه که، سی این خالهایی که می‌بندی. دست خودتم نیستا، ایی طوری بار او مدی؛ کلاً تو خالی‌بندی، مترسکی.

صدام خم می‌شود و نگاهی عاقل‌اندرسفییه به او می‌اندازد.

- تو از کجا پیدات شد؟

- مو؟ مو از کجا پیدام شد؟ ایی تو بودی که پیدات شد کوکا، نه مو، مو که توی
خونه و زندگی خودوم بودوم.

یک سه هزارم



نویسنده: حسین کرمی

صفحه آرایی و صفحه بندی: افسانه گودرزی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

تعداد صفحات: ۸۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۶۴-۰

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

یک سه هزارم گزارشی کوتاه از مأموریت

بلند آزادگان سرافرازی است که هرگز دست روی دست نگذاشتند و سال‌های سال با دست‌های بسته در خاک دشمن و در قفس اسارت از مبارزه، تلاش، خودسازی و کشف تازه‌هایی که زندگی سخت را برایشان سهل و ممکن می‌ساخت دست برنداشتند.

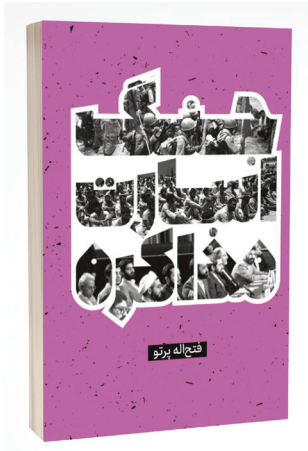
حسین کرمی، که اکنون بیش از پیش دغدغه مستندنگاری و مستندسازی آن‌روزها را با خود دارد، این بار تصمیم گرفت نگاهی اجمالی از هزارتوی اسارت به جامعه بنمایاند تا علاقه‌مندان این عرصه و هنرمندان، که گاه و بیگاه در صدد ساختن فیلم و آثار هنری‌اند، بتوانند با قطره‌ای از اقیانوس دوران اسارت آشنا شوند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بیمار شدن در شب ممنوع بود، زیرا به هیچ وجه امکان خروج از آسایشگاه نبود، اما برخی اوقات، با اصرار و پیگیری زیاد اجازه می‌دادند که یک اسیر سالم بیمار بدحال

را کول و به درمانگاه منتقل کند. بیمارانی که به دلیل وخامتِ حالشان از آسایشگاه خارج می‌شدند و آنهایی که کولشان می‌کردند بعداً تعریف می‌کردند که در حین رفتن به درمانگاه مخفیانه نگاهی به آسمان کرده‌اند و کلی ستاره دیده‌اند. آنها آن قدر تصاویر ستارگان را خوب توصیف می‌کردند که هرکسی آرزو می‌کرد حالش در شب وخیم شود و یا برای کول کردن بیماری انتخاب شود تا بتواند ستاره‌ای ببیند.

جنگ، اسارت، مذاکره



نویسنده: فتح‌اله پرتو

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۰

ویراستار: طاهره کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۴۱۰ صفحه

شماره شابک:

۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۲۲۰ - ۵۵ - ۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب، معرفی راوی یا نویسنده

کتاب جنگ، اسارت، مذاکره به اهمیت

حضور بیش از ۴۰ هزار اسیر جنگی در اردوگاه‌های عراق می‌پردازد. تأثیری که می‌توان آن را در سیاست‌گذاری‌ها، اتاق فکر جنگ، مذاکرات دوران جنگ و نیز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ جست‌وجو کرد.

این کتاب براساس طرحی پژوهشی تدوین شده است و فتح‌اله پرتو پژوهش و نگارش آن را در ۴ فصل برعهده داشته است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

از فردای پذیرش قطعنامه ۵۹۸، که حضرت امام (ره) وزارت خارجه را مسئول مذاکره با عراق نمود (ولایتی، ۱۳۸۰: ۲۸۶)، مذاکرات طولانی سه‌جانبه (ایران - دبیرکل سازمان ملل متحد - عراق) شکل گرفت که درنهایت، با نامه آخر صدام به مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و قرائت آن در ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ از رادیو بغداد، پذیرش شروط ایران صورت گرفت و اسرای

طرفین از ۲۶ مرداد تبادل شدند.

ایران در طول این ۲۵ ماه همچون دوران جنگ بر شروط ذیل تکیه داشت و به هیچ وجه تحقق آنها را وجه المصلحه هیچ شاخص دیگری قرار نمی داد و این مؤلفه ها عبارت بودند از:

۱. عقب نشینی عراق به پشت مرزهای بین المللی و حفظ تمامیت ارضی ایران،

۲. به رسمیت شناختن مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام و پذیرش خط تالوگ در اروندرود توسط عراق و

۳. مشخص شدن رسمی عراق به عنوان متجاوز و پرداخت غرامت جنگ.

نگاره نگاشت؛ جلد ۱

پدیدآورندگان: فریبرز خوب‌نژاد، فرزانه قلعه‌قوند، ندا اسمعیلی

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: ندا اسمعیلی

تدوین و برنامه‌ریزی: فرزانه قلعه‌قوند

طراح گرافیک: سیدایمان نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

تعداد صفحات: ۸۳۸

شابک دوره: ۲-۵۷-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛

شابک جلد ۱: ۹-۵۸-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی



معرفی کتاب

مجموعه چهارجلدی نگاره‌نگاشت دربرگیرنده تصاویر آزادگان جنگ تحمیلی و برخی از اطلاعات مهم مربوط به دوران اسارت است که با هدف معرفی آزادگان هر استان و استفاده سریع از اطلاعات عمومی آزادگان تهیه شده است.

خروجی مستندات، برنامه‌نویسی و نگارش این کتاب براساس طرحی از فروردین ۱۳۹۴ آغاز شد و در بهمن سال ۱۳۹۹ به پایان رسید. به‌علت پراکندگی جامعه هدف و دسترسی‌نداشتن به همه آزادگان، ناگزیر برای دستیابی به کامل‌ترین اطلاعات و آمار، در این کتاب به فرم‌ها و اسناد صلیب‌سرخ و ستاد آزادگان استناد شده است.

در این کتاب، علاوه بر ۴ جلد کلی، خروجی‌های استانی (استان محل تشکیل پرونده) و اردوگاهی (اولین اردوگاه محل اسکان هر آزاده) نیز

کتابنامه آزادگان/ ۱۰۱

به چاپ رسیده است:

جلد اول استان‌های: آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، اصفهان، البرز،
ایلام، بوشهر

نگاره نگاشت؛ جلد ۲

پدیدآورندگان: فریبرز خوب‌نژاد، فرزانه قلعه‌قوند، ندا اسمعیلی

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: ندا اسمعیلی

تدوین و برنامه‌ریزی: فرزانه قلعه‌قوند

طراح گرافیک: سیدایمان نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

تعداد صفحات: ۹۲۹

شابک دوره: ۲-۵۷-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛

شابک جلد ۲: ۶-۵۹-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی



معرفی کتاب

جلد دوم استان‌های: تهران، شهرستان‌های استان تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسانی شمالی

نگاره نگاشت؛ جلد ۳

پدیدآورندگان: فریبرز خوب‌نژاد، فرزانه قلعه‌قوند، ندا اسمعیلی

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: ندا اسمعیلی

تدوین و برنامه‌ریزی: فرزانه قلعه‌قوند

طراح گرافیک: سیدایمان نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

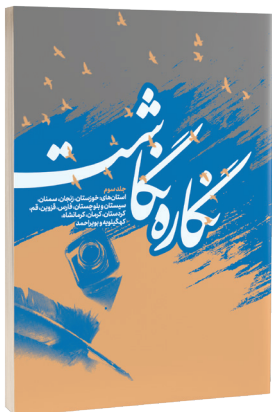
تعداد صفحات: ۹۸۶

شابک دوره: ۲-۵۷-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛

شابک جلد ۳: ۲-۶۰-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی



معرفی کتاب

جلد سوم استان‌های: خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان،

فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد

نگاره نکاشت؛ جلد ۴



پدیدآورندگان: فریبرز خوب‌نژاد، فرزانه قلعه‌قوند، ندا اسمعیلی

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: ندا اسمعیلی

تدوین و برنامه‌ریزی: فرزانه قلعه‌قوند

طراح گرافیک: سیدایمان نوری‌نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

تعداد صفحات: ۸۳۸

شابک دوره: ۲-۵۷-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛

شابک جلد ۴: ۹-۶۱-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

جلد چهارم استان‌های: گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی،

هرمزگان، همدان، یزد

الفبای اسارت



نویسنده: سید جمال الدین زهرایی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: طاهره کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۲۳۸

شماره شابک: ۱ - ۵۴ - ۸۲۲۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی یا نویسنده

الفبای اسارت ۵۴ روایت جذاب از

سید جمال الدین زهرایی، جانباز و آزادهای رنج‌کشیده، صبور، بی‌ادعا و متواضع، از استان فارس است.

سید جمال الدین در اولین اعزامش به خرمشهر رفت و به عملیات بیت‌المقدس پیوست. بعد از آن به عملیات محرم و ... سرانجام این رزمنده شجاع استان فارس در سال ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۱ به اسارت درآمد. فکة آخرین ایستگاه او در وطن بود ...

سال‌های اسارات این آزاده قهرمان در بیمارستان العماره و الرشید، اردوگاه‌های الانبار (کمپ ۸ یا عنبر)، رمادی ۲ (کمپ ۷ یا بین‌القفصین)، رمادی ۱۳، تکریت ۵ و موصل ۲ سپری شد و روایت‌های این کتاب در این اردوگاه‌ها اتفاق افتاده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ارشاد گفت: «مگر ما مریضیم که آن را خراب کنیم.»

ساعتی بعد، یک عراقی با کیفی پر از ابزار تعمیرات وارد اتاق شد. تلویزیون را، که حالا مثل گاو سامری برای آنها مقدس شده بود و برای ما بوی فساد می داد، در اختیارش گذاشتند. وَ جَعَلْنَا ... می خواندم و صلوات و هرچه ذکر می دانستم تا این تعمیرکار ایراد نگیرد و داستان ختم به خیر شود. او تلویزیون را باز کرد و نگاهی به دکمه ها و سیم برق و دیگر قسمت هایش انداخت. خداوند کمک کرد و دعاها مؤثر واقع شد و متوجه آب ریخته شده روی سیستم نشد. به فرمانده اش گفت: «دست کاری نشده، سیستمش سوخته؛ ممکنه به خاطر نوسان برق از کار افتاده باشد.» پشت آن را بست و گفت: «حالا هرچه دستور می دهید.»

مسئول نگهبان ها ارشد را صدا زد

دانشنامه آزادگان

پدیدآور: شورای علمی دانشنامه آزادگان (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی و مؤسسه فرهنگی هنری پیام آزادگان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

دبیر علمی: دکتر منوچهر اکبری

معاون دبیر علمی و کارشناس دبیرخانه:

مسعود امیرخانی

ویراستار ادبی: دکتر اصغر اسمعیلی

داور محتوایی: حسن بهشتی پور

بازبینی نهایی: فریبرز خوب نژاد

واژه نگار و صفحه آرا: فرشته اسدی جوزانی

تعداد صفحات: ۳۷۶

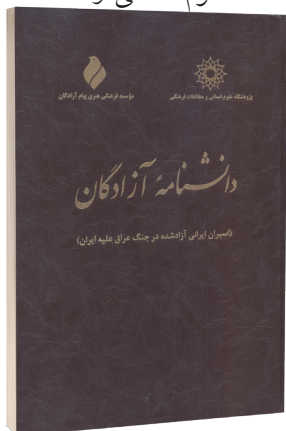
شماره شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۴-۶۲-۷

قطع کتاب: رحلی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

مؤسسه فرهنگی هنری پیام آزادگان بر پایه اهداف مندرج در اساسنامه و مفاد بیانیه مأموریت در سند چشم انداز ۱۴۰۴ خود، به منظور ثبت، نشر و ترویج فرهنگ مقاومت و آزادگان، در سال ۱۳۹۱ تدوین دانشنامه‌ای جامع در مورد آزادگان تدوین دانشنامه‌ای جامع در مورد آزادگان را با رعایت معیارهای علمی و متعارف دانشنامه نویسی، تحت اشراف بنیاد دانشنامه نگاری ایران وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دستور کار قرار داد. این کار در اوایل سال ۱۳۹۳ آغاز شد. دانشنامه آزادگان در واقع گام اولیه



و بنیادی است که با استفاده از روش‌های علمی مرسوم در دانشنامه‌نویسی و حفظ استانداردهای قابل قبول علمی برای چنین کاری، توانسته فرهنگ و سبک زندگی ایرانی-اسلامی آزادگان را در سنگر پنهان جهاد و استقامت در اردوگاه‌های اسارت بعثی‌های عراق در قالب مدخل‌های گوناگون در اختیار پژوهشگران و علاقمندان قرار دارد.

این کتاب با همکاری بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران تدوین شد و ۵۰ نویسندهٔ آزاده و غیرآزاده با استفاده از منابع مهم دوران مقاومت (اسارت) تحت نظارت و بازبینی مؤسسه پیام آزادگان به نگارش آن پرداخته‌اند.

صدای شکستن استخوان



نویسنده: حسن تاجیک شیر

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: طاهره کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۲۱۶

شماره شابک: ۰ - ۵۱ - ۸۲۲۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی یا نویسنده

صدای شکستن استخوان خاطرات

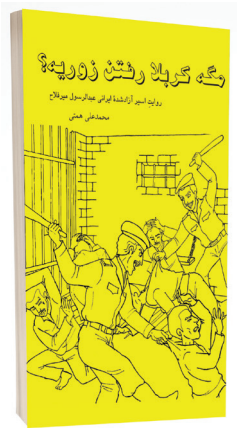
بدون اغراق حسن تاجیک شیر جانباز و آزاده‌ای بی‌ادعا و متواضع از روستای حسن جهازی فاریاب کرمان است که در ۵ فصل نوشته شده است. حسن تاجیک شیر در ۲۰ اسفند سال ۱۳۶۰ به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های الانبار (کمپ ۸ یا عنبر) سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در آمبولانس، من بودم و دو سرباز عراقی، که یکی راننده و دیگری نگهبان بود. وقتی از خیابان‌های شهر رد می‌شدیم، با دیدن مغازه‌ها و مردمی که در رفت‌وآمد بودند دلم برای آزادی تنگ شد. جلوی یک ساندویچ‌فروشی، آمبولانس ایستاد. راننده پیاده شد و رفت به طرف ساندویچ‌فروشی. با خودم گفتم حتی اگر در بیمارستان هیچ کاری برایم انجام ندهند، رفتنم به خوردن یک ساندویچ خوشمزه بعد از دو سال می‌ارزد. بی‌صبرانه منتظر بازگشت راننده بودم. نگهبان در عقب آمبولانس را باز کرد که از آن به‌عنوان میز

استفاده کند. راننده از راه رسید، ساندویچ و نوشابه‌ها را گذاشت روی میز. یکی از ساندویچ‌ها را خودش برداشت، دیگری را هم داد به نگهبان. برای من هیچ ساندویچی نخریده بود! با اشتها شروع کردند به خوردن. آنها حتی به من نگاه هم نمی‌کردند. باد بوی ساندویچ‌ها را آورد توی کابین آمبولانس؛ دهانم آب افتاد و دلم ضعف رفت. ساندویچ و نوشابه‌شان را خوردند، با کاغذ ساندویچ سبیل‌های چربشان را پاک کردند، بعد هرکدام سیگاری روشن کردند، سوار شدند و راه افتادیم.

مگه کربلا رفتن زوریه؟



نویسنده: محمدعلی همتی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۳۵

شماره شابک: ۸ - ۴۲ - ۸۲۲۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره موضوعی

معرفی کتاب، معرفی راوی یا نویسنده

مگه کربلا رفتن زوریه به یکی از

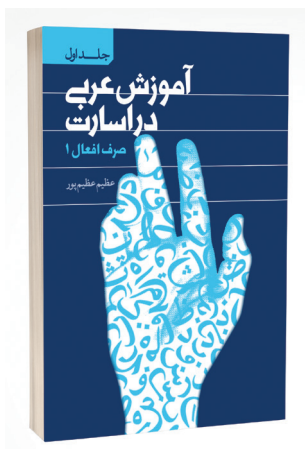
افتخارآمیزترین روایت‌های اسارت می‌پردازد. بی‌تردید یکی از آرزوهای رزمندگان، به‌ویژه اسرای ایرانی، رفتن به کربلا بود اما تعدادی از اسرا در خاک دشمن به دلائلی از این آرزو چشم‌پوشی کردند و داغ تمکین از رژیم بعث را به دل دشمن بعثی گذاشتند و به کربلا نرفتند. راوی این حکایت عبدالرسول میرفلاح است. میرفلاح سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های ۷، ۹، ۱۳ و ۱۷ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

روز بعد فرمانده اردوگاه، ارشدها را برای اعلام نتیجه احضار کرد. گفتیم: «سیدی، بچه‌ها قبول نمی‌کنن برن کربلا.» عصبانی شد و گفت: همه شما را اعدام می‌کنم. شما قبول کنید برید کربلا من همه خواسته‌هاتون رو قبول می‌کنم. صبح که شد برید حمام، غسل کنید، نماز بخوانید بعد سوار اتوبوس شوید. اگر هم دوربین دیدید بشکنید. ما تضمین می‌کنیم با آرامش می‌روید

و می آید. دوباره پیغام فرمانده اردوگاه را به بچه‌ها دادیم. بچه‌ها گفتند: «هر کاری می‌خوان بکنن، ما نمی‌ریم.» گفتم: «بچه‌ها، تهدید کردن که اعدامتون می‌کنن!» بچه‌ها گفتند: «همه‌مون رو اعدام کنن، ولی ما نمی‌ریم.»

آموزش عربی در اسارت؛ جلد اول: صرف افعال ۱



نویسنده: عظیم عظیم پور

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: -

حروف چین و صفحه آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۳۳۶

شماره شابک: ۶-۴۶-۸۲۲۰-۶۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: آموزشی

معرفی کتاب، معرفی راوی یا نویسنده

مجموعه ۴ جلدی آموزش عربی در

اسارت در اوضاعی نگاشته و چندین دوره تدریس شده است که داشتن هر نوع نوشت افزار از جمله قلم، خودکار و کاغذ و همچنین نشست های جمعی برای آموزش ممنوع بوده است و تاوان سنگینی در پی داشته و برای در امان ماندن از تفتیش سربازان عراقی، که در هفته دو بار انجام می شد، بارها در زیر خاک، گل باغچه و سایر نقاط کور پنهان می شد تا از چشم دشمن دون به دور بماند ...

این مجموعه حاصل تلاش و اهتمام دکتر عظیم عظیم پور، آزاده و جانباز شهیدی، در طول ۱۰ سال اسارت، از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۹، در زندان های مخوف دشمن بعثی است که به منظور تدریس برادران در بند اسارت و در راستای آشنایی با قرآن و معارف اسلامی تهیه و تدوین شده است. این گونه آموزش کاربردی که با رهنمودهای حکیمانه سیدآزادگان، مرحوم حاج سیدعلی اکبر ابوترابی، انجام می شد و نقش به سزایی در ارتقای معنوی و

علمی برادران در بند داشت، به گونه ای است که خمیرمایه اصلی در پذیرش در دانشگاه و مقاطع تحصیلات تکمیلی، به ویژه در رشته های الهیات و معارف اسلامی، به شمار می آید.

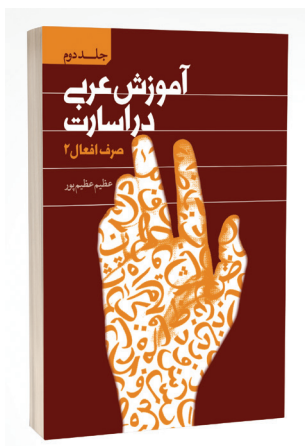
عظیم عظیم پور، سال ۱۳۵۹ در عملیات آزادسازی آبادان - ماهشهر به اسارت درآمد. سال های اسارت این آزاده در اردوگاه های ۱ و ۲ موصل سپری شد.

در مورد کتاب

جلد اول آموزش عربی در مبحث صرف فعل، شامل مقدمه ای در ضرورت آشنایی با عربی و چشم انداز مباحث مهم زبان قرآن و صرف فعل در ثلاثی مجرد و نون است.

در این مجموعه از منابعی مانند جامع الدروس العربیه، شرح بن عقیل و النحو الواضح استفاده شده است.

آموزش عربی در اسارت؛ جلد دوم: صرف افعال ۲



نویسنده: عظیم عظیم پور

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: -

حروف چین و صفحه آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۲۴۸

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۴۸-۰

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: آموزشی

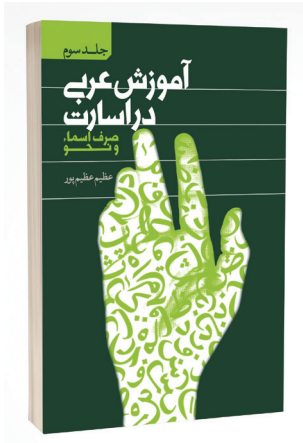
معرفی کتاب

این مجموعه به عنوان جلد دوم آموزش

عربی در مبحث صرف فعل شامل ثلاثی مزید، رباعی، اعلال و نون تأکید است که در طول ده سال اسارت در دست دشمن بعثی به منظور تدریس برادران در بند اسارت و در راستای آشنایی با قرآن و معارف اسلامی تهیه و تدوین شده است.

در این مجموعه از منابعی مانند جامع الدروس العربیه (مصطفی غلابینی)، شرح بن عقیل و النحو الواضح استفاده شده است.

آموزش عربی در اسارت؛ جلد سوم: صرف اسماء و نحو



نویسنده: عظیم عظیم پور

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: -

حروف چین و صفحه آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۲۸۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۴۹-۷

قطع کتاب: رقعی

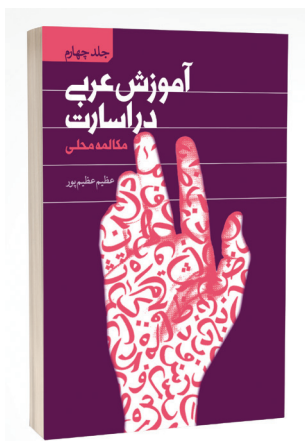
نوع کتاب: آموزشی

معرفی کتاب

این مجموعه به عنوان کتاب سوم قبل

از ورود به تصریف الاسماء و تقسیمات کلی آن به مقدمه‌ای می‌پردازد که مبحث آن مشتمل بر شماری از افعال که استعمال شایان و نقش عمده در جمله‌سازی و تکلم دارند، می‌باشد و همچنین در آن به تعریفات مختصر باب اسماء اشاره شده است و در نهایت فراگیرنده با مجموعه‌ای از عبارات و اصطلاحات عربی آشنا می‌شود.

آموزش عربی در اسارت؛ جلد چهارم: مکالمه محلی



نویسنده: عظیم عظیم پور

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: -

حروف چین و صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۱۶۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۵۰-۳

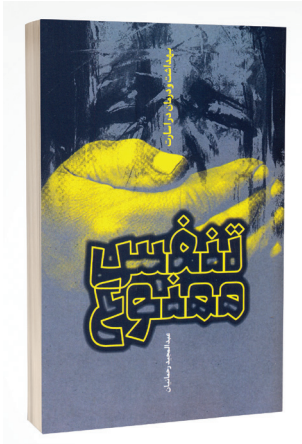
قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: آموزشی

معرفی کتاب

مجموعه‌ای متشکل از ۲۴ درس آموزش گام به گام مکالمه عربی به زبان محلی و محاوره‌ای است که برخی اصطلاحات و امثال را نیز در پی دارد. برادران در بند پس از آموزش فشرده دوماهه، می‌توانستند به‌طورنسبی با مخاطبان خود به عربی محلی و محاوره‌ای صحبت کنند. در تهیه این مجموعه از برادران ایرانی که مسلط به زبان عربی بوده و در عراق مدتی زندگی کرده بودند، استفاده شده است. با توجه به ممنوعیت کاغذ و قلم و خودکار و تفتیش هفتگی و گاهی روزانه سربازان عراقی به‌منظور جمع‌آوری نوشت‌افزارها، این مجموعه با نکات امنیتی پیچیده و زحمات طاقت‌فرسا، حفظ، نگهداری و تدریس شده است.

تنفس ممنوع



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

حروفچین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۰۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۴۰-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطراتی با محوریت

بهداشت و درمان

شرح در صفحات بعد آمده است.

از فیضیه تا الرشید



نویسنده: سیدحسین ولی پورزرومی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: احمد وسکره

صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۶۳۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۸۲۲۰-۳۸-۱

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: تاریخ شفاهی

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

از فیضیه تا الرشید، خاطرات مجاهد

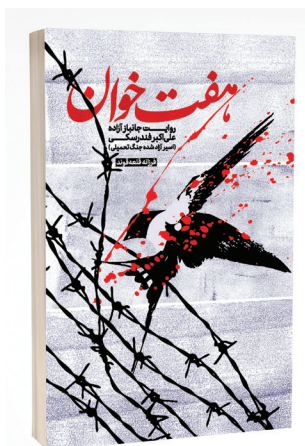
انقلابی و آزادهٔ دفاع مقدس، حجت‌الاسلام محمدحسن جمشیدی، معروف به شیخ آزادگان شمال کشور است که در ۸ فصل به‌نگارش درآمده است. پژوهش و نگارش این کتاب را سیدحسین ولی پورزرومی بر عهده داشته است.

حجت‌الاسلام محمدحسن جمشیدی، در آخرین روزهای تابستان ۱۳۳۷ بار سفر را بست و برای ادامهٔ تحصیلات حوزوی به شهر قم عزیمت کرد. این سفر را می‌توان نقطهٔ عطفی در زندگی و مبارزات ایشان دانست. این روحانی و مبارز کهنه‌کار در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۱، در عملیات بیت‌المقدس، به اسارت نیروهای دشمن درآمد. سال‌های اسارت ایشان در اردوگاه‌های الانبار (کمپ ۸ یا عنبر)، موصل، تکریت ۵ و زندان الرشید سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بهار سال ۱۳۶۶ بود که یکی از اسرای بهشهری به سراغم آمد و پرسید: «حاجی از ایران خبر دارید؟ انگار اوضاع خیلی شلوغ است!» کلی صحبت کرد و خبر از کشت و کشتار در جنگ می داد، ولی در نهایت زبان درکشید و آنچه را که می خواست بگوید نگفت! در شک و تردیدی عجیب افتادم که حتماً خبری از خانواده ام دارد. هر چه اصرار کردم، جوابی نگرفتم. کم کم در نامه هایی که از خانواده به دستم می رسید، تقریباً به یقین رسیدم که یکی از بچه هایم به شهادت رسیده است، ولی از میان محمد، مهدی و حسین شک داشتم که کدام باشد. شگرد بچه ها در نامه نگاری ها نیز مرا دائم در این میانه نگه می داشت، ولی بیشتر جای خالی دست خط های مهدی را می دیدم! ...

هفت خوان



نویسنده: فرزانه قلعه‌قوند

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: طاهره کیانی

صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۲۹۲

شماره شابک: ۸-۳۶۵-۵۰۱-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

هفت خوان خاطرات جانباز و آزاده

علی اکبر فندرسکی آزاده‌ای از دیار گلستان است. مصاحبه و نگارش این کتاب را فرزانه قلعه‌قوند در ۷ فصل به عهده داشته است.

علی اکبر فندرسکی در ۴ تیرماه ۱۳۳۷ در عملیات تک عراقی‌ها به جزیرهٔ مجنون، که در عراق به عملیات مرحلهٔ دوم توکلنا علی الله ۴ معروف است، درحالی‌که به سختی از ناحیهٔ دست و پا مجروح شده بود، به اسارت نیروهای بعثی درآمد. مدت اسارت این آزاده و جانباز گلستانی در بیمارستان تموز و اردوگاه‌های رمادی ۱۳ و تکریت ۱۷ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

سهم هر کدامان از حمام‌کردن فقط چند دقیقه ماندن زیر لولهٔ تانکر آب بود. زخم‌هایمان حسابی خیس خورد و دوباره دهن باز کرد. چرک و خونابه به‌راه افتاد. برای اصلاح سرورویمان یک تیغ آوردند، یک تیغ برای

این همه اسیر! بچه‌های سالم‌تر، سروصورت‌مان را تیغ زدند. یاد سلمانی کردن پدرم افتادم؛ وقتی که موهایم را با ماشین دستی کُند از جایش می‌کُند؛ سرم وصله‌پینه می‌شد درست مثل حالا. شده بودیم شبیه فیلم‌های کمدی! از دیدن همدیگر با این سروشکل خنده‌مان گرفت. آینه‌ای که نداشتیم، ولی هرکس تا چشمش به دیگری می‌افتاد به او می‌خندید. وقتی به سروصورت‌مان دست می‌کشیدیم خونی می‌شد؛ تازه فهمیدیم چه بلایی سرمان آمده است.

ممد یزدی



نویسنده: یوسف بدرالدین

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: طاهره کیانی

صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۴۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۳۸-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

ممد یزدی خاطرات جانباز و آزاده یزدی،

محمد دهقانی فیروزآبادی، است. این کتاب به اهتمام یوسف بدرالدین در

۱۴ فصل به نگارش درآمده است.

محمد دهقانی فیروز آبادی در عملیات فتح المبین، درحالی که به شدت

مجروح بود، به اسارت نیروهای عراقی درآمد. سالهای اسارت ایشان در

رمادی ۱ و ۲ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

تنها دو تا پتوی کهنه داشتیم که، وقت خوابیدن، یکی را زیرمان پهن

می‌کردیم و دایره‌وار به حالت سجده روی آن خم می‌شدیم و پتوی دیگر را

به پشتمان می‌انداختیم. با این حال، باز هم نصف کمرمان از پتو بیرون می‌زد

و باتوجه به سرمای شدید بودونبودش برایمان فرقی نمی‌کرد. یک پتو حتی

برای گرم شدن یک نفرمان هم کافی نبود، اما حداقل تخیل گرم شدنمان را

قلقلک می‌داد.

دور از چشم صلیب



نویسنده: مسعود قربانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند، افسانه گودرزی

صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۱۴۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۳۹-۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

دور از چشم صلیب خاطرات خودنگاشت

مسعود قربانی، آزاده‌ای از استان فارس است که در ۸ فصل به انضمام

فصل ضمائم به نگارش درآمده است.

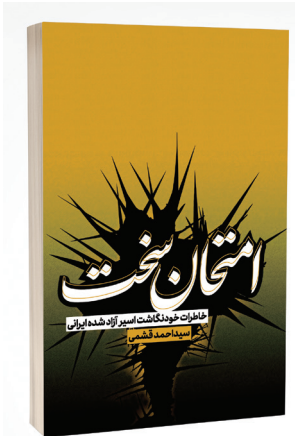
او در فروردین ۱۳۶۷، که سال سوم دبیرستان بود، برای سومین بار به جبهه اعزام شد و سرانجام در چهارم خرداد سال ۱۳۶۷ در منطقه شلمچه با دونفر دیگر از هم‌زمانش محاصره شد و در نابرابری اوضاع جنگی منطقه به اسارت درآمد. دوران اسارت این آزاده شجاع، صبور و مقاوم در اردوگاه اسرای مفقودالاثر تکریت ۱۲ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ساعتی قبل از طلوع آفتاب، ما را فرستادند بیرون از آسایشگاه. وقتی که وارد محوطه و فضای باز اردوگاه شدم لرزش بدنم چند برابر شده بود؛ طوری که نمی‌توانستم روی پاهایم بایستم. دندان‌هایم به هم می‌خورد. کف

محوطه بسیار سرد بود. سایه دیوارهای آسایشگاه‌ها کف سرد را پوشانده بود. فوری به گوشه‌ای خزیدم. دوستم قنبر نوری لباسش را درآورد و روی بدنم انداخت. ساعتی بعد آفتاب طلوع کرد. با بالا آمدن آفتاب ایوان‌های مقابل تازه آفتاب‌گیر شده بود. من هم که از شدت سرما به سختی می‌لرزیدم مترصد بودم به محض اینکه آنجا آفتاب‌گیر شد خودم را به قسمت برسانم. چند لحظه نگذشت که نگهبان عراقی مرا دید و به سراغم آمد. پس از زدن ضرباتی با کابل، مرا کشان‌کشان برد جلوی اتاق نگهبانی ...

امتحان سخت



نویسنده: سیداحمد قشمی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۰۲

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۵۶-۶

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

امتحان سخت، خاطرات سیداحمد

قشمی، آزاده همدانی است که در هفت فصل به نگارش درآمده است. بخش اول خاطرات این آزاده، که مربوط به کودکی، نوجوانی، روزهای انقلاب، جنگ، اسارت و اردوگاه رمادیه است، در کتاب واگویه‌های سید تقدیم علاقمندان این عرصه شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ده سال مدت کمی نبود. در این دوران بسیار سخت و شکننده، نوجوانی و جوانی بچه‌ها گذشت و قدهایشان خمیده شد؛ بسیاری از عزیزانشان در غربت به شهادت رسیدند، اما قدر و منزلتشان را حفظ کردند؛ رنگ‌هایشان زرد شد، ولی ایمان و اعتقاداتشان سفید و تابنده باقی ماند؛ رمق‌هایشان گرفته شد، لیکن ایستادگی و مقاومتشان تا عرش خداوندی قد کشید؛ چشم‌هایشان در حلقه فروورفته بود، لیکن نور بصیرتشان روشن‌گر راهشان شد؛ دشمن تمام ترندهای خود را به کار گرفت تا صبرشان را بشکند، لیکن آخر خود شکسته شد ...

زمان ایستاده بود



نویسنده: فرزانه قلعه‌قوند

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۸

ویراستار: طاهره کیانی

صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۳۱۲

شماره شابک: ۷-۳۶-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب زمان ایستاده بود، به‌طور اختصاصی

و برای اولین بار، به موضوع لحظهٔ اسارت آزادگان می‌پردازد؛ از این منظر می‌توان آن را کتاب کم‌نظیری در عرصهٔ دفاع مقدس نامید. زمان ایستاده بود که به اهتمام فرزانه قلعه‌قوند به نگارش درآمده است نشان‌دهندهٔ بخش کوچکی از دردناک‌ترین تجربه‌های جنگی است. تلخ‌ترین لحظهٔ زندگی غیورمردانی که در نابرابری اوضاع به اسارت درآمدند، ولی آزاده شدند. آنچه در این کتاب قابل تأمل است:

* در انتخاب مطالب از خاطرات ۶۱ اسیر جنگی شامل: مرزنشین، بسیجی، ارتشی، سپاهی، معلم، روحانی، هنرمند، امدادگر و ... در عملیات مختلف استفاده شده است.

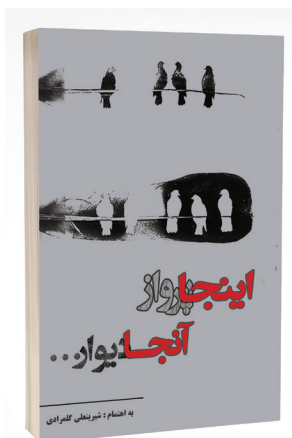
* گویش‌های محلی اغلب اقوام در این کتاب به چشم می‌خورد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

صدای پایشان دیگر خیلی نزدیک شده بود؛ با خود گفتم ای‌یی‌یی ... روزگار! سرنوشت، عباس روزخوش که نه تفنگی بی و نه فشنگی بی، تو قفسه کمد مچاله کرده بی. اگه تفنگم فشنگم بی، به شما نشون میدا، که یه من ماست، چقد کره دار. نمونم، ئی کوفیای آخدا بی خبر چه بر سر ئی پیرمرد مچاله بیارن.^۱ از بخت بدم خنده ام گرفته بود. یکی از عراقی‌ها که از غول بغداد هم نخراشیده تر بود، عربده کشان خیز برداشت و با تنه اش محکم کوبید به در کمد. صدای شکستن قفل و چوب‌های پوشیده کمد بلند شد. به در کمد لگد می‌زدند و فریاد می‌کشیدند: «بیا بیرون!» در کمد شکسته شد و افتاد زمین ...

۱. ای‌یی‌یی ... روزگار! سرنوشت عباس روزخوش رو بدون تفنگ و فشنگ داخل قفسه کمد مچاله کرده. اگه تفنگ و فشنگ داشتم، به شما نشون می‌دادم یه من ماست چقدر کره داره. حالا معلوم نیست این از خدابی خبرا چه بر سر من پیرمرد مچاله بیارن. (به گویش بهبهانی)

اینجا پرواز؛ آنجا دیوار ...



به کوشش: شیرینعلی گلمرادی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۸

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۵۶

شماره شابک: ۴-۳۷-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: شعر

معرفی کتاب

مجموعه اشعار اینجا پرواز؛ آنجا دیوار ...

به اهتمام شاعر گرانمایه معاصر، شیرینعلی گلمرادی، گردآوری شده و انتشارات پیام آزادگان آن را در اختیار علاقه‌مندان به ادبیات دفاع مقدس قرار داده است. این کتاب شامل سروده‌های جمعی از شعرای آزاده و شعرای صاحب‌نام معاصر در حوزه اسارت است که می‌توانیم لایه‌لای هر واژه‌اش رنج‌نامه دوران مقاومت و سربلندی آزادگان افتخارآفرین این مملکت را به دوره بنشینیم.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

«شیر شما را تا قفس بردند!» شیر من و حجم قفس؟ هرگز

شیری که جبهه جبهه می‌گرید، گوش زمین از نعره‌اش کر بود

او مرد بودن را حجبی می‌کرد او بخش می‌کرد آه... آ... ز... دی

زخمش همه سبک عراقی داشت، تصویر شعرش، زخم و خنجر بود ...

یک سینه سخن



نویسنده: قاسم جعفری

ویراستار و محقق: دکتر محمدحسن تقیه

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۸

صفحه آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۳۹۶ صفحه

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۷۳-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

یک سینه سخن شامل مقالات و

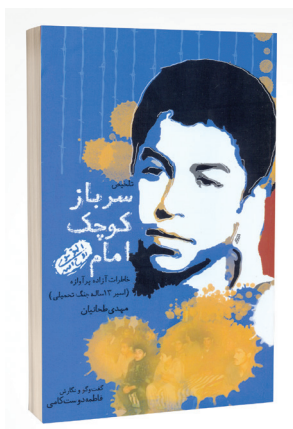
جستارهای منتشر شده حجت الاسلام دکتر قاسم جعفری است که در رسانه‌ها منتشر شده است.

حجت الاسلام قاسم جعفری آزاده و جانباز خراسان شمالی در ۹ اسفند ۱۳۶۲ در عملیات خیبر به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های موصل سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آن روز که رادیو بغداد خبر آزادی قریب‌الوقوع آزادگان را اعلام کرد بچه‌ها کم‌کم برای اقام، نماز ظهر مهیا می‌شدند که مأمور عراقی با عصبانیت گفت: "کلکم مُخ ماکو" پرسیدم چرا؟ گفت: من فکر می‌کردم با شنیدن خبر آزادی مشغول شادی و پایکوبی می‌شوید اما شما با همان شیوه قبل ذکر و دعا و نماز را در پیش گرفته‌اید.

سرباز کوچک امام (ه) (تلخیص)



نویسنده: فاطمه دوست‌کامی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

تلخیص: فرزانه قلعه‌قوند

ویراستاران: فرزانه قلعه‌قوند، طاهره کیانی،

افسانه گودرزی

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: افسانه گودرز؛

تعداد صفحات: ۴۶۶

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۳۰-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

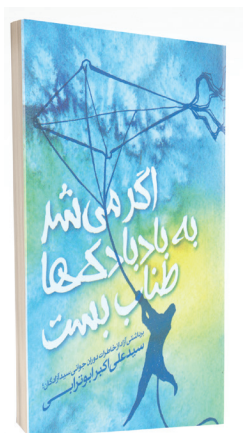
کتاب سرباز کوچک امام، خاطرات کودکی تا آزادی مهدی طحانیان آزاده و جانباز ۱۳ ساله اردستانی است که فاطمه دوست‌کامی آن را به نگارش درآورده است. طحانیان، به‌عنوان جوان‌ترین اسیر جنگی در زمان اسارتش، به‌شدت کانون توجه بعضی‌ها بوده است. نقطه اوج اتفاق‌های دوران اسارت مهدی طحانیان، ماجرای امتناع او از مصاحبه با نصیرا شمارا یک زن خبرنگار هندی بی‌حجاب است. این اثر ماحصل بیش از ۳۵۰ ساعت مصاحبه با راوی است.

کتاب سرباز کوچک امام، که تیراژ آن از ۱۰۰ هزار نسخه هم فراتر رفته است، در اسفند سال ۱۳۹۶ مفتخر به تقریظ رهبر معظم انقلاب شد. این کتاب در دو قطع وزیری و خلاصه آن در قطع رقعی به چاپ رسیده است. مهدی طحانیان ۹ روز پس از شروع عملیات بیت‌المقدس یعنی در ۱۹

اردیبهشت سال ۶۱، پس از مقاومتی دلیرانه و دفاعی جانانه، در محور خرمشهر و ناگزیری وضعیت، به اسارت نیروهای بعثی درآمد. سالهای اسارت این آزاده در اردوگاههای رمادی ۱ کمپ ۶، رمادی ۲ کمپ ۷ و الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) سپری شده است.

(این کتاب پس از تقریظ مقام معظم رهبری با قطع، ویرایست جدید و تغییر در تعداد صفحات یکبار در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسید.

اگر می شد به بادبادک ها طناب بست



نویسنده: زهره علی عسگری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۶۰

شماره شابک: ۴-۲۴-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: داستان کودک و نوجوان

معرفی کتاب

«اگر می شد به بادبادک ها طناب بست» برداشتی آزاد از خاطرات دوران نوجوانی «سیدآزادگان» سید علی اکبر ابوترابی است که توسط «زهره علی عسگری» به نگارش درآمده است.

سید علی اکبر ابوترابی دوره دبیرستان را در مدرسه حکیم نظامی، رشته ریاضی خواند. همان روزها بود که برای رفتن به دبیرستان نیروی هوایی و خلبان شدن مشتاق شده بود. بعد از این که از رفتن به نیروی هوایی منصرف شد، درسش را ادامه داد.

او در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۵۹ به اسارت دشمن بعثی درآمد، رفتار سید علی اکبر ابوترابی در اسارت باعث محبوبیتش در میان اسیران ایرانی شده بود. رفتارش حتی با عراقی ها آنقدر خوب بود که بعد از مدتی کمی بین آنها هم مورد احترام قرار گرفت. اسیران، او را هدیه خدا می دانستند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

علی اکبر و یدالله، از خانه تا بازارچه را یک نفس دویدند. وسط بازارچه، جلوی مسجد جامع غوغا بود. بیچه‌ها جمع شده بودند و با انگشت، گنبد مسجد را به هم نشان می‌دادند. معلوم نبود یک بادبادک بزرگ از دست کی دررفته و نخش گیر کرده به تیزی یکی از کاشی‌های گنبد. بادبادک بدجوری توی هوا کله می‌زد.

علی اکبر و یدالله، نفس‌زنان رسیدند و خودشان را انداختند توی جمع بیچه‌ها. یدالله بادبادک را نگاه کرد و با صدای نازکش داد زد:

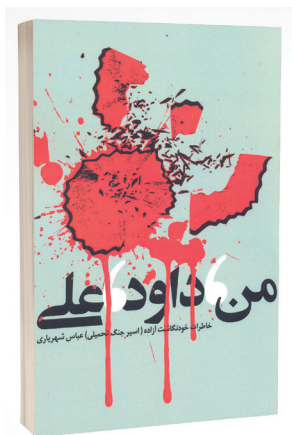
– علی! اگه همین‌طور کله بزنه، پاره می‌شه‌ها!

علی اکبر هم دست به کمر، سرش را بالا گرفته بود و بادبادک را نگاه می‌کرد.

– اگه پاره بشه که بدبختیم ...

بودند. هر جا که نگاه می‌کردی، اسیری سر بر زانو گذاشته بود و آرام گریه می‌کرد. آقای ابوترابی رفت داخل اتاق، مطلبی نوشت و داد که برای همه خوانده شود. مطلب راجع به رحلت امام بود. شب بعد که خبر انتخاب آقا توسط مجلس خبرگان رهبری منتشر شد، آقای ابوترابی مطلب دوم را نوشت. ایشان عادت به نوشتن نداشت؛ ولی در این حادثه دو مطلب نوشت؛ مطلب دوم راجع به شخصیت حضرت آقا و سجایای اخلاقی ایشان بود. حاج آقا نوشته بود: «این عبد صالح خدا از امروز به عنوان ولی فقیه منصوب شد و ...»، ما برای اولین بار بود که واژه عبد صالح خدا را در مورد حضرت آقا از حاج آقا ابوترابی شنیدیم... بعد از آن، انگار اردوگاه حیات دوباره‌ای به دست آورد. ما به این باور رسیدیم که با رهبری حضرت آقا، بی‌صاحب نیستیم. مملکت رهبر دارد و این، آرامش عجیبی برای ما به ارمغان آورد. (سعید اوحدی)

من، داود، علی



نویسنده: عباس شهریاری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۱۵۲

شماره شابک: ۸-۲۶-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی

«من، داود، علی» خاطرات خودنگاشت

جانبا ز و آزاده خوانساری، عباس شهریاری، است که در ۳ فصل به نگارش درآمده است. شهریاری سال ۱۳۶۲ برای آموزش نیروهای حزب الله به لبنان اعزام شد. پس از بازگشت از لبنان در بهمن همان سال همسر باردار و دو فرزندش را به خدا سپرد و به جبهه های جنگ پیوست.

عباس شهریاری بهمن ۱۳۶۲ در عملیات خیبر به اسارت نیروهای دشمن درآمد و به مدت هفت سال در اسارت را در اردوگاه های موصل ۲ سپری کرد. درحالی که خانواده اش مشغول تدارک اولین سالگرد شهادت وی بود، نامه ای که فقط عنوانی از او داشت، مژده زنده بودنش را با خود به ارمغان آورد.

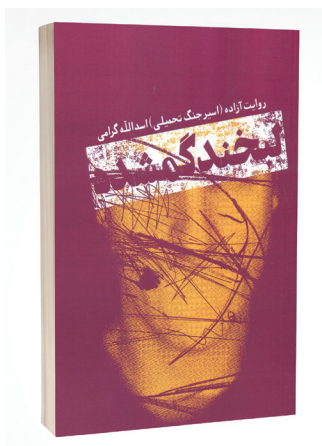
گزیده ای از محتوای کتاب

نگهبان عراقی از راه رسید و پشت پنجره آسایشگاه بدون توجه بچه ها

داشت با تعجب به الاغ نگاه می‌کرد. همه غرق تماشای تئاتر بودیم که یک‌باره صدای نخراشیده نگهبان عراقی بلند شد: «ون؟» گفتم: «یا اباالفضل، لو رفتیم، بچه‌ها بچه‌ها زود، زود...» داد و فریاد سرباز عراقی همه‌جا بلند شده بود: «عباس! کو الاغ الاغ کجا رفت؟ برو الاغ را بیاور اینجا» من با این دو تا چشم خودم دیدم الاغ داخل آسایشگاه بود

قضیه از این قرار بود که دو نفر از بچه‌ها پشت سر هم خم شده و بچه‌ها پتویی روی آنها انداخته بودند و به وسیله مقوا و دوده حمام سر الاغ را به صورتی قشنگ و واقعی درآورده، از دسته تی و ریشه‌های پتو برای دم و نیز افسار زیبایی هم از شکافتن زیرپوش سفید یکی از بچه‌ها و پالون زیبایی هم برایش درست کرده بودند. هر کس از دور نگاه می‌کرد به یقین می‌گفت که الاغ واقعی است

لبخند گمشده



نویسنده: اسداله گرامی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۰۰

شماره شابک:

۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۲۲۰ - ۲۵ - ۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی

لبخند گمشده خاطرات خودنگاشت آزاده و جانباز ۷۰ درصد اسداله گرامی است که در ۷ فصل به نگارش درآمده است. زادگاه این آزاده جانباز اگرچه در آبادان است، اما از آنجایی که از سن ۵ سالگی به همراه خانواده خود به اصفهان آمد و در آنجا ساکن شد، وی را به عنوان یک آزاده اصفهانی می‌شناسند.

اسداله گرامی در سال ۱۳۵۹ در نفت‌شهر به اسارت نیروهای عراقی درآمد. سال‌های اسارت این آزاده به مدت ۱۰ سال در اردوگاه‌های موصل و رمادی. سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

«صدای پایکوبی عراقی‌ها که خوابید، یواش‌یواش نالهٔ مجروحان و همهمهٔ مبهمی فضا را پر کرد. گلوله شانهٔ پهن حبيب را سوراخ کرده بود و ظرف چند روز به دلیل گرما و عدم شست‌وشو، زخم پر از کرم شده بود.

کرم‌ها توی گوشت و خون او می‌لولیدند. حبیب مشهدی بود و زودتر از ما به بعقوبه آمده بود.

بچه‌ها بزاق را توی دهانشان جمع می‌کردند و مدتی نگه می‌داشتند تا چسبندگی پیدا کند، بعد بزاق را با دقت روی انگشت اشاره جمع می‌کردند و توی سوراخ کتف حبیب فرو می‌کردند تا کرم‌ها به بزاق بچسبند و آنها را بیرون بکشند. بعضی از کرم‌ها چنان چسبیده بودند که ترفند آب دهان و انگشت هم کارگر نمی‌افتاد. وسایل شخصی که همراهان بود گرفته بودند، هیچ‌کس چیزی نداشت. دنبال چیزی می‌گشتیم که توی جدال با این کرم‌ها به کار ببریم. زرورق سیگاری گوشه سالن پیدا شد و این بار زرورق را به آب دهان آغشته کردیم ...»

کلاه قرمزی‌ها



نویسنده: زهره علی عسگری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند، طاهره کیانی

صفحه‌آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۳۶۰

شماره شابک: ۲- ۱۵- ۸۲۲۰- ۶۰۰- ۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب کلاه قرمزی‌ها خاطرات شیخ عبدالکریم کریم‌پور، آزاده‌ای روحانی، از اهالی نجف‌آباد اصفهان است. این کتاب را زهره علی عسگری در ۳ فصل به نگارش درآورده است.

آنچه در خاطرات این آزاده مورد توجه است، حرف‌های زلال، معصومانه و خواب‌های صادقانه‌ای است که شاید در وهله اول باورپذیری آن کمی دشوار به نظر برسد، اما شیخ عبدالکریم کریم‌پور و خواب‌هایی که تعبیر می‌شد چنان مورد تأیید دیگر آزادگان هم‌اردوگاهی قرار دارد که جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در واقعیت امر باقی نمی‌گذارد.

شیخ عبدالکریم کریم‌پور پس از حضور در چندین عملیات سرانجام در شهریور ۱۳۶۴ به اسارت نیروهای دشمن درآمد و حدود شش سال از بهترین لحظات عمر خود را در اردوگاه‌های رمادی سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

دیدیم یک شیلنگ باریک سِرُم از سوراخ قفل در زندان وارد شد. از جایمان بلند شدیم ببینیم چیست. یکی از بچه‌ها پشت در بود و با نجوا می‌خواست به ما بفهماند که مقداری آب قند داخل یک ظرف سرم ریخته و لوله‌اش را فرستاده داخل تا ما آن را بمکیم. به نوبت، سر شیلنگ را در دهانمان می‌گذاشتیم و مقداری آب قند می‌خوردیم ولی آن قدر نبود که سیر شویم. همین که می‌آمدیم مزه‌اش را بفهمیم، باید می‌رفتیم کنار و جایمان را به یک نفر دیگر می‌دادیم. بعضی وقت‌ها هم چند تا بیسکویت داخل آب حل می‌کردند و ما از شیلنگ، آن را مک می‌زدیم. من وقتی لوله در دهانم بود و می‌مکیدم، به این فکر می‌کردم که بچه‌ها با چه دردسری شیلنگ گیر آورده‌اند و با چه دردسرهایی بیش‌تری، دور از چشم عراقی‌ها آن را به ما می‌رسانند. از خطر این کار برای آنها می‌ترسیدم.

مقوله‌های پژوهشی



پدیدآورندگان: شورای پژوهشی مؤسسه فرهنگی

پیام آزادگان: حسن بهشتی پور، فرشته حشمتیان،

محمدرضا سنگری، ابوالقاسم عیسی مراد،

فرزانه قلعه‌قوند، بیژن کیانی، سعید نجار

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

ویراستار: طاهره کیانی، افسانه گودرزی

صفحه‌آرا: سیدایمان نوری نجفی

تعداد صفحات: ۸۸

شماره شابک: ۰-۳۵-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

مؤسسه فرهنگی هنری پیام آزادگان، با هدف نهایی شناساندن ابعاد، موضوعات و مسائل آزادگان و بهره‌گیری از پژوهشگران و صاحب‌نظران به‌ویژه در محیط‌های علمی دانشگاهی پژوهشی، اقدام به تهیه و طرح نیازهای پژوهشی خویش در پانزده ساحت و قلمرو مطالعاتی و ۴۴۸ عنوان نموده است.

این عناوین پژوهشی می‌تواند در اشکال ذیل محقق شود:

۱. چاپ مقالات علمی پژوهشی در فصلنامه علمی پژوهشی مؤسسه.

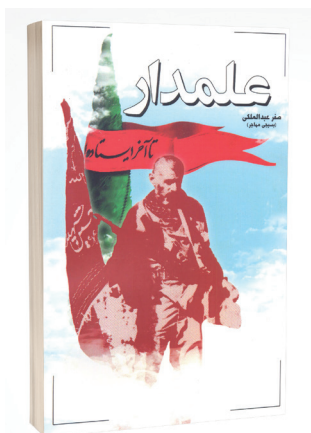
۲. اجرای پروژه‌های پژوهشی

۳. نگارش کتاب‌های موضوعی از مقالات

۴. حمایت معنوی و مالی از رساله و پایان‌نامه دانشگاهی

پروژه‌ها و موضوعات پیشنهادی - جز موضوعات مطروحه در این کتاب
- همچون موضوعات پیشنهادی، پس از پیشنهاد پژوهشگر، در هیئت علمی
مؤسسه مطرح و پس از ابلاغ به پژوهشگر، قابل پیگیری و اجرا خواهد بود.

علمدار



نویسنده: صفر عبدالملکی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۸۷

شماره شابک: ۲-۳۱-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب علمدار خاطرات شهید عباس روزخوش ازاده بهبهانی است که در ۷ فصل و ۲۷ بخش به اهتمام صفر عبدالملکی به نگارش درآمده است. این کتاب را اولین بار در سال ۱۳۷۸ انتشارات امید آزادگان چاپ کرده است. شهید عباس روزخوش خدمتکار مدرسه بود. با شروع جنگ تحمیلی به عنوان بسیجی به جبهه رفت و چندین بار نیز مجروح شد. آنجایی که حاج عباس در جبهه‌ها همواره علم حضرت ابوالفضل را در دست داشت او را علمدار می‌نامیدند و چون مشک آبی بر دوش داشت به سقا معروف شده بود. او در نهم اسفندماه ۱۳۶۲ با آغاز عملیات خیبر در روستای البیضه عراق به اسارت نیروهای عراقی درآمد. سال‌های اسارت این ازاده شهید در اردوگاه موصل ۲ سپری شد.

حاج عباس پس از آزادی نیز چندین بار همراه با کاروان آزادگان، رهپویان حرم تاحرم با پای پیاده از حرم حضرت امام خمینی^(ع) عازم حرم مطهر امام رضا^(ع) شد و در آن کاروان، علمدار کاروان لقب گرفت. سرانجام علمدار

جبهه‌ها، در سن ۸۷ سالگی در خانه سالمندان بهبهان غریبانه جان داد و به کاروان امام و شهیدان پیوست. پس از آن روی قبرش نوشتند: بابای مدرسه.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

چند کیلومتر بیشتر نرفته بود که یکی از سربازان بلند شد و با چشم غره آمد طرفم. با آمدن او، دو سرباز دیگر هم خودشان را رساندند بالای سرم. هر سه با مشت و لگد و قنداق تفنگ به جانم افتادند. به نوبت می‌زدند. یکی از آنها چنگ در ریشم انداخت و مشتی از موهای ریشم را کند و با مشت محکم به سرم کوبید و گفت: «پیرمرد عوضی بدقواره! خوب جلوی خبرنگاران بلبل شدی! ارتش عراق کافر است؟» با چنگ، مشتی از موهای ریشم را کند. نفر دوم محکم با چنگ گلویم را گرفت. چنان فشار داد که گفتم نفسم برای همیشه قطع شد. با دست دیگرش محکم با پنجه‌اش به دماغ و دهان من کوبید. سرم محکم به صندلی خورد و تعادلم را از دست دادم. دومین ضربه را با مشتِ گره‌کرده حواله چانه‌ام کرد. با دست بسته از صندلی افتادم و در راهروی مینی‌بوس ولو شدم. سه نفری با لگد و قنداق تفنگ به جانم افتادند و ...

سرباز کوچک امام (۵)



نویسنده: فاطمه دوست‌کامی

نوبت و سال چاپ: ششم ۱۳۹۶

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۶۸۸

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۲۸-۲

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

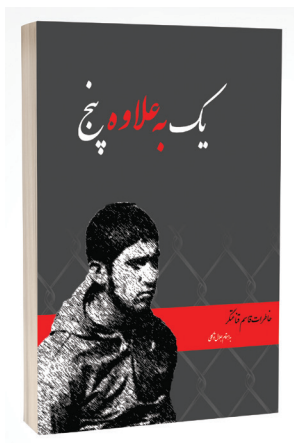
معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب سرباز کوچک امام، خاطرات کودکی تا آزادی مهدی طحانیان آزاده و جانباز ۱۳ ساله اردستانی است که فاطمه دوست‌کامی آن را به نگارش درآورده است. طحانیان، به‌عنوان جوان‌ترین اسیر جنگی در زمان اسارتش، به‌شدت کانون توجه بعضی‌ها بوده است. نقطه اوج اتفاق‌های دوران اسارت مهدی طحانیان، ماجرای امتناع او از مصاحبه با نصیرا شارما یک زن خبرنگار هندی بی‌حجاب است. این اثر ماحصل بیش از ۳۵۰ ساعت مصاحبه با راوی است.

کتاب سرباز کوچک امام، که تیراژ آن از ۱۰۰ هزار نسخه هم فراتر رفته است، در اسفند سال ۱۳۹۶ مفتخر به تقریظ رهبر معظم انقلاب شد. این کتاب در دو قطع وزیری و خلاصه آن در قطع رقعی به چاپ رسیده است. مهدی طحانیان ۹ روز پس از شروع عملیات بیت‌المقدس یعنی در ۱۹ اردیبهشت سال ۶۱، پس از مقاومتی دلیرانه و دفاعی جانانه، در محور خرمشهر و ناگزیری وضعیت، به اسارت نیروهای بعضی درآمد. سال‌های

اسارت این آزاده در اردوگاه‌های رمادی ۱ کمپ ۶، رمادی ۲ کمپ ۷ و الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) سپری شده است. (این کتاب پس از تقریظ مقام معظم رهبری با قطع، ویرایست جدید و تغییر در تعداد صفحات به چاپ رسید.

یک بعلاوه پنج



نویسنده: جلال توکلی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۶

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۴۲۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۱۸-۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب یک بعلاوه پنج خاطرات

آزاده هراتی (از توابع یزد) قاسم قناعتگر در ۵ فصل به اهتمام جلال توکلی به نگارش درآمده است و به رویدادهای زندگی، جنگ، اسارت و آزادی این آزاده صبور، شجاع و فعال یزدی می‌پردازد.

قاسم قناعتگر وقتی که هنوز نوجوانی بیش نبود از کلاس درس به مدرسه جبهه‌های جنگ پیوست. سرانجام این رزمنده شجاع در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۴ در وضعیتی نابرابری در جزیره ام‌الرصاص به اسارت نیروهای بعثی درآمد. او به مدت ۵/۴ سال در اردوگاه‌های رمادی ۱ کمپ ۶ اسیر بود و سال‌ها با مقاومت و ایستادگی را در غربت زندگی کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

صف‌ها به هم خورد. در هم مچاله شدیم و به هم پناه بردیم. ضربات کابل بود که بر سر و کمر و دست و پاهایمان فرود می‌آمد. باز به هم پناه

بردیم.

- بی انصاف آن برادر مجروح است ... زنش!

- او جای پدر توست بی وجدان ... زنش!

بعثی‌ها بالای سرمان نفس نفس می‌زدند؛ درست مثل یک دسته گاو وحشی. خسته از کارزار، سرم روی سینۀ یکی از اسرا بود و نای حرکت نداشتم. چرخیدم به پهلو. چشمم افتاد به پرتقال‌هایی که حالا زیر دست و پا، له شده بود.

بعد از رفتن بعثی‌ها، بعضی از اسرا که شرم داشتند صدای گریه یا ناله‌شان به گوش دشمن برسد، فریاد مانده در گلویشان را رها کردند. در آسایشگاه ما هم محشری به پا شد که نگو!

ستارگان بهبهو



نویسنده: محمدجواد اسکافی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۶

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف‌چین و صفحه‌آرا: ندا اسمعیلی

تعداد صفحات: ۳۹۲

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۰-۲۰-۶

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

ستارگان بهبهو خاطرات ۶۲ نفر از

آزادگان بهبهانی است. این کتاب از روزهای شور و شعور انقلابی این دلاورمردان تا روزهای جنگ و اسارت حکایت می‌کند.

ممکن است در بخش‌هایی از این اثر ارزشمند به لحاظ خاطرات مشترک، تشابهاتی نیز به چشم بخورد که صلاح به حذف و یا تعدیل آن نبود، زیرا هر حادثه و واقعه این مکتوب به تنهایی از منظر راوی نیز قابل تأمل خواهد بود...

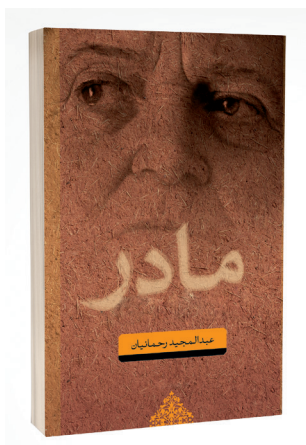
کتاب ستارگان بهبهو به اهتمام محمدجواد اسکافی جانباز و آزاده خوزستانی به نگارش درآمد.

محمدجواد اسکافی سال ۱۳۶۲ در عملیات خیبر به اسارت درآمد. این آزاده مدت کوتاهی در موصل ۳ اسکان داشت و بقیه سال‌های اسارت او در اردوگاه موصل ۱ کمپ ۲ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

پنج‌شنبه شب بود و بچه‌ها در حال خواندن دعای کمیل. سرباز عراقی از پشت پنجره نگاه می‌کرد شاید بتواند دعاخوان را شناسایی کند اما او پشت ستون وسط آسایشگاه نشسته بود و دیدنش کمی مشکل بود. مداح، رسول آقا بالازاده از بچه‌های تبریز بود. سرباز عراقی، مسئول آسایشگاه، آقای رسولی را صدا زد و گفت: «چه کسی دعا می‌خواند؟ او را معرفی کن.» مسئول آسایشگاه پاسخ داد: «همه دعا می‌خوانند هرکس برای خودش، چه کسی را معرفی کنم؟» سرباز عراقی تهدید کرد که فردا در صف آمار او را به افسر عراقی معرفی می‌کنم، اما اگر الان بیاید او را می‌بخشم! سرباز رفت و صبح روز بعد در صف آمار به چهره‌ها خیره شد تا دعاخوان مورد نظر را پیدا کند. نمی‌دانم با اطمینان و یا به‌طور اتفاقی رسول را از صف بیرون کشید و گفت: «تو دیشب دعا می‌خواندی؟» در همین حین آقای راشد بلند شد و گفت: «من دیشب دعا می‌خواندم» رسول نیز با دیدن این صحنه به زبان آمد و گفت: «نه خودم بودم من دعا می‌خواندم.» سرباز متحیر شد که چه خبر است؟ افسر عراقی برای آمار آمد و ...

مادر...



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۶

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۳۶

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۱۴-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات خودنگاشت

جانباز و آزادهٔ جهرمی، عبدالمجید رحمانیان، است. نویسنده خاطراتش را در دو بخش تدوین کرده است و در صفحات نخستین بخش اول به خاطرات دوران کودکی و در ادامه به خاطرات دوران انقلاب اسلامی و حضور در جبهه‌های جنگ و اسارت پرداخته است. این کتاب ضمن بیان خاطرات نویسنده، روایتگر داستان مادری است که فرزندش را پروراند و او را به دامن انقلاب اسلامی سپرد و رنج‌های بسیاری را متحمل شد.

عبدالمجید رحمانیان سال ۱۳۶۱ در عملیات بیت‌المقدس به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های موصل (۳، ۲، ۱ و ۴) و نیز اردوگاه ۵ (صلاح‌الدین) و ۱۷ تکریت و الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

می‌گفت: «روزا وقتی آفتاب همه جا پهنه، درختا را نشورید! اون موقع خورشید می‌زنه و قطره‌های آبی که رو برگا می‌مونه، می‌جوشونه و برگا زود خشک می‌شن. ولی غروب آب تا صبح رو برگا می‌مونه و تروتازه‌ش می‌کنه. همین باعث می‌شه که نسیم خنکی از درختا بیرون بیاد و نیمه‌شب بزنه صورتتون و شادابتون کنه.»

کمی در حیاط نشستم، با امواجی از اندوه. هنوز بر آن چارپایه کوتاه آهنی، که مادر بر آن می‌نشست و با دستان ترک‌خورده‌اش در لگن فلزی لباس می‌شست، ننشسته بودم که موج سنگین‌تری از اندوه‌های خاطره‌بار، مرا در خود پیچیدند. درخت نارنج پر از بلبلائی بود که می‌خواندند و شادی می‌کردند و گنجشک‌ها که جیک‌جیکشان نشان می‌داد که جای دنج و آرامی به‌دست آورده‌اند ...

خاکریز دوازدهم



نویسنده: علیرضا حیدری نسب

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۶

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۷۲

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۱۷-۶

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب روایت لحظه‌های مقاومت و

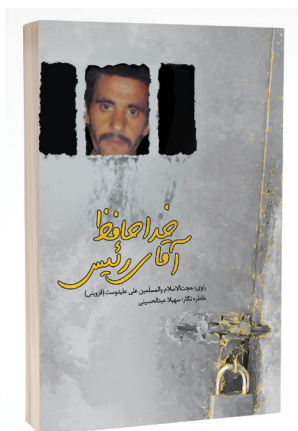
مقابله آزادگان مقاوم است و علیرضا حیدری نسب جانباز و آزاده زابلی آن را به نگارش درآورده است. او در این کتاب با پرداختن به یکی از مهم‌ترین چالش‌های عصر حاضر یعنی جنگ نرم نشان داد که فرزندان آزاده این مرزوبوم چگونه توانستند از بطن زخم و درد و رنج و محرومیت، دری به سوی مقاومت بگشایند و در وضعیت نفس‌گیر موجود و جنگی به مراتب سخت‌تر، اسیر تبلیغات دشمن نشوند. این خاطرات درس‌آموز و غرورآفرین که با استناد به آیات و روایات و تحلیل رویدادها توأم می‌باشد، در ۳ فصل در اختیار علاقمندان به این عرصه قرار می‌گیرد.

علیرضا حیدری نسب به عنوان اسیری مفقودالاثر روزهای اسارت خود را در اردوگاه‌های تکریت ۱۲ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

چند ماهی از فراگیر شدن نماز جماعت در اردوگاه می‌گذشت؛ سخت‌گیری و برخورد هم نه تنها نتیجه‌ای نداشت، بلکه عزم بچه‌ها را راسخ‌تر می‌کرد. کارهای دسته‌جمعی و مذهبی چون اذان و نماز جماعت با گماشتن مراقب و با پیش‌بینی‌های لازم انجام می‌شد. در این میان اتاق ۵ اردوگاه ۱۲ در عدم رعایت نظم موردنظر عراقی‌ها ید طولایی داشت. مأموران از دست بچه‌ها به تنگ آمدند و مکرر با استهزا، از این اتاق با عناوینی چون قاعه انبیا (سالن و اتاق پیامبران) یاد می‌کردند.

خدا حافظ آقای رئیس



نویسنده: سهیلا عبدالحسینی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۶

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه آرا: افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۳۱۶

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۲۱-۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب حکایت خاطرات حجت الاسلام

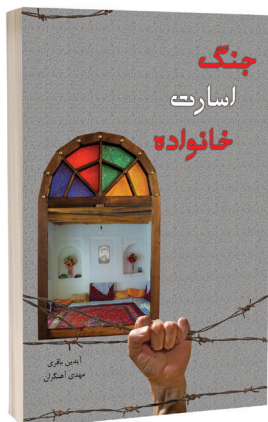
«علی علیدوست» معروف به علی قزوینی است. روزهای شیرین کودکی این روحانی آزاده در مصیبت از دست دادن مادر، برادر و خواهرش در زلزله بویین زهرا، از دست رفت. سرانجام علی علیدوست که بین هم‌پندانش به «قزوینی» معروف است با انتخاب راه طلبگی علاوه بر تحصیل علم، قدم در راه مبارزه با نظام شاهنشاهی گذاشت ... کتاب خاطرات این روحانی آزاده و هوشیار به اهتمام «سهیلا عبدالحسینی» به نگارش درآمده است. علی علیدوست سال ۱۳۶۰ در عملیات پدافندی به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های موصل ۱ و موصل ۴ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

روزی که ما را برای کتک‌زدن بردند، خود سرهنگ هم دست به کار شد. «ممد گاوی» ابتدا مشتی به گردن بچه‌ها می‌زد و وقتی آن فرد خم می‌شد

به هوا می‌پرید و با تمام هیكل با آرنج به كمر او می‌كوبید تا مهره كمرش خورد شود. عملیات وحشیانه آن روز هم در كنار هنرنمایی خود سرهنگ با سه سوت همراه شد. سوت اول را كه زد، همه افرادش ریختند سرمان و كتكمان زدند. سوت دوم را كه زد كنار رفتند و این بار یکی یکی ما را آوردند و همگی ریختند و زدند؛ با سوت سوم دوباره همه مان را یک جا كتك زدند ...

جنگ، اسارت، خانواده



نویسندگان: آیدین باقری، مهدی آهنگران

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۶

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۰۰

شماره شابک: ۷-۲۳-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

بی‌تردید سال‌های پس از آزادی، روایت

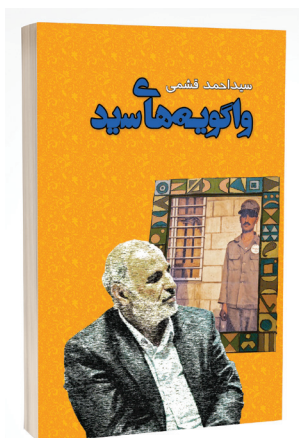
متفاوتی با دوران اسارت دارد؛ زیرا پس از آزادی، داستان روزهای تلخ زجر و درد و عذاب‌های روحی و جسمی نه تنها برای آزاده باقی ماند، بلکه اینک خانواده‌ها نیز در معرض مستقیم تبعات این داستان قرار داشتند. کتاب جنگ، اسارت، خانواده، کتابی پژوهشی است که با رویکرد تحکیم بنیاد خانواده، براساس طرحی پیمایشی به‌کوشش آیدین باقری و مهدی آهنگران و حمایت و راهنمایی آزاده فرهیخته دکتر حسن بهشتی‌پور به نگارش درآمده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عزیزان از سطح آگاهی بالایی برخوردارند. حدود هفتاد درصد آزادگان به حقوق اجتماعی، مشکلات روحی و جسمی و آثار به‌جامانده از دوران اسارت و تأثیر آن بر استحکام خانواده، ضرورت

مشاوره‌های روان‌شناختی، و ... به‌خوبی واقفند. آزادگان معتقدند نهادها و مؤسسات مرتبط با امور آزادگان به اندازه کافی وجود ندارد و نهادهای فعال هم به وظایف خود به‌خوبی عمل نمی‌کنند. مشاوره‌های روان‌شناسی جهت برخورد با مشکلات خانوادگی وجود ندارد، مشاوره‌های روان‌شناسی به ویژه برای همسران آزادگان (در راستای مدیریت و کنترل مشکلات روحی و جسمی آزاده) ضرورت دارد. خدمات پزشکی یکی دیگر از موضوعاتی است که برای آزادگان حائز اهمیت است (با توجه به مشکلات جسمی). پرواضح است که با افزایش سطح آگاهی، استحکام خانواده نیز افزایش می‌یابد و این موضوع در مورد خانواده آزادگان نقش مهم‌تری دارد ...

واگویه‌های سید



نویسنده: سیداحمد قشمی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۲۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۰۸-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب واگویه‌های سید به قلم سیداحمد قشمی، جانباز و آزاده همدانی، در سه فصل به نگارش درآمده است. این کتاب خاطرات کودکی، روزهای انقلاب، مبارزه و پیوستن به سپاه همدان، جنگ و دو سال از دوران ده ساله اسارت ایشان را دربرمی‌گیرد. در فصل پایانی این کتاب نویسنده فقط به خاطراتی که در اردوگاه رمادیه عراق داشته است، می‌پردازد

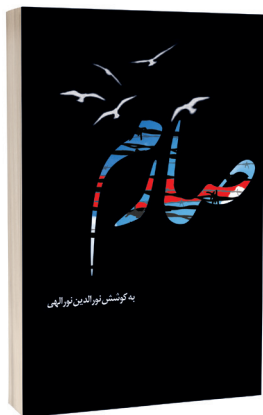
سیداحمد قشمی روز اول جنگ در مهرماه سال ۱۳۵۹ در بازدید و ارزیابی مناطق مرزی غرب در پاسگاه تيله‌کوه به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های ۳ و ۴ موصل و کمپ ۶ رمادی ۲ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

تشخیص صبح و شب، برای ما، در سلولی که بودیم، فقط از راه یک لوله باریک هواکش تا حدودی امکان‌پذیر بود. به‌نظرم هواکش تا پشت‌بام ادامه

داشت. در زمان مشخصی از بیست و چهار ساعت، یک پرندۀ خوش صدا می آمد و برای دقایقی روی آن می نشست و آواز می خواند. این قصه تا مدتی که ما در ابوغریب بودیم ادامه داشت. زمان آوازخوانی آن پرنده را مبدأ صبح تلقی می کردیم و بر همان مبنا نماز صبح را می خواندیم؛ اوقات ظهر و عصرمان را هم به نوعی از روی آن محاسبه می کردیم

صارم



نویسنده: نورالدین نورالهی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: ندا اسمعیلی

تعداد صفحات: ۳۲۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳۶-۵-۶

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

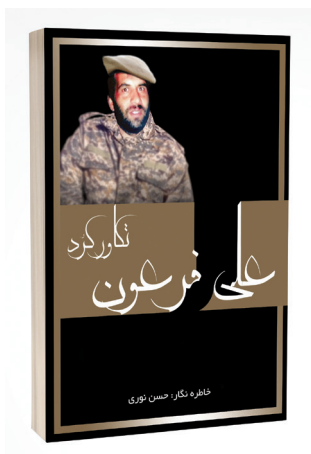
کتاب صارم، که به کوشش نورالدین نورالهی

به نگارش درآمده است، حاوی خاطرات سردار شهید صارم طهماسبی است. طهماسبی در سال ۱۳۳۳ در روستای سراباغ شهرستان آبدانان از توابع استان ایلام دیده به جهان گشود. سال ۱۳۴۹ پس از آشنایی با شهیدان محمد منتظری و علی اندرزگو وارد مبارزات سیاسی علیه رژیم ستمشاهی شده و توسط ساواک شناسایی و دستگیر شد. سال ۱۳۵۰ به لبنان سفر کرد و به مدت پنج سال، ضمن فراگیری فنون و آموزش‌های رزمی، بر ضد رژیم غاصب اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی جنگید. وی در ۱۳ آبان ۱۳۶۳ هنگام مأموریت شناسایی در منطقه سرخر در مهران به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این سردار شهید در اردوگاه‌های موصول ۲، رمادی ۱ کمپ ۶ و صلاح‌الدین ۵ سپری شد. صارم طهماسبی در پانزده آبان ۱۳۹۴ با ۷۰ درصد جانبازی دعوت حق را لبیک گفت.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

اواسط سال ۱۳۵۲ بود. به همراه تعدادی از مجاهدان لبنانی از جمله ابوسالم، ابوحمین و ابومنتظر، که از افراد و چریک‌های ورزیده بودند، مأموریت پیدا کردیم که یک دستگاه قطار حامل تعدادی از نظامیان صهیونیستی و مقدار بسیار زیادی اسلحه و مهمات نظامی را که از تل‌آویو به سمت بیت‌المقدس در حال حرکت بود، منفجر کنیم. پس از عبور از موانع بسیار سخت و کوه‌های سربه‌فلک‌کشیده به نقطه مورد نظر رسیدیم، سلاح مورد استفاده همه چریک‌های عمل‌کننده در آن زمان کلاشینکف و آرپی جی بود. من در آن عملیات خدمه تیربار بودم. طبق یک طراحی پیچیده پارتیزانی و محاسبات دقیق هندسی، اندازه قطار مذکور را محاسبه و در نقطه ابتدایی و انتهایی آن مقدار ۳۴ پوند مواد منفجره کار گذاشتیم. منتظر ماندیم تا قطار حامل نظامیان و مهمات صهیونیستی از راه برسد ...

علی فرعون، تکاور گرد



نویسنده: حسن نوری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۸۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲-۰۰۹-۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

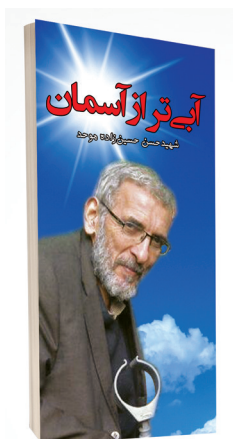
کتاب علی فرعون، تکاور گرد، را

حسن نوری، آزاده و جانباز قمی، پیرامون خاطرات شهید علی نجفی در شش فصل به نگارش درآمده است. شهید نجفی آزاده کرمانشاهی در اردوگاه با نام علی فرعون به شهرت رسید و با این نام زندگی کرد. یازده سال زندگی در اسارت این آزاده جوانمرد خلاصه می شود در شاد کردن و خدمت به اسرا. مرحوم ابوترابی در مورد ایشان فرمودند: «خدا می داند مردی پیدا نمی شود که مردانگی، رشادت و حریت علی را داشته باشد شهید نجفی تیرماه ۱۳۵۹؛ یعنی قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، همراه با جمعی دیگر، در عین مقاومت جانانه ای که داشتند به اسارت نیروهای دشمن بعثی درآمد. سال های اسارت این آزاده در اردوگاه های موصل ۱ و ۲ سپری شد.

گزیده ای از محتوای کتاب

قرآن به تعداد بچه‌ها نبود برای قرآن سرگرفتن. برگزاری هر نوع مراسم مذهبی هم ممنوع بود. برای مشکل دوم راه حلی داشتیم که یکی از دوستان پشت پنجره می‌ایستاد برای نگهبانی دادن اما برای مشکل اول که تعداد کمی قرآن در اختیار داشتیم، هیچ راه حلی نبود. شب قدر بود و قرآن گیر علی نجفی نیامده بود. همه در حالت معنوی بودند که علی نجفی سراغ یکی از حافظان قرآن رفت و دست و پایش را گرفت و گذاشت روی سرش و شروع کرد بک یا الله گفتن

آبی تراز آسمان



به کوشش: فرزانه قلعه قوند

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۷۲

شماره شابک: ۰-۰۶-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب، برشی از روزهای زندگی آزاده شهید

حسن حسین زاده موحد است که در پنج بخش تهیه و تدوین شده است. رهبر معظم انقلاب در موردشان فرمودند: ایشان را از دوران جوانیش، به ایمان و صلاح و بصیرت و مجاهدت می‌شناختم. صبر و ثبات و توکل وی نیز در روزگار سخت اسارت در زندان‌های رژیم طاغوت و سپس در اردوگاه‌های اسیران بی‌نام و نشان در چنگال درخیمان بعثی، بر آنان که وی را می‌شناختند آشکار شد. پس از بازگشت ناباورانه از اسارت، اینجانب همان روحیه پرشور و قدم ثابت را در پیکر نحیف و معلول و شکنجه دیده او مشاهده کردم و همین صلابت و سلامت معنوی وی را تا آخر عمر در خدمت هدف‌های والای انقلاب به تلاش و کوشش برانگیخت. امید است که اکنون در سایه سار رحمت بی‌کرانه پروردگار متنعم و سرفراز باشد. بمنه و کرمه.

این آزاده شهید از اوان نوجوانی به مدت ۹ سال زیر شکنجه در زندان‌های رژیم پهلوی به سر برد و سرانجام در عملیات کربلای ۵، وقتی

به شدت مجروح بود، در نابرابری اوضاع به اسارت نیروهای عراقی درآمد. شهید حسین زاده در مدت اسارتش توسط صلیب ثبت نام نشد و به عنوان مفقودالاثر دوران اسارتش را در اردوگاه تکریت ۱۱ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

وقتی از اسارت خلاص شدیم و به ایران آمدیم همه می پرسیدند: «شما با حاج آقا حسین زاده موحد هم اردوگاهی و هم سلولی بودید؟» می گفتیم: «بابا این حاج حسن آن طور که شما می گوئید آن قدرها هم بزرگ نبود.» ایشان آن قدر تودار بود که هیچ کس باور نمی کرد حاج حسن ما کیه! ایشان می گفتند: «من بلور فروش هستم!» اما وقتی به ایران آمدم و به زیارت مرقد ۷۲ تن رفتم، دیدم قبر بزرگی برای ایشان درست شده است! به خانه اش رفتم و به شوخی به ایشان گفتم: «بلورفروشی دیگه؟» زد زیر خنده ...

آخرین تیر



نویسنده: صفر عبدالملکی (بسیجی مهاجر)

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

ویراستار: رضا گودرزی فهلپانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۶۵۴

شماره شابک: ۳-۰۵-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: سفرنامه

معرفی کتاب

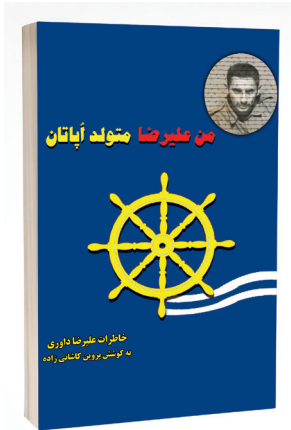
این کتاب که سفرنامه‌ی مربوط به مرحوم ابوترابی است، را جانباز و آزاده‌ی الیگودرزی صفر عبدالملکی در ۷ فصل به نگارش درآورده است.

صفر عبدالملکی سال ۱۳۶۷ در شکست مهران به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در زندان‌های العماره، الرشید، بعقوبه (کمپ ۱۸) و تکریت ۱۵ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

با زور و فشار دیس برنج را در جانماز جای داد و گره زد. بسته کوچکی شد. اندازه یک بسته یک کیلویی. گفت: «زیر پیراهن مخفی کن. به امید خدا برو چیزی نخواهد شد.» گفتم: «هرچند که در این موقعیت کار مثبت و ساده‌ای نیست خدا کند چنین باشد که تو می‌گویی. به سمت سوله به راه افتادم. جلوی در سوله که رسیدم ...»

من علیرضا متولد آبانان



نویسنده: پروین کاشانی زاده

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

ویراستار: امیرمحمد عباس نژاد

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۱۶

شماره شابک: ۸-۰۰-۸۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات جانباز و آزادهٔ آبادانی علیرضا داوری، را روایت می‌کند. این کتاب در شش فصل به اهتمام «پروین کاشانی زاده» به نگارش درآمده است. در این خاطرات رویدادها، مکان، زمان و اشخاصی که نام برده می‌شوند، همه ضمن واقعیت، در جای خود قرار دارد و بازنویسی آن توسط خاطره‌نگار هیچ‌گونه لطمه‌ای به مستند بودن آن وارد نکرده است. کتاب فصل اول، از آزادی علیرضا داوری از بند اسارت آغاز می‌شود و در ادامه به یکی از بزرگترین چالش‌های زندگی اُسرا پس از آزادی می‌پردازد. با فضای ایجاد شده خواننده با محل زندگی، کودکی و نوجوانی راوی خاطره آشنا شده و با جریان انقلاب و شروع مبارزات همراهی می‌کند. از فصل‌های دو تا پنج شاهد چگونگی به‌اسارت‌رفتن و اتفاقات ریز و درشت در اردوگاه‌های مختلف خواهیم بود علیرضا داوری، در ۱۸ بهمن ۱۳۶۱ در جریان عملیات والفجر مقدماتی به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های موصل و رمادی سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

منافقین فهمیده بودند خیلی از اطلاعات و اتفاقات اردوگاه به ایران می‌رسد. عراقی‌ها اصلاً متوجه کارهای بچه‌ها نبودند، آنها خنگ‌تر از این حرف‌ها بودند. بچه‌ها از چندین روش برای نامه‌نویستن و ارسال خبرها استفاده می‌کردند، اول وارون‌نوشتن، دوم برعکس‌نوشتن که از پشت صفحه کاغذ قابل خواندن بود؛ سوم با آب پیاز که وقتی زیر نور قرار می‌گرفت پیدا می‌شد وقتی این را فهمیدند، پیاز در اردوگاه ممنوع شد! وقتی با آب پیاز می‌نوشتیم نوشته‌ها مشخص نبود. نوشته‌ها به شکلی نامرئی بودند، چیزی روی صفحه نبود و شک نمی‌کردند. یک خط در میان می‌نوشتند. یک خط با خودکار یک خط با آب پیاز! افرادی که وارد بودند و می‌خواستند یک سری اطلاعات به ایران بفرستند، می‌نوشتند. اگر یک‌دفعه این کار لو می‌رفت.

به سمت پرواز



نویسنده: ابراهیم اعتصام

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

ویراستار: حنا به بابایی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۶۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۰۱-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب مجموعه‌ای از خاطرات جانباز

و آزاده زابلی ابراهیم اعتصام است که در پنج فصل به روایت سال‌ها

مقاومت و ایستادگی در غربت پرداخته است. ابراهیم اعتصام معلم ساده‌ای

بود که از روستای سدکی زابل به جبهه‌های جنگ پیوست.

ابراهیم اعتصام سال ۱۳۶۵ در عملیات تک شلمچه به اسارت درآمد.

او در مدت اسارتش توسط صلیب، ثبت نام نشد و بدین ترتیب تا زمان

بازگشت، راز اسارتش در الرشید بغداد و اردوگاه تکریت ۱۲ از همه پنهان

ماند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بیمارستان نظامی صلاح‌الدین تکریت مانند یک زندان تجهیز شده بود.

بیمارستان راهرویی بلند داشت و اتاق‌هایی با سه تا چهار تخت بیمارستانی.

روی هر تخت دو مریض و کف بعضی از اتاق‌ها هم بیمارانی خوابیده

بودند. خبری از پزشک و معاینه و کارهای اولیه برای مریضان نبود. بعد از تعویض لباس و خوردن چند لقمه نان، سراغ دست‌شویی را گرفتم، یکی از بچه‌ها زیر بازویم را گرفت و به من کمک کرد. بعد از مدت‌ها برای اولین بار بود که تصویرم را در آینه می‌دیدم؛ خودم از چهره‌ام ترسیدم! باورم نمی‌شد اینکه از آینه به من نگاه می‌کند، خودم هستم! چشم‌هایی به گودی نشسته، گونه‌هایی بیرون زده و صورتی تکیده در قاب کلاه دست‌بافتی که برادر نازنینم رحمدل اعتمادیان از نخ پتوها برایم بافته و روی سرم گذاشته بود، چهره‌ام را وحشتناک‌تر نشان می‌داد!

آثار برتر جشنواره آزاد مثل آزاد



پدیدآور: معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

ناظر محتوی: دکتر محمد رضا

سنگری

طراحی و نظارت:

فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا:

افسانه گودرزی

تعداد صفحات: ۲۱۶

شماره شابک: ۹-۴-۹۵۴۳۶-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: خشتی

نوع کتاب: داستان، شعر، نمایشنامه و نامه و دل‌نویسته

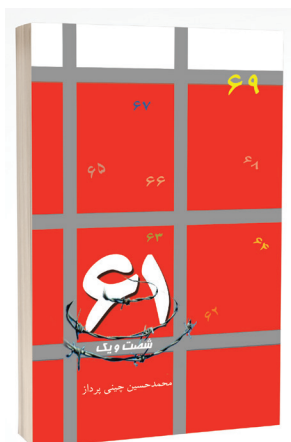
معرفی کتاب

این کتاب از آثار برگزیده شعر، داستان و نمایشنامه از بین ۷۰۰ اثر در نخستین فراخوان مؤسسه پیام آزادگان است که با عنوان آزاد مثل آزاد برگزار شد. امید است در تداوم این راه، آثار برتر دیگر را شاهد و ناظر باشیم. نقد و نظرهای راهگشای شما فرهیختگان راه آشنا، یاری‌گر و مددکار استمرار و پویه در این مسیر خواهد بود.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

افتخار ما تویی ... که دشمن از فتح سلولت عاجز است ... سر راه بهشت
به خانه برگرد ... و راز قرآنی را که با آجرهای سلول ختم کرده‌ای ... با ما
در میان بگذار ...

۶۱



نویسنده: محمدحسین چینی پرداز

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

ویراستار: حنا به بابایی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۴۰۸

شماره شابک: ۶-۰۰۴-۸۲۲-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات خودنگاشت

محمدحسین چینی‌پرداز، آزاده و جانباز دزفولی را حکایت می‌کند. محمدحسین چینی‌پرداز در اول نوروز سال ۶۱ به اسارت درآمد. این کتاب در شش فصل، از روزهای کودکی و شروع جنگ تا اسارت و آزادی به نگارش درآمده است. فصل ششم این نوشته صادقانه آلبوم خاطرات این آزاده است.

محمدحسین چینی‌پرداز، آزاده جانباز دزفولی، در ۲ فروردین ۱۳۶۱ در عملیات فتح‌المبین به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های الانبار (عنبر یا کمپ ۸)، رمادی و موصل سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

دوباره دستور داد: «بزنید» باز صدای کوبیدن ضربه را بر پشت خود احساس کردیم. صدایی مانند فرود آمدن چوب بر فرش‌هایی که آن روزها،

مادر تلاش می کرد خاک آن را بریزد. هماهنگ با آن فریاد، اسرای ضعیفی که پس از سال ها اسارت و یک ماه روزه داری رمقی در جان نداشتند، از شدت ضربه ها بیهوش شدند. سرگرد دستور توقف داد، گفت: «شما باید اسامی مخربین و کسانی که به شما خط می دهند را بگویید و گرنه این وضعیت ادامه دارد.» سپس درها را قفل کردند و رفتند. با رفتن آنها هیچ کس اجازه نداشت سر بلند کند. زیرا دستور داده بود از حالا به بعد تا صدای سوت را نشنیده اید، سر جای تان به حالت سجده می مانید. سوزش و دردی که در پشت مان احساس می کردیم امان از ما بریده بود ...

راه خدمت



نویسنده: بهجت افراز

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۸۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳۶-۳-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب حاضر حاوی مطالبی است که

توسط مرحومه خانم بهجت افراز ملقب به ام‌الاسرای ایران، به نگارش درآمده است. بانو بهجت افراز در زمان جنگ، ریاست اداره اسرا و مفقودین هلال احمر را به عهده داشت و به مدت هجده سال رابط بین خانواده‌های اسرا و مفقودین جنگ و صلیب سرخ بودند. در این کتاب ابتدا شرح وظایف مسئول اداره اسراء و مفقودین جنگ، شرح وظایف معاون اداره، سپس وظایف مسئول اقدامات مراجعه‌ها نامه‌های دریافتی از اسراء، مرکز اسناد و ... بیان شده است. در ادامه عناوین قراردادهای ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن در خصوص اسراء و مجروحین و مفقودین جنگ آمده و مقررات کلی مشترک بین چهار قرارداد ژنو و دو پروتکل الحاقی آن تشریح شده است. در نهایت زمینه‌های وضیت، رفتار و وضعیت اسراء، روند بازگشت به میهن، حمایت از مردم غیرنظامی در مقابل اثرات مخاصمات و ... ارائه شده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

اداره اسرا و مفقودین (اداره جستجوی مفقودین): این اداره در زمان بروز جنگ بین دو کشور و یا گروه‌های یک کشور کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مستقر در ژنو بر اساس مصوبات سازمان ملل متحد وارد جریان شده و نسبت به پیدایش مفقودین طرفین متخاصم و ارتباط اسرا با خانواده‌هایشان از طریق دفاتر این کمیته در پایتخت دو کشور انجام می‌گیرد به وسیله جمعیت هلال احمر یا صلیب سرخ کشورهای مورد موضوع اقدامات لازمه انجام می‌پذیرد.

او سلیمان بود



پدیدآور: محمد شقاقی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۴

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۴۰

شابک: ۳- ۶۶- ۹۵۴۳- ۶۰۰- ۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

در کتاب حاضر، خاطراتی از سید آزادگان

حاج علی اکبر ابوترابی نقل شده است. این مجموعه به اهتمام معلم آزاده محمد شقاقی تهیه شده و حاوی نکات شیرین و درس‌آموزی از این بندهٔ مخلص خداست که آزادگان نقل می‌کنند.

محمد شقاقی جانباز و آزاده کاشانی سال ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۲ به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه موصل ۱ (موصل بزرگه) و رمادی ۲ کمپ ۷ (معروف به بین‌القفسین) سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در گوشهٔ اردوگاه محمد صادقی از اصفهان یک بشکه آب داغ کرده بود. او می‌خواست مشهدی یدالله را که توانایی شستن خود را نداشت، با آن آب داغ بشوید و لباس نو به او بپوشاند. پیرمرد جلو اتاق نشسته بود. حاج‌آقا آمد. پیرمرد را بلند کرد. دستش را بوسید و نوازش کرد. پیرمرد گفت:

«ابوترابی هستی؟»

– بله

پیرمرد گریست و مرید حاج آقا شد.

پیرمرد کُرد و سنی مذهب بود که حاج آقا به او بسیار احترام می گذاشت. ایشان با وجود کمبود آب، دستور داد پلاستیکی را مانند حوضچه نصب کنند تا او راحت و به سبک خود وضو بگیرد.

مجموعه بانوی انتظار



نویسنده: مهدیه شادمانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: هر جلد ۳۲ صفحه

شماره شابک:

۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۱۳ - ۹۲ - ۴

قطع کتاب: جیبی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این مجموعه خاطرات کوتاه و درس‌آموز بانوانی است که بدون تردید می‌توان آنها را قهرمان گمنام اسارت نامید. بانوانی که صبر و انتظار را به متانت پیوند زدند تا حریم خانه از گزند مصون بماند. در این مجموعه با ازدواج آسان، سادگی و دوری از تجمل، صبر و انتظار، عفاف و پاکدامنی، تربیت فرزند و سبک زندگی صحیح روبه‌رو هستیم.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

سه ماه رو در بی‌خبری گذروندم. همه اصرار به شهادت ناصر داشتند، ولی دلم گواه نمی‌داد. تا اینکه یک روز برادرم به همراه چند تا از اقوام سرزده اومدن خونمون. گفتن ناصر زنگ زده گفته شما رو ببریم شهرستان؛ شاید حالا حالاها نیاد. به حرفاشون شک کردم. آخه ناصر بعد این همه بی‌خبری، یهو فقط به اونا زنگ زده. وسایل رو جمع کردیم و رفتیم. دیگه داشت شکم به یقین تبدیل می‌شد که حتماً اتفاق تلخی افتاده. رفتم نشستم

و بی‌رودریاستی گفتم: «معلومه اینجا چه خبره؟ مامان تو بگو لااقل؛ ناصر چیزیش شده؟ چرا منو با دو تا بچه کشوندید اینجا؟» مادرم وقتی بغض تلخم رو دید، دلش نیومد تو بی‌خبری بمونم. دستی به سرم کشید و با صدایی ترسان و لرزان گفت: «فاطمه جان، بی‌قرار نباش مادر! می‌دونی چی شده؟ آخه ... آخه کسی طاقت گفتن این خبر رو بهت نداشته. گفتم بیای تا من بگم. حقیقتش، آقا ناصر اسیر شده ...».

غربت باران



نویسنده: کوروش اسکندری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۰۸

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳-۶۹-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطرات

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب غربت باران، خاطرات خودنگاشت

کوروش اسکندری معلم آزاده بهبهانی است. آنچه در کتاب غربت باران قابل تأمل است زبان ساده و صمیمی اسکندری است که موجب همراهی خواننده تا پایان خاطرات می‌شود.

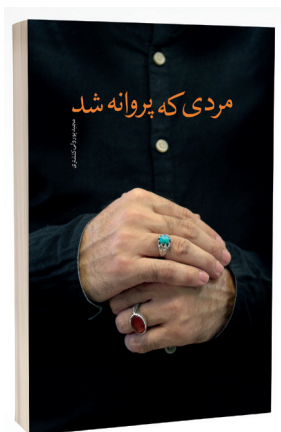
کوروش اسکندری، آزاده و جانباز بهبهانی، در ۱۸ بهمن ۱۳۶۱ در عملیات والفجر مقدماتی به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های موصل سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

همه این افکار با اولین مشت و ضربه افسر بداخلاق عراقی پاره شد. وقتی می‌خواستیم از جلوی او رد شویم، با تمام قدرت با مشت و لگد پرتمان کرد پایین تا وارد تونل مرگ شویم؛ این اولین آشنایی ما با این تونل بود! از پای اتوبوس تا محل استقرار ما، که یک سوله بود و فاصله زیادی

هم داشت، سربازها در دو ردیف ایستاده و مسیری کانال مانند درست کرده بودند. هر اسیر باید از باید از میان آن کانال می گذشت. سربازها هم هر آنچه در توان داشتند در طبق اخلاص گذاشته و با مشت و لگد و کابل و باتوم و میله های آهنی از ما پذیرایی جانانه ای کردند.

مردی که پروانه شد



نویسنده: مجید پورولی کلشتری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

ویراستار: آسیه سادات زاهدی

حروف چین و صفحه‌آرا: سیدامین موسوی‌زاده

تعداد صفحات: ۲۲۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۰۳-۹

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: رمان

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

مردی که پروانه شد به یک اسیر آزادشده

جنگی به نام عباد می‌پردازد. عباد از عکاسان زمان جنگ بود. داستان در زمان پس از آزادی عباد روایت می‌شود. تقریباً نزدیک به زمان معاصر. اما فلاش بک‌هایی هم به خاطرات زندان و جوانی او دارد. عباد از پیله زندان بعضی‌ها آزاد شده و در جامعه امروز پوست انداخته و اندک‌اندک تبدیل به آدم دیگری می‌شود. پروانه‌شدن نماد آزادی در عقیده است. عباد یکی از آنهایی است که پس از اسارت، دوره گذر از اندیشه‌های پیشین را سپری کرده و حالا در برابر خود تنها دو چیز مقدس بیشتر نمی‌بیند، یکی قرآن و یکی عترت. مردی که پروانه شد در درجه اول داستان ایدئولوژی عباد است. بعد از آن می‌شود گفت که داستان رنج همسران آزادگان و داستان آنهاست که سال‌ها در زندان‌های بعضی‌ها روحشان آزرده شد.

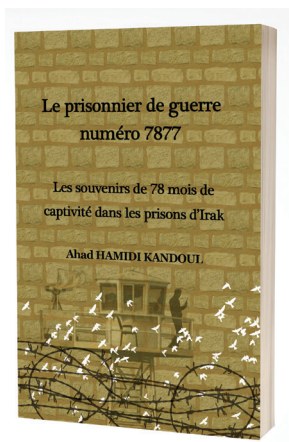
این کتاب را نویسنده بصیر دفاع مقدس مجید پورولی کلشتری به نگارش درآورده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

من و فریبا فهمیده بودیم که یک وقت‌هایی، عباد را یک جاهایی می‌بیند. عباد همیشه خدا سرش پایین بود و زمین را نگاه می‌کرد. تارا می‌گفت: «من روزهای اول فکر می‌کردم داره روی زمین دنبال چیزی می‌گرده.»

کم‌کم فهمیدیم توی دکه روزنامه‌فروشی پدرش کار می‌کند. تارا هم به بهانه خریدن کیهان بچه‌ها می‌رفت آنجا. همان روزها بود که کشف کردیم تارا دست از لاک‌زدن ناخن‌هایش برداشته. دیگر هیچ‌وقت ناخن‌هایش را بلند نکرد. لاک‌هایش را داد به من و فریبا. فکر کردیم می‌خواهد لاک‌های تازه بخرد؛ اما دیگر هیچ‌وقت لاک نخريد. کم‌کم موهایش را گذاشت توی روسری. گفت رنگ سرمه‌ای عجب رنگ قشنگی است؛ چرا تا به حال دقت نکرده‌ام و شروع کرد به خریدن روسری‌های سرمه‌ای‌رنگ. اولین بار که مقنعه سر کرد، آقا جان گریه کرد. بغلش کرد. فقط من و فریبا می‌دانستیم که اینها هنر عباد است. حالا شده بود نور چشم آقا جان. بعد از یک سال، عباد از محله ما رفت. تارا حسابی حالش بد شد. مریض شد. چند ماه طول کشید تا حالش بیاید سر جایش. بعدها، دوسه سال بعد، دوباره همدیگر را دیدند؛ این بار توی حیاط دانشگاه.

اسیر شماره ۷۸۷۷



نویسنده: احد حمیدی کندول

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۲۴

شماره شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۲۲۰ - ۰۲ - ۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطرات احد حمیدی کندول به

زبان فرانسه

معرفی نویسنده

احد حمیدی، آزاده و جانباز تبریزی،

در ۵ اسفند ۱۳۶۲ در عملیات خیبر به اسارت درآمد و سال‌های اسارت

خود را در اردوگاه‌های موصل و رمادی سپری کرد.

بچه‌های مرد



نویسنده: مهری ماهوتی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

تصویرگر: نسرين اسماعیلی

تعداد صفحات: ۶۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳۶-۷-۰

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: داستان

معرفی کتاب و نویسنده

بچه‌های مرد، عنوان کتابی در حوزه کودک و نوجوان است که به همت نویسنده صاحب نام کودک و نوجوان، خانم مهری ماهوتی، رنگ و بوی داستانی به خود گرفته است. این کتاب حاوی هفت داستان کوتاه از زندگی واقعی مردان آزاده این سرزمین را حکایت می‌کند: بچه‌های مرد، بچه شیر، اردوگاه اطفال، روز خنده، یک کولی جانانه، علی الیمین و عاشورا عناوین داستان‌های این مجموعه است. در این کتاب مفهوم همدلی، همراهی، ایمان، فداکاری، ابتکار، مهربانی، صبر و امید از قهرمان‌هایی واقعی، به خوبی در عمق داستان جای گرفته است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

افسر عراقی به قبر اشاره کرد برود جلوتر. قبر یک قدم جلوتر رفت. حالا صورتش چسبیده بود به لبه میز و انار درشت درست جلوی چشم‌های او بود. عراقی انار را برداشت، دستش را دراز کرد طرف او و گفت: «مال تو،

بگیر.» به غیرت قنبر برخورد. قنبر مثل یک بچه شیر، بُراق شد. سرش داغ شد. چشم‌هایش قرمز شد؛ رنگ انار. انار را گرفت و با همه زورش آن را کوبید روی زمین. انار ترکید

روزهای پاییزی



نویسنده: مهری ماهوتی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴

تصویرگر: نسرين اسماعیلی

تعداد صفحات: ۶۴/مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳۶-۸-۷

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: داستان

معرفی کتاب و نویسنده

روزهای پاییزی، عنوان کتابی در

حوزهٔ کودک و نوجوان است که به همت

نویسنده صاحب نام کودک و نوجوان، خانم مهری ماهوتی، رنگ و بوی داستانی به خود گرفته است.

روزهای پاییزی، حاوی شش داستان کوتاه از زندگی واقعی مردان آزادهٔ این سرزمین را حکایت می‌کند. اسارت، موضوع اصلی تمامی این داستان‌های کوتاه است. گل‌محمدی، روزهای آخر زمستان، ابتکار تازه، دردسر، وضعیت سفید و توپ عناوین داستان‌های این مجموعه است. در این کتاب مفهوم همدلی، همراهی، ایمان، فداکاری، ابتکار، مهربانی، صبر و امید از قهرمان‌هایی واقعی، به‌خوبی در عمق داستان جای گرفته است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

تو که تفنگ از خودت بزرگتر است. من هم زدم توی حالش. گفتم مردی که به قد و هیکل نیست. اگر راست می‌گویی یک تفنگ تو بردار و یکی من. ببینم کی بهتر می‌جنگد. او هم دمش را گذاشت روی کولش و رفت. پنج سال از آن روز می‌گذرد ...

کشکول در بند



پدیدآورنده: حسن نوری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف‌چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۸۸

شماره شابک: ۶-۸۵-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: شعر و خاطره طنز

معرفی کتاب

کشکول در بند حاوی اشعار و خاطرات

طنز مربوط به سال‌های اسارت و خفقان است این کتاب را حسن نوری، معروف به زید، به نگارش درآورده است. حسن نوری به لحاظ طبع و قریحه شعری‌اش توانست با بخش بزرگی از رویدادهای فرهنگی اسارت همراه شود و با آفرینش لحظه‌های ناب در تجدید حیات دوباره هم‌زمانش نقش مؤثری را ایفا کند.

حسن نوری، آزاده جانباز قمی، معروف به زیدالله، که فروردین‌ماه ۱۳۶۱ در عملیات فتح‌المبین به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر)، رمادی ۱ کمپ ۶، رمادی ۲ کمپ ۷ (معروف به بین‌القفسین و اردوگاه اطفال) و موصل ۱ (جدید) سپری کرد.

تصویرگری این کتاب را هنرمند آزاده «عباس فلاحتی» به عهده داشته است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

شب و روزش زبان اینگلیسی	یکی می‌خواند با سختی و پیسی
اگر هم می‌زدی سنگ و بلوکش	نمی‌شد کند «مستر» را ز بوکش
یکی اندر خم «وان توتری» ماند	یکی چندین زبان حرفه‌ای خواند
یکی با زرورق دندانپزشکی	یکی می‌کرد قرمز را زرشکی
«جوانی» بسته‌ها را چاک می‌کرد	«سعادت» لوبیا را پاک می‌کرد
به گوشت منجمد ساطور می‌زد	«علی‌فرعون» به سختی زور می‌زد

همچنین در بخشی از خاطرات طنز می‌خوانیم: علی قزوینی با مشت کوبید روی پیاز که مغزش پرید بیرون و سریع برداشت و انداخت بالا؛ همین‌طور که داشت خارت و خورت می‌خورد ...

آواهای ناتمام



نویسنده: کتایون معمار

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۸۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۹۰-۰

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

مجموعه خاطرات جانباز و آزاده

اصفهرانی جنگ تحمیلی، حسن کاغذگران است، که ویسنده جوان کتایون معمار آن را به نگارش درآورده است.

حسن کاغذگران جانباز و آزاده اصفهرانی ۱۸ فروردین ۱۳۶۳ در شناسایی عملیاتی منطقه جنگی والفجر ۱ به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) و تکریت ۱۷ سپری شد.

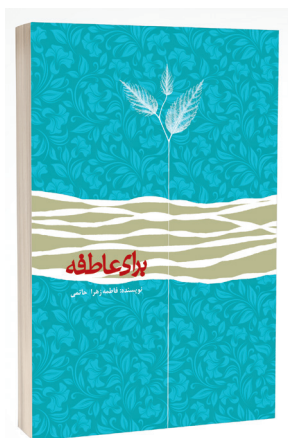
گزیده‌ای از محتوای کتاب

تقریباً پنج نفری دور هم نشستیم برای برنامه‌ریزی. سرباز عراقی که مدام در پنجره اتاق‌ها سرک می‌کشید تا تجمع ما را دید سریع و با لگد در را باز کرد و آمد داخل. از پنجره تا در، فاصله خیلی کمی بود. وقتی داخل شد هر کدام خودمان را به کاری مشغول کرده بودیم. بهت‌زده شده بود از هماهنگی ما؛ فقط به همه‌مان نگاه می‌کرد. چند دقیقه در همان حالت ایستاد و در را

بست و رفت.

سعی کردیم همان‌طور که هر کسی سر جای خودش نشسته بود، بنشینیم و صحبت کنیم. یک نفر گفت: «شما با این وضع می‌خواهید درس یاد بگیرید که نمی‌شود؛ کاغذ و خودکار ندارید». تجمع دور هم که ممنوع است. سرباز عراقی هم که مدام کشیک می‌دهد و این در را باز و بسته می‌کند؛ با این شرایط شما چه‌طور می‌شود؟» گفتم: «ورق و خودکار نداریم، درست، اما حافظه که داریم؛ دور هم نمی‌توانیم بنشینیم، درست، می‌توانیم دراز بکشیم و کتاب‌ها را تک‌به‌تک بخوانیم و جابه‌جا کنیم ...».

برای عاطفه



نویسنده: فاطمه زهرا حاتمی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۹۶

شماره شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۱۳ - ۸۹ - ۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

برای عاطفه خاطرات محمدرضا کائینی

است که توسط فاطمه زهرا حاتمی به شیوه موضوعی به نگارش درآمده است.

محمدرضا کائینی، آزاده جانباز تهرانی، در ۳۰ تیرماه ۱۳۶۴ به اسارت افراد ضدانقلاب فرسان، معروف به گوش برها، درآمد. بیشتر سال‌های اسارت این آزاده سرافراز در اردوگاه‌های رمادی و تکریت ۱۷ صلاح‌الدین سپری شد.

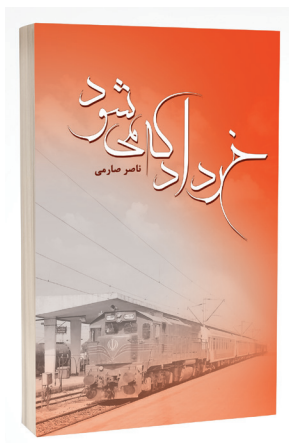
گزیده‌ای از محتوای کتاب

در کل روز فقط یک بار در این سلول را باز می‌کردند. محیط تاریک سلول انفرادی، فضای مناسبی برای خواندن نماز مهیا می‌کرد. تجربه سلول انفرادی به قدری برای بچه‌ها تکرار شده بود که دیگر بچه‌ها می‌دانستند باید هوای کسی را که کارش به آن جا می‌کشد، داشته باشند.

یک ماهی گذشت و من هنوز در سلول انفرادی بودم. صدای جهانبخش

را از پشت در می شنیدیم که می گفت: «محمدرضا! محمدرضا!» رفتم پشت در و گفتم: «بله، تویی جهانبخش؟»
- آره، تو خوبی؟ محمدرضا! چه قدر زندانی شدنت طولانی شد! چهار تا غلط کردم بگو تا بیارنت بیرون.
بعد جهانبخش از زیر در، چند تا برگه و مقداری نان فرستاد داخل سلول و گفت: «برات لغت های انگلیسی رو با ترجمه نوشتم. بخون تا حوصله ات سر نره ...»

خرداد که می‌شود



نویسنده: ناصر صارمی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: فرزانه قلعه‌قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۳۲/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۸۱-۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب خرداد که می‌شود، لحظه‌های

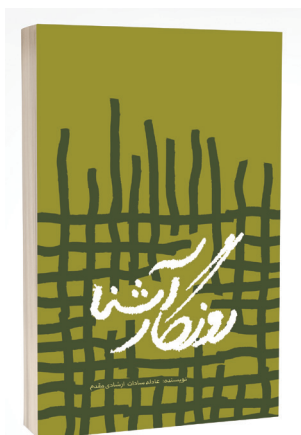
به‌جامانده از اسرای عراقی در ایران است. طبیعی به نظر می‌رسد که به دلیل متجاوز بودن رژیم بعث و رفتار غیرانسانی و غیراسلامی با اسرای ایران در کشوری که ادعای مسلمانی را فریاد می‌زند، در اردوگاه‌های اسرای عراقی نیز ضرب و شتم و محرومیت از همه حقوق طبیعی انسانی وجود داشته باشد اما ناصر صارمی راوی و نویسنده خوش قریحه این کتاب، که زندانبان این اسرا بود، با توجه به مستندات موجود، حکایت متفاوتی را روایت می‌کند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

اینجا کمپ من نیست؛ من فقط در حال عبور از کنار سیم‌های خاردار این کمپ هستم؛ اما بدم نمی‌آید بدانم ارشد عراقی دارد برایشان از چه حرف می‌زند که این اندازه برآشفته می‌شوند و گاهی نظم مراسم صبحگاه

را با خنده به هم می‌زنند. ارشد عراقی می‌گوید: «از فردا کلاس سوادآموزی تشکیل می‌شود. فرمانده اردوگاه فرموده‌اند که همه بی‌سوادها وقتی از اینجا آزاد می‌شوند، باید خواندن و نوشتن بلد باشند.» ته صف، عده زیادی نجوا می‌کنند و یا بدوبیراه می‌گویند: «تو که سواد داری، چه غلطی کردی؟ از ناهار و شام بگو.» ارشد عراقی می‌گوید: «انگشت برای نوشتن است، مثل چشم که برای خواندن است.» اسیر می‌گوید: «اشتباه می‌کنی. انگشت برای لقمه‌زدن و کارهای دیگر است.» دیگران می‌خندند. اسیر دیگری می‌گوید: «آهان یادم آمد. برای طهارت گرفتن هم هست.» همه می‌خندند ...

روزگار آشنا



نویسنده: عادلۀ ارشادی مقدم

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۱۶

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۸۷-۰

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

روزگار آشنا خاطرات قادر آشنا آزاده‌ای

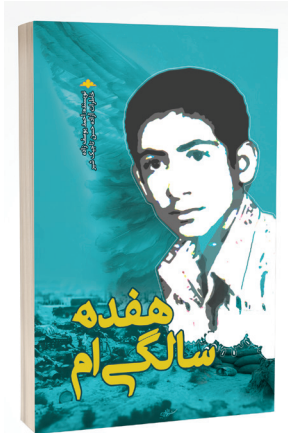
از کهگیلویه و بویراحمد است که توسط عادلۀ ارشادی در چهارده فصل به نگارش درآمده است. قادر آشنا، آزاده و جانباز از استان کهگیلویه و بویراحمد، در ۱۸ بهمن ۱۳۶۱ در عملیات والفجر مقدماتی به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های موصل و رمادی سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

نوبت به من رسید. خودم را برای تنددویدن مهیا کرده بودم. هرچه سریع‌تر از این میانه می‌گذشتیم بیشتر جان سالم به در می‌بردیم. اگرچه ضربه‌های سنگین و ورزش‌های متعدد سخت‌جانمان کرده بود. هرچه دور می‌گرفتی تا با سرعت بیشتری بدوی، لگدها و ضربات کابل پایت را بلند می‌کرد و قدرت دویدن را می‌گرفت. چند قدمی نرفته بودم که کابل یکی از سربازها، دور سر و پیشانی‌ام پیچید. لحظه‌ای دنیا ایستاد. خون توی تنم

درجا زد و بالا نیامد. پخش زمین شدم. ویران و خسته از حال رفتم. نفهمیدم
چقدر گذشت. چشم که باز کردم باز میان دست و پا و شلاق و ضربه‌های
کابل و باتوم سربازها بودم. کسی گمان نبرده بود شاید از هوش رفته یا حتی
مرده باشم. به خیالشان از درد افتاده‌ام. می‌زدند تا بلند شوم و چه خوب اثر
کرد کتک‌هایشان ...

هفده سالگی ام



نویسنده: احمد یوسف زاده

نوبت و سال چاپ: دوم، ۱۳۹۳

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۷۶/ مصور

شماره شابک: ۷-۷۵-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب هفده سالگی ام، روایت خاطرات

آزاده حسن تاجیک شیر است که به

قلم احمد یوسف زاده به نگارش درآمده است. حسن تاجیک شیر در سن

هفده سالگی و در اسفند سال ۱۳۶۰ به اسارت در آمد و سال های اسارت

خود را در اردوگاه الانبار (کمپ ۸ یا عنبر) سپری کرد.

احمد یوسف زاده، جانباز و آزاده کرمانی، اردیبهشت ۱۳۶۱ در عملیات

بیت المقدس به اسارت درآمد.. سال های اسارت این آزاده در زندان بغداد و

اردوگاه های رمادی سپری شد.

گزیده ای از محتوای کتاب

در بیمارستان اردوگاه عنبر روزهای داغ تابستان یکی بعد از دیگری

می گذشتند. هوای داخل بیمارستان گرم بود و جز چند پنکه سقفی وسیله ای

برای خنک کردن محیط نداشتیم. متکای زیر سرم همیشه خیس از عرق بود.

عراقی ها هیچ اراده ای برای مداوای مجروحان نشان نمی دادند. در عکس

رادیولوژی پای شکسته‌ام که در بصره گرفته شده بود هیچ امیدی برای معالجه آن دیده نمی‌شد. چهار سانتیمتر از استخوان رانم تقریباً متلاشی شده بود و تنها راه معالجه آن، جراحی و نصب پلاتین بود که البته علی‌رغم اصرار دکتر مجید و دکتر بیگدلی، عراقی‌ها هیچ‌گاه راضی نشدند برای عمل به بیمارستان شهر رمادی منتقل‌م کنند.

نویسنده: سرفراز عبداللہی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

حروف چین و صفحہ آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۱۲

شماره شاکی: ۰-۷۴-۱۳۵۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی، کتاب، معرفی، راوی و نویسندہ

کتاب زخم عشق، خاطرت خودنگاشت

جانباز و آزاده سرفراز عبداللہی است

که سعی شده در آن خاطرات به صورت موضوعی و تا حد امکان با توالی زمانی به رشته تحریر درآید.

سرفراز عبداللہی، از اہالی استان فارس است کہ، ۲۰ تیرماہ ۱۳۶۴ در عملیات قدس ۳ بہ اسارت درآمد و سالہای اسارت خود را در اردوگاہہای رمادی و تکریت ۱۷ سیری کرد.

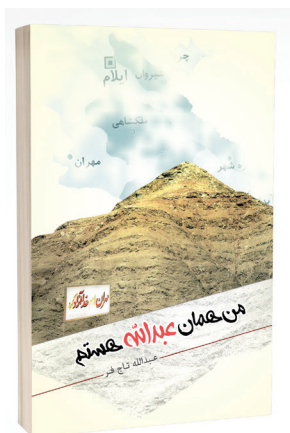
گزیده‌ای از محتوای کتاب

افسر عراقی رو به حسین کرد و گفت: «امروز دیگر می‌خواهم تو را تبدیل به یک اسیر معمولی کنیم و سپس می‌توانی با دیگر اسرا رفت‌وآمد و گفت‌وگو داشته باشی ولی تنها یک شرط کوچک دارد، آن شرط این است که به امام خمینی ناسزا بگویی و توهین کنی.» حسین نگاهی به آنها کرد و گفت: «من هرگز به امام خمینی توهین نمی‌کنم حتی اگر مرا بکشید.»

عراقی‌ها با عصبانیت به یکدیگر نگاه می‌کردند. یکی از آنها از او پرسید:
«اگر الان صدام حسین بیاید اینجا تو چکار می‌کنی؟»
- هیچی من با صدام کاری ندارم.

سپس افسر عراقی گفت: «اگر خمینی بیاید اینجا چکار می‌کنی؟» حسین
با طمأنینه و لبخند جواب داد: «از پاهایش تا عمامه‌اش می‌بوسم و جلوی
پاهایش جان می‌دهم» وقتی مترجم این جملات را ترجمه کرد و حالت
گریه حسین را دیدند همگی به شدت عصبانی شدند و حسین را به‌باد کتک
گرفتند. ابتدا فک و دندان‌های حسین را شکستند سپس هردو دستش را؛ در
آخر چنان او را با کابل زدند که

من همان عبدالله هستم



نویسنده: عبدالله تاج فر

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: فرزانه قلعه قوند

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۶۴

شماره شابک: ۷-۸۸-۱۳-۵۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب من همان عبدالله هستم، خاطرات

خودنگاشت عبدالله تاج فر جانباز آزاده ایلامی است عبدالله تاج فر از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیایی خاص منطقه محل زندگی‌اش، به خوبی پلی به اتفاق‌های ریز و درشت آن روزها می‌زند؛ به‌طوری‌که خواننده می‌تواند همراه او به همه زاویه‌های خاطراتش سرک بکشد.

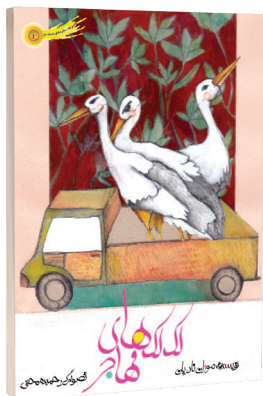
عبدالله تاج فر، در ۲۸ مهرماه ۱۳۶۳ در عملیات میمک به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه موصل ۲، معروف به اردوگاه خیبری‌ها سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در انتهای سالن بیمارستان گوشه‌ای را به اسرا اختصاص داده بودند؛ ارتباط با بیرون ممکن نبود. در ورودی آن اتاق دو نفر سرباز عراقی نگهبان بودند. داخل اتاق چند تخت بود و تعدادی اسیر از اردوگاه‌های دیگر آنجا

بستری بودند. اسرا اسهال داشتند، اما بیماران را به دستشویی نمی‌بردند. مانند آسایشگاه در گوشه‌ای از اتاق سطلی گذاشته بودند و می‌گفتند داخل آن تخلیه کنید. دو روز گذشت. غذاهای چرب برایمان می‌آوردند که اگر می‌خوردیم، بی‌شک می‌مردیم. بعد از چند روز اوضاع جسمی‌ام به شدت وخیم شد، مرگ را چشم می‌دیدم. نه می‌توانستم بنشینم، نه می‌توانستم دراز بکشم و نه می‌توانستم بخوابم؛ خواب‌هایم چند ثانیه‌ای بود. با کابوس‌های وحشتناک بیدار می‌شدم. دوستان اسیرم دورم حلقه زده بودند. هر چه به سرباز نگهبان مراجعه و درخواست دکتر می‌کردند، جوابشان این بود «خلی یموت»، بذار بمیرد ...

مجموعه چهار جلدی ستاره‌های دنباله‌دار: لک‌های مهاجر؛ جلد ۱



نویسنده: موژان نادریان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: ربابه نصیری‌امینی

طراحی و نظارت: معصومه رامهریزی

تصویرگر و طراح گرافیک: حمیده محبی

تعداد صفحات: ۳۶/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۷۶-۴

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: داستان

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این مجموعه چهار جلدی ستاره‌های دنباله‌دار بر اساس داستان واقعی از زندگی جانباز و آزاده ۱۰ ساله آبادانی، شهید قنبرعلی بهارستانی است. این مجموعه را موژان نادریان با عنوان‌های: «لک‌های مهاجر، سنگریزه‌های آبی، دوست جیبی و خانه‌ای برای همیشه نگاشته است. در این مجموعه، مفهوم بزرگ‌شدن، مهر و صلح به‌خوبی را می‌بینیم و همه عناصر داستان نماد بیرونی دارند.

خانواده قنبرعلی زمان جنگ از آبادان به داران اصفهان مهاجرت کرده بودند. زمانی که او همراه با پدرش برای سرکشی خانه‌شان به آبادان رفت همراه با پدرش به اسارت درآمد. در اسارت متوجه شدن که برادر بزرگ‌ترش نیز اسیر شده است.

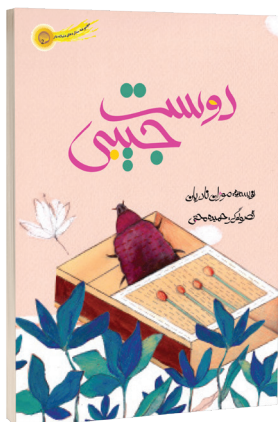
سال‌های اسارت این آزاده شهید در اردوگاه موصل ۱۴ و ۷ کمپ

رمادیه ۲ معروف به بین القفصین یا اردوگاه اطفال سپری شد. داستان برخوردش با افسر عراقی در همان ابتدای اسارت زیانزد است؛ آن هنگامی که از پذیرفتن انار اهدایی دشمن خودداری کرد و مثل یک ژنرال اعتراض کرد من از دست دشمن چیزی نمی گیرم! او وقتی به دلیل سن کم آزادش کردند و به ایران برگشت منوجه شد که برادر دیگرش هم شهید شده است. قنبرعلی ریسک دوباره اسیرشدن که جزایش تیرباران بود را پذیرفت و به جبهه رفت. او در جنگ به سخت مجروح شد سرانجام قنبرعلی بهارستانی با جانبازی ۷۰درصد در به دلیل جراحات ناشی از جنگ به یاران شهیدش پیوست.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

فکر کرده چون او کوچک است گول می خورد؟ اما او کوچک نبود. او محمدعلی بود و این را همه باید بدانند؛ چه آن عراقی که عقاب روی شانه اش بود و چه این یکی که عقاب هم روی شانه اش نداشت. دستش را دراز کرد، انار را گرفت و پرت کرد. آب قرمز رنگ انار روی زمین خاکی پخش شد و فرو رفت. احمد غازی هاج و واج مانده بود، اما محمدعلی خوشحال بود. آقاش با آرنج سلقمه ای محکمی به پهلویش زد و ...

مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: دوست جیبی؛ جلد ۲



نویسنده: مؤژان نادریان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: ربابه نصیری‌امینی

طراحی و نظارت: معصومه رامهریزی

تصویرگر و طراح گرافیک: حمیده محبی

تعداد صفحات: ۲۴/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۷۷-۱

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: داستان

گزیده‌ای از محتوای کتاب

محمدعلی بی‌حوصله نشسته بود گوشه حیاط، دوست داشت او هم در مأموریت برداشتن باتری شرکت کند اما او را نبرده بودند. او هم داشت خاک‌های باغچه را زیرورو می‌کرد و دنبال حشره می‌گشت. اولین بار اینجا پیدااش کرده بود. حشره تنها اسباب‌بازی‌اش بود و کم‌کم داشت جای گوساله‌ای را که هرگز ندیده بود و قرار بود فقط مال خودش باشد را می‌گرفت.

هیچ‌کس جز محمدعلی از وجودش خبر نداشت. حالا حشره هم رفته بود و غصه تمام دل محمدعلی را پر کرده بود. احساس می‌کرد تمام سرش سوزن‌سوزن می‌شود.

سربازی که به جمع‌شدن اسیرها شک کرده بود، سر رانند فریاد کشید که به جای اینکه وقت تلف کند، کارش را انجام دهد. مگر نمی‌بیند که این بچه صغیر اینقدر خودش را خارانده که پوستش دارد کنده می‌شود ...

مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: سنگریزه آبی؛ جلد ۳

نویسنده: مؤژان نادریان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: ربابه نصیری‌امینی

طراحی و نظارت: معصومه رامهریزی

تصویرگر و طراح گرافیک: حمیده محبی

تعداد صفحات: ۲۴ / مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۷۸-۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: داستان



گزیده‌ای از محتوای کتاب

این قدر نرم بودند که محمدعلی با خودش فکر کرد شب‌ها به جای بالش زیر سرش بگذارد، اما آخر سر دلش را به دریا زد و آن را پوشید. چقدر نرم و راحت بودند. محمدعلی چندبار بالا و پایین پرید. حس کرد شکل فوتبالیست‌های خارجی شده است. ادای شوت‌زدن را درمی‌آورد که صدای حاج‌آقا ابوترابی را از پشت سرش شنید.

حاج‌آقا به همراه پسری هشت، نه ساله بود. محمدعلی خوب که نگاه کرد پسر ژولیده پولیده‌ای را دید که انگار به جای چشم‌هایش دو تا پولک براق مشکی دوخته بودند. محمدعلی خیره نگاهش کرد. باورش نمی‌شد که در اینجا، یک نفر هم قدوقواره خودش پیدا شود.

مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: خانه‌ای برای همیشه؛ جلد ۴



نویسنده: مؤژان نادریان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: ربابه نصیری‌امینی

طراحی و نظارت: معصومه رامهرمزی

تصویرگر و طراح گرافیک: حمیده محبی

تعداد صفحات: ۳۲/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۷۹-۵

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: داستان

گزیده‌ای از محتوای کتاب

محمدعلی سعی می‌کرد عدد شش را در سی ضرب و نتیجه را با ۳۶۵ جمع کند اما نمی‌توانست. می‌خواست بداند که دقیقاً چند روز اینجا بوده. حالا دیگر کم‌کم به آخر روزهای بلند و تمام‌نشده رسیده بودند، اما او دلش می‌خواست بداند که دقیقاً چند روز گذشته است. عینکی را که تازه بهش داده بودند روی صورتش جابه‌جا کرد. با اینکه از پشت شیشه‌های عینک خیلی راحت‌تر از ذره‌بین می‌توانست ببیند، اما ذره‌بین‌ها را می‌خواست. آنها را به دکتر پس داده بود. دلش نمی‌خواست آن سربازِ نگهبانِ انبارِ زیرزمین به دردرس بیفتد با اینکه اگر این روزها باز هم تکرار می‌شد، او همان کارها را می‌کرد.

شرح قفص



نویسنده: علی خاجی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۳۴۳

شماره شابک: ۶-۶۹-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

این کتاب ابتدا در قالب یک طرح در

مرکز تحقیقات تروما و جراحی سینا به تصویب رسید. آنچه در این مجموعه بیان شده مروری کوتاه بر کوشش‌ها و فعالیت‌های انجام گرفته در خصوص تعیین وضعیت اسرا و مفقودین ایرانی در عراق و وضعیتی است که این افراد در دوران اسارت خود در عراق متحمل شده‌اند. منابع مورد استفاده در این پژوهش شامل: مصاحبه با تعدادی از اسرای ایرانی و دوم مطالعه و استخراج از کتاب‌های حاضر اسرا می‌باشد.

در این کتاب سعی شده است که مطالب به گونه‌ای دسته‌بندی و طرح گردد تا خواننده در پایان کتاب به اطلاعاتی کلی از وضعیت و وضعیت اسرای ایرانی و روزگاری که بر آنها در اردوگاه‌های عراق گذشته است، دست یابد. اردوگاه‌هایی که به حق مقامات نظامی عراق از آنها به عنوان قفص نام می‌بردند ...

علی خاجی جانباز و آزادهٔ تهرانی در عملیات بدر به اسارت درآمد.

سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه تکریت ۱۲ و رمادی ۱، ۲ و ۳ کمپ‌های ۶ و ۷ و ۹ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

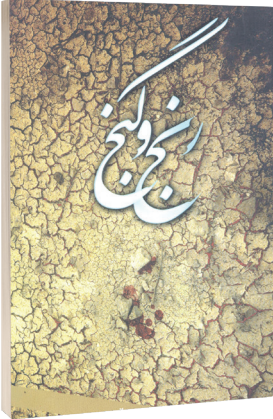
می‌توان شکنجه‌های اعمال‌شده بر اسرای ایرانی را به دو گروه عمده تقسیم نمود:

۱. شکنجه جسمی

۲. شکنجه روانی

سربازان عراقی از روش‌ها و وسایل گوناگونی به منظور شکنجه اسرای ایرانی استفاده می‌کردند. از میان روش‌های مختلف شکنجه، زدن با کابل و باتوم و همچنین سیلی زدن از معمولی‌ترین و شایع‌ترین روش‌ها در شکنجه جسمی به حساب می‌آمد.

رنج و گنج



نویسنده: امیر نوبرانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

ویراستار: مریم موسوی

حروف چین و صفحه‌آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۳۴۹/مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۶-۵

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب مجموعه‌ای از خاطرات

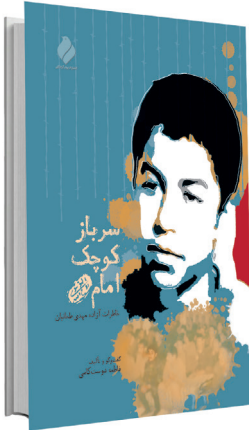
جانباز و آزاده همدانی امیر نوبرانی است که در دوازده فصل معرفی شده و به ذکر بخش محدودی از مشاهدات و رویدادهای خود در اسارت پرداخته است. چون ثبت اتفاقات در دوران اسارت، امکان‌پذیر نبود، و پس از آن گذشت زمان، سبب فراموشی بسیاری از جریانات شده بود، با این حال ایشان سعی کرده رویدادها و حوادث مهم و نقاط عطفی را که در دوران اسارت برایشان رقم خورده از قلم نیندازد. امیر نوبرانی قبل از عملیات کربلای یک در تک عراق به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه رمادی ۳ کمپ ۹ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

وقتی به گودال رسیدیم یکی از سربازان عراقی همه را به داخل گودال هل داد و ما روی هم افتادیم. پشت سرمان کسی با صدای بلند طوری

که همه ما بشنویم گفت: «فکر می‌کنم خبرهایی هست.» یک‌دفعه یکی از
تانک‌ها به گودال نزدیک شد. یک تیربار روی آن نصب بود و یک نظامی
عراقی در پشت تیربار

سرباز کوچک امام (ره)



نویسنده: فاطمه دوست کامی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

ویراستار: فاطمه دوست کامی

حروف چین و صفحه آرا: الناز شریفی، زهرا

سلملی

تعداد صفحات: ۹۲۵

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۷۱-۹

قطع کتاب: وزیر

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب سرباز کوچک امام، خاطرات کودکی تا آزادی مهدی طحانیان آزاده و جانباز ۱۳ ساله اردستانی است که فاطمه دوستکامی آن را به نگارش درآورده است. طحانیان، به عنوان جوان ترین اسیر جنگی در زمان اسارتش، به شدت کانون توجه بعضی ها بوده است. نقطه اوج اتفاق های دوران اسارت مهدی طحانیان، ماجرای امتناع او از مصاحبه با نصیرا شارما یک زن خبرنگار هندی بی حجاب است. این اثر ماحصل بیش از ۳۵۰ ساعت مصاحبه با راوی است.

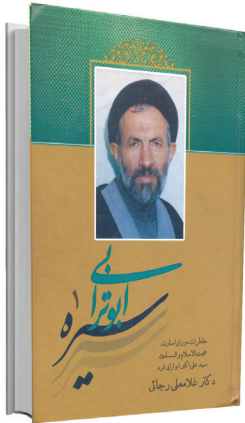
کتاب سرباز کوچک امام، که تیراژ آن از ۱۰۰ هزار نسخه هم فراتر رفته است، در اسفند سال ۱۳۹۶ مفتخر به تقریظ رهبر معظم انقلاب شد. این کتاب در دو قطع وزیری و خلاصه آن در قطع رقعی به چاپ رسیده است. مهدی طحانیان ۹ روز پس از شروع عملیات بیت المقدس یعنی در ۱۹ اردیبهشت سال ۶۱، پس از مقاومتی دلیرانه و دفاعی جانانه، در محور

خرمشهر و ناگزیری وضعیت، به اسارت نیروهای بعثی درآمد. سال های اسارت این آزاده در اردوگاه های رمادی ۱ کمپ ۶، رمادی ۲ کمپ ۷ و الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) سپری شده است.

گزیده ای از محتوای کتاب

... انگار صدایی از درون بهم نهیب می زد که: «مهدی، ناسلامتی تو سرباز امام زمان و رزمنده امام خمینی هستی. چه جوری راضی می شی با یه خانم بدحجاب که اینقدر راحت جلوت زانو می زنه و می شینه، هم صحبت بشی؟» دوباره سؤالش را تکرار کرد و وقتی سکوتم را دید با تعجب نگاهی به بقیه انداخت. بهش گفتم: «چون شما حجاب نداری، من باهات حرفی ندارم.» زود گفت: «اما من خواهر هستم.» از حاضر جوابی اش هم تعجب کردم. هم خنده ام گرفته بود. معلوم نبود این حرف ها را از کجا یاد گرفته. همین مانده بود که خواهری با این ریخت و قیافه داشته باشم. بهش گفتم: «اگر خواهر منی، پس چرا بی حجابی؟»

سیره ابوترابی ۱



نویسنده: غلامعلی رجایی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۶۹۹

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۱۳ - ۷۰ - ۲

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

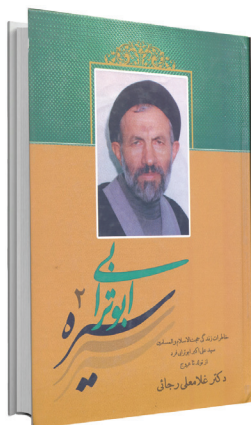
معرفی کتاب

کتاب سیره ابوترابی جلد اول، خاطرات دوران اسارت سیدآزادگان حاج آقا ابوترابی است که به سفارش و مشارکت بنیاد شهید استان قزوین به چاپ رسید. این کتاب شرح حال و شیوه رفتاری سیدآزادگان در زمان اسارت را بیان می‌کند و نهال ایثار و از خود گذشتگی در سخت‌ترین شرایط را در دل مخاطبان می‌نشانند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در اردوگاه موصل یک، افسر بعثی به نام عبدالکریم، به حاج آقا ابوترابی پیشنهاد مسابقه پینگ‌پنگ داد. حاج آقا هم پذیرفت. حاج آقا به این بازی بسیار مسلط بود. لذا حتی یک امتیاز هم به عبدالکریم نداد و در مسابقه بر او پیروز شد. با پایان مسابقه، عبدالکریم با خشم، راکت پینگ‌پنگ را روی میز زد و از محوطه دور شد.

سیره ابوترابی ۲



نویسنده: غلامعلی رجایی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۵۳۸

شابک: ۶- ۷۲- ۵۰۱۳- ۶۰۰- ۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

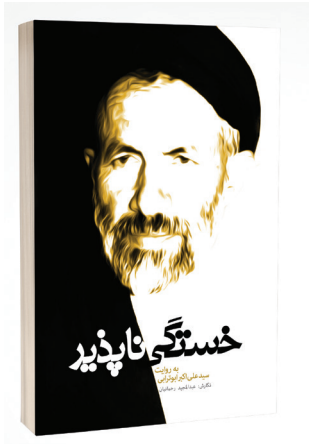
کتاب سیره ابوترابی جلد ۲، خاطرات

دوران اسارت سیدآزادگان حاج آقا ابوترابی است که به سفارش و مشارکت بنیاد شهید استان قزوین به چاپ رسید. این کتاب شرح حال و شیوه رفتاری ایشان در دوران زندگی قبل از اسارت و نیز خاطرات معنوی سید آزادگان را بیان می‌کند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

حاج آقا ابوترابی بسیار متواضع و کم‌حرف بود. در تمام سال‌هایی که در زندان یا در مسافرت‌ها و مجالس و مجامع مختلف به همراه ایشان بودم، ایشان را بسیار سر به زیر و ساکت و فروتن دیدم. در برخورد اول هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که این روحانی کم‌حرف و افتاده، مبارزی است خستگی‌ناپذیر ...

خستگی ناپذیر



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

ویراستار: -

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۱۴

شابک: ۹-۶۸-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب مروری بر دوران مختلف

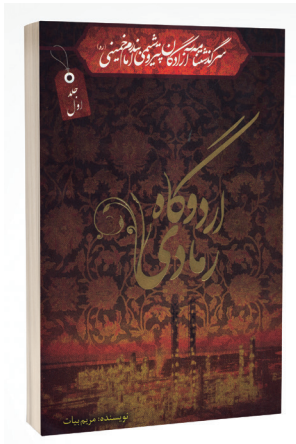
زندگی و اسارت حجت‌الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی و بیان خاطراتی از زبان وی در این زمینه است. این کتاب در سه بخش تدوین و ارائه شده است. در بخش نخست به ارتباط حجت‌الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی با شهید سیدعلی اندرزگو در دوران قبل از انقلاب و مبارزه آنان علیه حکومت پهلوی و گوشه‌هایی از ویژگی‌های شهید سیدعلی اندرزگو از زبان می‌پردازد. سپس آشنایی حجت‌الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی با افرادی مانند شهید مصطفی چمران و خاطراتی از دوران اسارت از زبان ایشان را بیان می‌کند و در بخش سوم نیز خاطراتی از سایر علمای هم‌عصر ایشان و نقل کراماتی از آنان نقل می‌شود.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

با اینکه عراقی‌ها معمولاً راست نمی‌گفتند، ولی آن شب به وعده خودشان

عمل کردند. آخر شب بود که دوباره همان سرهنگ برای بازجویی آمد و هنگامی که جواب‌های اول شب را گرفت، میخی را روی سرم گذاشت و با سنگ بزرگی روی آن می‌زد. صبح، هیچ نقطه‌ای از سرم جای سالم نداشت و همه جایش شکسته و خون‌آلود بود

اردوگاه رمادی؛ جلد ۱



نویسنده: مریم بیات

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

حروف چین و صفحه آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۲۵۱

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۳-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات اسارت ۶ نفر از

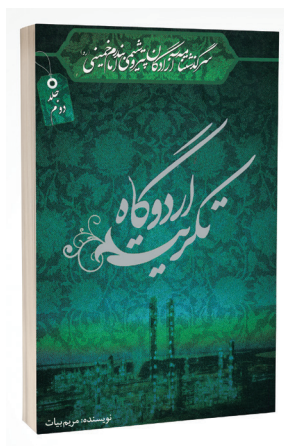
آزادگان شرکت سهامی پتروشیمی

بندر امام خمینی است که در اردوگاه رمادی اسیر دشمن بعثی بودند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

فرمانده که عصایی دستش بود، رو به ما ایستاد و یکی از سربازها اسامی بچه‌ها را می‌خواند و ما باید یکی یکی جلو می‌رفتیم و بعد از بازرسی، کتک می‌خوردیم. درجه دارها کفش‌های قرمز رنگی می‌پوشیدند که نوک تیز بود و با آنها به دندان‌های ما می‌کوبیدند. در ردیف ما اولین نفری که اسمش را صدا زدند، مهران بود. یک دفعه چهره بچه‌ها دگرگون شد. همه آشفته بودند. اضطراب عجیبی گرفتم. در دل خدا خدا می‌کردم که المنت را پیدا نکنند. همش با خودم می‌گفتم این همه آدم سالم اینجا هستند بعد بگذاریم او که یک دستش هم قطع شده، کتک بخورد. خیلی نگران بودم. مهران خیلی آرام جلو رفت. یکی از سربازها که آدم سبیل کلفت و مسنی بود، دو سه تا فحش به مهران داد. بعد شانه‌اش را گرفت و او را به جلو کشید. وقتی که متوجه شد دست مهران قطع شده ...

اردوگاه تکریت؛ جلد ۲



نویسنده: مریم بیات

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

حروف چین و صفحه آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۱۲۱

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۳-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات اسارت ۵ نفر از

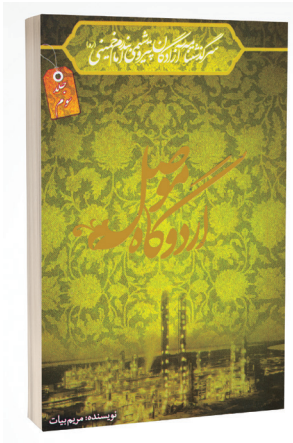
آزادگان شرکت سهامی پتروشیمی بندر

امام خمینی است که در اردوگاه تکریت اسیر دشمن بعثی بودند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

دشمن هر روز حيله‌ای در سر داشت و برای منحرف کردن بچه‌ها به ابزارهای مختلف متوسل می‌شد. یکی از این ابزارهای تبلیغاتی عراق، آوردن اعضای گروهک منافقین به اردوگاه و تبلیغات پی‌درپی آنها برای پناهنده شدن اسرا به دولت عراق یا بعضی کشورهای دیگر بود، اما بچه‌ها راه خود را انتخاب کرده بودند و با شناخت و احساس ادای دین نسبت به مردم و کشورشان، در راه هدف خود، ثابت‌قدم پیش می‌رفتند. برای همین تبلیغات و سخنرانی‌های عراق علیه دولت ایران و جمهوری اسلامی بی‌تأثیر ماند و هیچ‌کدام از وعده و وعیده‌های دشمن کارگر نشد و به نتیجه‌ای نرسید ...

اردوگاه موصل؛ جلد ۳



نویسنده: مریم بیات

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

حروف چین و صفحه آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۱۲۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۳-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب خاطرات اسارت ۴ نفر از

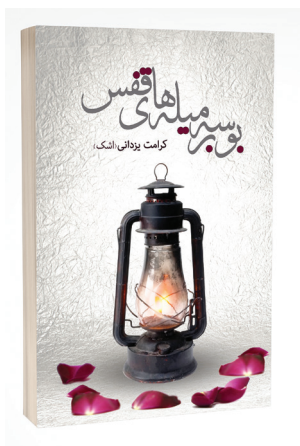
آزادگان شرکت سهامی پتروشیمی

بندر امام خمینی است که در اردوگاه موصل اسیر دشمن بعثی بودند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

راستش کار خاصی با حاج آقا نداشتم، فقط می‌خواستم چند دقیقه‌ای کنارش باشم و با او قدم بزنم. وقتی نوبت به من رسید، رفتم کنار حاج آقا و خودم را معرفی کردم. ایشان هم لبخند شیرینی به من زد و بلافاصله دستانم را در دستش گرفت. عادت همیشگی ایشان بود، هرکس که کنارش می‌رفت حاج آقا دستش را می‌گرفت و سپس با هم راه می‌رفتند، زمانی که دستم را در دستانشان گذاشتم احساس کردم که تمام ملائکه زیر شانه‌هایم را گرفته‌اند و مرا به عرش می‌برند. احساس زیبایی که هرگز فراموش نخواهم کرد و وقتی از ایشان جدا شدم، گویی دوباره به زمین خاکی بازگشته‌ام ...

بوسه بر میله‌های قفس



نویسنده: کرامت یزدانی (اشک)

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۱۲۱

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۷-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

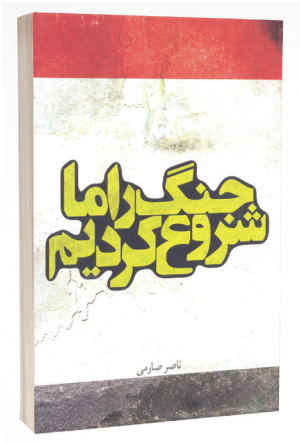
این کتاب خاطرات خودنگاشت جانباز و آزاده یزدی کرامت یزدانی از دوران اسارت است که در چندین بخش به نگارش درآمده است.

کرامت یزدانی سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های رمادی ۲ کمپ ۷ (معروف به بین القفصین و اردوگاه اطفال) و رمادی ۳ کمپ ۹ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

... بر اندیشه خود مشتم می‌کوبم. کاش فانوس فروش دوره‌گرد روستای کویری، در این حوالی شب، بر من عبور می‌کرد تا فانوسی را به عاریت می‌گرفتم تا فانوس دریایی این اقیانوس کوچک سیاه‌چال تاریک بودنم شود و روشنایی بر من نور بپاشد ...

جنگ را ما شروع کردیم



نویسنده: ناصر صارمی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱

حروف چین و صفحه‌آرا: الناز شریفی

تعداد صفحات: ۱۱۱

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۴-۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی (خاطره محور)

معرفی کتاب

این کتاب عنوان یادداشت‌هایی است

مستند از نویسنده که در خصوص

چندین ماه گذراندن شب و روز در اردوگاه‌های اسرای عراقی در ایران

ثبت و ضبط شده است.

یکی از ویژگی‌های بارز این کتاب یکی‌بودن راوی و نویسنده است که

این برجستگی می‌تواند امتیازی در راستای مستندبودن رخدادها و در نهایت

جلب صادقانه اعتماد مخاطب باشد.

نحن بدأنا الحرب؛ یعنی، جنگ را ما شروع کردیم، جمله‌ای بود که یک

اسیر بعثی بسیار متعصب و شرور به نام سلیمان با خون خودش روی دیوار

درمانگاه یکی از اردوگاه‌ها نوشت.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

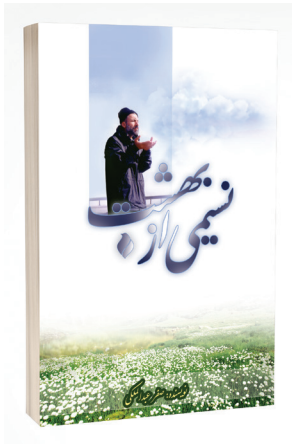
محل مأمریت من به عنوان یک سرباز مسئول دژبان، نگهبانی کمپ ۲ یا

همان کمپ ضلع شمالی بود. چادر دژبانی در ورودی کمپ بود و ما یعنی

دژبان‌ها مسئول کنترل ورود و خروج، تفتیش، آمارگیری و ارسال گزارش به ستاد فرماندهی بودیم.

وضعیت کاری و در عین حال کنجکاوی من سبب می‌شد تا به بهانه‌هایی وارد کمپ شوم و با دقت بیشتری اوضاع را زیر نظر بگیرم. به شکلی که چند بار به خاطر ورود غیرمجاز به داخل کمپ و گفت‌وگو با اسرای عراقی تذکر گرفتم.

نسیمی از بهشت



نویسنده: صفر عبدالملکی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۰

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

قیمت پشت جلد: ۴۵۰۰۰ ریال

تعداد صفحات: ۳۲۸

شماره شابک: ۹۶۴-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۲-۷

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

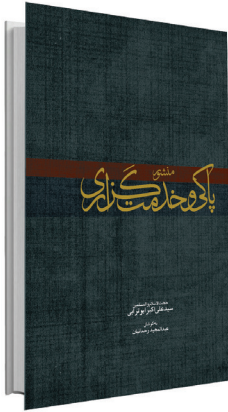
این کتاب در عناوین ذیل و در هفت فصل به نگارش درآمده است:
فصل اول: عابران مسیر وفا؛ فصل دوم: کمیته مشترک؛ فصل سوم: معلم انقلابی؛ فصل چهارم: عاشق صادق؛ فصل پنجم: از حرم دوست تا حرم یار؛ فصل ششم: جان سخت؛ فصل هفتم: گدایان سامره
این کتاب سفرنامه‌ای است از سفر آزادگان از حرم امام خمینی^(ره) تا حرم امام رضا^(ع) که در آن نویسنده با ظرافت خاصی و طی مصاحبه‌های متعدد، برخی از خاطرات آزادگان را در بخش‌های مختلف و تحت عناوین یاد شده آورده است.

اولین سفر در بیست و نهم تیرماه سال ۱۳۷۴ توسط گروهی از آزادگان جنگ تحمیلی به سرپرستی حاج سید علی اکبر ابوترابی، پس از زیارت مرقد امام خمینی^(ره)، پیاده عازم زیارت مشهد مقدس شدند و روز یکشنبه پانزدهم مرداد همان سال به زیارت مرقد امام هشتم نایل آمدند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بعد از صبحانه به راه افتادند. هرچه روز بالا می‌رفت، گرما چهره خود را بیشتر نشان می‌داد. عرق از سر و روی رهروان جاری شده بود. آنها اهمیتی داده با پای تاول‌زده و صورت سوخته، عرق‌ریزان، یا رضا، یا رضا می‌گفتند و دل راه را می‌بردند و جلو می‌رفتند.

منشور پاکي و خدمتگزاری



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: چاپ دوم، ۱۳۹۰

ویراستار: عبدالمجید رحمانیان و مریم بیات

صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۱۹۲

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۶۰-۳

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

این کتاب نوعی روزشمار از دوران اسارت مرحوم ابوترابی است که ۲۳۰ متن از پیام‌ها و سخنرانی‌های او را دربردارد و شامل مجموعه کاملی از سخنرانی‌های مرحوم حجت‌الاسلام علی‌اکبر ابوترابی فرد است که شامل ۲۳۰ پیام و سخنرانی می‌باشد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آنچه انسان‌ها از آن رنج می‌برند، بی‌عدالتی است و آنچه مشتاق آن هستند، خدمتی است که از طرف انسان‌ها به آنها عرضه می‌شود. خدمت به انسان‌ها از دیدگاه هر مکتبی و هر جامعه‌ای ارزشمند است؛ خدمتگزاری به بشریت، نه به عده‌ای خاص. [واضح است که] هر کس به خانواده خودش خدمت می‌کند. خدمت به انسان‌ها و انسانیت مهم است؛ چه ایرانی و چه غیر ایرانی.

هزار شب و یک شب



نویسنده: بیژن کریمی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۰

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۵۶

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۵۵-۹

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب خاطرات آزاده بیژن کریمی،

آزاده شهرکردی است. بیژن با پای راستی که زانویش گلوله خورده بود و کتفی که آن هم از گلوله دشمن بی‌نصیب نمانده بود، به اسارت درآمد. در حالی که چند روز از مجروحیت و بیهوشی‌اش می‌گذشت، قاعدتاً او باید در این مدت از خونریزی یا گرسنگی و تشنگی تلف می‌شد، اما خواست خدا بود که زنده بماند. در همان لحظات اول اسارت یک سرباز جوان عراقی نارنجکی به سمتش پرتاب می‌کند که به شکل تصادفی تنها چند ترکش نصیب بیژن می‌شود. همین‌طور چند روز بعد یک افسر بعثی به قصد زدن تیر خلاص گلوله‌ای به او شلیک می‌کند که به دست وی برخورد می‌کند.

بیژن کریمی سال ۱۳۶۶ در عملیات والفجر ۱۰ در جبهه شمالی به اسارت دشمن بعثی درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در زندان الرشید و اردوگاه‌های تکریت ۱۱ به‌عنوان مفقودالاثر سپری شد.

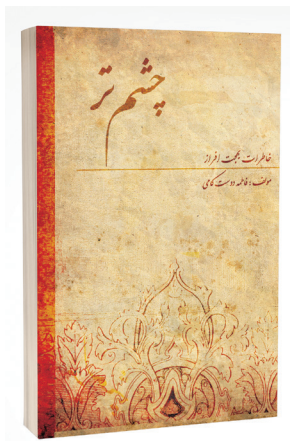
گزیده‌ای از محتوای کتاب

یکی از سربازهای عراقی نزدیک کامیون رفت و در عقب کامیون را باز کرد. پایین پرید و با سرباز دیگر، یکی سر و دیگری پای جنازه‌ها را می‌گرفتند و با شمارش یک، دو، سه آن پیکرها را به داخل کامیون پرتاب می‌کردند! خیلی دردناک و رنج‌آور بود.

با دیدن این صحنه گرسنگی و تشنگی، گرما و رنج و درد خودمان را فراموش کردیم. با بی‌رحمی تمام همانند اینکه کیسه باری را به داخل کامیون بیندازند، این جنازه‌ها را که در غربت و اسارت با رنج بسیار شهید شده بودند، اینگونه داخل کامیون می‌انداختند.

خدایا اینها چه کسانی هستند. سربازان عراقی چنان قهقهه می‌زدند، انگار مسابقه پرتاب گذاشته بودند! وقتی به جمع خودمان نگاه کردم، دیدم هر کدام از بچه‌ها همان‌طور که سر جای خود بی‌حال روی زمین افتاده‌اند، فقط اشک می‌ریزند. کسی حرفی نمی‌زند.

چشم‌تر؛ خاطرات بهجت‌افراز



نویسنده: فاطمه دوست‌کامی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۰

حروف‌چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۰۴/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۳۳-۷

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب بیان خاطراتی از جنگ ایران و

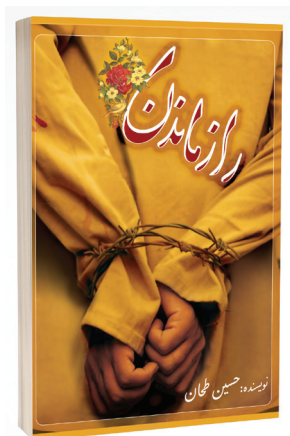
عراق و دوران اسارت رزمندگان ایران در اردوگاه‌های عراق است. در این اثر برخی خاطرات تلخ و شیرین اسرای ایرانی در دوران اسارت بیان شده است. شکنجه‌های وحشیانه مأموران بعثی عراق نسبت به اسرای ایرانی و تحمل این شکنجه‌ها توسط این اسراء، ارائه تصویری از روحیه خوب اسرای ایرانی در اردوگاه‌های عراق و اخلاص و صبر آنان در قبال شکنجه‌های جسمی و روحی و خاطراتی از آزادی اسرای ایرانی در مرداد ۱۳۶۹ از اصلی‌ترین مطالب نگاشته شده در این نوشتار است که به قلم یکی از این اسیران به نگارش درآمده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در قسمتی از اردوگاه یک اتاقک نیمه‌ساخته وجود داشت که عراقی‌ها مشغول آماده کردن آن برای استفاده نیروهای خودشان بودند. آنها محمد را به این اتاقک نیمه‌ساخته آوردند و با کابل، باتوم و نبشی به جان او افتادند.

بعد او را به داخل حمام برده و به روی سینه خوابانند و شیشه‌ای را روی کمرش خرد کردند و دوباره با کابل و چوب به جانش افتادند. جراحت کمرش شدید و خونریزی‌اش زیاد بود. در همان وضعیت تن نیمه‌جانش را دوباره کشان‌کشان به سمت همان اتاقک بردند. آنجا جلادی وحشی‌صفت به نام عدنان انتظار پیکر نحیف محمد را می‌کشید. او که یکی از نگهبان‌های عراقی فارسی‌زبان بود، برای آزار و اذیت بیشتر رضایی، پارچی از آب و نمک آماده کرده و روی بدن او ریخت و با جارویی که در دست داشت، خرده‌های شیشه را از روی کمرش پاک کرد. محمد از درد به خود می‌پیچید اما دیگر توانی باری ناله کردن نداشت. بارها زیر شکنجه بیهوش شد و هر بار به طریقی او را به هوش آوردند. آخرین بار برای به هوش آوردنش او را دوباره به حمام برگرداندند و زیر دوش آب داغ بردند. محمد به طرز فجیعی ناله کرد و به هوش آمد. صدای ناله‌اش فضای اردوگاه را پر کرده بود. ما مثل یک تکه چوب خشکمان زده بود و فقط اشک می‌ریختیم و جز دعا کاری از دستمان برنمی‌آمد. سربازان بعضی برای این که صدایش را قطع کنند چند قالب صابون را به طرز جنون‌آمیزی در دهانش فرو کردند که تعدادی از آنها وارد گلوی او شد و ...

راز ماندن



نویسنده: حسین طحان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۰

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۳۱/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۵۸۰

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات خودنگاشت جانباز و

آزاده خراسانی (بیرجند) حسین طحان است. این خاطرات از زمان اعزام به جبهه آغاز شده و تا زمان آزادی و خروج از عراق و در ۳۸ موضوع به نگارش درآمده است.

حسین طحان سال ۱۳۶۲ در عملیات خیبر به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های موصل ۴ و ۲ (جدید) سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

... یک روز عصر خبری در اردوگاه پیچید که می‌خواهند اسرا را بیرون اردوگاه ببرند و از قفسه سینه آنها عکس بگیرند. همه خوشحال بودند از اینکه بعد از چند سال بالاخره فضای بیرون را می‌بینند و هوای آزاد را استنشاق می‌کنند. نوبت بیرون رفتن که شد، هر ده نفر اسیر را از مچ دست به همدیگر بستند و چشم‌ها را هم با چشم‌بند پوشاندند. یک نفر

سرباز، فرد جلویی را هدایت می‌کرد و نه نفر دیگر بسته به هم پشت سر او حرکت می‌کردند. وقتی آخرین در را رد کردیم و به فضای آزاد رسیدیم هوای آزاد را استنشاق کردیم، اما افسوس که هرگز جایی را نتوانستیم ببینیم. یک نفر، یک نفر همچنان با چشم بسته، داخل اتاقک سیار، می‌رفتیم و بعد از عکس گرفتن، بلافاصله به داخل اردوگاه برمی‌گشتیم. و این بود نحوه مداوای اسرای ما، در این میان، تنها ذکر خداوند دوی درمان بود ...

نماز غریبانه



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۵۳

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۴۵-۰

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب حکایت پابندی و تعهد آزادگان

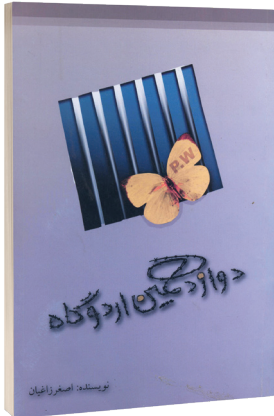
به اقامه نماز در سخت‌ترین وضعیت زندگی در زندان‌های رژیم صدام است.

نماز غریبانه ۴۹ خاطره کوتاه از عزیزان آزاده را در خود جای داده است. یکی از این موضوعاتی که در این خاطره‌ها بیان شده است، حالات روحانی و معنوی حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا ابوترابی در هنگام اقامه نماز در اسارت می‌باشد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

با وجودی که بعضی‌ها نسبت به نماز شب خیلی حساس بودند، ولی بچه‌ها نیمه‌شب بلند می‌شدند و گاهی نشسته نماز می‌خواندند. این کار تنبیه سختی در پی داشت. بچه‌ها حاضر بودند کتک بخورند و گرسنگی و تشنگی را تحمل کنند، ولی نماز شب را ترک نکنند.

دوازدهمین اردوگاه



نویسنده: اصغر زاغیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: پرتو-نگین

تعداد صفحات: ۳۸۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۵۳-۵

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب از خاطرات خودنگاشت

اصغر زاغیان آزاده و جانباز اصفهانی است.

شامل ۷۸ موضوع است که در قالب خاطره اتفاقات مختلفی را که در مکان‌های مختلفی از جمله بصره و زندان‌های بغداد اتفاق بیان می‌کند، اما اکثر آنها در اردوگاه دوازده تکریت به وقوع پیوسته است؛ به همین خاطر عنوان این کتاب دوازدهمین اردوگاه نامیده شده است.

اصغر زاغیان در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ در تک عراق..به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را به عنوان اسیری مفقودالاثر در اردوگاه تکریت ۱۲ به عنوان اسیری مفقودالاثر سپری کرد. او در اواخر اسارت به کمپ ۹ رمادی منتقل شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

فرمانده با خشم و غضبی دوچندان تکرار می‌کند: «گفتم بگو من اصلاً شعار نداده‌ام، من هم دست از سرت برمی‌دارم.» و باز هم علیرضا با شجاعت

و شهادتی ستودنی جواب می‌دهد: «من شعار داده‌ام و تا آخر پای آن ایستاده‌ام و هیچ‌وقت هم پشیمان نیستم، سربازان شما به رهبر ما اهانت نکنند، من هم اهانت نمی‌کنم.» سرهنگ که از فرط عصبانیت صورتش برافروخته شده است، خشمگینانه با عصای خود چند ضربه به سر و صورت علیرضا می‌کوبید و دستور می‌دهد وی را به سلول انفرادی برگردانند و تا چند روز به طور متوالی او را فلک نموده و با ضربه‌های خردکننده نبشی و باتون انتقام شعار را از او بگیرند ...

حدیث غربت



نویسنده: محمد سلیمان زاده

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۳۳

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۴۸-۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب بخشی از خاطرات خودنگاشت

محمد سلیمان زاده آزاده و جانباز مشهدی است که در ۸ فصل و ۸۳ موضوع و نگارش درآمده است. ایشان ضمن بیان داستانی از چگونگی اوضاع اسارتگاه‌های عراق و وضعیت اسرای ایرانی در کمپ‌های ارتش بعث عراق سخن می‌گوید.

محمد سلیمان زاده سال ۱۳۶۷ در تک دشمن و در منطقه شریانی به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه تکریت ۱۶ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آخرین لایه‌های چربی بدنمان آب می‌شد. کم‌کم اسکلتی شده و شاهد تحلیل رفتن بدنمان بودیم. بدن ما پروتئین خود را هضم کرده و در نتیجه ماهیچه‌ها ناپدید شده بودند و ضعیف شده بودیم. اعضای جامعه کوچک ما بر اثر یک بیماری مسری و پیش‌پاافتاده در عصر اتم، یکی پس از دیگری از

بین رفتند. به طوری که از جمع هفتصد نفری ما، در پایان دو سال، دویست نفر بر اثر این گونه بیماری‌ها جان خود را از دست داده و به شهادت رسیدند. روزی که خبر تبادل را شنیدیم، چون ما از آخرین اردوگاه‌هایی بودیم که باید مبادله می‌شدیم، ناچار بودیم مدتی طولانی را در نهایت بی‌صبری و بی‌قراری به انتظار بمانیم و خسته از هیجان و تشویش، لحظاتی را در امید و نومی‌دی سپری کنیم

به لطافت باران



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۶۲

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۱۳ - ۵۲ - ۸

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب مجموعه خاطراتی کوتاه از

دوران قبل و بعد از اسارت و همچنین

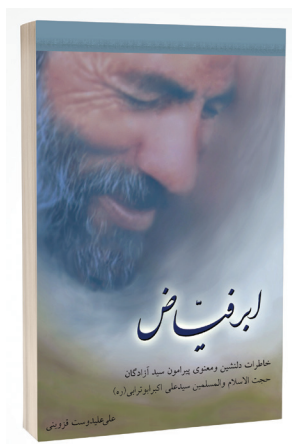
روزهای اسارت سید آزادگان است که از زبان هم‌زمان و اطرافیان وی،

به تبیین شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی او بیان می‌شود.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

چندبار به من توصیه کرد که سیگار را ترک کنم، ولی نپذیرفتم. یک روز به یکی از بچه‌ها گفتم: «برو در سیگار سیدکمال به جای توتون، گوگرد کبریت بریز تا بچه‌ها را بخندانیم.» او هم با مهارت این کار را کرد. وقتی سیگار را روشن کردم، می‌خواستم بروم کنار پنجره که دودش کسی را اذیت نکند. ولی برخلاف همیشه، حاج‌آقا گفتم: «آقا سیدکمال، لازم نیست بری کنار پنجره، همین‌جا سیگارت را بکش.» تعجب کردم ولی متوجه قضیه نشدم. تا سیگار در دستم منفجر شد و همه به خنده افتادند، تازه فهمیدم چه نقشه‌ای برایم کشیده بودند.

ابر فیاض



نویسنده: علی علیدوست قزوینی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

ویراستار: مریم بیات

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۰۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۵۰-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب گزارشی از زندگی، مبارزات، اسارت و مقاومت‌ها و ایثارگری‌های سیدعلی اکبر ابوترابی است. بخش عمده مطالب خاطرات دوران اسارت وی است که به زبان همزمان او بیان شده و گزیده‌ای از شخصیت و منش او را نشان می‌دهد. در بخش دیگر، زندگینامه و مراحل فعالیت و خدمات ابوترابی روایت شده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

به هیچ‌کس به دیده تبعیض و حقارت نگاه نمی‌کرد، فردی را که همه دینداران از خود رانده بودند، پیشانی‌اش را می‌بوسید، دست در دستش انداخته و در مقابل چشم همه بچه‌ها با او قدم می‌زد و می‌گفت: «بنا به فرموده امیرالمؤمنین اینها یا برادران دینی شما هستند و یا هموعان شما.» آنهایی را که ما از هدایتشان قطع امید کرده بودیم، او با اشتیاق با آنها سخن می‌گفت و به مجرد اینکه یکی از آنها اسمی از خدا و ائمه به زبان می‌آورد چهره سید مانند گل شکفته می‌شد

اردوگاه سوم



نویسنده: حسین کرمی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

ویراستار: علی زندی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۳۴

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۵۳-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، راوی و نویسنده

این کتاب مجموعه خاطرات خودنگاشت

جانباژ و آزاده بروجرودی حسین کرمی است. او با دقت و ظرافت علاوه

بر نقل خاطرات شخصی، خواننده را با همه ابعاد اردوگاه الانبار (کمپ ۸

معروف به عنبر) آشنا می‌کند.

حسین کرمی سال ۱۳۶۱ در عملیات والفجر مقدماتی به اسارت درآمد و

سال‌های اسارت خود را در اردوگاه الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) سپری

کرد..

گزیده‌ای از محتوای کتاب

یک روز در نماز جماعت صبح، همه به رکوع رفته بودند. پیش‌نماز

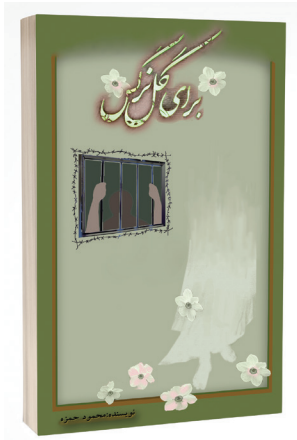
متوجه شد که وضو ندارد. طبق احکام شرع مقدس اجازه ادامه نماز را

نداشت. پس به طرف تشت آب رفت تا تجدید وضو نماید. اما چون عجله

داشت فراموش کرد که به نمازگزاران اطلاع دهد؛ آنها همچنان در رکوع و

مشغول ذکر بودند و بیش از ۱۵ بار ذکر رکوع را گفتند. یکی از بچه‌ها که به شیطنت معروف بود، کمی سرش را بالا آورد و زیرچشمی نگاهی به جلو انداخت، اما از امام جماعت خبری نبود. با آن لهجه خاصی که داشت اعلام کرد بچه‌ها همه سر کارید، پیش‌نماز رفته. همه بچه‌ها با شنیدن این موضوع زدند زیر خنده و صدای خنده همه آسایشگاه رو فراگرفت.

برای گل نرگس



نویسنده: محمود حمزه

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

ویراستار: علی زندی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۹۵/مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۴۶-۷

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات خودنگاشت جانباز و

آزاده سمنانی. محمود حمزه از دوران اسارتش در اردوگاه‌های عراق است که در ۱۱ فصل و ۱۰۱ موضوع به نگارش درآمده است.

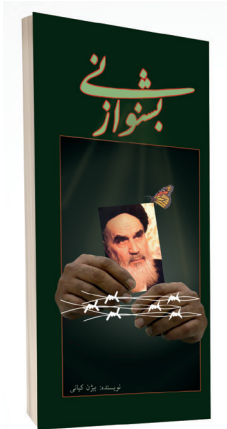
محمود حمزه در روز ششم مهرماه ۱۳۵۹ در قصرشیرین به اسارت درآمد. این آزاده سال‌های اسارتش را در اردوگاه‌های موصل ۱ و ۲ و رمادی ۱ کمپ ۶ سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

چند سالی که در اردوگاه رمادیه بودم، می‌دیدم که عراقی‌ها زیاد بهانه‌جویی می‌کنند. می‌خواستند هرطوری که هست اذیتمان کنند؛ ما هم نمی‌خواستیم کم بیاوریم. اگرچه اسیر بودیم. طوری از دست ما اسیر شده بودند که ما را قسم می‌دادند اذیتشان نکنیم. ولی ما برای از پا درآوردن آنها برنامه‌ریزی داشتیم. مثلاً اگر از کسی چیزی می‌گرفتند و طرف می‌گفت مال

من نیست و من توی محوطه پیداش کرده‌ام، می‌گفتند گول بشرفک (بگو به شرفم)، می‌گفتیم به شرفت، عصبانی می‌شدند و توهین می‌کردند قشماره، قنדרه، گول بشرفک باز هم می‌گفتیم بشرفک، گاهی که می‌خواستیم کمتر آنها را عصبانی کنیم، می‌گفتیم: به اشرف مال من نیست!!

بشنوازی



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۵۰

شماره شابک: ۶-۴۳-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب بیان خاطراتی از آزادگان و

اسرای ایرانی در اردوگاه‌های عراق است که

حکایت از پیوند مستحکم میان آزادگان و امام خمینی^(ره) دارد و وفاداری

این اسرا به انقلاب و ارزش‌های اسلامی را بیان کرده است.

نگارنده با ذکر این حکایات و خاطرات درصدد بیان مقاومت منحصر به

فرد آزادگان، اخلاص و عشق آنان به امام خمینی^(ره) و سختی‌هایی که این

اسرا به جهت مقاومت در برابر اعتقادات انقلابی و دینی خویش متحمل

شده‌اند را به تصویر کشیده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

یک روز سرگرد محمودی که آدم شرور و قسی‌القلبی بود حاج‌یحیی

را که پیرمرد شجاع و مقاومی بود، صدا زد و از او پرسید: «مقلد چه کسی

هستی؟» حاج‌یحیی خودش برایم تعریف کرد. گفت می‌خواستم اسم یکی

از مراجع را به عنوان مرجع تقلیدم بگویم و خودم را خلاص کنم ولی

تصویر امام در ذهنم آمد. دیدم جفاست اگر حقیقت را نگویم. لذا با قاطعیت گفتم: «من مقلد حضرت آیت الله العظمی امام خمینی هستم.» این را که گفتم سرگرد محمودی به سربازان دستور داد کتکم بزنند. دوباره پرسید: «مقلد چه کسی هستی؟» همان گفته قبلی را تکرار کردم. مفصل تر از قبل کتکم زدند.

تبسم اشک‌ها



نویسنده: عبدالحمید اکبرنیا

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

ویراستار: علی زندی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۶۲/مصور

شماره شابک: ۱-۵۱-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

تبسم اشک‌ها بیان خاطراتی از آزادگان ایرانی

اسیر در اردوگاه‌های عراق است. خاطراتی از نحوهٔ اسارت و اوضاع اسرای ایرانی در اردوگاه‌های رژیم بعث عراق و سختی‌ها و شکنجه‌های جسمی و روحی آنان در این اردوگاه‌ها که نشان‌دهندهٔ وجود روح مقاومت و اخلاص در این آزادگان دارد. نگارنده به نقل از آزادگان، بدون بزرگ‌نمایی وقایع آنها را به نگارش درآورده و توضیح داده است که چرا صدام و رژیم‌های حامی او علی‌رغم فشار زیادی که به ایران آوردند نتوانستند در روحیهٔ مقاوم مردم به‌ویژه آزادگان خلل ایجاد کرده و آنها را نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران بدبین و مأیوس کنند.

عبدالمجید اکبرنیا جانباز و آزادهٔ دزفولی سال ۱۳۶۱ در عملیات والفجر مقدماتی..به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های رمادی ۱ و ۲ (کمپ ۶ و ۷)، موصل ۱ و ۲ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ناگهان یادم آمد که نماز عشا را نخوانده‌ام. مشغول خواندن تعقیبات نماز مغرب بودم که برای بازجویی مرا بردند به مقر. برای وضوگرفتن و یا تیمم کردن امکانی وجود نداشت. اما نماز وظیفه و تکلیفی بود که در هیچ وضعیتی از انسان ساقط نمی‌شد. ابتدا مدتی سرپا ایستادم تا تعادل ایستادنم بر روی دو پا برقرار شود الله اکبر ... و حمد و سوره را خواندم. به رکوع رفتم و برخاستم. لحظه سختی بود. اکنون می‌بایست به سجده می‌رفتم. فکر اینجایش را نکرده بودم که برای سجده رفتن بایستی کف هر دو دستم را بر روی زمین قرار دهم، اما من که دست‌هایم از پشت کمر به شکلی بسیار تنگ و فشرده به همدیگر قفل شده بود و در حالت عادی هم نمی‌توانستم تعادل خود را حفظ کنم، چند لحظه همین‌طور مردد سرپا ماندم

تنفس ممنوع



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

مشاور تألیف: علی محمد ذوالفقاری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۸۹

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۴۱-۲

قطع کتاب: وزیر

نوع کتاب: خاطراتی با محوریت بهداشت و درمان

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات بهداشت و درمان در اسارت است. نگارنده پس از دو سال تحقیق و پژوهش، اطلاعاتی همه‌جانبه پیرامون این موضوع مهم از بیست اردوگاه و چندین زندان عراقی جمع‌آوری و با بسیاری از آزادگان مصاحبه کرده است. بعد از میان خاطرات بسیار زیاد ۳۰۸ خاطره برتر را انتخاب کرده است.

کتاب شامل سه فصل است؛ فصل اول به مسائل بهداشتی در پنج گفتار پرداخته شده؛ در فصل دوم امکانات پزشکی دشمن، تنگناها و رفتارهای پزشکی را در اسارتگاه‌های عراق در سه گفتار مورد بررسی قرار داده و در فصل سوم که مهم‌ترین و گسترده‌ترین فصل کتاب می‌باشد، بیماری‌ها و درمان آن را مورد کاوش قرار داده است و در پایان مواردی از کنوانسیون ژنو راجع به معامله و رفتار با اسیران جنگی آورده شده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

از عراقی‌ها آب خواستیم و خیلی پافشاری کردیم پذیرفتند و اجازه دادند که دونفر دونفر بروند از تانکر آبی که روبه‌رویمان بود آب بخورند. وقتی دو نفر اول نزدیک تانکر رسیدند دو گلوله سر آنها را متلاشی کرد. افسر بعثی گفت: «خب حالا کسی هست که آب بخوهد؟» ...

خنده بر زنجیر

نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۷۷

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۴۴-۳

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطرات طنز



معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب گزیده‌ای از خاطرات آزادگان در طول

دوران اسارت خویش در اردوگاه‌های عراق است.

در این اثر برخی از خاطرات و حکایت‌هایی که آزادگان جنگ تحمیلی از دوران مقاومت خود در زندان‌های صدام بیان کرده‌اند و در حقیقت گویای سرزندگی و شادابی آنان در آن وضعیت دشوار است، گردآوری شده است. در این خاطرات قدرت ایمان، شناخت دقیق هدف و وفاداری آزادگان به آرمان‌ها و اهداف به چشم می‌خورد و نویسنده این نتیجه را از نقل خاطرات می‌گیرد که آنها اگرچه جسمشان در زنجیر بود، اما روحشان آزاد از هرگونه تعلقات دنیوی بود، از این رو آنان دارای نشاط روحی بودند.

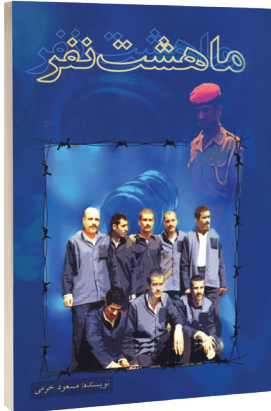
گزیده‌ای از محتوای کتاب

منصور نوجوان سیزده‌ساله‌ای بود که به موقع سر صف نماز جماعت حاضر می‌شد. یک روز دیر آمد. امام جماعت توی رکوع اول بود که منصور سر رسید. تا خواست بگوید یاالله امام جماعت از رکوع بلند شد و او رکعت

اول را از دست داد. توی رکعت دوم بودیم که صدایش را می شنیدیم:
«عجب آدمیه! حالا اگر یک ثانیه صبر می کردی تا برسم، زمین به آسمون
می رسید یا آسمون به زمین؟ آره جون خودتون، با این نمازتون برین بهشت.
به همین خیال باشین.»

تا امام جماعت سلام نماز را داد، همه شروع کردند به خندیدن

ما هشت نفر



نویسنده: مسعود خرمی پور

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

ویراستار: علی زندی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۴۸۸/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۴۹-۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب را مسعود خرمی جانباز و آزادهٔ خوزستانی در ۷ فصل به نگارش درآورده است:

فصل اول: فعالیت‌های فرهنگی و اسارت؛ فصل دوم: از دستگیری تا محکومیت؛ فصل سوم: دوران زندان محجر؛ فصل چهارم: دوران زندان مأمّن؛ فصل پنجم: دوران زندان مشروع؛ فصل ششم: دوران اردوگاه رمادیه؛ فصل هفتم: آزادی.

ما هشت نفر خاطرات جمعی از اسرای محکوم قضایی اردوگاه موصل چهار است. منظور از محکومین قضایی، اسرایی هستند که در اردوگاه و در حین اسارت مرتکب اعمالی شده‌اند که از نظر ارتش عراق جرم محسوب می‌شده است؛ این گروه هشت نفره، به خاطر اجرای برنامه‌های دهه فجر سال ۱۳۶۷ و همراه داشتن لوازمی که عمدتاً شامل نقشه و انواع نوشته‌های مربوط به این ایام و تصاویر نقاشی شده امام بود، محکوم شده‌اند. از جمله مواردی که در این میان بدان پرداخته شده می‌توان به این موارد اشاره نمود:

خاطرات اسارت در زندان الرشید بغداد، قرار گرفتن در مجاورت عراقی‌های مبارزی که روزهای آخر عمر خود را می‌گذراندند و هم‌سلول شدن با آزادگان مفقودی که هرگز به اردوگاه‌ها منتقل نشدند.

مسعود خرمی پور سال ۱۳۶۱ در عملیات بیت المقدس به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های موصل ۱ و ۴ (جدید) و رمادیه ۹ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در سالن انتظار غیر از ما، دو، سه نفر عراقی هم بودند که منتظر نوبت دادگاهشان بودند. جرم یکی از آنها فرار از خدمت سربازی و دیگری جرم شخصی داشت. دادگاه الثورة به کلیه جرایم نظامی و غیرنظامی رسیدگی می‌کرد. آن دو، سه نفر زندانی عراقی هم کنجکاو بودند بدانند ما را برای چه به دادگاه آورده‌اند. وقتی گفتیم چند سال است اسیر هستیم تعجب کردند که دادگاه آوردن ما برای چیست؟ اسیر که خودش به نوعی زندانی است. تازه محروم‌تر از زندانیان عراقی هم هستند.

پاداش و کیفر



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۸

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۳۰

شماره شابک: ۹-۳۹-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب در برگیرنده خاطرات جانباز و

آزاده تهرانی اسماعیل شمس از دوران

حضورش در جبهه‌های جنگ و دوران ده سال اسارتش در زندان‌های

رژیم بعثی عراق است. پاداش و کیفر را بیژن کیانی در ۵۷ بخش به نگارش

درآورده است.

اسماعیل شمس با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام

خمینی^(ره) به صف پاسداران کمیته انقلاب اسلامی پیوست. شروع جنگ

تحمیلی او را به جبهه جنگ در منطقه جنوب کشاند. او در ۱۹ مهرماه

۱۳۵۹ در نزدیکی دارخوین به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در

اردوگاه‌های موصل ۱، ۲ و ۴ (جدید) و رمادی ۶ سپری شد.

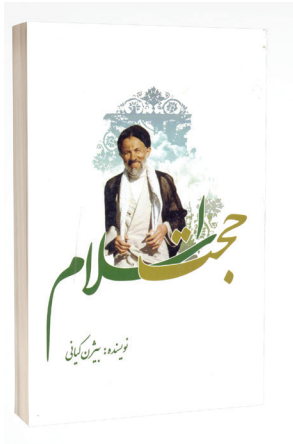
گزیده‌ای از محتوای کتاب

بهار سال ۱۳۶۰ آغاز شد و ما همچنان در بند رژیم ضد بشری صدام

اسیر بودیم. برخی از اسرای متأهل از جمله خودم خیلی دلتنگ همسر و

فرزندانمان شده بودیم. نمی دانستیم حالشان چگونه است و عید نوروز را چگونه آغاز کرده اند؟ شب عید پشت پنجره اتاق آمدم و به بیرون خیره شدم. نسیمی دلپذیر در حال وزیدن بود و صورتم را نوازش می کرد. باد شاخه های چند درخت کوچک در محوطه را به آرامی تکان می داد. صدای چند جیرجیرک در میان علف های جلوی اتاق به گوش می رسید. نسیم ملایم، بوی خاک خیس خورده و علف های تازه رسته را به مشام می رساند. من از نسیم شبانگاهی و صدای جیرجیرک ها، حیات دوباره طبیعت را حس می کردم. دلم برای خانواده ام پرپر می زد و دوست داشتم سال نو در کنارشان می بودم ولی دیوارهای بلند زندان و بعد مسافت، تنها خیالی از سال نو و بهار و سبزه و خانواده را برایم باقی گذاشته بود... .

حجت اسلام



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۸

ویراستار: علی محمد ذوالفقاری

حروفچین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۸۰

شابک: ۸-۳۶-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب خاطراتی از زبان دوستان آزاده

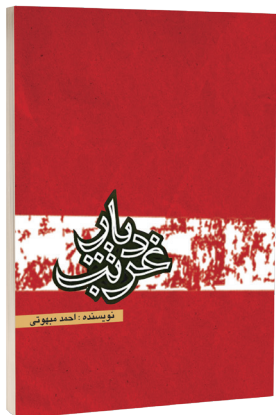
و بستگان و برخی از اعضای کمیته

بین‌المللی صلیب سرخ درباره حاج آقا ابوترابی، آن شخصیت والا و کم‌نظیر، گفته شده است که بسیاری از این خاطرات برای اولین بار بیان می‌شود. بیشتر این خاطرات مربوط به دوران مقاومت حماسی سید آزادگان و هم‌بندان ایشان در اردوگاه‌هاست و بخشی از آن مربوط به آزادی است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

نیکولای از اعضای هیئت نمایندگی صلیب سرخ بود و علاقه زیادی به حاج آقا داشت. می‌گفت: «کریسمس که می‌روم کلیسا، تصویر آقای ابوترابی مثل حضرت مسیح تو ذهنم مجسم می‌شه هر وقت ایشان رو می‌بینم آرامش خاصی بهم دست می‌ده حس می‌کنم این مرد از قدرت روحی زیادی برخورداره ...

دیار غربت



نویسنده: احمد مبهوتی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۸

ویراستار: زهره علی عسگری

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۰۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۳۷-۵

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات خودنگاشت

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبهوتی از دوران جبهه، جنگ و اسارت است که در چهار فصل به نگارش درآمده شده است: از مجنون تا موصل؛ روزهای تاریک اردوگاه؛ نبرد با اسارت؛ و تا آزادی نگارنده، خاطرات بخش اسارت را از دو دیدگاه شخصی و مدیریتی بررسی کرده است. در پایان کتاب تصاویری از دوران جبهه و اسارت نگارنده ضمیمه شده است.

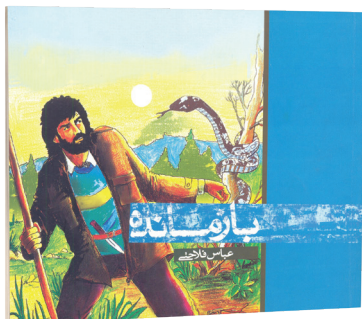
حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبهوتی، آزادهٔ جانباز آذربایجانی، در ۵ اسفند ۱۳۶۲ در عملیات خیبر به اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه‌های موصل سپری کرد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

... یک سال گذشت و من و مادر می‌خواستیم برای زیارت به سوریه برویم. اما زمان مسافرت، مطابق با سالگرد شهادت شما بود. قرار گذاشتیم

که به خاطر مسافرت، مراسم سالگرد را چندروز با تأخیر برگزار کنیم. دو روز مانده به سفر، در کوچه بودم که یکی از اهالی محل گفت: «فلانی، تبریک عرض می‌کنم. مژده..» پرسیدم: «چه خبر است، چه مژده‌ای؟» گفت: «خبر رسیده که برادرت زنده است ولی دست عراقی‌ها اسیر است.» وقتی به منزل مادر وارد شدم، دیدم همه اهل خانه خبر دارند و می‌گویند: «کارت صلیب احمد از عراق آمده و او در عملیات خیبر اسیر شده است.» اما توی خانه انگار خبر شهادت تو دوباره پیچیده شده بود و کسی خوشحال نبود. چون خبر شهادت از خبر اسارت، و انتظار کشیدن، بهتر بود. خبر اسارت انگار داغ دیگری بر دل مادر و دیگر اهل خانواده گذاشت ...»

بازمانده



نویسنده: عباس فلاحتی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۷

ویراستار: بیژن کیانی

تصویر: عباس فلاحتی

قیمت پشت جلد: ۲۵۰۰۰ ریال

تعداد صفحات: ۷۰

شماره شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۰۶-۱

قطع کتاب: خشتی

نوع کتاب: داستان

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب داستانی است که آزاده سرافراز عباس فلاحتی آن را در دوران اسارت خود نوشت. دست‌نوشته‌های داستانی سهم خوبی در پرکردن بخشی از اوقات اسرا داشت. یکی از آثار خوبی که در زندان موصل ۱، این هنرمند آزاده خلق کرد و طرفداران زیادی پیدا کرد، داستان بازمانده بود.

ایشان در زمینه نقاشی هم توانمندی خوبی دارند و در کنار نگارش متن آن را نقاشی نیز کرد تا برای خوانندگان جذابیت بیشتری ایجاد کند.

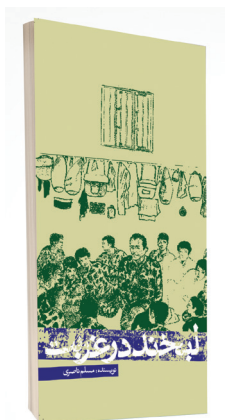
عباس فلاحتی مهر ماه سال ۱۳۶۱ به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های موصل ۱، ۲ و ۳ (جدید) و الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ناگهان باران شدید شروع به باریدن می‌کند و شلاق‌گونه بر بدنهٔ هواپیما می‌کوبد.

وضعیت خطرناک به نظر می‌رسد. روحیه‌ها ضعیف شده است و همگی مرگ را جلوی چشمان خود می‌بینند. حالت عادی و جدی مردان، جای خود را به چهره‌های وحشت‌زده و منتظر مرگ داده است. بنابراین خلبان دریچهٔ سوخت اضطراری را باز می‌کند.

لبخند در غربت



پدیدآور: مسلم ناصری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۷

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۰۰

شماره شابک: ۹-۲۶-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره داستانی

معرفی کتاب

این کتاب شامل ۹ خاطره درباره سیدآزادگان حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی اکبر ابوترابی در دوران اسارت، به صورت داستان طنز و بسیار جذاب و درس‌آموز است.

این کتاب تحت عناوین ذیل تهیه و تنظیم گردیده است:

سید ناشناس؛ لبخند در غربت؛ خواب شیرین؛ به قشنگی سفره عید؛ بازگشت به سوی دوست؛ سفره آشتی؛ پرنده دوستی؛ کتاب مخفی؛ دیدار آخر.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

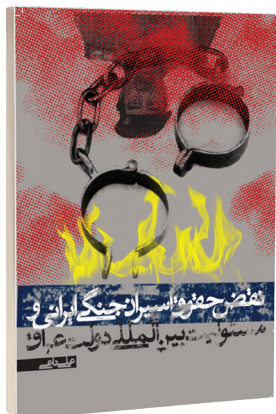
...مهربان بود و صبور. همه را دوست داشت و از عمق جان، دوست داشتن را فریاد می‌کرد. او در زندان‌های مخوف صدام بعثی، امید و پناهگاه همه بود.

پیران، جوانان و نوجوانان اسیر به‌راحتی با او مأنوس می‌شدند و عمیقاً

دوستش داشتند.

آری، شهید ابوترابی، انسان فرشته‌خویی بود که خداوند او را برای نجات همهٔ اسرا فرستاد.

نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی و مسئولیت بین‌المللی دولت عراق



نویسنده: علی داعی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۷

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۷۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۰۵-۴

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب را جانباز و آزاده تهرانی در

چهار فصل به‌نگارش درآورده است:

فصل اول: حمایت از اسیران جنگی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه.

فصل دوم: موارد نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی از آغاز اسارت تا انتقال به بازداشتگاه دائمی.

فصل سوم: موارد نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در بازداشتگاه‌های دائمی تا خاتمه اسارت.

فصل چهارم: مسئولیت ناشی از نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در عراق و شیوه‌های جبران خسارت.

علی داعی که خود سال‌ها در اسارتگاه‌های رژیم بعث عراق شاهد رفتار غیرانسانی و وحشیانه مقامات عراقی و نقض حقوق اسرای ایرانی بوده است، در این کتاب تلاش نموده با توجه به اسناد و مدارک موجود و

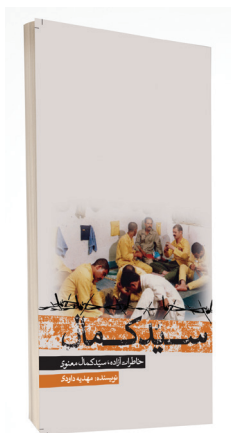
شهادت شهود و دسترسی به قربانیان، موارد نقض عمده اسیران ایرانی را مستند ساخته و آن را به عنوان یک سابقه حقوقی ثبت و ضبط نماید. نویسنده در مقدمه کتاب متذکر می‌گردد که هدف از انتخاب این موضوع بررسی علمی جوانب مختلف مسئولیت‌های ناشی از نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی در بازداشتگاه‌های عراق است تا مسئولیت دولت عراق به دست فراموشی سپرده نشود و عاملان آن نیز بدانند روزی به دست عدالت سپرده خواهند شد.

علی داعی در ۲۵ آبان ۱۳۶۱ به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های موصل ۱، ۲ و ۴ (جدید) سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

کنوانسیون سوم، افسران را به طور ویژه تحت حمایت قرار می‌دهد و طرف‌های آن را ملزم به احترام و رفتار در خور شأن و درجه افسران می‌نماید. اما در بازداشتگاه‌های عراق، افسر بودن اسیر نه تنها احترام و امتیازی به دنبال نداشت بلکه وقتی افسر ایرانی به اسارت نظامیان عراقی درمی‌آمد پس از طی مراحل پردرد و رنج بازجویی ممکن بود به زندان مخوف ابوغریب بغداد فرستاده شود.

سید کمال



نویسنده: مهدیه داودی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۷

ویراستار: محمدرضا ابوالحسنی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۰۰/ مصور

شماره شابک: ۶-۳۰-۵۰۱۳-۶۰-۹۷۸

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات جانباز و آزاده تهرانی

سیدکمال معنوی است.

سیدکمال معنوی پیش از رفتن به جبهه در خشکشویی کار می‌کرد. با شنیدن خبر تجاوز عراق به خرمشهر از تهران راهی آبادان و خرمشهر شد و پس از چندی برای دیدن خانواده به تهران بازگشت. آنگاه برای بار دوم راهی جبهه‌های غرب کشور شد. سیدکمال در دوم مرداد ۱۳۶۰ با لورفتن نقشه‌های عملیات، او و تعداد دیگری از رزمندگان به اسارت سربازان عراقی درآمدند. آنها را نخست به سلیمانیه و بعد به بعقوبه بردند. او زیر شکنجه‌های عراقی‌ها فقط ادعای قاچاقچی بودن و بی‌خبری از نقشه‌ها و پادگان سیدصادق را داشت و هر روز اتفاقات تازه‌ای برای او و هم‌زمانش رخ می‌داد.

سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های رمادی ۱ کمپ ۶ و رمادی

۲ کمپ ۷ (بین‌القفصین معروف به اردوگاه اطفال) موصل ۲ و ۴ (جدید)

سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

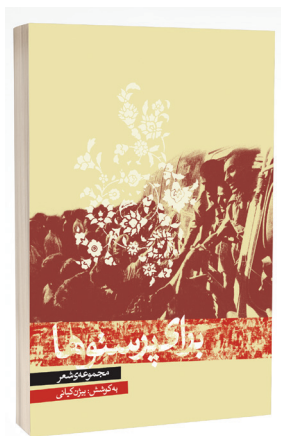
یکی از عراقی‌ها جلو آمد. از درجه‌اش معلوم بود سرهنگ است. آمده بود برای بازجویی. سرهنگ نگاهی به من و عباس انداخت و به سرباز مترجم چیزی گفت. سرباز گفت: «می‌دانید اینجا کجاست؟»
- بله، عراق.

- توی خاک ما چه کار دارید؟

- شما توی بستان و خرمشهر چه کار دارید؟

سرهنگ این را که شنید جوش آورد. گفت: «تو اسیری یا من؟ همین‌جا اعدامتان می‌کنم ...»

برای پرستوها



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۷

ویراستار: پروین فالچی

حروف چین و صفحه‌آرا: فاطمه براری

تعداد صفحات: ۱۴۶

شماره شابک: ۶-۲۷-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: شعر

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب مجموعه‌ای است از اشعار

شعرای گرانقدر که به مناسبت بازگشت آزادگان عزیز به میهن اسلامی

سروده شده است و در روزنامه‌ها و مجلات چاپ شده بود. آقای بیژن کیانی

این اشعار را تدوین کردند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

مژده بادا مام میهن را که فرزندان وی

با سرافرازی و ستواری به ایران آمدند

تشنه دیدار باران بود صحرای وطن

ناگهان برقی زد و یاران چو باران آمدند

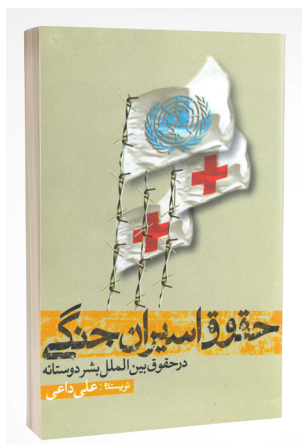
گو به دشت خفته در بهت غروب انتظار

کان سحرنوشان و آن خورشیدواران آمدند

پشت پرچین جدایی ماندگان آشنا

تا به دست غیب، پرچین گشت ویران آمدند
چشم بر درماندگان، یعقوب‌های دیرسال
چشمشان روشن که یوسف‌های دوران آمدند

حقوق اسیران جنگی در حقوق بین‌المللی بشردوستان



نویسنده: علی داعی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۷

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۶۵

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۳۱-۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب مجموعه‌ای از حقوق اسیران

جنگی است که در سه فصل به سؤالاتی در این رابطه پاسخ می‌دهد. در فصل اول تحت عنوان اصول کلی حمایت از اسیران جنگی با پیشینه تاریخی حمایت از اسیران جنگی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه آشنا خواهیم شد. در فصل دوم، حقوق اسیران جنگی از زمان آغاز اسارت تا خاتمه آن را احصاء خواهیم کرد و در فصل سوم نحوه نظارت بر حقوق اسیران جنگی و ضمانت اجرای آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

توسعه و اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمینه حمایت از اسیران جنگی حاوی عناصر اخلاقی، سیاسی و نظامی است که رفتار انسانی مهم‌ترین اصل از اصول این حمایت است. بر اساس حقوق بین‌الملل، به ویژه کنوانسیون سوم ژنو، مراقبت و محافظت از اسیران جنگی بر عهده

دولت اسیرگیرنده است. این دولت ملزم است امکانات لازم را تأمین کرده و از رفتار غیرانسانی با اسیران پرهیز نماید. نگارنده در کتاب حاضر، نخست مخاطب را با پیشینه تاریخی حمایت از اسیران جنگی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه آشنا ساخته و سپس به بیان حقوق اسیران جنگی از زمان آغاز اسارت تا پایان آن و وظایف دولت اسیرگیرنده پرداخته است. نیز نحوه نظارت بر حقوق اسیران جنگی و ضمانت اجرای آن را بررسی کرده است.

فرشته‌های زمینی



نویسنده: مسلم ناصری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا:

مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۴ / مصور

شماره شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۷-۷

قطع کتاب: خشتی

نوع کتاب: داستان کودکانه

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات مربوط به حاج آقا ابوترابی است که برای گروه سنی «ب» و «ج» به نگارش درآمده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

راننده گاز داد و به سرعت از جلوی آبی گذشت. تَرک شیشه بیشتر شد. از روستای «حردان» دور شدند. بوی سوختن چوب و نی می‌آمد. راننده شیشه را بالا برد و گفت: «کجا پیدایشان کنیم، حاج آقا ابوترابی؟» سید قاب عکس را داد به حسین. کیف پر از پول را که روی زانویش بود، جای مطمئنی گذاشت و گفت: «به امید خدا کارها درست می‌شود. فقط باید عجله کنیم هم اینجا خیلی کار داریم و هم این امانت‌ها را باید زودتر به صاحبانش برسانیم.» بنده خدا حتماً این پول زحمت یک عمرش بوده است ...

شبی با صدای زنجره



نویسنده: مسلم ناصری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۰۴

شابک: ۹-۱۳-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره داستانی

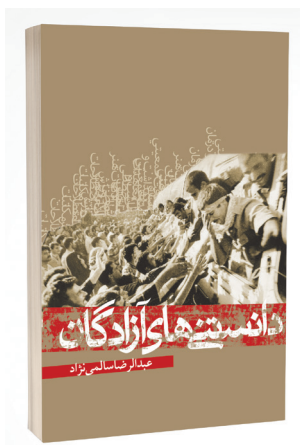
معرفی کتاب

این کتاب شامل ۹ خاطره از سید آزادگان حاج آقا ابوترابی به صورت داستان و بسیار جذاب و درس آموز است و خواندن آن به نوجوانان توصیه می شود.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

سید جابه‌جا شد. پیشانی‌اش می سوخت. شیار خونی از گوشه ابرویش تا ریشش جریان داشت و زیر چشمش کبود بود. ماشین با سرعت از کنار دریاچه نمک گذشت اما ساواکی‌ها هنوز او را شکنجه می کردند و می خواستند هر طور شده اعتراف کند که شیخ عباس کیست و کجا مخفی شده است. این نام جدیدی بود که اندرزگو برای خود انتخاب کرده بود ...

دانستنی‌های آزادگان



نویسنده: عبدالرضا سالمی نژاد

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: محمدرضا ابوالحسنی، بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۹۱

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۲۴-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب تصویری کلی از دوران اسارت

رزمندگان را نشان می‌دهد. نگارنده نخست مواد معاهدات ژنو را در خصوص حقوق اسرای جنگی و وظایف دولت نگهداری‌کننده اسرا بیان کرده و سپس به نحوه رفتار عراقیان با اسرای ایرانی اشاره کرده است.

برخی موضوعات کتاب عبارتند از: بافت نیروهای عراقی و اسرا در اردوگاه‌ها، موقعیت اردوگاه‌ها، شکنجه‌های دوران اسارت، برنامه روزانه اسرا، وضعیت بهداشت، درمان، پوشاک و تغذیه اسرا، مکاتبات اسیران، و روش‌های جنگ روانی دشمن در داخل اردوگاه‌ها.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

نمایش فیلم‌های سیاسی ساخت منافقین و یا شرکت‌های ایتالیایی امریکایی علیه جمهوری اسلامی ایران به منظور درهم‌شکستن روحیه مقاومت و پایداری اسرا عموماً در روزهای اجرای عملیات رزمندگان اسلام علیه قوای بعثی صورت می‌گرفت.

شکوفه‌های صبر



نویسنده: اصغر زاغیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۰۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۰۳-۰

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب حاضر محصول خاطرات جمعی

از روحانیون بزرگوار آزاده از دوران اسارت است که پس از ضبط، پیاده‌سازی، تحقیق و تدوین بخشی از آن توسط دفتر قم آماده چاپ شد. طبیب دردمندان، دلیل بی‌پایه، اعتراف‌کن روحانی هستی، مناجات شعبانیه، عشق به امام حسین^(ع) و ... عناوین برخی از خاطرات درج شده در کتاب هستند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

علی اصغر رنجبر در هنگام درگیری تیری به گلویش خورد و از آن طرف بیرون آمده بود. وقتی به یادش می‌افتم می‌بینم رنجبر چه رنجی می‌برد و چه زجری می‌کشید. خستگی راه، تشنگی، وضع نامطلوب ساختمان و از همه مهم‌تر رقتن خون از بدن، همه و همه عواملی شده بودند تا علی اصغر ساعات و لحظات پردرد و رنجی را بگذراند، اما در اولین صبح ورودمان به این ساختمان، همه رنج‌ها و دردهایش فروکش کرد و شادی وصال که با شهادت به‌دست آمده بود، جای آن را گرفت.

شکوه مقاومت



نویسنده: بیژن کیانی

تصویرگر: عباس فلاحتی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۰۸/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۰۷-۸

قطع کتاب: خشتی

نوع کتاب: تصویری

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب مصور شرحی از ایثارگری‌ها، استقامت، پایداری، گذشت و وحدت اسیران ایرانی در بند رژیم بعث عراق را به تصویر کشیده است. سختی‌های زندگی مشقت‌بار آزادگان در دوران اسارت، بخشی از ددمنشی‌ها و قساوت‌ها و شقاوت‌های دژخیمان بعثی را به خوبی می‌توان در این کتاب مشاهده کرد.

بازسازی صحنه‌های حوادث مذکور و جلوه‌هایی از زندگی روزمره آزادگان در زندان را نقاش آزاده، عباس فلاحتی به زیبایی به تصویر کشیده است.

این کتاب برگزیده دوازدهمین دوره کتاب دفاع مقدس است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

یکی از راه‌های اذیت و آزار اسرای ایرانی توسط بعثی‌ها قطع مکرر آب به‌ویژه در روز عاشورا بود. در بیشتر ساعات شبانه‌روز آب را قطع می‌کردند. هر کس باید با یک سطل آب حمام می‌کرد و لباس‌های خود را می‌شست.

شهردار اردوگاه



نویسنده: عبدالرضا سالمی نژاد

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۹۹

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۲۵-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب مذکور، مجموعه‌ای از ده‌ها

خاطره پراکنده آزاده سرافراز فریدون بیاتی معروف به عمو فریدون از ابتدای تولد تا دوران اسارت و حضور در اردوگاه‌های رژیم بعث است. وی در زمره خادمانی است که در دوران مقاومت، خدمات ارزنده‌ای به دیگر آزادگان عرضه کرد و از جایگاه ویژه‌ای در میان آنان برخوردار است. فریدون بیاتی جانباز و آزاده تهرانی در سوم آبان ۱۳۵۹ بین خرمشهر و آبادان به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های موصل ۱ و ۴ جدید سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ورزش کشتی به دلیل اقبال بچه‌ها باعث شد که سه نفر مسئول این ورزش تعیین شوند. در هنگام برگزاری این مسابقات کشتی در کل اردوگاه ده تا دوازده تشک ابری کف آسایشگاه پهن می‌کردیم و با اعلام داورها،

حریف‌ها وسط میدان می‌آمدند. مسابقات مثل داخل ایران بر اساس وزن ورزشکاران تعیین می‌شد اما چون وزنه‌ای نداشتیم دو تا از برادران با بلندکردن ورزشکاران وزن آنها را حدس زده و برای انجام مسابقات معرفی می‌کردند. در اردوگاه ما چیزی حدود پنجاه نفر کشتی‌گیر حرفه‌ای داشتیم که مرتب تمرینات خود را پیگیری می‌کردند.

در زندان دژخیم



نویسنده: عبدالرضا سالمی نژاد

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۸۵/مصور

شماره شابک: ۷-۰۴-۰۱۳-۵۰-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب خاطرات تعدادی از اسرای

جهاد سازندگی استان خوزستان را بیان می‌کند. در این مجموعه موضوعاتی از قبیل زندگی روزمره اسارت، وضعیت اسکان و بهداشت، کلاس‌های آموزشی، مراسم جشن و عزاداری و ماجرای رحلت امام خمینی^(ره) و اعلام به اسرا و نیز اعلام پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و صلح بین دو کشور بیان شده است.

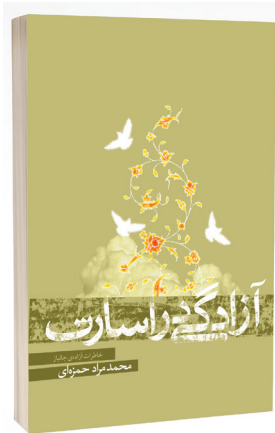
روش کتاب به این صورت است که بعد از معرفی آزاده سرافراز، مصور و بیان مختصر، تعدادی از خاطرات آن آزاده پشت‌سرهم آورده می‌شود.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

من مداح بودم و برای برگزاری مراسم دعا مورد لطف دوستان قرار می‌گرفتم. یکی از بچه‌ها به اصرار از من خواست که تو دعا بخوان، من تو را از نگاه نگهبان عراقی حفظ می‌کنم. او همین کار را هم کرد. وقتی نگهبان تلاش می‌کرد که از کنار پنجره چهره‌ام را شناسایی کند او خود را حائل من

می‌کرد و نمی‌گذاشت شناسایی شوم. وقتی خود را به پنجره چسباندم و از بچه‌ها خواست تا نام دعاخوان را بگویند، هیچ‌کس چیزی نگفت. فردایش وقتی نگهبان‌ها به آسایشگاه ریختند تا همه بچه‌ها را برای شناسایی مدام شکنجه کنند یکی از بچه‌ها که قوی‌هیكل بود به من و دیگران گفت: «نگران نباشید من قدرت تحمل شکنجه را دارم. من می‌گویم که دعاخوان من هستم شما هم چیزی نگویند. من با شرمندگی پذیرفتم ...»

آزادگی در اسارت



نویسنده: محمدمراد حمزه‌ای

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: نعمت‌الله پورمحمدی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۶۸

شماره شابک: ۰-۱۶-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات جانباز آزاده کرمانشاهی.

محمدمراد حمزه‌ای است که به شرح روحیه آزادگی و وقایع اردوگاه

۱۰ می‌پردازد.

نگارنده در این کتاب با نگارش خاطرات دوران جنگ و اسارت خود سعی دارد تا با نگرشی متفاوت، مخاطب را با رزمندگان و شهدا و اسرا آشنا سازد. به همین منظور در تحریر خاطرات وی تلاش بر آن بوده که صحنه‌ها قابل تجسم و درک باشد و تجربه‌هایی مطرح گردد که قابل استفاده در زندگی امروز باشد. همچنین سعی بر این بوده که مخاطبان این نگرش را درک و تجربه کنند که اتفاقات و تجربه‌های این دنیا می‌تواند نمادها و صحنه‌هایی از قیامت باشد.

محمدمراد حمزه‌ای سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۱ به اسارت درآمد.

سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های کمپ ۱۰ رمادی سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آبان‌ماه سال ۱۳۶۴ بود که اعزام شدم. تا جایی که به خاطر دارم به تنهایی به واحد تخریب رفتم و مدتی آنجا بودم. از آنجا به گردان حنین رفته، شب عملیات باز هم به تنهایی به سنگر کمین ارتفاعات کوهان رفتم و وقتی نیروهای عملیاتی به آنجا رسیدند، پشت سر آنها به راه افتادم. مجروح شدم و صبح آن شب هم به تنهایی اسیر شدم. حدود یک ماه بیش از عملیات هم خواب اسارت را دیده بودم ...

آن یار آسمانی



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: ۱۳۸۶

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۱۲

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۰-۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب بخشی از زندگی و خاطرات
سیدعلی اکبر ابوترابی است.

حجت‌الاسلام علی اندرزگو (۱۳۵۷-۱۳۱۸) و حجت‌الاسلام علی اکبر ابوترابی (۱۳۷۹-۱۳۱۸) دو مبارز خستگی‌ناپذیر در دوره پهلوی بودند که در سخت‌ترین وضعیت با اندیشه‌ای عمیق و عملی بی‌ریا به جهاد در راه خدا برخاستند و رنج دربه‌داری را به جان خریدند و با اخلاص، تمام عمر خود را وقف خدمت به اسلام و مردم و ترویج معنویت و مبارزه با رژیم پهلوی نمودند. مبارزات این دو مجاهد، در آن سال‌های طولانی و سخت، با دقت برنامه‌ریزی شده بود، یکی پرتلاش بود، اما شناخته شده برای دستگاه امنیتی و مخفیانه در همه صحنه‌ها حضور داشت و دیگری ناشناخته بود و بیشتر صحنه و وقایع را می‌آفرید. پشتیبانی مالی، تدارکاتی و تسلیحاتی و ایجاد ارتباط بین نیروهای رازدار مبارز با سیدعلی اندرزگو، کاری دشوار و توان‌فرسا بود که سید آزادگان، علی اکبر ابوترابی، به‌خوبی از عهده آن برآمد و همچنان گمنام، همپای یار میدان‌دار خویش به مبارزه پرداخت.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

... ساواکی‌ها در تعقیب بودند. با زن و بچه باید به طور قاچاق از مرز می‌گذشتم و به افغانستان می‌رفتم. با عنایت حضرت از آب گذشتیم. آن طرف آب روستایی بود که ما را تحویل نگرفتند. معلوم بود هر کس می‌خواهد به طور قاچاق به افغانستان برود به آنجا می‌رود. یکی از خانه‌ها با رودریستی، ما را راه داد که فقط یک شب آنجا باشیم. در آن شب، با او صحبت‌هایی کردیم که از آن جمله صحبت از گاوشان شد.

گفت: «گاو داریم که شیرش خشکیده و مدتی است که از این مختصر نعمت خدا که بهره‌مند بودیم بی‌بهره ماندیم. این تنها سرمایه ما بود.» با خود گفتیم: «یک توسلی می‌کنیم» و همین جوری دستی به سینه گاو کشیدیم. کار به جایی رسید که آنها مثل امام‌زاده دور ما جمع شدند. چرا که در همان وقت یک‌مرتبه سینه‌های گاو پر از شیر شد. همان موقع آمدند و دوشیدند. اما با گریه و ذوق. آنها دیگر ما را به زور نگه داشتند و ما مخفی بودیم ...

پیک رهایی

نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: معاونت پژوهش و نشر پیام آزادگان

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۲۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۰۱-۶

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: شعر



معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب دیوان اشعار جانباز و آزاده کاشانی نورالله عظیم‌زاده آرانی متخلص به صادق است. وی در دوران اسارت در زمینه شعر خدمات ارزنده‌ای به هم‌بندان خود کرد و به‌خصوص با سرودن اشعار طنز روحیه‌بخش آن جمع محنت‌کشیده بود.

بخش بعدی فعالیت‌های آقای عظیم‌زاده در زمینه تئاتر اردوگاهی بود که به اتفاق دیگر شعرای آزاده توانستند یک تئاتر سه‌قسمتی با گویش شعری تهیه و اجرا کنند و در روحیه هم‌بندان خود نقش مؤثری داشته باشند. نورالله عظیم‌زاده آرانی سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای بعثی عراق درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه موصول ۱ جدید سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

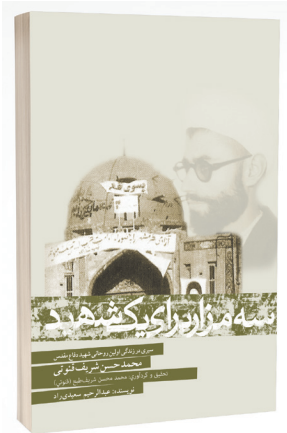
آه ای رزمنده چابک‌سوار

آه ای آزاده و الاتبار

آه ای درد آشنای غمگسار
مرگ تو بنموده ما را سوگوار
ای دلیر صحنه‌های کارزار

آه ای روحانی پرهیزگار
آه ای یادت همیشه ماندگار
ای مجاهد ای مبارزای دلیر

سه مزار برای یک شهید



نویسنده: عبدالرحیم سعیدی راد

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: محمدرضا ابوالحسنی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۰۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۲۰-۷

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب نگاهی است به سیره زندگی

اولین روحانی شهید دوران جنگ محمدحسن شریف طبع معروف به شریف قنوتی، یکی از رزمندگان شجاع مقاومت ۳۵ روزه خرمشهر که اولین روحانی شهید به شمار می‌رود. شریف قنوتی هم‌رزم شهید نواب صفوی، اولین نماینده امام خمینی^(ره) و سایر مراجع عظام و اولین فرمانده جنگ‌های چریکی در جنگ تحمیلی بود.

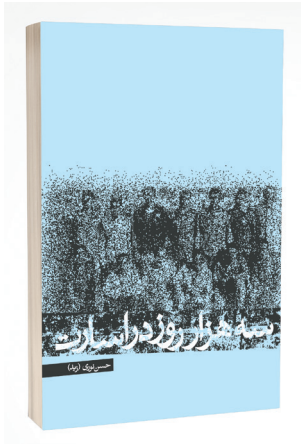
حجت الاسلام والمسلمین شهید محمدحسن شریف قنوتی، فرزند شیخ محمود قنوتی نژاد، ساکن اروندکنار بود، شیخ محمود که به چریک پیر آبادان و اروندکنار معروف بود. پنج سال آخر عمر خویش را در جبهه‌ها گذراند و خانواده وی از جمله شهید قنوتی وی را در این راه همراهی می‌کردند.

در مجموعه حاضر تلاش شده تا با بیان خاطراتی از زبان دوستان، آشنایان، خانواده و هم‌زمان این شهید بزرگوار ابعاد مختلف زندگی وی بازگو گردد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

خدمت حضرت امام^(ره) رفتیم. زمانی که خودم را معرفی کردم امام خمینی متوجه شدند که من پدر شهید شریف قنوتی هستم. نگاهی به من انداخت و فرمود: «عجب پسری داشتی آقای قنوتی ...». این جمله حضرت امام فکر کنم به همه فعالیت‌های قبل از انقلاب ایشان و هم فعالیت‌های وی در جبهه اشاره داشت.

سه هزار روز در اسارت



نویسنده: حسن نوری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۶۲/ مصور

شماره شابک: ۳-۲۸-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات خودنگاشت

حسن نوری (زید) از دوران اسارتش است که به شیوه موضوعی به نگارش درآمده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

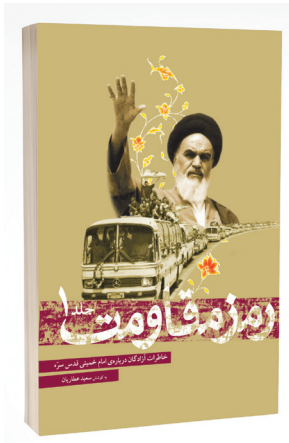
یک روز یکی از بچه‌ها به نام صمد یادش رفته بود که ریشش را بزند. سر آمار سرش را پایین گرفته بود و سرباز عراقی متوجه نشد. بعد از آمار رفت کنار حبانہ ایستاد و داشت آب می‌خورد که سرباز عراقی از پشت پنجره او را دید بلافاصله آمد داخل آسایشگاه، اول کشیده‌ای به گوشش نواخت بعد هم تیغ را گرفت و بدون اینکه خیس کند، خشک خشک صورتش را زد و ما هم به این مناسبت این شعر را برای او سرودیم:

دوش دیدم که صمد را دم حبانہ زدند

ریش او را نزدند آبی و خشکانہ زدند

لحظه‌ای بعد صمد ماند و یکی صورت سرخ
جوش و تبخال و دمل زیر لبش دانه زدند
وقت صبحانه صمد آمد و با صد غرولند
با رفیقان سر یک مائده صبحانه زدند
مرتضی و حسن و احمد و معراج و رسول
بر سر و روی صمد خنده مستانه زدند
وقت ادخال سرور آمد و یاران با زید
بر سر گفتن این شعر بسی چانه زدند ...

رمز مقاومت؛ جلد ۱



نویسنده: سعید عطاریان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۸۸

شماره شابک:

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۵-۵

شابک جلد یک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۴-۶

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب شامل گوشه‌هایی از خاطرات ۳۶ تن از آزادگان، دربارهٔ دوران اسارت و رابطهٔ قلبی عمیق آنان با امام خمینی است. در واقع محور اصلی کتاب نقش امام و حضور آن حضرت در دل و جان آزادگان است و حاصل مصاحبه‌های حضوری با آنها می‌باشد.

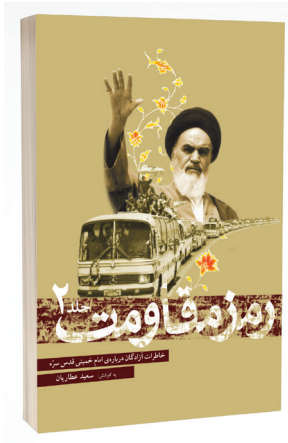
موضوع مصاحبه‌ها عبارت است از: چگونگی توهین دشمن به امام خمینی، اجبار دشمن مبنی بر توهین به امام، فعالیت‌هایی که به منظور نشر اندیشه‌های امام در دوران اسارت انجام می‌شده است، تلاش‌هایی که در اسارت برای دستیابی به کلام و سخن امام و عکس وی صورت می‌گرفته است، و برنامه‌هایی که هنگام اطلاع از بیماری و رحلت امام خمینی در اسارت انجام شد.

این کتاب را سعید عطاریان آزادهٔ تکریت ۱۱ به‌نگارش درآورده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بچه‌ها همان‌طور که در دوران انقلاب و جبهه به سخنان امام پایبند بودند، در اسارت هم به اهداف ایشان پایبند بودند. یادم هست در یکی از برنامه‌ها، بچه‌ها جمله‌ای از امام نوشته بودند که اگر روزی اسرا برگشتند و من در میان شما نبودم، به آنها بگویید خمینی خیلی به فکرتان بود. این جمله تا پایان اسارت، بچه‌ها را با روحیه نگه داشت. اگر جمله‌های دیگری هم (هرچند مختصر) از امام به دستمان می‌رسید، تا مدت‌ها ما را زنده دل نگه می‌داشت.

رمز مقاومت؛ جلد ۲



نویسنده: سعید عطاریان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۳۲

شماره شابک:

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۵-۵

شابک جلد دو: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۲۲-۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

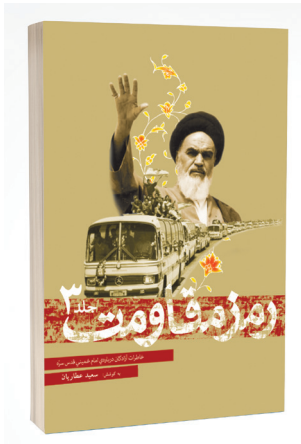
این کتاب جلد دوم از مجموعه رمز مقاومت و حاوی ناگفته‌ها و ناشنیده‌های ۳۹ تن از آزادگان ایرانی درباره دوران اسارت و رابطه عمیق آنان با امام خمینی^(ره) است. محور اصلی کتاب نقش امام و حضور ایشان در فکر و یاد آزادگان است. در ابتدای هر خاطره، مشخصات عمومی هر آزاده از قبیل نام و نام خانوادگی، محل اسارت، نام اردوگاه، زمان آزادی و شغل کنونی آنان بیان شده است.

برخی خاطرات عبارتند از: تهدید عراقی‌ها/ رجبعلی بهمن‌پور؛ افرادی که از عراقی‌ها خطرناک‌تر بودند/ سیدجلال بیات؛ خبر شهادت برادرم در خواب امام/ سید محسن حسینی؛ گریه‌های عاشقانه/ محمد رجبی؛ درس خوبی که به سرباز عراقی دادیم/ علی توحیدی؛ گوهرهای ناب در لجن‌زار ضلالت/ عبدالرسول احمدی و خبر فوت امام سخت‌تر بود/ صفیرعلی

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ما اگر در آنجا می‌خواستیم با سرباز و نگهبانی رابطه برقرار کنیم، سریع از ما فاصله می‌گرفتند و نمی‌گذاشتند با آنها حرف بزنیم. اگر به سربازی سلام می‌کردیم، در جواب می‌گفت: «مو تبلیغ» یعنی تبلیغ نداریم، تبلیغ نکنید. اما بودند کسانی که خودشان زمینه داشتند، مثل آن سربازی که مادرش به او گفته بود اگر اسرای ایرانی را اذیت کنی، شیرم را حلالیت نمی‌کنم. یا آن دکتری که خیلی بچه‌ها را دوست داشت و از آنها می‌خواست برای سلامتی خود و خانواده‌اش دعا کنند. او اعتقاد داشت ما انسان‌های خوبی هستیم و دعایمان مستجاب است ...

رمز مقاومت؛ جلد ۳



نویسنده: سعید عطاریان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۹۲

شماره شابک:

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۵-۵

شابک جلد سه: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۲۱-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

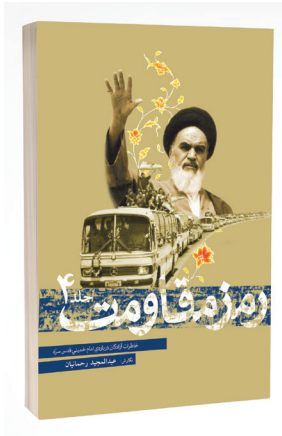
این کتاب جلد سوم از مجموعه رمز مقاومت و حاوی خاطرات ۴۸ تن از آزادگان ایرانی درباره اسارت و یاد امام است. اعتقاد به امام خمینی^(ره) و همچنین یاد ایشان در ذهن سربازان ایرانی در دوران جنگ تحمیلی و نیز دوران اسارت باعث می‌شد که سربازان سختی‌ها و مشکلات جنگ، به خصوص مشکلات دوران اسارت را راحت‌تر تحمل کنند.

برخی خاطرات عبارتند از: نمایشگاه اسارت/ فریدون بیاتی؛ ما به فرزند رسول‌الله توهین نمی‌کنیم/ محمد سیفی؛ مراسم رژه در اسارت/ عبدالمجید رحمانیان؛ دشمن نتوانست عکس را پیدا کند/ حسنعلی شبان؛ صحنه‌های غم‌انگیز در حرم امام/ حمیدرضا ابراهیم‌پور و در وضعیت سخت هم راضی نبودند/ علی احمدی

گزیده‌ای از محتوای کتاب

یکی از دوستان ارتشی با ما بود که طراح خوبی بود و گاهی اوقات عکسی از امام می‌کشید و به ما می‌داد. ما هم این عکس‌ها را به بچه‌های حزب‌اللهی و بسیجی‌ها نشان می‌دادیم. با دیدن این عکس‌ها، اشک شوق از چشم بچه‌ها سرازیر می‌شد و خستگی از تنشان درمی‌آمد و اصرار می‌کردند باز هم از این عکس‌ها به آنها نشان دهیم

رمز مقاومت؛ جلد ۴



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۴۰

شماره شابک:

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۵-۵

شابک جلد چهار: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۲۳-۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

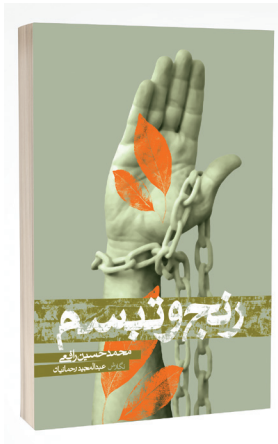
کتاب حاضر، جلد چهارم از مجموعه رمز مقاومت و حاوی خاطرات برخی آزادگان ایرانی درباره امام خمینی^(ره) است. اسرای ایرانی در اسارت با انواع فشارها و تهدیدات دشمن، محرومیت‌ها و کاستی‌ها روبه‌رو بودند که طبیعتاً می‌بایست در تضعیف روحیه آنان مؤثر باشند. اما آنها با اعتقاد به خداوند و عنایات اهل بیت^(ع) این تهدیدات را تحمل می‌کردند. از جمله عوامل دیگری که اسرا از آن به عنوان عامل تحمل‌پذیری اسارت یاد می‌کنند یاد و خاطره امام خمینی^(ره) در ذهن آنهاست.

عناوین برخی خاطرات عبارتند از: ایمان‌های راسخ، دعای سیاسی، آرزوی دیدن یار، خروش عاشورایی، شکوه مراسم هدیه، بهار صلوات. در بخش پایانی کتاب نیز خاطراتی از آزادگان درباره سربازان عراقی بازگو شده است که با ایرانیان با محبت رفتار می‌کردند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

وقتی که اسیرم کردند، مرا به اردوگاه موصل بردند، آنجا به من گفتند: «آیا تو حرس خمینی هستی؟» من معنی «حرس» را نمی‌دانستم. یک افسر ایرانی که به عراق پناهنده شده بود و برای ما ترجمه می‌کرد، گفت: «می‌دانی معنی حرس چیست؟». گفتم: «نه»، گفت: «یعنی تو پاسدار خمینی هستی؟». گفتم: «خیر، پاسدار خمینی نیستم، ولی سرباز خمینی هستم.» و به خاطر این پاسخ کتک مفصلی به من زدند ...

رنج و تبسم



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۲۶

شماره شابک: ۹-۰۰-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب حاضر خاطرات جانباز و آزاده

آذربایجانی. محمدحسین رافعی است

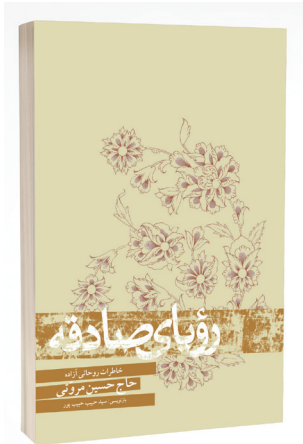
که از اعزام به جبهه تا دوران اسارت و آزادی از زندان رژیم بعث عراق را بیان می‌کند. محمدحسین رافعی، سال در عملیات بیت المقدس به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) موصل او ۲ و ۳ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

عراقی‌ها هراسان در سالن را گشودند و ما را دست‌بسته، سوار اتوبوس کردند و به سوی پایتخت عراق حرکت دادند. در آن گرمای سوزان و تشنگی بی‌اندازه، ضعف و سستی بر بیشتر اسرا، چیره شده بود. زخم‌هایی که بر اثر خونریزی شدید از پا افتاده بودند با زبانی خشکیده و صدایی لرزان، طلب آب می‌کردند. ولی از آب خبری نبود. هرچه تلاش می‌کردیم تا قطره‌ای آب گیر بیاوریم و بر لب‌های خشکیده از پا افتادگان برسانیم،

نمی توانستیم. بعضی ها هم بی توجه بودند. دو نفر از زخمی ها در بین راه از تشنگی شهید شدند. نمی دانم چه رازی در سرزمین عراق نهفته است که عطش و شهادت هم پیمان گشته اند.

رؤیای صادق



نویسنده: سیدحبيب حبيب پور

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۹۶/مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۹۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

کتاب حاضر خاطرات روحانی آزاده

حاج حسین مروتی است که مدت ۱۰ سال در زندان‌های به سر برد. این کتاب را سیدحبيب حبيب پور به شیوه موضوعی به نگارش درآورده است. عناوین برخی خاطرات عبارتند از: رؤیای صادق، نیرنگ عراقی‌ها، آبروریزی بزرگ، سفره، آن تکه کاغذ، دو پاسخ کوبنده و سجده بر خاک وطن.

حاج حسین مروتی، سال ۱۳۵۹ به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه‌های موصل سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

کاغذهایی که توتون در آن پیچیده و به عنوان سیگار استفاده می‌شد را روی هم قرار می‌دادیم و با نخ می‌بستیم و دفترچه درست می‌کردیم. مطالب پیاپی از رادیو را در آنها می‌نوشتیم و جمع‌آوری می‌کردیم. تا روزهای

آخر در موصل ۴ حدود دویست دفترچه لف از آن مطالب تهیه کردیم. گاهی بر روی کاغذ سیمان و پودر رختشویی هم مطالب رادیو را یادداشت می کردیم.

ستاره سپهر شیدایی



نویسنده: قاسم جعفری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۸۴

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۱۳ - ۰۲ - ۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

این کتاب مقالاتی درباره سید آزادگان است که به کوشش حجت الاسلام قاسم جعفری تدوین شده است.

آنچه در این کتاب از نظرتان می‌گذرد را شاید بتوان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. مقالات و مطالبی که در طی آنها نگارنده درصدد ترسیم شخصیت آن مرد الهی برآمده است.

۲. مطالب و مقالاتی که دوستان ارجمند و آزادگان فرهیخته درباره شخصیت الهی آن بزرگوار نوشته یا گفته‌اند و نگارنده تدوین و بازنویسی و احیاناً تحقیق آنها را برعهده گرفته است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

با وجود خیزش طوفان‌های سهمگین در محیط پراندوه زندان‌ها، هرگز آرامش پررمز و راز خود را از دست نداد و همانند ناخدایی موج‌آشنایی،

کشتی اسارت را به سوی ساحل امید و نجات به پیش برد. هیچ کس از او سخن مأیوس کننده‌ای نشنید. نگاه او به روشنی خورشید بود و انوار امید و نشاط از دیدگانش می‌بارید. کلام دلربای او شور و شغف در جان شنندگان به پا می‌کرد و رفتارش همه درس کرامت و بزرگواری می‌آموخت.

مهاجران ملکوت



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۱۲

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۰۱۳ - ۰۹ - ۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب تحت عناوین ذیل به نگارش درآمده است:

سید محمد امامزاده بزرگوار؛ کراماتی از جد مادری ما؛ فدائیان اسلام؛
یادی از شهید آیت‌الله فومنی؛ شهید آیت‌الله سعیدی؛ در محضر آیت‌الله
حاج شیخ مجتبی قزوینی؛ آیت‌الله شاهرودی و وادی السلام؛ یادی از مرحوم
علامه سیدعلی قاضی؛ علامه امینی و کرامت امیرالمؤمنین^(ع)؛ شفای سیدی
بزرگوار؛ شفا دهنده من علی^(ع) است؛ میهمان امیرالمؤمنین^(ع)؛ پیاده روی‌های
عاشقانه؛ قلب پاک آن جوان؛ باغی از باغ‌های بهشت؛ چشم‌های شفا یافته؛
تبسم امیرالمؤمنین^(ع)؛ سینه چاک امام حسین^(ع) و

مجموعه سه جلدی به روایت ابوترابی سه‌گانه‌ای است که شامل
خاطرات سیدآزادگان از زبان بستگان، دوستان و آشنایان او به‌ویژه خاطرات
پیاده‌روی‌های معروف آزادگان و آن مرحوم است. این مجموعه سه‌گانه
کتاب که با نام‌های مهاجران ملکوت، آن یار آسمانی و حماسه‌های ناگفته
منتشر شده است به شرح مبارزات مرحوم ابوترابی با رژیم ستمشاهی،

حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، همکاری با شهید چمران و دوران اسارت ایشان می‌پردازد. این کتاب تقریباً همان کتاب مهر نگاه اولیاء است که تعدادی عنوان به آن اضافه شده و انتشارات آن نیز تغییر کرده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

اواخر ماه صفر، روزی فرمود: «من امروز عصر از این دنیا می‌روم ... دیشب در عالم خواب، هم جهنم را دیدم و هم من را به بهشت بردند و جای مرا در بهشت نشان دادند و به من بشارت دادند که فردا عصر جای شما اینجااست.»

ساعت ۱۰ صبح، آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر را خواست. نیم ساعتی با آنها صحبت کرد. بعد از نماز ظهر و عصر هم غذا نخورد و رفت زیر کرسی و رو به قبله نشست. قرآنی به دست گرفت و شروع کرد به خواندن. من و پسر کوچکش هم نشسته بودیم.

یک مرتبه فرمود: «صدق الله ال ...» دیگر علی‌العظیم را کسی نشنید. قرآن از دستش افتاد. وقتی پسرش پرید به سمت او، دید مثل اینکه ساعت‌هاست که روح از بدنش جدا شده است

رنج غربت داغ حسرت؛ خاطرات آزادگان از دوران اسارت

پدیدآور: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج

نوبت و سال چاپ: سوم، ۱۳۸۶

ناشر: تهران: چاپ و نشر عروج (وابسته به

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره))

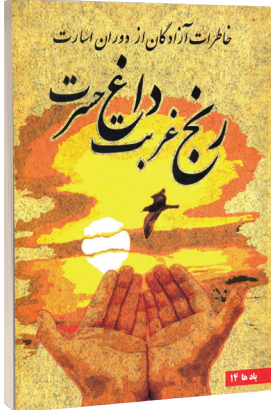
با همکاری مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان

تعداد صفحات: ۳۰۰

شماره شابک: ۹۶۴-۳۳۵-۸۱۹-۴

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: خاطره



معرفی کتاب

این کتاب بازتاب‌دهنده گوشه‌هایی از رنج غربت و داغ حسرت جمعی از فرزندان خمینی در دوران اسارت است. ناگفته‌ها و ناشنیده‌های ۲۹ تن از آزادگان دلیر که همگی دربارهٔ دوران اسارت و رابطه عمیق آن با امام خمینی^(ره) سخن گفته‌اند. در واقع محور اصلی کتاب نقش امام و حضور ایشان در جان و دل اسرای ایرانی است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

تأثیر کلام حاج آقا ابوترابی در افسران ارشد صدام خیلی مایهٔ تعجب و شگفتی بود. خود حاج آقا همیشه این منش را که باعث تغییر اندیشه عراقی‌ها هم می‌شد به امام نسبت می‌داد و می‌فرمود: «امام رهبر و الگوی اخلاقی من است و من هرچه یاد گرفته‌ام و هرچه از من می‌بینید، همه محصول تربیت امام است.» به نظر من این بهترین روش برای تبلیغ اسلام ناب محمدی و شناساندن اهداف انقلاب و امام خمینی به جهانیان بود

قصه نماز آزادگان



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: بیژن کیانی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۸۴/ مصور

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۰۸-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب، حاوی خاطراتی از اسرای

جنگ تحمیلی در بازداشتگاه‌های عراقی با موضوع چگونگی برپاداشتن نماز و خصوصاً نمازهای جماعت در زمان اسارت است که در پانزده فصل به نگارش درآمده است:

فصل اول: نماز در لحظه‌های نخست اسارت؛ فصل دوم: نمازگزاردن در مکان‌های خاص؛ فصل سوم: نمازگزاردن در زمان‌های حساس؛ فصل چهارم: شهادت و نماز؛ فصل پنجم: قربانیان نماز؛ فصل ششم: نماز، نجات، امدادهای غیبی؛ فصل هفتم: اذان، فراخوان قیام؛ فصل هشتم: پیشنمازی و ایثارگری؛ فصل نهم: نماز شب‌زنده‌داران؛ فصل دهم: نماز جماعت، مواعید، مقاومت‌ها و تأثیرات؛ فصل یازدهم: نمازهای ویژه؛ فصل دوازدهم: وضو یا تیمم و دشواری‌های آن؛ فصل سیزدهم: لبخندهایی ناگهانی؛ فصل چهاردهم: آموزش نماز و احکام آن، سجاده، تسبیح و مهر؛ فصل پانزدهم: قصه یک نمازگزار؛ راویان.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

روز چهارم، ساعت ۱۰ شب، چند افسر عراقی به زیرزمین آمدند. آنها مست بودند. همان لحظه، برادری در سجده بود. آنها با دیدن او به سویش حمله بردند. یکی از آنها با هر دو پا بر سر آن نمازگزار پرید و دیگران هم با مشت و لگد به جانش افتادند. آن مؤمن ساجد بیهوش شد. بعضی‌ها پیکرش را بالای پله‌ها بردند و به طرف پایین رها کردند. لحظاتی بعد او آرام‌آرام به شهادت رسید.

آزاده قهرمان



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

حروف چین و صفحه آرا:

مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۴/مصور

شماره شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۰۶-۱

قطع کتاب: خشتی

نوع کتاب: داستان

معرفی کتاب

این کتاب داستانی است در خصوص جنگ ایران و عراق و رزمندهای که بعد از جنگیدن با دشمن بعتی، اسیر می‌شود. این کتاب برای گروه سنی ب است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

تانک دشمن با گلوله آربی جی شهسواری آتش گرفت.

دشمن مشغول تیراندازی است.

آفرین شهسواری، آفرین، کارت عالی بود!

الله اکبر ... الله اکبر

آن شب به صبح می‌رسد.

تانک‌های دشمن به سمت رزمندگان اسلام شلیک می‌کنند ...

مهمانی از آسمان



نویسنده: سعید عسگری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۶

ویراستار: -

قیمت پشت جلد: ۵۰۰۰ ریال

تعداد صفحات: ۱۶/رنگی

شماره شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۸-۴

قطع کتاب: خشتی

نوع کتاب: داستان

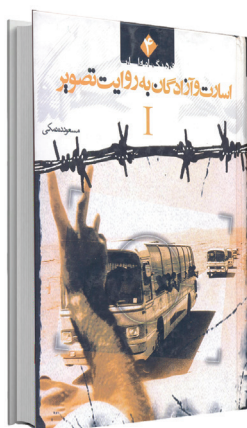
معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات مربوط به حاج آقا ابوترابی است که برای گروه سنی «ب» و «ج» تهیه شده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بابا مشغول کشیدن نقاشی است. سلام می‌کنم. لبخندی می‌زند و جواب سلامم را می‌دهد. نزدیک‌تر می‌روم. به تابلو نگاه می‌کنم. آن عکس یک مرد است. از نقاشی خوشم می‌آید. فکر می‌کنم با نقاشی‌های دیگر بابا فرق دارد. می‌پرسم: «این نقاشی کیست؟» بابا می‌خندد و می‌گوید: «ما عکسش را توی آلبوم داریم. فکر کن شاید بفهمی.» بابا قلم‌موی دیگری را بر می‌دارد و آن را به سفید می‌زند. به تابلو خیره می‌شوم. هرچه فکر می‌کنم نمی‌توانم او را بشناسم. شبیه یکی از عکس‌هایی است که پدرم از عراق فرستاده است ...

اسارت و آزادگان به روایت تصویر I



نویسنده: مسعود ده‌نمکی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۵

ناشر: باران اندیشه با مساعدت و حمایت

مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان

تعداد صفحات: ۱۰۸۰

شماره شابک: ۹۶۴-۹۹۵۶-۰۱-۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

این کتاب جلد چهارم از فرهنگ‌نامهٔ اسارت و آزادگان، اولین دفتر از مجموعهٔ اسارت و آزادگان به روایت تصویر و شامل تصویر و اطلاعات شناسنامه‌ای آزادگان است.

اسارت و آزادگان به روایت تصویر II

نویسنده: مسعود ده‌نمکی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۵

ناشر: باران اندیشه و مؤسسه فرهنگی

پیام آزادگان

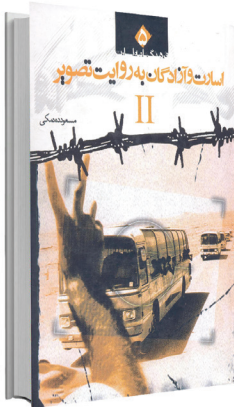
تعداد صفحات: ۱۰۸۰

شماره شابک: ۹۶۴-۹۹۵۶-۰۱-۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب



این کتاب جلد پنجم از فرهنگ‌نامهٔ اسارت

و آزادگان، دومین دفتر از مجموعهٔ اسارت و آزادگان به روایت تصویر و

شامل تصویر و اطلاعات شناسنامه‌ای ۴۳۸۱۵ نفر از آزادگان است.

اشک پروانه‌ها



به کوشش: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۵

ناشر: باران اندیشه، پیام آزادگان

ویراستار: بیژن کیانی شاهوندی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۱۲

شابک: X-۲-۶۷۵۶۶-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: شعر

معرفی کتاب

این کتاب در بردارنده اشعاری است از شاعران مختلف در وصف سیدآزادگان مرحوم ابوترابی.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

دیدمت بر هر غم و درد و الم

استوار و پایدار و بردبار

دیدمت آنگه که آن قوم پلید

حمله می‌کردند چون سگ‌های هار

می‌نیوردی بر ابرویت خمی

می‌ندادی لحظه‌ای از کف قرار...

داستان ناتمام



نویسنده: صفر عبدالملکی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۵

ناشر: پیمان غدیر و نشر مؤسسه فرهنگی

پیام آزادگان

بازنویسی: سید شهاب‌الدین طباطبایی

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۸۴

شماره شابک: ۹۶۴-۹۴۴۶۵۰-۷-۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب ذکر خاطراتی است که با موضوع جنگ تحمیلی و ایثارگری رزمندگان و دوران اسارت و دوران پس از آزادی و زیارت حرم تا حرم به نگارش درآمده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

... راه می‌رفتند و ذکر می‌گفتند. فارغ از هیاهوی دنیاپرستانه و دور از ریا و تجمل. می‌اندیشیدند و راه می‌رفتند، سر به زیر و آرام. مانند کسی که به محاسبه نفس خویش پرداخته است. کاروانیان متواضعانه راه می‌رفتند و هر لحظه شاداب‌تر از پیش خود را در معرض بارش رحمت آسمان قرار می‌دادند. باران معنویت بر صفحه جان آنها می‌نشست و روحشان را پر نشاط می‌کرد. گاهی که به روستا یا شهری می‌رسیدند، مردم به استقبالشان می‌شتافتند و آنها را از صمیم دل می‌ستودند. گویا که به گمشده خویش

رسیده‌اند. جلودار کاروان، مردی بود که از عمق تاریخ آمده بود. بر دوش کوله‌بار تجربه‌های نسل را داشت و در سینه رازهای چگونگی زیستن را. هم زاهد بود و هم مجاهد. هم عارف بود هم سیاستمدار. هم در جمع بود، هم تنها

وصف خورشید



نویسنده: بیژن کیانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۵

ناشر: جامعه‌نگر؛ پیام آزادگان

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۲۸/مصور

شماره شابک: X-۲۱-۲۵۲۴-۹۶۴

قطع کتاب: بیاضی

نوع کتاب: شعر

معرفی کتاب

وصف خورشید با عناوین ذیل در چهار فصل تدوین شده است:

فصل اول: اشعار احمد رضایی؛ فصل دوم: اشعار نورالله عظیم‌زاده؛ فصل سوم: اشعار بیژن کیانی؛ فصل چهارم: اشعار محمدجواد خرم‌دل، علی داعی، سیامک عطایی و علیرضا لطفی.

وصف خورشید مجموعه‌ای از اشعار تعدادی از سرایندگان آزاده است که در دوران مشقت‌بار اسارت در توصیف شخصیت و مقام امام خمینی^(ره) سروده شده و پس از آزادی گردآوری، تصحیح و تنظیم گردیده است تا به عنوان سندی دیگر از عشق پیروان امام خمینی به آن حضرت، در دوران طولانی مقاومت، به دست نسل حاضر و آیندگان برسد.

بعضی از این اشعار شاید از دید اهل فن همه ویژگی‌های یک شعر فنی را دارا نباشد، ولی اگر خمیر مایه شعر، احساس است، این اشعار سرشار از احساسات پاک و لطیف انسان‌هایی است که دل در گرو عشق امام داشتند که بعد زمان و مکان هرگز خدشه‌ای بر این عشق پاک و خالصانه وارد

نساخت. این افراد هرگز ادعای شاعری نکرده‌اند و تنها مرثیه‌های هجران روی معشوق خود را در قالبی آهنگین بیان نموده‌اند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

بی گل رویت بهار ما خزان شد ای امام
قد سرو بوستان همچون کمان شد ای امام
لاله از داغ تو سر را بر سر زانو نهاد
اشک نرگس از فراق تو روان شد ای امام
باد نروزی هنوز افتان و خیزان می‌رود
قامتش از غم شکست و ناتوان شد ای امام
زلف سنبل شد پریشان و شقایق داغدار
نغمه بلبل همه آه و فغان شد ای امام
شوق پرواز از پر و بال پرستوها پرید
لانه اندوه و ماتم، آشیان شد ای امام

عنبر



نویسنده: جاسم مقدم

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۴

ناشر: پیمان غدیر، مؤسسه فرهنگی هنری

پیام آزادگان

ویراستار: معاونت پژوهش و نشر

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۵۲/مصور

شماره شابک: X-۹-۹۶۵۰-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات جانباز و آزاده خوزستانی (رامشیر) جاسم مقدم است و در ۶۱ موضوع به نگارش درآمده است.

او در نوزدهم بهمن سال ۱۳۶۱ در عملیات والفجر مقدماتی درحالی‌که در نبرد با دشمن به‌شدت زخمی شده بود، به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه الانبار (کمپ ۸، معروف به عنبر) سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آتش گلوله‌های سنگین، دود و بوی باروت و فریاد اکبر همه میدان را پر کرده بود.

ما وارد میدان مین شده بودیم. دیگر درنگ جایز نبود. هنوز چند قدمی برنداشته بودیم که ناگهان انفجاری رخ داد و دو سه نفر به هوا پرتاب شدند

... یکی از بچه‌ها قسمتی از بدنش سوخت و چند نفر دیگر زخمی شدند. هنوز از زمین بلند نشده بودیم که موشکی دیگر فرود آمد. بر اثر انفجار آن یکی از بچه‌ها شهید شد. من هم به هوا پرتاب شدم. به سرعت برخاستم و به جلو حرکت کردم. چند قدمی برداشته بودم که نوک سلاحم به چیزی گیر کرد. خیال کردم به بوته‌ای گیر کرده است. بنابراین آن را به شدت کشیدم. ناگهان در فاصله دو متری‌ام یک مین والمری به هوا پرتاب شد و موج آن مرا بر زمین انداخت و چند ترکش آن در بدنم فرو رفت. "به من موشک آر.پی.جی برسانید!"

چند گلوله از کوله‌پشتی‌ام برداشتم و به سوی صدا حرکت کردم. هنوز چند متری با او فاصله داشتم که ناگهان آتش عقبه آرپی جی به صورتم خورد و تمام صورتم سوخت ... دیگر چیزی نفهمیدم.

از جماران تا تکریت



نویسنده: سید ابوالقاسم امیرعلی اکبری

نوبت و سال چاپ: اول؛ ۱۳۸۴

ناشر: پیمان غدیر، مؤسسه فرهنگی

پیام آزادگان

ویراستار: معاونت پژوهش و نشر

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۹۶/مصور

شماره شابک: ۹۶۴-۹۴۶۵۰-۵-۷

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

این کتاب خاطرات جانباز و آزاده تهرانی، سید ابوالقاسم امیرعلی اکبری، است که در ۱۰ فصل به نگارش درآمده است.

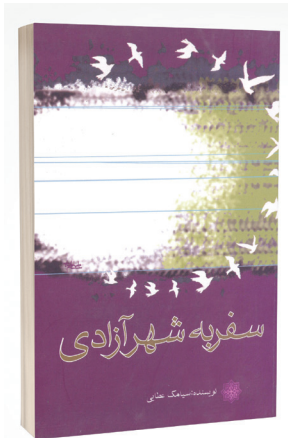
سید ابوالقاسم امیرعلی اکبری سال ۱۳۶۱ در عملیات رمضان به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه الانبار (کمپ ۸ معروف به عنبر) و اردوگاه تکریت ۵ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در محاصره بودیم. عراقی‌ها هر لحظه نزدیک‌تر می‌شدند. هر کس سعی می‌کرد که جایی امن پیدا کند و از آنجا به دفاع بپردازد. من به پشت یک چیپ از کارافتاده خزیدم. ناگهان حس کردم که ران و کف دستم داغ شد. تیری به پایم خورده بود و هنگام خروج دستم را نیز زخمی کرده بود. حال

عجیبی داشتم. گرمای هوای تیرماه، خونریزی شدید و تشنگی حال مرا غافلگیر کرده بود. ناگهان سر و کله عراقی‌ها پیدا شد ...

سفر به شهر آزادی



نویسنده: سیامک عطایی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۴

ناشر: پیام آزادگان و امید آزادگان

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۸۸

شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۲۸-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب اسارت را به شیوه‌ی روایی، تحلیلی در ۱۳ فصل و ۵۳ موضوع بررسی می‌کند. در این مجموعه وقایع دوران اسارت، که در بسیاری از موارد در همان دوران تحریر یافته است، به شیوه‌ی موضوعی دنبال شده است؛ یعنی، ضمن شرح یک اتفاق، به انعکاس تبعات و تحولات آن در طول اسارت نیز می‌پردازد. سیامک عطایی جانباز و آزاده‌ی کرمانشاهی سال ۱۳۵۹ در دهلران به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در رمادی ۱ کمپ ۶، موصل ۴ و ۲ (جدید) سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

گروه‌بانی که ابتدا در رمادی مسئول آوردن مواد غذایی بود یاسر نام داشت. برخورد وی تقریباً خوب بود؛ اما جلوی شکمش را نمی‌توانست بگیرد.

یک روز دیدم که یک عدد بادمجان خام را پوست کنده و لای نان گذاشت و با اشتها شروع به خوردن کرد! این نقطه ضعف او باعث شده بود که آشپزها با دادن غذا به وی امتیازات ویژه‌ای در جهت رفاه حال اسرا به دست آورند.

منشور پاکی و خدمتگزاری؛ جلد ۱



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۳

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۵۱۰

شماره شابک: ۶-۲۶-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

این کتاب تحت عناوین ذیل و در سه فصل

به نگارش درآمده است:

فصل اول: اردوگاه موصل ۴؛ فصل دوم: اردوگاه موصل ۲؛ فصل سوم:

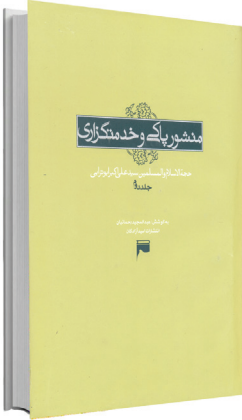
اردوگاه تکریت ۵

منشور پاکی و خدمتگزاری، مجموعه‌ای دو جلدی است که پیام‌ها و سخنرانی‌های راه‌گشای سید آزادگان در اسارتگاه‌های عراق را در بر دارد. این کتاب متن سخنرانی‌های مرحوم ابوترابی در بازداشتگاه‌های عراق است که در زمان ایراد از سوی سایر اسرا روی کاغذ سیگار رونویسی شده بود؛ پس از پایان اسارت به ایران منتقل شده و توسط مؤسسه پیام آزادگان منتشر شده است.

کتاب به شرح سیره و روش برخورد مرحوم ابوترابی با سایر اسرای ایرانی در زندان‌های رژیم بعثی و نیز با مسئولان این بازداشتگاه پرداخته است و از آنجا که به همت عبدالمجید رحمانیان یکی از آزادگان و هم‌بندان مرحوم ابوترابی تدوین شده است، یکی از کامل‌ترین مجموعه‌هایی است

که تاکنون از سیره حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی منتشر
گردیده است.

منشور پاکی و خدمتگزاری؛ جلد ۲



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۳

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۵۲۴

شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۲۷-۴

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

این کتاب تحت عناوین ذیل به نگارش

درآمده است:

ادامه فصل سوم: اردوگاه تکریت ۵؛ فصل چهارم اردوگاه تکریت ۱۷

شهادای غریب



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۳

حروف چین و صفحه آرا: -

تعداد صفحات: ۱۶۲

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۱۱-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

در این مجموعه صد و هفتاد خاطره

کوتاه درباره شهادت اسیران ایرانی

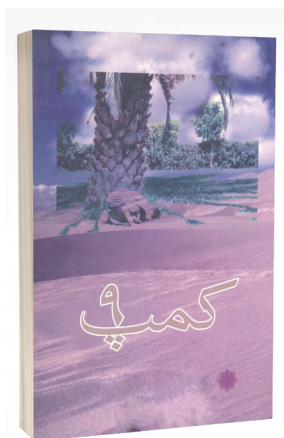
گردآوری شده است. راویان خاطرات، آزادگانی هستند که خود شاهد شهادت بوده‌اند و یا در اردوگاه‌های عراق از شهادت آنها مطلع شده‌اند. داغ دیدار، عشق حضور، اخلاق آمریکایی، شب‌نم سپیده، غربت شقایق، غروب غریب، آه سوخته و ... برخی از عناوین خاطرات مندرج در کتاب هستند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ریختند روی سرش و او را با کابل و لگد زدند. دو سه روز بعد، دچار خونریزی داخلی شد. او را به بغداد بردند. سر و صدا پیچید که "ناصر را برای درمان به بیمارستان برده‌اند". چند روز گذشت، نگهبان عراقی یک دست لباس کهنه اسیری در دستش بود. آمد جلوی آسایش‌گاه ایستاد. همه‌ها خاموش شد. "ناصر نگهدار مرده! این هم لباسش. هیچ‌کس حق عزاداری ندارد". تنها نشانه‌ای که از ناصر داشتیم، همین لباس بود. آن را

روی سیم‌های خاردار وسط محوطه انداختیم. همین، شد مراسم عزاداری، هرکس رد می‌شد به لباس دست می‌زد و می‌کشید به صورتش، بعد هم مودبانه می‌ایستاد و فاتحه می‌خواند

کمپ ۹



نویسنده: سرفراز عبداللہی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۳

حروف چین و صفحه‌آرا: -

تعداد صفحات: ۷۶

شماره شابک: ۶-۰۹-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

گزیده‌ای از محتوای کتاب

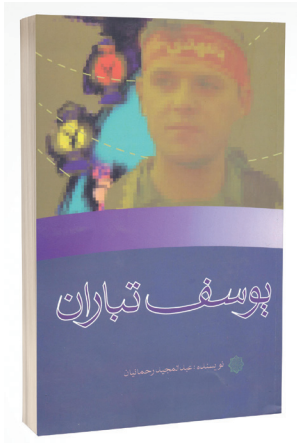
این کتاب مجموعه‌ای از ۵ خاطره است.

خاطراتی از اسرای بسیجی جمعی از لشکر ۱۹ فجر که سال ۱۳۶۴ در عملیات قدس در منطقه دهلران به اسارت درآمدند.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

پس از مدتی ده سرباز عراقی آمدند و مرا به اتاق دیگری بردند که دو افسر و چند سرباز در آن حضور داشتند. وارد اتاق که شدم بوی بازجویی را با دیدن چند کابل و دستگاه برق احساس کردم. عجیب خوابم گرفته بود و نمی‌توانستم حواسم را جمع کنم ...

یوسف تباران



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: دوم، ۱۳۸۳

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۶۰

شماره شابک: X-۹-۹۲۰۰۶-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

چاپ اول این کتاب با عنوان

قصه یوسف تباران به چاپ رسیده است.

معرفی کتاب

این کتاب در ۵ فصل و ۱۵ موضوع و با مقدمه‌ای از سیدآزادگان به نگارش درآمده است. محور این کتاب نگاه عاطفی آزادگان به امام خمینی^(ره) است.

روایت‌های این کتاب از اردوگاه خاصی نیست و شامل اردوگاه‌های ثبت‌نام‌شده می‌شود.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

نمایش فیلم که تمام شد، افسر عراقی فرصت را مناسب دید و شروع کرد به صحبت تا سمپاشی کند:

ببینید ایران چه جور دارد با اسرای ما رفتار می‌کند! ببینید خمینی دارد چه کار می‌کند!

تا گفت «خمینی» بچه‌ها صلوات فرستادند. گفت چرا برای خمینی

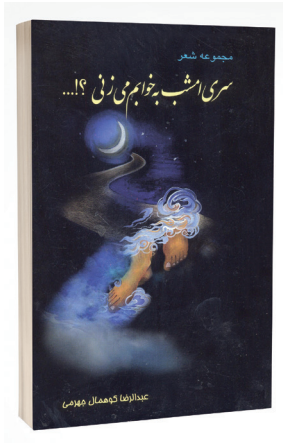
صلوات می فرستید؟

بچه‌ها باز هم با شنیدن نام امام خمینی صلوات فرستادند.
گفت:

چرا برای حضرت محمد^(ص) صلوات نمی فرستید، دوباره همگی صلوات
فرستادند.

او ادامه داد برای خمینی نباید صلوات فرستاد. باز هم بچه‌ها صلوات
فرستادند

سری امشب به خوابم می‌زنی؟!...



شاعر: عبدالرضا کوهمال جهرمی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۲

حروف چین و صفحه‌آرا: -

تعداد صفحات: ۹۶

شماره شابک: ۷-۲۰-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: شعر

معرفی کتاب

این کتاب مجموع ۴۳ شعر ارزشی در

حوزه دفاع مقدس (اسارت و غیره) است

که بیشتر آن در قالب غزل سروده شده است. این کتاب از سروده‌های

رضا کوهمال، متولد شهرستان جهرم، شاعر، نویسنده و پژوهشگر، است.

"سری امشب به خوابم می‌زنی؟! اولین مجموعه اوست.

رضا کوهمال برگزیده بسیاری از کنگره‌ها و جشنواره‌های ملی - مدرس

دانشگاه و مولف چندین مجموعه شعر و نقد است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

تو رفته‌ای به وادی بی‌قاصدک؟! و من

چشم‌انتظار یک خبر تازه‌ام، مدام

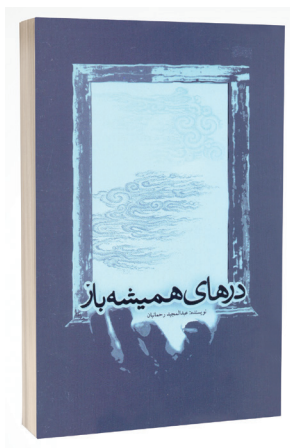
دلوایس جنون کبوترپرست تو

در روزهای فاصله افتاده‌ام به دام

دارم به یک سفر، سفری دور می‌روم

امشب سقوط می‌کنم از اوج دردهام...

درهای همیشه باز



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۲

حروف چین و صفحه آرا: مریم

مردانی کوزه‌کنانی

تعداد صفحات: ۱۱۲

شماره شابک: ۹۷۸-۵۸۱۵-۱۹-۳

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

در این مجموعه هفده خاطره از

اسرای ایرانی در عراق گرد آمده است.

هر خاطره، داستان شفا یافتن و بهبودی بیماری‌های صعب‌العلاج و بدون

درمانی است که برای آزادگان در دوران اسارت اتفاق افتاده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

نزدیک غروب در حالت نیمه بی‌هوشی داشتم با خدا مناجات می‌کردم. و گاهی امام هفتم را صدا می‌زدم. حال معنوی خوبی داشتم. در آن فضای نیمه تاریک، بهداری اسارت‌گاه، ناگاه دو نور را کنار خودم دیدم. دو آقای نورانی بودند که به من اشاره می‌کردند و می‌گفتند: « تو خوب و سالم هستی » و همین که به طرف امیر بهمنی متوجه شدند، من از حال نیمه بی‌هوشی بیرون آمدم. فهمیدم که حال خوب خوب شده است. روبه رویم را نگاه کردم. اما امیر بهمنی دیگر روبه روی من نبود. و با تختش او را برده بودند. من دیگر او را ندیدم. ولی شنیدم او همان موقع شهید شده است... .

رهاورد غربت



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۲

حروف چین و صفحه آرا:

سید شهاب‌الدین طباطبایی

تعداد صفحات: ۶۶

شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۰۴-۵

قطع کتاب: خشتی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

در این کتاب، دست ساخته‌های دوران اسارت آزادگان در خاک عراق معرفی شده است. هر محصول دست ساز با خاطره‌ای مربوط به آن آغاز می‌شود؛ سپس چگونگی ساخت و شکل‌های مختلف آن همراه با تصویر توضیح داده می‌شود.

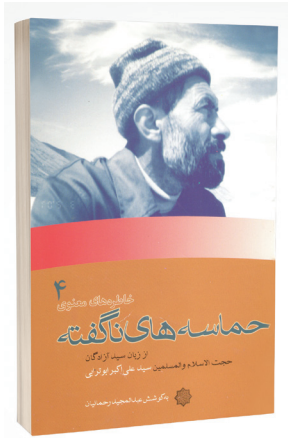
صنایع دستی یکی از فعالیت‌های اسرای جنگ تحمیلی بود. آنها در دوران اسارت با انگیزه‌ها و اهداف متعده‌انه فعالیت‌هایی را آغاز کردند و آثاری ارزشمند پدید آوردند. در همه این آثار، جلوه‌های هنر متعهد به خوبی دیده می‌شود. پای‌بندی به ارزش‌های دینی، وطن‌دوستی، وفاداری به اصول انقلاب اسلامی، عشق‌ورزی به خانواده و امید به آینده‌ای درخشان مفاهیمی هستند که می‌توان آنها را در هنر صنایع دستی آزادگان مشاهده کرد. هدف از تدوین کتاب حاضر نشان دادن این نکته است که اسرای مظلوم ایرانی با وجود شکنجه‌ها و فشارهای روحی و جسمی و درد هجران، نه تنها در رکود و انزوا قرار نگرفتند، بلکه با اخلاص، عشق و پای‌بندی به ارزش‌های

انسانی و وفاداری با میهن اسلامی خویش در فعالیت‌های هنری و فرهنگی و اجتماعی تلاش نمودند. از جمله این آثار عبارت‌اند از: تسبیح گلی؛ تسبیح هسته خرمایی؛ تسبیح ساخته شده از نوک خودکار؛ گل دوزی؛ پولک دوزی؛ کیف؛ گیوه‌بافی و صحافی؛ کیف‌های آلبوم؛ و سنگ‌سایي.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ماه‌ها او را می‌دیدم که آن گوشه اردوگاه، سنگ‌های ریز را بر زمین سیمانی می‌کشید. گاهی کمی آب می‌ریخت تا سنگ‌ها بهتر ساییده شوند. گاهی هم به سرانگشتانش نگاه می‌کرد که ساییده و مجروح می‌شدند. روزی که کار را تمام کرد آن را جلوی چشمانش گرفته بود و لبخند می‌زد. زیر لب هم چیزی می‌گفت. تسبیحی ۹۹ دانه، یک‌دست و سیاه که رشته‌ای تابیده از نخ، از میانشان عبور می‌کرد. حالا دیگر هدیه مادر آماده بود. چند روز دیگر نمایندگان صلیب سرخ می‌آمدند و او امیدوار بود که بتواند آن را به همراه نامه‌ای به مادر برساند. روز بعد وقتی تفتیش عراقی‌ها در آسایشگاه تمام شد. او را سرجایش دیدم. نشسته بود و هیچی نمی‌گفت. نزدیک رفتم و سلامش کردم. با لبخندی تلخ به آرامی گفت: «تسبیح را عراقی‌ها بردند...»

حماسه‌های ناگفته



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۱
حروفچین و صفحه‌آرا: امید آزادگان
تعداد صفحات: ۱۰۴
شابک: X-۱۰-۵۸۱۵-۹۶۴
قطع کتاب: رقعی
نوع کتاب: خاطره

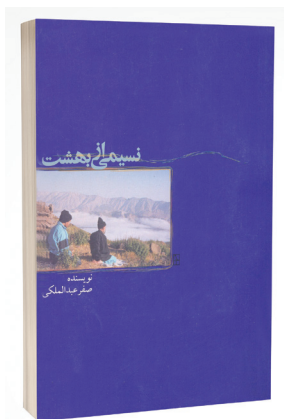
معرفی کتاب

روایتی اجمالی از خاطرات معنوی از
زبان شهید سیدعلی‌اکبر ابوترابی است که
به قلم عبدالمجید رحمانیان گردآوری شده است. این کتاب در سال
۱۳۸۷ توسط انتشارات پیام آزادگان به چاپ رسیده است.

خلاصه‌ای از کتاب

من شهادت می‌دهم که سید علی‌اکبر ابوترابی، عالی‌ترین نمونه پاکی و
تقوا و عشق و محبت و شجاعت و فداکاری بود. من شهادت می‌دهم که راز
و نیاز شبانه‌اش با خدا و نماز صبحگاهش و دعا و استغفار و سخنان آتشین
قبل از عزیمت به نبرد آنقدر سوزانگیز و عمیق و خالصانه بود که همه ما را
منقلب می‌نمود و در روح دوستانش آتشفشان به پا می‌کرد ...

نسیمی از بهشت



نویسنده: صفر عبدالملکی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۱

حروف چین و صفحه‌آرا: فاطمه توانایی

تعداد صفحات: ۳۲۸

شماره شابک: ۸-۰۸-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب در عناوین ذیل و در

هفت فصل به نگارش درآمده است:

فصل اول: عابران مسیر وفا؛ فصل دوم: کمیته مشترک؛ فصل سوم: معلم انقلابی؛ فصل چهارم: عاشق صادق؛ فصل پنجم: از حرم دوست تا حرم یار؛ فصل ششم: جان سخت؛ فصل هفتم: گدایان سامره

گزیده‌ای از محتوای کتاب

نسیمی از بهشت در واقع سفرنامه‌ای با حکایت‌های شیرین و خواندنی از سفر آزادگان از حرم امام خمینی^(ره) تا حرم امام رضا^(ع) است که نویسنده در آن به بازگویی خاطرات برخی از خاطرات آزادگان می‌پردازد.

اولین سفر در بیست و نهم تیرماه سال ۱۳۷۴ توسط گروهی از آزادگان جنگ تحمیلی به سرپرستی سید آزادگان، پس از زیارت مرقد امام خمینی^(ره)، پیاده عازم زیارت مشهد مقدس شدند و روز یکشنبه پانزدهم مرداد همان سال به زیارت مرقد امام هشتم نایل آمدند.

تئاتر در اسارت (خاکریز پنهان ۱۴)



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۰

حروف چین و صفحه‌آرا: -

تعداد صفحات: ۱۵۰

شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۰۰-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی (خاطره محور)

معرفی کتاب

در کتاب حاضر چگونگی انجام هنرهای

نمایشی در اردوگاه‌های اسرای ایرانی

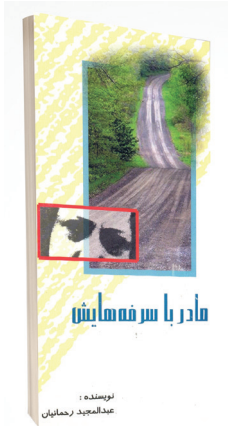
در عراق به‌رغم محدودیت‌ها و مجازات‌هایی که بر آن مترتب بود طی سه فصل بازگو می‌شود. در فصل اول با عنوان "وضعیت اسارت" از تاریخ اجرای نمایش در اسارت، سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی و واکنش عراقی‌ها در قبال آن، سیاست‌های مثبت و منفی در این زمینه و انگیزه‌های اجرای نمایش در اسارت سخن به میان آمده است. فصل دوم به معرفی انواع نمایش‌ها در اسارت اختصاص یافته و در فصل سوم، عناصر اجرای نمایش تشریح می‌شود. این کتاب در سال‌های بعد توسط انتشارات پیام آزادگان تجدید چاپ شده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

در یکی از اجراها که عراقی‌ها سرزده وارد شدند، بازیگری که در صحنه بود لباس فضایی خود را دیر از تن درآورد و دیگر فرصت پنهان کردن آن

نبود. لباس را هم پیچیدیم و در گوشه آسایشگاه رها نمودیم و پیش خود فکر کردیم که عراقی‌ها متوجه نمی‌شوند و فکر می‌کنند کیسه نان است. بعد از وارد شدن عراقی‌ها، آنها متوجه وضع غیرمعمولی آسایشگاه شدند ولی چیزی دستگیر آنها نشد. وقتی که می‌خواستند خارج شوند یکی از آنها گونی را برداشت و فکر کرد که یک گونی خالی است و مچاله شده است. او آن را بی‌خیال پرت کرد. ناگهان لباس دوخته شده باز گردید و شکل ظاهری آن مشخص شد. سرباز عراقی تا آن را دید پرسید: این چیست؟ شما تئاتر بازی می‌کردید. یکی از بچه‌های تدارکات جلو رفت و گفت: نه بابا این مال من است. که مسئول نظافت حمام هستم. برای این‌که خیس نشوم آن را به تن می‌کنم او بلافاصله لباس را پوشید و تی را برداشت و رفت داخل حمام و داد کشید: برادران نزدیک آمار است و می‌خواهم حمام را تمیز کنم. او ذهن عراقی‌ها را پاک کرد و آنها با مشاهده این وضع مبهوت از آن‌جا رفتند و ما تئاتر را ادامه دادیم ...

مادر با سرفه‌هایش



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۰

ویراستار: -

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۱۰۴

شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۰۳-۷

قطع کتاب: پالتویی

نوع کتاب: خاطره

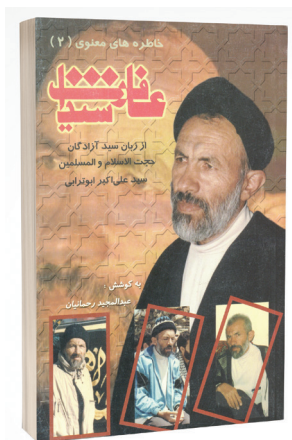
معرفی کتاب

این کتاب روایت زندگی عبدالمجید رحمانیان،

نویسنده و آزادهٔ دفاع مقدس و به قلم خود اوست که در کتاب مادر

بازنگری و مجدداً به چاپ رسید.

عارف شیدا



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۰

حروفچین و صفحه‌آرا: امید آزادگان، فاطمه توانا؛

تعداد صفحات: ۶۳

شابک: ۹-۰۲-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

در این مجموعه، ۲۸ خاطره کوتاه

از زبان مرحوم حجت الاسلام سید علی اکبر

ابوترابی روایت شده است. این خاطرات درباره برخی شخصیت‌ها مانند

امام خمینی^(ره) و افرادی از فداییان اسلام در مواضع مختلف است که راوی،

خود شاهد تحولات روحی برخی افراد در اثر ایمان و اعتقاد قلبی و بالاخره

تأثیر اخلاق اسلامی بوده یا از اشخاص مطمئن شنیده است.

خلاصه‌ای از کتاب

هنوز آفتاب نتابیده بود که او بر دل‌های سرد و مأیوس بسیاری از کسانی

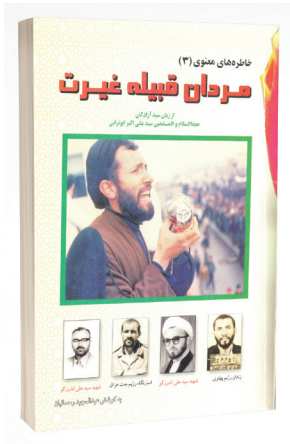
که در همین اجتماع زندگی می‌کنند، می‌تابید. او می‌دانست که هر چه بیشتر

به بنیویان نزدیک شود، به خدا نزدیک‌تر است. گویا نسیم و مهر خدا بود که

بر دل‌های شکسته دردمندان می‌وزید و با محنت خویش که در گوشه‌های

پرت و بی‌رمق اجتماع افتاده بودند، تحرک و روح نشاط زندگی می‌بخشید...

مردان قبیله غیرت



نویسنده: عبدالحمید رحمانیان

سال چاپ: ۱۳۸۰

ویراستار:-

حروفچین و صفحه‌آرا: امید آزادگان

تعداد صفحات: ۸۰

شابک: ۱-۰۶-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

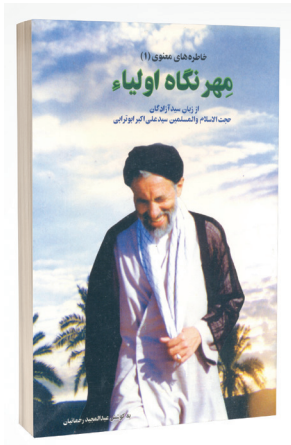
معرفی کتاب

این کتاب مجموعه‌ای است از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی اکبر ابوترابی و از کتب خاطره‌های معنوی و مشتمل است بر: چگونگی آشنایی ایشان با مرحوم سیدعلی اندرزگو و ارتباط آنان با یکدیگر، چگونگی طرح و اجرای نقشه ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت ایران به دست اندرزگو و بخارایی، بستن پیمان وفاداری ابوترابی با اندرزگو، چگونگی مبارزات این دو مجاهد و برنامه‌ریزی‌های دقیق آنان در این مورد، چگونگی مبارزه با رژیم پهلوی و فعالیت سیاسی آنان، رفتن به لبنان و دیدن آموزش نظامی، مبارزه مسلحانه و تهیه اسلحه از لبنان و ... درگیری با ساواک لورفتن اندرزگو توسط یکی از دوستان و شهادت ایشان زیر شکنجه ساواک، و ذکر بسیاری از فضائل اخلاقی و معنوی و ... شهید اندرزگو از زبان حجت‌الاسلام ابوترابی...

خلاصه‌ای از کتاب

سرداران عارف، حجت‌الاسلام سیدعلی اندرزگو و حجت‌الاسلام سید علی‌اکبر ابوترابی مبارزانی خستگی‌ناپذیر بودند که در سخت‌ترین شرایط با اندیشه و بی‌ریا به جهاد در راه خدا برخاستند و رنج و دربه‌داری را به جان خریدند. آنها عرفان را با مبارزه خستگی‌ناپذیر، اخلاق را با حضور در صحنه‌های دشوار زندگی، معنویت را با پیکار بی‌امان، عبادت و شب‌زنده‌داری را با کوشش‌های خستگی‌ناپذیر و زهد را با اخلاص درهم آمیختند و با دورکردن هواهای نفسانی از خود، لحظه‌به‌لحظه به خدا نزدیک‌تر شدند و در بی‌توقعی و بی‌تکلیفی برای رضای خدا به کوششی مردانه پرداختند

مهر نگاه اولیاء



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۹

ویراستار: -

حروف چین و صفحه‌آرا: امید آزادگان،

فاطمه توانایی

تعداد صفحات: ۵۶

شابک: ۰-۰۱-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

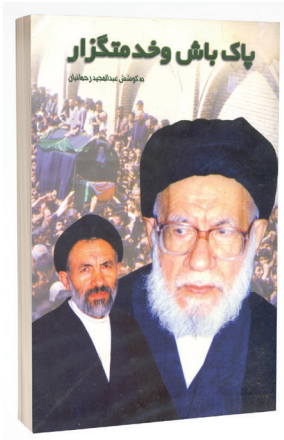
این کتاب به کوشش عبدالمجید رحمانیان و توسط انتشارات امید آزادگان در سال ۱۳۷۹ تهیه و تنظیم و به چاپ رسیده است. این مجموعه در برگیرنده خاطرات معنوی از زبان سید آزادگان «سید علی اکبر ابوترابی» از وقایع مختلفی است که خود ایشان شاهد بوده و یا برای ایشان اتفاق افتاده، همانند زیارت امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) در مسجد جمکران هنگام نماز ۱۰۰ رکعتی در شب عاشورا، شفای چشمان اسیری به نام عبدالله که بیش از ۸۰ درصد از بینایی خود را از دست داده بود، پاسخ گرفتن از حضرت امام رضا(ع) و از درون ضریح، زیارت امامزاده‌ای بزرگوار به نام سید محمد در سامرا که فرزند امام هادی(ع) و احیاءکننده مذهب تشیع است و برخی معجزات و کرامات او می‌باشد...

خلاصه‌ای از کتاب

قبل از نماز صبح مادرم من را از خواب بیدار کرد و دیدم که گریه می‌کند.

او می‌خواست دست و پای مرا ببوسد. تعجب کردم و گفتم: «مادرم چکار می‌کنی؟ چرا گریه می‌کنی؟ چرا می‌خواهی دست و پای من را ببوسی.» مادرم گفت: «پسرم، چکار کردی که مرا در مقابل زینب کبری^(س) روسفید کردی.» گفتم: «مگر چه شده مادر؟» گفت: «همین الان خواب دیدم که در خانه را کوبیدند. رفتم و دیدم بی‌بی زینب کبری^(س) به خانه ما تشریف‌فرما شدند و فرمودند: پسرت ما را مسرور و خوشحال کرده است. من آمده‌ام نماز صبح را در خانه شما بخوانم. به فرزندت بگو، من اسیر بودم و می‌دانم که بر اسیر چه گذشته است...»

پاک باش و خدمتگزار



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۹

ناشر: امید آزادگان، نمایندگی ولی فقیه در

امور آزادگان، معاونت فرهنگی

ویراستار: -

حروف چین و صفحه آرا: -

تعداد صفحات: ۱۳۶

شابک: ۰-۳-۹۲۰۰۶-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطرات (ویژه چهلمین روز

رحلت آیت الله سیدعباس ابوترابی و حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی)

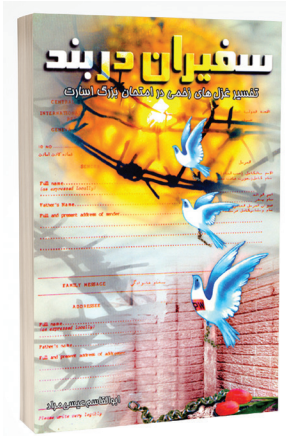
معرفی کتاب

این کتاب حاصل تلاش آزاده عبدالمجید رحمانیان است که به همت انتشارات امید آزادگان در سال ۱۳۷۹ و به مناسبت چهلمین روز رحلت آیت الله سیدعباس ابوترابی و حجت الاسلام سیدعلی اکبر ابوترابی به چاپ رسیده است. در این کتاب پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب، نگاهی به زندگی آن دو بزرگوار و خاطراتی در مورد سید آزادگان از زبان برادرشان، چگونگی اسارت ایشان، متن حکم انتصاب آقای ابوترابی به نمایندگی ولی فقیه در امور آزادگان، متن پیام شهید دکتر چمران در مورد اسارت حاج آقا، برخی از اشعاری که در رسای ایشان سروده شده و همچنین ۲۰ دستور اخلاقی از ایشان می باشد.

خلاصه‌ای از کتاب

در آسایشگاه، سر جای خود دو زانو می‌نشست. مقدار کمی جا به هر اسیر تعلق می‌گرفت. مثل مسکن او محسوب می‌شد. اما ایشان گویا در یک مجلس باشکوه نشسته باشد، مؤدب می‌نشست. هر کس که برای احوالپرسی یا هر موضوع دیگری پهلوی ایشان می‌آمد، آن بزرگوار تمام قد در مقابلش به احترام می‌ایستاد. یک‌بار به ایشان گفتم: «شما راحت باشید خسته می‌شوی. سخت است اینکه این همه در مقابل افراد بلند می‌شوی و تعداد افرادی که به سراغ شما می‌آیند زیادند.» فرمود: «با هر کس که مواجه می‌شوم، احساس می‌کنم با پدرم برخورد می‌کنم. بنابراین برخورد واجب می‌دانم که بایستم و احترام بگذارم.»

سفیران در بند



نویسنده: ابوالقاسم عیسی مراد

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۹

ویراستار: عبدالمجید رحمانیان

حروف چین و صفحه‌آرا: امید آزادگان،

فاطمه توانایی مختاری

تعداد صفحات: ۱۱۲

شماره شابک: ۹۶۴-۹۲۰۰۶-۲-۲

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

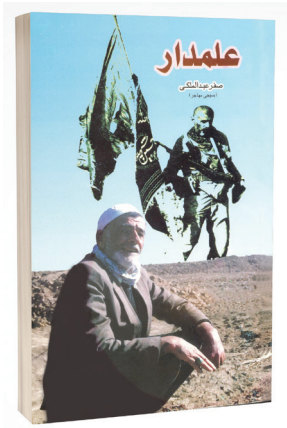
جانباژ و آزاده گیلانی ابوالقاسم عیسی مراد این کتاب را در ۳۸ موضوع به نگارش درآورده است. اتفاقاتی در مورد عملیات کربلای ۲ و شروع اسارت، اردوگاه ۹ رمادی، بیمارستان تموز و الرشید و ... به وقوع پیوست. عیسی مراد در دهم شهریور ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۲ به دست نیروهای بعثی به اسارت درآمد. سال‌های اسارت این آزاده در اردوگاه رمادی ۹ سپری شد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

آفتاب آخرین ماه تابستان تازه بر قله حاج عمران شروع به تابیدن کرده بود که عراقی‌ها حلقه محاصره را تنگ‌تر کرده و با داد و فریاد و شلیک رگبار به سوی ما پیش می‌آمدند. هلی‌کوپترها نیز بر بالای سرمان می‌چرخیدند و عده‌ای را به شهادت می‌رساندند ولی چه کنیم که راهی جز تسلیم شدن در برابر تقدیر نداشتیم. برایمان لحظه‌های بسیار سختی می‌گذشت. عکسی از

امام را که روی سینه خود آویزان کرده بودم، برداشتم آن را بوسیدم و روی سینه‌ام گذاشتم و محترمانه بر روی یکی از صخره‌ها قرار دادم. و آرام آرام ناباورانه خداحافظی کردم. پیشانی‌بند خود را نیز گشودم، آنچه را که به عنوان سند با خود داشتم پاره کردم و در جایی پنهان نمودم. عراقی‌ها به ما نزدیک‌تر می‌شدند و پیوسته فریاد می‌زدند که دست‌هایمان را بالا ببریم و سلاح‌ها را از خودمان دور کنیم. آنها با رگبار ما را هدف گرفتند و تعدادی از بچه‌ها را به شهادت رساندند و برخی هم مجروح شدند. آنها ما را در حلقه تنگ محاصره قرار دادند و سرانجام ناباورانه به اسارت سخت دشمن گرفتار شدیم ...

علمدار



نویسنده: صفر عبدالملکی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۸

ویراستار: عبدالمجید رحمانیان

حروف چین و صفحه آرا: امید آزادگان،

فاطمه توانایی مختاری

تعداد صفحات: ۲۱۶

شماره شابک: ۶-۰-۹۲۰۰۶-۹۶۴

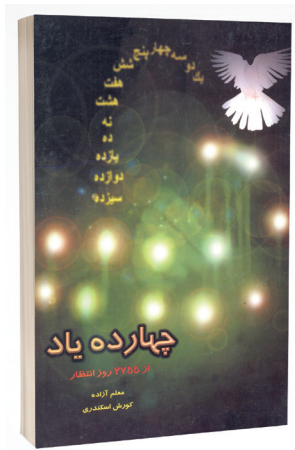
قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب در صفحه ۸۲ معرفی شده است.

چهارده یاد؛ از ۲۷۵۵ روز انتظار



نویسنده: کوروش اسکندری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۸

حروف چین و صفحه‌آرا: امید آزادگان،

فاطمه توانایی مختاری

تعداد صفحات: ۷۲

شماره شابک: ۹۶۴-۹۲۰۰۶-۶-۵

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

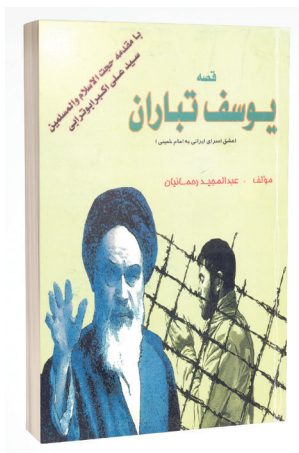
این کتاب جلوه‌ای از ۲۷۵۵ روز انتظار است. چهارده یاد از روزهای بلند غربت، روزهایی که منتظرانی دردمند در برجی غریب، بغض غروب را به تماشا نشستند. خواندن چهارده یاد را به نوجوانان و جوانان توصیه می‌کنم.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

جمال نگهبان خشن عراقی دوست بسیجی ما را به طرف محوطه خودشان برده. کلت گروهبان را گرفته و مسلح می‌کند و با خشونت هرچه تمام‌تر آن نوجوان اسیر می‌گذارد و چندین بار از او می‌خواهد که به امام خمینی توهین کند. و هر لحظه کلت را فشار می‌دهد تا به او نشان دهد که قصد کشتن وی را دارد. ولی این بسیجی دلیر، با سکوت و مقاومت خویش «جمال» را ناکام می‌سازد و با استقامت خود اعلام می‌دارد که کشته می‌شوم. اما به رهبرم توهین نخواهم کرد. عراقی‌ها آن روز سرافکنده شدند و نوجوان بسیجی ما، سرافراز به اردوگاه بازگشت. و این گونه وفاداری و عشق خود

را به امام خمینی و ولایت نمودار ساخت

قصه یوسف تباران

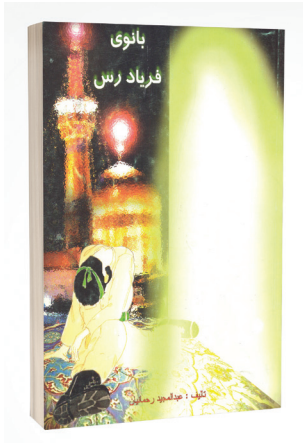


نویسنده: عبدالمجید رحمانیان
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۸
حروف چین و صفحه آرا: امید آزادگان،
فاطمه توانایی مختاری
تعداد صفحات: ۱۴۴
شماره شابک: X-۹-۹۲۰۰۶-۹۶۴
قطع کتاب: رقعی
نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

این کتاب در چاپ دوم با عنوان
یوسف تباران به چاپ رسیده است.

بانوی فریادرس



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۸
حروف چین و صفحه آرا: امید آزادگان،
فاطمه توانایی
تعداد صفحات: ۶۰
شماره شابک: ۷-۵-۹۲۰۰۶-۹۶۴
قطع کتاب: رقعی
نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

در ابتدای این نوشتار خاطراتی از اسیران ایرانی و چگونگی شفا یافتن آنان به سبب عنايات اهل بیت (ع) نقل شده است. در ادامه همراه با عکس‌هایی چگونگی شفا یافتن آزاده جانباز حاج فضل‌الله ظهوریان در حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و شفا یافتن آزاده قدرت‌الله ناظم، در اسارت دشمن بعثی روایت می‌شود.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

یکی از آن سربازان بسیار کینه‌توز به نام جمعه با حرکات جفت‌پا به هوا می‌پرید و روی کمر من فرود می‌آمد. آنقدر مرا شکنجه کردند که دیگر چیزی متوجه نشدم. بیهوش شدم ...

نامه‌ای به عروسکم



نویسنده: جمال محرر

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۸

ویراستار: عبدالمجید رحمانیان

طراح و نقاش: جمال محرر

تعداد صفحات: ۱۲ مصور

شماره شابک: ۹۶۴-۹۲۶۰۰-۸-۱

قطع کتاب: خشتی کوچک

نوع کتاب: کودک

معرفی کتاب

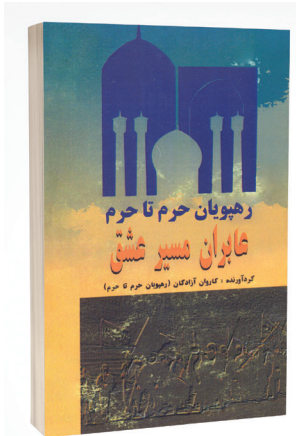
در این کتاب نامه‌ای از پدری اسیر به دختر کوچکش چاپ شده که در آن از علت جبهه رفتن و اسارت خود سخن می‌گوید و از دخترش می‌خواهد به حرف‌های مادر گوش فرا دهد و درس‌هایش را خوب بخواند و نماز را در اول وقت به جا آورد و

گزیده‌ای از محتوای کتاب

عروسک قشنگم سلام!

من خیلی به تو فکر می‌کنم و از خدای مهربان می‌خواهم که ما را به هم برساند. من در اینجا دوستان خوبی دارم

عابران مسیر عشق



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۷

حروف چین و صفحه آرا: امید آزادگان،

فاطمه توانایی مختاری

تعداد صفحات: ۱۱۰

شماره شابک: ۹۶۴-۹۲۰۰۶-۹-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب

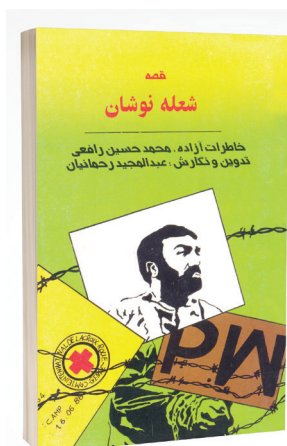
نوشته‌ار حاضر، مجموعه‌ای درهم تنیده

از شرح سفر کاروان عاشقان امام حسین (ع) به کربلا با محوریت سیدآزادگان و خاطرات دوران اسارت ست که با این موضوعات به رشته تحریر درآمده است: چگونگی آغاز سفر، خاطرات آزادگان همراه کاروان، خاطرات هشت سال دفاع مقدس، دعاها و نیایش‌های دسته‌جمعی، منزل‌گاه‌های کاروان، دیده‌ها و شنیده‌ها و ...

گزیده‌ای از محتوای کتاب

روز سوم نیز با بازجویی و ناکامی سرگرد و شکنجه من سپری شد. سرانجام مرا به استخبارات بغداد فرستادند. در آنجا به مدت یک هفته، روزی دوبار، برای بازجویی بردند ...

قصه شعله‌نوشان



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۷

حروف چین و صفحه‌آرا: -

تعداد صفحات: ۲۲۸

شماره شابک: -

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

معرفی کتاب، معرفی راوی و نویسنده

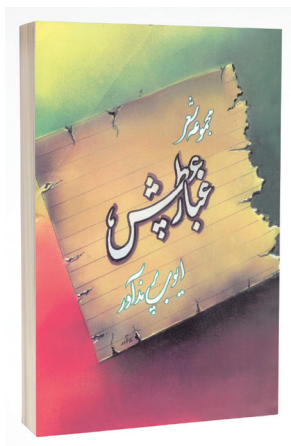
این کتاب خاطرات دوران اسارت آزاده محمدحسین رافعی است. محمدحسین رافعی با هم‌زمانش در گروهان انشراح، در تاریخ هفدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ یک عملیات ایزدایی انجام دادند تا رزمندگان بتوانند از پشت، پادگان حمید را دور زده، جاده ارتباطی دشمن با بصره را قطع کنند و خرمشهر در اختیار نیروهای ایرانی قرار گیرد. آنها طی این عملیات، پس از نشان دادن دلاوری‌ها و رشادت‌های فراوان، با بدنی مملو از جراحات‌های متعدد به اسارت نیروهای دشمن در می‌آید. آزاده محمدحسین رافعی، در این کتاب، مراحل مختلف دوران اسارت خود و شکنجه‌هایی را که نظامیان عراقی در مورد وی و هم‌زمان او به کار می‌گیرند، شرح می‌دهد.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

یکی از سربازان لوله آب را روی زمین گرفت و همه جا را خیس کرد. به‌طوری که آب در جلو آسایشگاه، روی زمین سیمانی جاری بود. آنها ما

را وادار کردند که روی زمین خیس سینه خیز برویم؛ آنگاه سربازان با کابل و لگد به جان ما افتادند. تعدادشان زیاد بود. بعضی از آنها روی کمر ما راه می رفتند ...

غبار عطش



نویسنده: ایوب پرندآور

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۷

تعداد صفحات: ۱۰۰

شماره شابک: -

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: شعر

معرفی کتاب

این کتاب شامل ۳ دفتر است که با

محور دفاع مقدس و اسارت در قالب‌های

غزل مثنوی، قصیده، دوبیتی و رباعی سروده شده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

ای نخل‌های خسته بی‌سر خوش آمدید

آلاله‌های تشنه پریر خوش آمدید

همسنگران تشنه لب و سرخ‌العطش

همسایه‌های مین‌منور خوش آمدید

فریاد از بیداد



نویسنده: سیامک عطایی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۷۶

حروف چین و صفحه‌آرا: -

تعداد صفحات: ۱۲۲

شماره شابک: -

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

چاپ اول این کتاب توسط نمایندگی

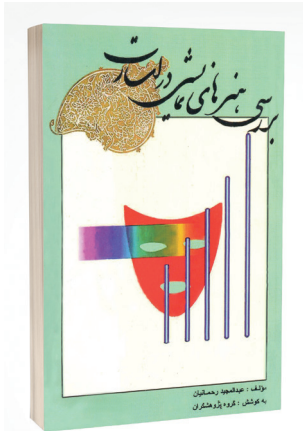
ولی فقیه در امور آزادگان، معاونت فرهنگی به چاپ رسیده است.

نویسنده در این کتاب خاطرات دوران اسارت در عراق را به شیوه موضوعی، روایت و تحلیل می‌کند: یعنی ضمن شرح یک اتفاق، به تبعات و تحولات آن در طول اسارت اشاره می‌نماید. خاطرات کتاب در سیزده فصل تدوین یافته است:

۱. اسارت همیشه از کجا شروع می‌شود؟
۲. موقعیت عراق و اسارتگاه‌های آن،
۳. فرار، واژه‌ای که همیشه با لفظ اسارت به ذهن می‌رسد،
۴. تغذیه و بهداشت در اسارت،
۵. صلیب سرخ بین‌المللی، عملکرد و موضع‌گیری آن،
۶. بررسی روان‌شناختی اسارت، مراحل تکوین،
۷. درگیری با عراقی‌ها،
۸. عوامل موثر در پایداری اسرا،

۹. تهاجم دشمن توسط رسانه‌های گروهی،
۱۰. برنامه‌های تبلیغی اسرا در مناسبت‌ها،
۱۱. پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸،
۱۲. فرهنگ اسارت،
۱۳. فراتر از رویدادهای اسارت .

بررسی هنرهای نمایشی در اسارت



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۶
حروف چین و صفحه آرا: گوهر
تعداد صفحات: ۱۷۸
شماره شابک: -
قطع کتاب: رقعی
نوع کتاب: نمایشنامه

معرفی کتاب

بررسی هنرهای نمایشی در اردوگاه‌های
اسرای ایرانی، کاری گسترده و دشوار

می‌باشد. یکی از مهم‌ترین نمایش‌های هنری، تئاتر است که با ژرف‌نگری و دوراندیشی برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای برای آن انجام دادند و آن را در سطحی گسترده، متناسب با زمان و مکان به اجرا در آوردند. تئاتر در اسارت یک رسانه بود و نقشی فراتر از واژه مصطلح خود ایفا می‌کرد. گاهی نقشی همچون صدا و سیما را داشت و گاهی همچون سینما، بینندگان را مدت‌هایی طولانی به خود جذب می‌کرد. پاره‌ای موارد، رهگشا و در مواردی به درمان افسردگی، کسالت، انزوای طلبی، عصبی بودن و پرخاشگری برخی اسرا می‌پرداخت...

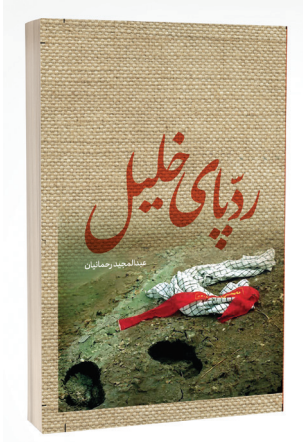
گزیده‌ای از محتوای کتاب

شبی از شب‌های سال ۶۸ در اردوگاه موصل دو، بچه‌های تئاتر یکی از آسایشگاه‌ها تصمیم گرفتند نمایشی را تهیه و اجرا کنند. در این نمایش

قرار بود یک نفر در نقش ژنرال عراقی بازی کند. بالاخره با زحمت‌ها و خطرات زیاد، نمایش آماده اجرا شد. در شب زمستان به علت دید کم نگهبان خودی، عراقی‌ها متوجه برنامه شده و با مخفی شدن در پشت درب آسایشگاه، آهسته در را باز کرده و به داخل هجوم آوردند و با سر و صدای زیادی گفتند: تکان نخورید، چه خبره، مسئول تئاتر کجاست؟ برادری که نقش ژنرال عراقی را بازی می‌کرد وقتی اوضاع را چنین دید، با همان لباس و درجه‌ها، سریع زیر یک پتو مخفی شد و خود را به خواب زد. عراقی‌ها پس از تهدید و توهین به جستجو پرداختند. یکی از سربازان ناگهان پتو را از سر آن بازیگر را کنار زد و برای لحظه‌ای چنان مات و مبهوت شد که بی‌هیچ حرکتی گویا خشکش زده بود. او واقعاً فکر می‌کرد در مقابل یک ژنرال عراقی ایستاده است ...

کتاب‌های غیرموضوع اسارت

ردّپای خلیل



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

حروف نگار: مهسا موقتی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

ویراستار: -

حروف چین و صفحه‌آرا: استودیو یونیکورن

تعداد صفحات: ۶۹۸

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۵۳-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: زندگی‌نامه

معرفی کتاب

ردپای خلیل زندگی سراسر مبارزه سردار شهید خلیل مطهرنیا را حکایت می‌کند. شهید خلیل در روستای علی‌آباد علیا در چند کیلومتری جهرم به دنیا آمد. این کتاب در ۵۴ موضوع روایت شده است.

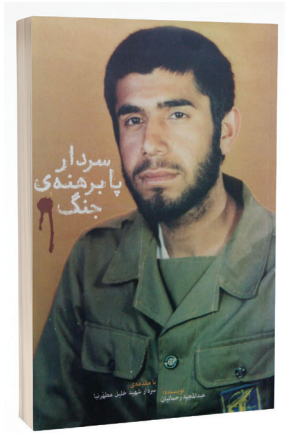
عبدالمجید رحمانیان، نویسنده کتاب، می‌گوید: «من آوازه نام خلیل و پهلوانی‌هایش را زمانی شنیدم که از بازگشت بازگشته بودم. مشتاق شدم تا از او بیشتر بدانم؛ زمانی که صدای راوی روایت فتح سیدمرتضی آوینی را بر متن مستند تهیه‌شده از کربلای ۵ شنیدم که او را خلیل سرباخته کوی عشق خطاب می‌کرد. شیفته‌تر شدم تا «ردپای خلیل» را از خردسالی تا شهادت دنبال کنم و این آغاز تولد این کتاب بود.

پژوهش این کتاب از ابتدای سال ۱۳۷۸ شروع شد و نگارش آن نیز سال‌ها به طول انجامید.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

روزی خلیل با عده‌ای از بچه‌های اطلاعات و تخریب و فرماندهان عملیاتی رفتند برای شناسایی. معمولاً ساعت نه صبح فردایش برمی‌گشتند و ما چشم به راه بودیم. برایشان سفره می‌انداختیم تا صبحانه‌ای بخورند. ساعت ده صبح شد و آنها برنگشتند. نگران شدیم و چاره‌ای جز انتظار نداشتیم. ساعت سه بعدازظهر شاد و خندان همراه بچه‌ها برگشتند. زود به سنگر رفتیم، حداقل یک چای درست کنم تا خستگی از بدنشان بیرون برود. متوجه شدم که خلیل به‌سختی و آرامی پوتین‌هایش را بیرون می‌آورد. جوراب‌ها را که درآورد پاهایش تاول زده و ورم کرده بود. مثل اینکه آب جوش روی پاهایش ریخته بودند. پوستش حسابی سوخته بود. دست و پایش را زیر شیر آب تانکر شست و برگشت به سنگر....

سردار پابرهنگه جنگ



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: -

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۸۸

شماره شابک: ۳-۸۶-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: زندگینامه و خاطرات شهید

معرفی کتاب

این کتاب مستند حاوی دست‌نوشته‌های

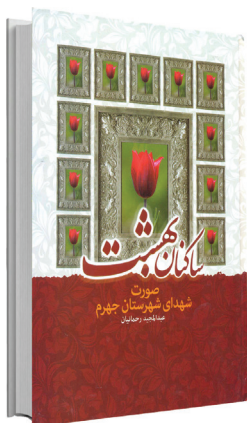
سردار شهید حاج علی‌اکبر رحمانیان، جانشین طرح و عملیات لشکر المهدی و نظرات یارانش است که عبدالمجید رحمانیان آن را به‌نگارش درآورده است. این کتاب در سال ۱۳۸۲ با عنوان تماشای باران در نشر امید آزادگان به چاپ رسیده است.

گزیده‌ای از محتوای کتاب

مدتی است سعی کرده‌ام بیشتر به خط بروم. با خودم می‌گویم شاید این بار نصیبم شود و باز، نه، درست یادم است که جمعه قبل بر من بسیار واضح شده بود که این هفته شهید خواهم شد و خودم را آماده می‌کردم. به خط رفتیم. بسیار خمپاره در کنارمان خورد ولی باز خبری نشد ...

جمعه ۱۳۶۱/۰۷/۰۹ علی‌اکبر

ساکنان بهشت



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: -

حروف چین و صفحه آرا: -

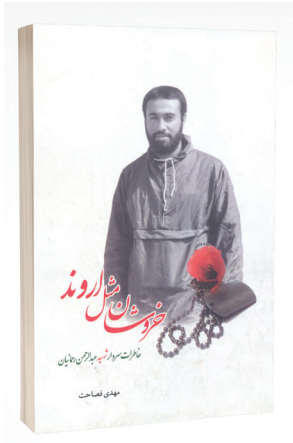
تعداد صفحات: ۲۸۰

شماره شابک: ۹-۸۴-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: تصویری

خروشان مثل اروند



نویسنده: مهدی فصاحت

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: -

حروف چین و صفحه‌آرا: -

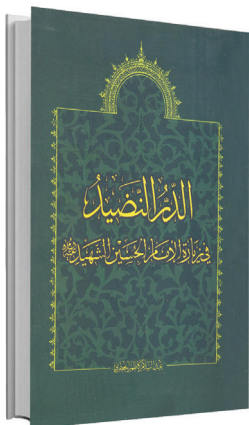
تعداد صفحات: ۹۶

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۸۰-۱

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: خاطره

الدر النضید فی زیاره الامام الحسین الشہید^(ع)



نویسنده: عبدالسلام کاظم جعفری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳

ویراستار: -

حروف چین و صفحه آرا: -

تعداد صفحات: ۱۳۶

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۸۳-۲

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: به زبان عربی با محوریت امام حسین^(ع)

انصار الحسین (ع)



نویسنده: علامه شیخ محمد سماوی

مترجم: مهدی فصاحت

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۰

ویراستار: عبدالمجید رحمانیان

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۳۰۴

شماره شابک: ۰-۶۱-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

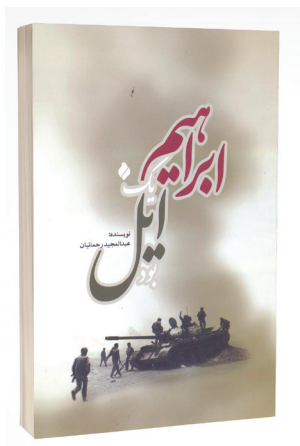
قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: دینی

معرفی کتاب

این کتاب داستان ایثار و شجاعت و اسارت یاران امام حسین (ع) است.

ابراهیم یک ایل بود



نویسنده: عبدالمجید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۰

حروف چین و صفحه آرا: -

تعداد صفحات: ۱۶۰

شماره شابک: ۳-۵۷-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: سرگذشتنامه، خاطرات

دعای عرفه سیدالشهداء

نویسنده: مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۹

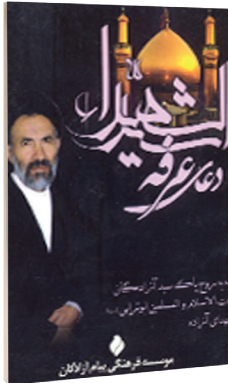
حروف چین و صفحه آرا: -

تعداد صفحات: ۶۴

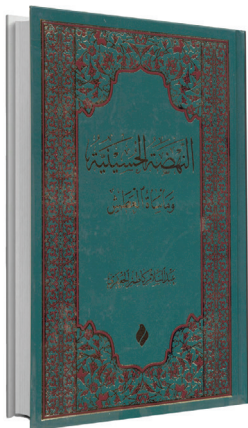
شماره شابک: -

قطع کتاب: جیبی

نوع کتاب: دینی



النهضة الحسينية و مأساة العطش



نویسنده: عبدالسلام کاظم جعفری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۷

حروف چین و صفحه آرا: -

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت پشت جلد: ۴۵۰۰۰ ریال

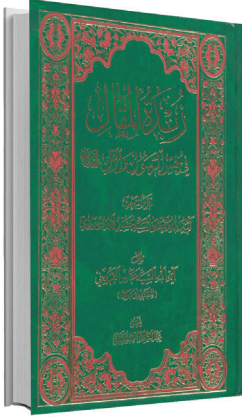
تعداد صفحات: ۲۳۲

شماره شابک: ۹-۴۲-۴۰۱۳-۵۰۱۳-۶۰۰-۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: دینی

زبدة المقال فى خمس الرسول و آلال (صلوات الله عليهم جميعا)



نویسنده: آیت الله السید عباس القزوینی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۷

ویراستار: -

حروف چین و صفحه آرا: -

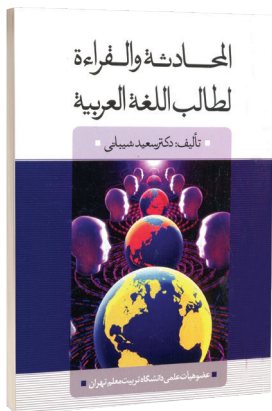
تعداد صفحات: ۲۰۰

شماره شابک: ۰ - ۳۲ - ۵۰۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: دینی

المحادثة و القراءة لطالب اللغة العربية



نویسنده: سعید شبیبانی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۵

ویراستار: سعید شبیبانی

حروف چین و صفحه آرا: لیلا چوبینی

تعداد صفحات: ۳۵۲ صفحه

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۳-۳۴-۴

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: آموزشی

نکته‌های بیوشیمی مارکس

نویسنده: دان مارکس

مترجم: علی مصطفوی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۳

حروف چین و صفحه‌آرا: -

تعداد صفحات: ۳۷۲

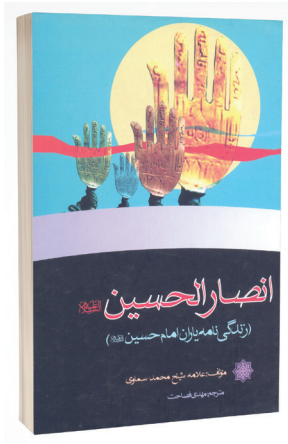
شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۲۵-۸

قطع کتاب: وزیری

نوع کتاب: علمی



انصار الحسین (۴)



نویسنده: علامه شیخ محمد سماوی

مترجم: مهدی فصاحت

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۳

ویراستار: عبدالمجید رحمانیان

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی

تعداد صفحات: ۲۴۰

شماره شابک: ۵ - ۲۱ - ۵۸۱۵ - ۹۶۴

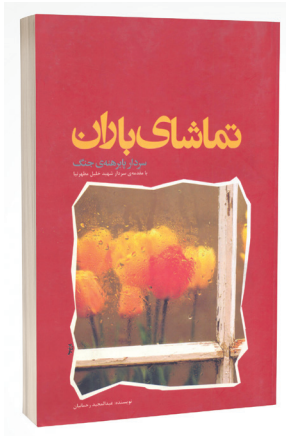
قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: دینی

معرفی کتاب

این کتاب داستان ایثار و شجاعت و اسارت یاران امام حسین (ع) است.

تماشای باران



نویسنده: عبدالحمید رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۲

حروف چین و صفحه‌آرا: مریم مردانی
کوره‌کنانی

تعداد صفحات: ۲۸۸

شماره شابک: ۷-۱۷-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: سرگذشتنامه و خاطرات

شهید علی اکبر رحمانیان

معرفی کتاب

این کتاب در صفحه ۳۲۱ با عنوان سردار پابره‌نۀ جنگ به چاپ رسیده است.

معراج عشق



نویسنده: محمد حسنین رهنمای، یحیی طحان، حسین آزموند، کانون فرهنگی مسجد المهدی موسویه

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۲

حروف چین و صفحه آرا: مریم مردانی
کوزه کنانی

تعداد صفحات: ۱۴۴

شماره شابک: ۵-۱۸-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: سرگذشتنامه و وصایای شهدای موسویه

معرفی کتاب

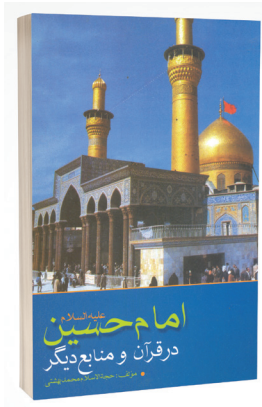
این کتاب زندگی نامه و همچنین وصیت نامه ۳۵ شهید روستای موسویه جهرم است

گزیده‌ای از محتوای کتاب

گرچه ما نسبت به مسئله مرگ با اندکی دقت می توانیم به یقین برسیم و معاد را با همه‌ی خوبی‌های آن درک کنیم، اما این یقین هم داریم که شهادت هم لیاقت و فیضی است از طرف خدا که انسان را به سرعت به عروج ملکوتی می‌رساند ...

(بخشی از وصیت نامه شهید عبدالحق رضایی)

امام حسین (ع) در قرآن و منابع دیگر



نویسنده: حجت الاسلام محمد بهشتی

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۱

حروف چین و صفحه‌آرا: فاطمه توانایی

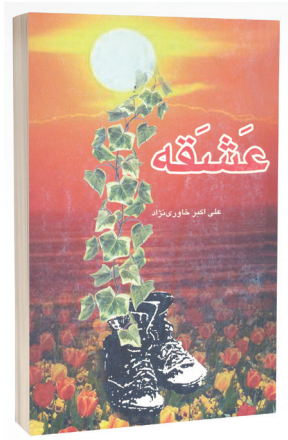
تعداد صفحات: ۲۰۰

شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۱۶-۹

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: دینی

عَشَقَه



نویسنده: علی اکبر خاوری نژاد

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۱

ویراستار ادبی: استاد حسن معمار

ویراستار محتوایی: نشریه سبز سرخ

حروف چین و صفحه آرا: رؤیا فتحعلی،

اصغر نوذری

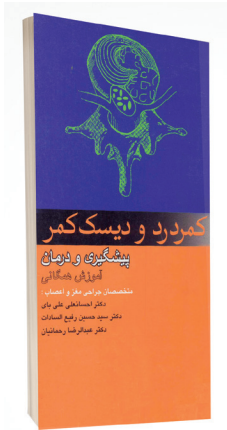
تعداد صفحات: ۱۸۴

شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۱۵-۰

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: زندگینامه شهدا

کمر درد و دیسک کمر



نویسنده: احسانعلی علی بای، دکتر سیدحسین

رفیع السادات، دکتر عبدالرضا رحمانیان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۱

ویراستار: عبدالمجید رحمانیان

حروف چین و صفحه آرا: -

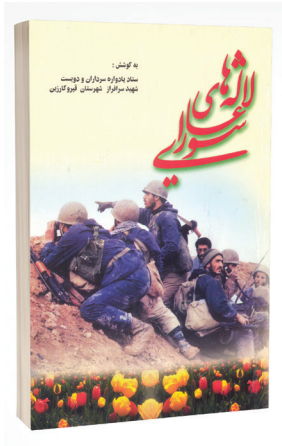
تعداد صفحات: ۴۸

شماره شابک: ۶-۱۲-۵۸۱۵-۹۶۴

قطع کتاب: پالتویی

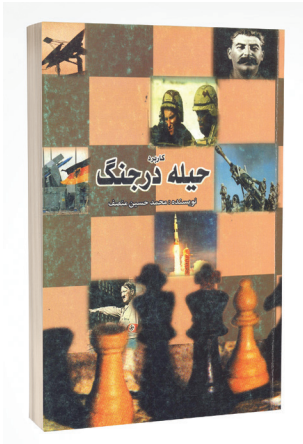
نوع کتاب: علمی

لاله‌های عاشورایی



به کوشش: ستاد یادواره سرداران و ۲۰۰
شهید شهرستان قزوین و کارزین
گردآوری: غلامحسین مرادی با همکاری
شورای نویسندگان
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۸۰
ویراستار: -
حروف چین و صفحه‌آرا: -
تعداد صفحات: ۲۴۰
شماره شابک: ۹۶۴-۵۸۱۵-۰۷-X
قطع کتاب: رقعی
نوع کتاب: سرگذشتنامه

کاربرد حيله در جنگ



نویسنده: محمدحسین منصف

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۷۹

ویراستار: عبدالمجید رحمانیان

حروف چین و صفحه‌آرا: امید آزادگان،

فاطمه توانایی مختاری

تعداد صفحات: ۱۵۰

شماره شابک: ۹۶۴-۱۹۲۰۰۶-۴

قطع کتاب: رقعی

نوع کتاب: پژوهشی

معرفی کتاب

این کتاب را جانباز و آزادهٔ مازندرانی محمدحسین منصف در هفت فصل به‌نگارش درآورده است. همان‌طوری که از عنوان کتاب مشخص است نگارنده در این کتاب به کاربرد انواع حيله پرداخته است از جمله: کاربرد حيله در قرن بیستم، در جنگ‌های جهانی، جنگ ویتنام و نیز جنگ ایران و عراق

محمدحسین منصف سال ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۶ به‌اسارت درآمد و سال‌های اسارت خود را در اردوگاه موصل ۱ جدید سپری کرد.

نمایه

پدیدآور

شورای علمی دانشنامه آزادگان
(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی و مؤسسه فرهنگی هنری پیام
آزادگان ۱۰۷

پدیدآورندگان

اسمعیلی، ندا ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴،
۱۳۵، ۱۵۱، ۱۶۳
خوب‌نژاد، فریبرز ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳،
۱۰۴، ۱۰۷
قلعه‌قوند، فرزانه ۴، ۳۷، ۴۵، ۱۰۰،
۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۴،
۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷،
۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹،
۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱،
۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۹،
۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷،
۱۹۹، ۲۰۵

کتاب‌ها

۶۱ ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۷۵، ۲۱۶، ۳۲۲، ۳۷۶
آبی‌تر از آسمان ۱۶۷
آثار برتر جشنواره آزاده مثل آزاده ۱۷۴
آخرین تیر ۱۶۹
آزادگی در اسارت ۲۸۴
آزاده قهرمان ۳۱۳

آزاده نوجوان ۶۹

آزادی بیان ۹۴

آفتاب در سلول ۲۵

آمده‌ام اما تو نیستی ۳۵

آموزش عربی در اسارت؛ جلد اول:

صرف افعال ۱ ۱۱۳

آموزش عربی در اسارت؛ جلد چهارم:

مکالمه محلی ۱۱۷

آموزش عربی در اسارت؛ جلد دوم:

صرف افعال ۲ ۱۱۵

آموزش عربی در اسارت؛ جلد سوم:

صرف اسماء و نحو ۱۱۶

آن یار آسمانی ۲۸۶، ۳۰۸

آهوی گمشده ۴۹

آوازه‌ای ناتمام ۱۹۳

ابراهیم یک ایل بود ۳۷۷

ابر فیاض ۲۴۳

اردوگاه تکریت؛ جلد ۲ ۲۲۳

اردوگاه رمادی؛ جلد ۱ ۲۲۲

اردوگاه سوم ۲۴۴

اردوگاه موصل؛ جلد ۳ ۲۲۴

ارشد سلطنتی ۸۳

از جماران تا تکریت ۳۲۴

از فیضیه تا الرشید ۱۱۹

اسارت و آزادگان به روایت تصویر I

۳۱۵

اسارت و آزادگان به روایت تصویر II

۳۱۶

- اسیر شماره ۷۸۷۷ ۱۸۷
- اشک پروانه‌ها ۳۱۷
- اطلاعات سری اُسرا ۲۳
- اگر می‌شد به بادبادک‌ها طناب بست ۱۳۳
- الدر النضید فی زیاره الامام الحسین الشهید^(ع) ۳۷۵
- الفبای اسارت ۱۰۵
- المحادثة و القراءة لطالب اللغة العربية ۳۸۱
- النهضة الحسينيه و ماساة العطش ۳۷۹
- امام حسین^(ع) در قرآن و منابع دیگر ۳۸۶
- امتحان سخت ۱۲۶
- انصار الحسین^(ع) ۳۷۶، ۳۸۳
- او سلیمان بود ۱۷۹
- اینجا پرواز؛ آنجا دیوار ... ۱۲۹
- این دیوار چه رنگیه ۲۹
- این فصل را با من بخوان ۳۳
- بازمانده ۲۶۳
- بانوی فریادرس ۳۵۸
- بچه‌های مرد ۱۸۸
- برای پرستوها ۲۷۱
- برای عاطفه ۱۹۵
- برای گل نرگس ۲۴۶
- برجک ۱۷
- بررسی هنرهای نمایشی در اسارت ۳۶۶
- بشنواز نی ۲۴۸
- به آسمان نگاه کن ۳۱
- به سمت پرواز ۱۷۲
- به لطافت باران ۲۴۲
- بوسه بر دست استاد ۹۲
- بوسه بر میله‌های قفس ۲۲۵
- پاداش و کیفر ۲۵۸
- پاک باش و خدمتگزار ۳۵۰
- پنج خطی ۸۱
- پیک رهایی ۲۸۸
- تثاثر در اسارت (خاکریز پنهان ۱۴) ۳۴۲
- تبسم اشک‌ها ۲۵۰
- ترکش‌های زردآلو ۵۱
- تکه‌های کوچک سیب ۷۳
- تماشای باران ۳۷۲، ۳۸۴
- تنفس ممنوع ۱۱۸، ۲۵۲
- تنهایی زیبا ۵۳
- جنگ، اسارت، مذاکره ۹۸
- جنگ، خانواده، اسارت ۱۵۹
- جنگ را ما شروع کردیم ۲۲۶
- جواهری در گونی ۶۷
- چشم تر؛ خاطرات بهجت‌افراز ۲۳۳
- چند وجب جای خالی ۸۹
- چهارده یاد؛ از ۲۷۵۵ روز انتظار ۳۵۵
- حجت اسلام ۲۶۰
- حدیث غربت ۲۴۰
- حقوق اسیران جنگی در حقوق

- رمز مقاومت؛ جلد ۲ ۲۹۶
 رمز مقاومت؛ جلد ۳ ۲۹۸
 رمز مقاومت؛ جلد ۴ ۳۰۰
 رنج غربت داغ حسرت؛ خاطرات
 آزادگان از دوران اسارت ۳۱۰
 رنج و تبسم ۳۰۲
 رنج و گنج ۲۱۴
 رهاورد غربت ۳۳۸
 روزگار آشنا ۱۹۹
 روزگاری اردوگاه (رمادی ۱۳) ۲۱
 روزهای پاییزی ۱۹۰
 زیده المقال فی خمس الرسول و
 آلال(صلوات الله علیهم جميعا) ۳۸۰
 زخم عشق ۲۰۳
 زمان ایستاده بود ۱۲۷
 زمستان می‌گذرد ۵۹
 ساکنان بهشت ۳۷۳
 سایه هلال ۲۷
 سبک عملی زندگی آزادگان در جامعه
 معاصر ۴۲
 ستاره سپهر شیدایی ۳۰۶
 ستارگان بهبهو ۱۵۱
 سرباز کوچک امام(ره) ۱۳۱، ۱۴۷،
 ۲۱۶
 سرباز کوچک امام(ره) (تلخیص) ۱۳۱
 سردار پابرهنگه جنگ ۳۷۲
 سری امشب به خوابم می‌زنی؟! ... ۳۳۶
 سفر به شهر آزادی ۳۲۶
- بین‌المللی بشردوستان ۲۷۳
 حماسه‌های ناگفته ۳۴۰
 حمله گرگ‌ها ۳۸
 خاطرات ترک‌خورده ۳۷
 خاکریز دوازدهم ۱۵۵
 خاکی آسمانی ۴۷
 خبرگزاری دیگ‌پرس ۵۵
 خداحافظ آقای رئیس ۱۵۷
 خرداد که می‌شود ۱۹۷
 خروشان مثل ارونند ۳۷۴
 خستگی‌ناپذیر ۲۲۰، ۲۸۶
 خنده بر زنجیر ۲۵۴
 داستان ناتمام ۳۱۸
 دانستنی‌های آزادگان ۲۷۷
 دانشنامه آزادگان ۱۰۷
 دخترکی لبه پنجره ۵۷
 در زندان دژخیم ۲۸۲
 درهای همیشه باز ۳۳۷
 دعای عرفه سیدالشهداء ۳۷۸
 دوازدهمین اردوگاه ۲۳۸
 دور از چشم صلیب ۱۲۴
 دیار غربت ۲۶۱
 راز ماندن ۲۳۵
 راه خدمت ۱۷۷
 رؤیای صادقه ۳۰۴
 رحمانیان، عبدالرضا ۳۸۸
 ردپای خلیل ۳۷۰
 رمز مقاومت؛ جلد ۱ ۲۹۴

- سفری کوتاه به اردوگاه‌های موصل ۷۷
 سفیران در بند ۳۵۲
 سه هزار روز در اسارت ۲۹۲
 سید کمال ۲۶۹
 سیره ابوترابی ۱ ۲۱۸
 سیره ابوترابی ۲ ۲۱۹
 شبی با صدای زنجره ۲۷۶
 شرح قصص ۲۱۲
 شکوفه‌های صبر ۲۷۸
 شهدای غریب ۳۳۱
 شهردار اردوگاه ۲۸۰
 صارم ۱۶۳
 صدای شکستن استخوان ۱۰۹
 عابران مسیر عشق ۳۶۰
 عارف شیدا ۳۴۵
 عبور از شیشه‌های شکسته ۶۱
 عَشَقَه ۳۸۷
 عکس دسته‌جمعی ۸۷
 علمدار ۱۴۵، ۳۵۴
 علی فرعون، تکاور کُرد ۱۶۵
 عمو علاءالدین ۶۳، ۶۵
 عنبر ۳۲۲
 غبار عطش ۳۶۳
 غربت باران ۱۸۳
 غروب هشتم اسفند ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۴،
 ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۷،
 ۷۱، ۶۹
 فرزند مُنْگَشت ۱۹
 فرشته‌های زمینی ۲۷۵
 فریاد از بیداد ۳۶۴
 قصه شعله‌نوشان ۳۶۱
 قصه نماز آزادگان ۳۱۱
 قصه یوسف‌تباران ۳۵۷
 کاربرد حيله در جنگ ۳۹۰
 کتابشناسی سید آزادگان حجت‌الاسلام
 حاج سید علی‌اکبر ابوترابی ۴۵
 کشکول در بند ۱۹۱
 کلاه‌قرمزی‌ها ۱۴۱
 کمپ ۹ ۲۱۴، ۲۲۵، ۲۳۸، ۳۳۳
 کمردرد و دیسک کمر ۳۸۸
 کُنارهای جنوب ۶۵
 کهکشان بی‌نشان ۴۰
 گل کاشتی عباس ۸۵
 لاله‌های عاشورایی ۳۸۹
 لبخند در غربت ۲۶۵
 لبخند گمشده ۱۳۹
 مادر... ۱۵۳
 مادر با سرفه‌هایش ۳۴۴
 ما هشت نفر ۲۵۶
 مثل صفحه شطرنج ۷۵
 مثل عیدیدنی ۷۹
 مجموعه بانوی انتظار ۱۸۱
 مجموعه چهارجلدی ستاره‌های دنباله‌دار:
 لک‌لک‌های مهاجر؛ جلد ۱ ۲۰۷
 مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: خانه‌ای
 برای همیشه؛ جلد ۴ ۲۱۱

- مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: دوست جیبی؛ جلد ۲۰۹
مجموعه ستاره‌های دنباله‌دار: سنگریزه آبی؛ جلد ۳۲۱
مردان قبیله غیرت ۳۴۶
مردی که پروانه شد ۱۸۵
معراج عشق ۳۸۵
مقوله‌های پژوهشی ۱۴۳
مگه کربلا رفتن زوریه؟ ۱۱۱
ممد یزدی ۱۲۳
من، داود، علی ۱۳۷
منشور پاکی و خدمتگزاری ۲۳۰، ۳۲۸، ۳۳۰
منشور پاکی و خدمتگزاری؛ جلد ۱ ۳۲۸
منشور پاکی و خدمتگزاری؛ جلد ۲ ۳۳۰
منظومه قافله زیبایی ۴۴
من علیرضا متولد اُپاتان ۱۷۰
من همان عبدالله هستم ۲۰۵
من و مجنون ۱۵، ۱۶
مهاجران ملکوت ۳۰۸
مهر نگاه اولیاء ۳۰۹، ۳۴۸
مهمانی از آسمان ۳۱۴
نامه‌ای به عروسکم ۳۵۹
نسیمی از بهشت ۲۲۸، ۳۴۱
نغمه‌های کبود ۹۱
نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی و مسئولیت بین‌المللی دولت عراق ۲۶۷
نکته‌های بیوشیمی مارکس ۳۸۲
- نگاره نگاشت؛ جلد ۱ ۱۰۰
نگاره نگاشت؛ جلد ۲ ۱۰۲
نگاره نگاشت؛ جلد ۴ ۱۰۴
نگاره نگاشت؛ جلد سوم ۱۰۳
نماز غریبانه ۲۳۷
هزار شب و یک شب ۲۳۱
هفت‌خوان ۱۲۱
هفده سالگی‌ام ۲۰۱
واگویه‌های سید ۱۲۶، ۱۶۱
... و دوباره خورشید ۱۳۵
وصف خورشید ۳۲۰
یک بعلاوه پنج ۱۴۹
یک‌سه‌هزارم ۹۶
یک سینه سخن ۱۳۰
یوسف تباران ۳۳۴
- نویسنده
آزمند، حسین ۳۸۵
آهنگران، مهدی ۱۵۹
ابراهیم، اعتصام ۱۷۲
ابوترابی، سید محمدحسین ۴۰
ارشادی‌مقدم، عادل ۱۹۹
اسکافی، محمدجواد ۱۵۱
اسکندری، کوروش ۱۸۳، ۳۵۵
افراز، بهجت ۱۷۷
اکبرنیا، عبدالحمید ۲۵۰
القزوینی، آیت‌الله السید عباس ۳۸۰
امیرعلی اکبری، سیدابوالقاسم ۳۲۴

- باقری، آیدین ۱۵۹
 بدرالدین، یوسف ۱۲۳
 بصری، سید محمدعلی ۵۹
 بهشتی پور، حسن ۱۵۹
 بهشتی، حجت الاسلام محمد ۳۸۶
 بیات، مریم ۲۱۲، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۳
 ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۳
 پرتو، فتح اله ۹۸
 پرمهر، فتح الله ۲۱
 پرنادآور، ایوب ۳۶۳
 پورمهر، سحر ۳۵
 پورولی کلشتری، مجید ۱۸۵
 تاج فر، عبدالله ۲۰۵
 تاجیک شیر، حسن ۱۰۹
 توکلی، جلال ۱۴۹
 جعفری، قاسم ۱۳۰، ۳۰۶
 چنگیز بابایی (هتکه لویی) ۳۷
 چینی پرداز، محمدحسین ۱۷۵
 حاتمی، فاطمه زهرا ۱۹۵
 حاجی عباس اوغلی، حسن ۸۹
 حبیب پور، سیدحبیب ۳۰۴
 حشمتیان، فرشته ۱۴۳
 حکیمی مزرع نو، اصغر ۲۹
 حمزه ای، محمد مراد ۲۸۴
 حمزه، محمود ۲۴۶
 حمیدی کندول، احد ۱۸۷
 خاجی، علی ۲۱۲
 خاوری نژاد، علی اکبر ۳۸۷
 خرمی پور، مسعود ۲۵۶، ۲۵۷
 داعی، علی ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۳، ۳۲۰
 داودی، مهدیه ۲۶۹
 دهنمکی، مسعود ۳۱۵، ۳۱۶
 دوست کامی، فاطمه ۱۳۱، ۱۴۷، ۲۱۶، ۲۳۳
 رجایی، غلامعلی ۲۱۸، ۲۱۹
 رحمانیان، عبدالمجید ۱۵۳، ۲۳۰، ۲۵۲، ۲۸۶، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۹۰
 رحمانیان، عبدالمجید ۱۱۸، ۲۲۰، ۳۰۸، ۳۴۰، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰
 رحیمی، میثم ۷۳
 رضا خوب نژاد ۵۵
 رفیع السادات، سیدحسین ۳۸۸
 رهنمای، محمدحسین ۳۸۵
 زاغیان، اصغر ۲۳۸، ۲۷۸
 زهرایی، سید جمال الدین ۶۳، ۶۵
 زهرایی، سید جمال الدین ۱۰۵
 سالمی نژاد، عبدالرضا ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۲
 سرمستانی، جمشید ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۴۷، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۱
 سعیدی راد، عبدالرحیم ۲۹۰
 سلطانی، حمیده ۵۱

- سلیمان زاده، محمد ۲۴۰
 سلیمی جهرمی، مریم ۲۷
 سماوی، علامه شیخ محمد ۳۸۳، ۳۷۶
 سنگری، محمدرضا ۱۷۴، ۱۴۳
 شادمانی، مهدیه ۱۸۱
 شعاعی، محمد ۴۴
 شقاقی، محمد ۱۷۹
 شکوه مقاومت ۲۷۹
 شهریار، عباس ۱۳۷
 شیبانی، سعید ۳۸۱
 صارمی، ناصر ۱۹۷، ۲۲۶
 طحان، حسین ۲۳۵
 طحان، یحیی ۳۸۵
 عباسپور، محمود ۳۱
 عباس نژاد، امیر محمد ۳۸، ۱۷۰
 عبدالحسینی، سهیلا ۱۵۷
 عبدالحی، سرفراز ۲۰۳، ۳۳۳
 عبدالملکی، صفر ۷۵، ۱۴۵، ۱۶۹، ۲۲۸، ۳۱۸، ۳۴۱، ۳۵۴
 عبدلی، فهیمه ۵۳
 عطاریان، سعید ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۸
 عطایی، سیامک ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۶۴
 عظیم پور، عظیم ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷
 علی بای، احسانعلی ۳۸۸
 علیدوست، علی ۲۵، ۱۵۷
 علیدوست قزوینی، علی ۲۴۳
 علیرضا، حیدری نسب ۱۵۵
 علی عسگری، زهره ۴۹، ۱۳۳، ۱۴۱، ۲۶۱
 عیسی مراد، ابوالقاسم ۴۲، ۴۳، ۱۴۳، ۳۵۲
 فردوسی، مهرداد ۶۷
 فصاحت، مهدی ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۳
 فلاحتی، عباس ۱۹۱، ۲۶۳، ۲۷۹
 قادری، حسینعلی ۳۳
 قاسمی، حمید ۹۴
 قربانی، مسعود ۶۹، ۱۲۴
 قشمی، سیداحمد ۱۲۶، ۱۶۱
 قلعه قوند، فرزانه ۴، ۳۷، ۴۵، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۸۵، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۵
 کاشانی زاده، پروین ۱۷۰
 کاظم جعفری، عبدالسلام ۳۷۵، ۳۷۹
 کانون فرهنگی مسجد المهدی
 موسویه ۳۸۵
 کرمی، حسین ۹۶، ۲۴۴
 کریمی، بیژن ۲۳۱
 کشانی آرانی، حسن ۸۷
 کوهمال جهرمی، عبدالرضا ۳۳۶
 کیانی، بیژن ۱۹، ۱۳۵، ۱۴۳، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰

- نوبرانی، امیر ۲۱۴
 نورالهی، نورالدین ۱۶۳
 نوری، حسن ۶۵، ۱۶۵، ۱۹۱، ۲۹۲
 همتی، محمدعلی ۱۱۱
 ولی‌پورزرومی، سیدحسین ۱۱۹
 یحیایی، مصعب ۱۵، ۱۶
 یزدانی (اشک)، کرامت ۲۲۵
 یزدانی (آشک)، کرامت ۸۳
 یوسف‌زاده، احمد ۲۰۱
- ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۴
 ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۲۰
 کیانی، بیژن ۲۴۲، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۷۶،
 ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۷
 گرامی، اسداله ۱۳۹
 گلمرادی، شیرینعلی ۱۲۹
 مارکس، دان ۳۸۲
 مازندرانی، عبدالکریم ۷۹، ۸۱
 مؤسسه تنظیم و نشر آثار
 امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر
 عروج ۳۱۰
 مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان ۴۵،
 ۱۴۳، ۱۷۴، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۷۸
 ماهوتی، مهری ۱۸۸، ۱۹۰
 ماهی، مریم ۵۷
 مبهوتی، احمد ۲۶۱
 محرر، جمال ۳۵۹
 محمودزاده، نصرت‌الله ۴۷
 محمودی‌مظفر، علیرضا ۱۷
 معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی پیام
 آزادگان ۴۵، ۱۷۴
 معمار، کتابون ۱۹۳
 منصف، محمدحسین ۳۹۰
 میرسید، سیدحسن ۶۱
 نادریان، موژان ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱
 ناصری، مسلم ۲۶۵، ۲۷۵، ۲۷۶
 نبوی، سیدرضی ۲۳
 نجار، سعید ۱۴۳